تفسیر قرآن مهر

نگارش: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

ویژه جوانان



جلد ۳

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر قرآن مهر جلد سوم

مشخصات کتاب

@سرشناسه : رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱@ – عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی‌اصفهانی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی@. مشخصات نشر : قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳@– مشخصات ظاهری : ج@. شابک : ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۳۹۷۸-۹۶۴-۲۵۳۴-۲۳-۴@ : یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم ۱۳۸۸. @یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : The mehr commentary on the holy Quran@. یادداشت : ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴ ، ۱۷ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷@). یادداشت : عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان@. یادداشت : کتابنامه. @مندرجات : ج.۳ .سوره آل عمران@. عنوان روی جلد : تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان@. موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ @رده بندی کنگره : BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ی@ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹@ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری‌ها

یادآوری‌ها: تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیةاللّه معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق‌کنندگان وحامیان: حججاسلام قمی، دکترکلانتری، دکترعلی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل‌بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۶ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیةاللّه معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۷ بسم اللّه الرحمن الرحیم وصلی اللّه علی محمد و آله الطاهرین «۱» وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲» ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند.

درآمد

درآمد: قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۸ قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۱» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۲» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۳» نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۹ این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجهٔ ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن‌پژوه و مفسر سترگ حضرت آیهٔ اللَّه محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظرعلمی این اثر بودند و مرحوم استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلای محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۰ محمدرضا احمدی و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن‌پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصراللَّه سلیمانی، نعمت اللَّه صباغی و جواد و اکبر رحمتی و محمد رضایی و اکبر جعفری سپاس‌گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد للَّه‌رب العالمین قم- ۳۰/ ۵/ ۱۳۸۶ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۱

تفسیر سوره‌ی آل‌عمران

سیمای سوره‌ی آل‌عمران

نزول

سیمای سوره‌ی آل‌عمران بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز نزول: سوره‌ی آل عمران در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمد. این سوره، در ترتیب نزول، هشتاد و هشتمین سوره و در ترتیب فعلی قرآن، سومین سوره است.

از آن‌جا که این سوره بعد از سوره‌ی انفال و قضایای جنگ «بدر» و «احد» و «حَمراء الاسد» و قبل از سوره‌ی احزاب (و جنگ احزاب که در سال پنجم اتفاق افتاد «۱») فرود آمده، می‌توان گفت که این سوره حدود سال چهارم هجری نازل شده است.

شمارگان

شمارگان: سوره‌ی آل‌عمران دارای ۲۰۰ آیه و ۳۴۸۰ کلمه و ۱۴۵۲۵ حرف است.

نام‌ها

نام‌ها: چون داستان خانواده‌ی عمران، پدر حضرت مریم علیها السلام، در آیه‌ی ۳۲ به بعد این سوره آمده است، این سوره را آل‌عمران نامیدند. نام دیگر این سوره «طیّبه» است.

فضایل

فضایل: در مورد فضیلت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس سوره‌ی آل عمران را تلاوت کند، در برابر هر آیه امانی از جهنّم (به او) می‌دهند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۴ تذکر: ثواب و پاداش‌هایی که برای سوره‌های قرآن گفته شده است به صورت مقتضی است؛ یعنی به شرط عمل به محتوای سوره تحقق می‌یابد.

ویژگی‌ها

ویژگی‌ها: در این سوره‌ی طولانی احکام شریعت نیامده، یا بسیار کم است که به صورت ضمنی قابل استفاده است. آیات ۱۹۰ و ۱۹۴ سوره‌ی آل عمران از آیات مهم قرآن کریم است. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: وای بر کسی که این آیات را بخواند و در آنها تفکر نکند. «۱» این آیات همگان را به تفکر در آفرینش آسمان‌ها و زمین و یاد خدا در همه حال دعوت می‌کند.

اهداف

اهداف: ۱. بیان حقیقت درباره‌ی جهان بزرگ؛ ۲. بیان عوامل انحراف مردم از معرفت حق و عمل به آن؛ ۳. بیان گویایی از زندگی مریم علیها السلام و تولد عیسی علیه السلام و برخی پیامبران دیگر؛ ۴. مبارزه‌ی منطقی با یهودیان، مسیحیان و مشرکان؛ ۵. بیان آموزه‌های تربیتی پیروزی و شکست در جنگ بدر و احد.

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. مباحث ایمان و اسلام؛ ۲. مبارزه‌ی منطقی با یهودیان، مسیحیان و مشرکان و نفی عقاید باطل آنها؛ ۳. معنای دین و مسأله‌ی وحدت دین الهی (در آیات ۱۹ و ۸۵)؛ ۴. ردّ الوهیت عیسی علیه السلام و بیان معجزات او (در آیات ۴۹- ۵۹)؛ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۵ ۵. آیات محکم و متشابه و تأویل قرآن کریم (در آیه‌ی ۷). ب) داستان‌ها: ۱. سرگذشت حضرت زکریا و همسر عمران و حضرت مریم و عیسی علیهما السلام (آیات ۳۵- ۶۲). ۲. مروری بر جنگ بدر و پیروزی مسلمانان (در آیه‌ی ۱۲۳)؛ ۳. گزارشی مفصل از جنگ احد (در آیات ۱۲۱ به بعد)؛ ۴. داستان مباهله‌ی مسیحیان نجران با پیامبر صلی الله علیه و آله و اشاره‌ای به جایگاه ویژه‌ی اهل‌بیت علیهم السلام (در آیه‌ی ۶۰). ج) مسائل فرعی: ۱. دعوت مسلمانان به مقاومت در برابر

دشمنان؛ ۲. مردم‌شناسـی و نـوع زنـدگی مردم در فراز و نشیب‌ها؛ ۳. بیان مقام شـهید و فضـیلت شـهیدان راه خـدا (در آیات ۱۶۹- ۱۷۱)؛ ۴. بیـان علل غفلت مردم از حق (در آیات ۱۴ و ۱۵)؛ ۵. بر حذر داشـتن مؤمنان از دوستی با کافران (در آیه‌ی ۲۸)؛ ۶. مغرور نشدن به خاطر نعمت‌ها و پیروزی‌های دنیوی. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۶

محتوای سوره آل‌عمران

خداشناسی و قرآن شناسی

خداشناسـی و قرآن شناسی قرآن کریم در آیات اول و دوم سوره‌ی آل‌عمران به حروف مقطعه و برخی صفات خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱ و ۲. الم* اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الحَیُّ الْقَیُّومُ الف، لام، میم* خـداست که هیـچ معبودی جز او نیست زنـده، برپا و برپا دارنده است. شأن نزول: داسـتان نزول حـدود هشـتاد آیه‌ی اول این سـوره این‌گونه حکـایت شـده که شـصت نفر از فرسـتادگان مسیحیان نجران، «۱» به منظور تحقیق در مورد اسلام، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند. آنان عصر هنگام با لباس‌های فاخر وارد مسجد مدینه شدند و با نواختن ناقوس به عبادت پرداختند. گروهی از اصـحاب پیامبر صـلی الله علیه و آله خواستند مانع آنان شوند، ولی پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمودند: با آنها کاری نداشـته باشید! آنان بعد از عبادت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و با او سـخن گفتند. پیامبر صـلی الله علیه و آله به آنان پیشـنهاد کردند که در پیشگاه خدا تسلیم شوند و مسلمان گردند. یکی از آنان گفت: ما پیش از تو اسلام آورده و تسلیم خدا شده‌ایم. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: شما چگونه بر آیین حق هستید حال آن که اعمالتان نشان می‌دهـد که تسـلیم خدا نیستید؛ چه این‌که عیسـی علیه السـلام را پسـر خدا می‌دانید و گوشت خوک می‌خورید! و در ادامه در مورد حضرت عیسی علیه السلام بحث فراوان کردند و در نهایت خاموش شدند. در این هنگام آیات مزبور فرو فرستاده شد و برنامه‌های اسـلام را توضیح داد. «۲» تفسـیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در باره‌ی جمله‌ی مبارک «بسم اللّه الرحمن الرحیم»، در ابتـدای سوره‌ی حمـد، و در مورد حروف مقطعه در ذیـل آیه‌ی اوّل سوره‌ی بقره مطـالبی بیان داشتیم. مضـمون آیه‌ی دوم این سـوره نیز در آیه‌ی ۲۵۴ سوره‌ی بقره آمـده بود که در آن‌جا مطالبی را بیان کردیم. ۲. تکرار برخی آیات و جملات در قرآن، نشـان دهنـده‌ی اهمیت آن مطلب و تأکیـد بر آن است؛ و از آن‌جا که هـدف قرآن هـدایت و تربیت است، گاهی تکرار و تأکیـد لازم و مفید است. *** قرآن کریم در آیات سوّم و چهارم سوره‌ی آل عمران به نزول قرآن، تورات و انجیل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳ و ۴. نَزَّلَ عَلَیْکَ الْکِتَبَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِّمَا بَیْنَ یَدَیْهِ و أَنزَلَ التَّورةَ وَ الإِنجِیلَ* مِن قَبْلُ هُدیً لِّلنَّاسِ وَ أَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُواْ بَئَایتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ وَ اللَّهُ عَزِیزٌ ذُو انتِقَام [خدا] بر تو [این] کتاب را به حق فرو فرسـتاد، در حالی که مؤید آنچه از [کتاب‌های الهی است که] پیش از آن بود. و تورات و انجیل را* پیش از آن، برای راهنمایی مردم، فرو فرسـتاد و جدا کننده [حق از باطل] را فرو فرستاد. به راستی کسانی که به آیات خدا کفر ورزیدند، برایشان عذابی شدید است و خدا شکست ناپذیری صاحب انتقـام است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «حَق» در اصـل به معنـای «مطـابقت و هماهنگی» است؛ از این رو به آنچه با واقعیت موجود تطبیق می‌کنـد، حق گفته می‌شود؛ بنـابراین «نَزَّلَ عَلَیْکَ الْکِتَبَ بِالْحَقِّ» یعنی: (ای پیامبر!) قرآن را که همراه نشانه‌های واقعیت تفسـیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۸ است، بر تو فرو فرستاد. «۱» ۲. «تورات» واژه‌ای عبری و به معنای «شریعت و قانون» است؛ سپس کتابی که از جانب خـدا بر موسـی علیه السـلام نازل گردید، تورات نامیده شد. تورات دارای پنج بخش: سِفْر پیدایش، سِفر خروج، سـفر لاویان، سِفر اعداد و سِفر تثنیه است. از شرح وفات و دفن موسی علیه السلام در تورات «۲» معلوم می‌گردد که مطالب تورات پس از حضـرت موسـی علیه السـلام جمع‌آوری شـده است. تورات و کتاب‌هـای دیگر عهـد عـتیق بـا خرافـات فراوان و نسبت‌های نـاروا به پیامبران همراه است. این مطلب گواه دیگری بر تحریف این کتاب‌هاست. «۳» ۳. «انجیل» واژه‌ای یونانی و به معنای «مژده»، «بشارت»

یا «آمرزش جدید» و نام کتابی است که بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شده است. قرآن انجیل را همیشه به صورت مفرد به کار برده است، ولی امروز در میان مسیحیان انجیل‌های متعددی وجود دارد که مشهورترین آنها چهارتاست که عبارت‌اند از: الف) انجیل «مَتی» که به نام یکی از حواریون دوازده‌گانه‌ی حضرت عیسی علیه السلام است، در سال ۳۸ و یا بین سال‌های ۵۰ تا ۶۰ میلادی نگارش یافته است. ب) انجیل «مَرْقُس»؛ مرقس از حواریون حضرت عیسی علیه السلام نبود ولی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۹ انجیل خود را زیر نظر برخی حواریون نوشت. او در سال ۶۸ میلادی کشته شد. ج) انجیل «لُوقا» که در حدود سال ۶۳ میلادی نوشته شد. د) انجیل «یُوحَنّا» که در اواخر قرن اوّل نوشته شد. یوحنا از شاگردان مسیح علیه السلام بود. «۱» از محتویات این انجیل‌ها که عموماً داستان زندگی حضرت مسیح تا به دار آویختن وی و حوادث بعد از آن را شرح می‌دهند، به‌خوبی ثابت می‌شود که همه‌ی این انجیل‌ها، سال‌ها بعد از مسیح علیه السلام نگارش یافته و هیچ‌کدام کتاب آسمانی نازل شده بر حضرت عیسی علیه السلام نیستند. انجیل‌های امروز پیام‌ها و پندهایی هستند که شاگردان حضرت عیسی علیه السلام پس از وی گردآوری کرده‌اند؛ البته همراه با برخی از گفت و شنودهای خودشان که تنها قسمت‌هایی از گفتارهای حضرت مسیح علیه السلام در آنها آمده است. ۴. واژه‌ی «فرقان» در لغت به معنای وسیله‌ی «جداسازی حق از باطل» است و به همین مناسبت به قرآن، فرقان گویند. به معجزات دهگانه‌ی موسی علیه السلام و گاهی به عقل و روشن‌بینی نیز فرقان گفته می‌شود. از برخی روایات اسلامی استفاده می‌شود که قرآن، نام مجموعه‌ی کتاب آسمانی مسلمانان است، امّا فرقان نام آیاتی از آن است که دستورات عملی و برنامه‌های فردی و اجتماعی در آنها ذکر شده است. «۲» ۵. یکی از جلوه‌های فرقان و جدا کنندگی حق از باطل توسط قرآن، این است که قرآن معیار سنجش عقاید و افکار است و حتی روایات نیز به وسیله‌ی موافقت و مخالفت با قرآن سنجیده می‌شوند. ۶. واژه‌ی «انتقام» در اصل به معنای کیفر دادن گناهکار است و مسلم است که مجازات گناهکاران گردن‌کش و ستمگر، کاری پسندیده و موافق عدالت و حکمت، و سرچشمه‌اش عمل گناهکار است. امّا در اصطلاح فارسی امروزی، واژه‌ی «انتقام» بیش‌تر در مواردی به کار می‌رود که شخص در برابر خلافکاری یا اشتباه دیگران دست به عمل متقابل تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۰ بزند و مصلحت عفو و گذشت را در نظر نگیرد. مسلماً این صفت همیشه پسندیده نیست و در بسیاری از موارد عفو مقدم بر مقابله‌ی به مثل است. البته معنای اوّل انتقام در این‌جا صحیح است و معنای دوم مناسب ساحت پروردگار نیست. ۷. کتاب‌های آسمانی هم‌دیگر را تأیید می‌کنند؛ چون هدف همگی هدایت به سوی خداست. آنها مثل برنامه‌های درسی مقاطع تحصیلی هستند که هر کدام در مقطع بعدی کامل می‌شود. «۱» ۸. منکران و مخالفان آیات الهی سزاوار عذاب شدیدی هستند؛ زیرا پیامبران با معجزات الهی، آیات و نشانه‌ها را برای مردم آوردند و اتمام حجّت کردند و مخالفت با آنان انگیزه‌ای جز لجاجت و سرکشی ندارد و به حکم عقل و وجدان، منکران و کافران سزاوار کیفرند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. محتوای کتاب‌های آسمانی هماهنگ است (و همه‌ی آنها یک هدف توحیدی را در مراحل مختلف پی‌گیری می‌کنند). ۲. زیرساخت قرآن حقّ است. ۳. هدایتگری و جداسازی حق و باطل از اهداف کتاب‌های آسمانی است. ۴. با آیات الهی مخالفت نورزید که عذاب‌آور است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۱ قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی آل عمران به علم بی‌کران خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵. إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَآءِ در حقیقت خدا هیچ چیز، در زمین و در آسمان بر او مخفی نمی‌ماند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. علم بر دو گونه است: علم حصولی که صورت چیزی در ذهن حاضر می‌شود، مثل علوم معمولی که در کتاب‌ها می‌خوانیم؛ و علم حضوری که خود چیز در نزد عالِم حاضر می‌شود، مثل علم انسان به وجود خودش. «۱» علم خدا از قسم علم حضوری است؛ زیرا از طرفی خود چیزها در محضر خدا حضور بالفعل دارند، نه صورت آنها؛ «۲» و از طرف دیگر، خدا با وجود بی‌پایان و نامحدودش در همه جا حاضر و ناظر است و جایی از او خالی نیست و حضور او در همه جا، مستلزم علم به همه چیز، در همه جاست؛ و همین مطلب دلیل بر وسعت علم پروردگار است. به از ما سخن‌گوی دانا یکی است که بالاتر از علم او علم نیست بر او علم یک ذرّه پوشیده نیست که پیدا و پنهان

به نزدش یکی است (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا را با علم بی کران بشناسید. ۲. جهان تحت نظر خداست (پس مراقب کردار خود باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۲ قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی آل عمران به یکی از شاهکارهای آفرینش، یعنی صورتگری انسان در شکم مادر، اشاره می کند و می‌فرماید: ۶. هُوَ الَّذِی یُصَوِّرُکُمْ فِی الأَرْحَامِ کَیْفَ یَشَآءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ او کسی است که شما را در رحم‌ها آنچنان که می‌خواهد صورت گری می کند، هیچ معبودی جز آن شکست‌ناپذیر فرزانه نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. امروزه عظمت مفهوم آیه‌ی فوق، با توجه به پیشرفت‌های رویان‌شناسی، از هر زمان دیگر آشکارتر است. «جنین» در آغاز یک موجود تک سلولی است و شکل و اندام خاصی ندارد و کم کم رشد می کند و به صورت توده‌ی سلولی درمی‌آید؛ سپس به چند ناحیه تقسیم می‌شود. و صورتگری جنین آغاز می گردد و به تناسب کارهایی که اجزا در آینده باید انجام دهند، تغییراتی در آن صورت می گیرد. هر گروه سلولی یکی از دستگاه‌های بدن، مانند دستگاه عصبی، گردش خون و گوارش را می‌سازند. پس از این مراحل، جنین به صورت انسانی موزون صورتگری می‌شود. «۱» ۲. صورتگری انسان در شکم مادر به ما انسان‌ها می‌آموزد که: الف) صورت گری‌های گوناگون در رحم مادر نشانه‌ی قدرت و حکمت خداست. چرا حق نمی‌بینی ای حق‌پرست که بازو به گردش درآورد و دست ب) اگر صورت گری انسان به دست خداست و همه‌ی صورت‌ها ساخته‌ی اوست، پس کسی را به خاطر شکل ظاهری سرزنش نکنیم. ج) عوامل وراثتی، بهداشتی، غذایی و روانی در صورت‌بندی جنین اثر تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۳ دارد، امّا این عوامل از سنت‌های الهی است که در مدار قدرت و حکمت او عمل می کند. د) خداوند قادر است و هر گونه بخواهد صورت بندی می کند، امّا کاری بر خلاف حکمت نمی کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نقاش هستی انسان خداست. ۲. صورتگری خدا حکمت آمیز است. ۳. با مطالعات رویان‌شناسی خداشناس تر شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی آل عمران به نظام معناشناسی قرآن و منطق روشمند آن اشاره می کند و می‌فرماید: ۷. هُوَ الَّذِی أَنزَلَ عَلَیْکَ الْکِتَبَ مِنْهُ ءَایتٌ مُّحْکَمَتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتَبِ وَ أُخَرُ مُتَشَبِهتٌ فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَآءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَآءَ تَأْوِیلِهِ وَ مَا یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِ کُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا وَ مَا یَذَّکَّرُ إِلَّا أُوْلُواْ الْأَلْبَبِ او کسی است که بر تو، [این] کتاب را فرو فرستاد؛ که قسمتی از آن آیات «محکم» است، که آنها اساس این کتابند. و قسمتی دیگر متشابهاتند. و امّا کسانی که در دل‌هایشان کژی است پس برای فتنه جویی و طلب باز گرداندنش (به دلخواه خود) به دنبال متشابهات آن می‌روند. و حال‌باز گشتگاه (مقاصد) ش را جز خدا و استواران در دانش نمی‌دانند. (آنان که) می گویند: «به آن [قرآن] ایمان آوردیم، همه (آیات محکم و متشابه) از جانب پروردگار ماست،» و جز خردمندان یاد آور نمی‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۴ شأن نزول: داستان نزول این آیه به دو صورت حکایت شده است: نخست این که برخی از یهودیان با استفاده از حساب ابجَد و حروف مقطعه‌ی «الم» خبر می‌دادند که دوران بقای امّت اسلام هفتاد و یک سال است و پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان اعتراض کردند و آیه‌ی فوق نازل شد. «۱» دوّم آن که برخی مسیحیان با دست‌آویز قراردادن برخی از تعبیرات قرآن (مثل کلمهٔ اللّه) در مورد حضرت مسیح علیه السلام، می‌خواستند برای مسأله‌ی تثلیث و خدا بودن عیسی علیه السلام سوء استفاده کنند و آیات صریح قرآن را نادیده انگارند. آیه‌ی فوق نازل شد «۲» و به آنان پاسخ داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از آیات محکم، آیاتی است که دارای مفهوم روشن است، به قدری که جای گفت‌وگو و بحث در معنای آن نیست؛ «۳» مثل آیه‌ی «قُل هو اللّه أحد»؛ «بگو او خدای یگانه است.» البته بیش تر آیات قرآن محکم هستند و معنای روشنی دارند. ۲. مقصود از متشابهات قرآن، آیاتی است که در ابتدای نظر معنای پیچیده‌ای دارند و احتمالات متعددی در آنها وجود دارد و با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها روشن می‌شود. «۴» مثل آیه‌ی «یَدُ اللّه فوقَ أیدیهم» که در تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۵ ظاهر یعنی «دست خدا بالای دست‌های آنهاست.»، در حالی که خدا دست ندارد و مقصود از «دست» در این‌جا «قدرت» است. البته آیات متشابه قرآن، اندک و معمولًا درباره‌ی صفات خدا هستند «۱» و معنای آنها نیز با مراجعه به محکمات قرآن روشن می‌شود. ۳. به آیات محکم قرآن «امُّ الکتاب» می گویند؛ چون اساس و ریشه و

مادر آیات دیگرنـد؛ «۲» و آیـات متشابه را اسـتواران در علم و دانشـمندان الهی، به آیات محکم برمی‌گرداننـد تا معنای آنها روشـن شود؛ و این یکی از گونه‌هـای تفسیر قرآن به قرآن است. آری قرآن نظـام معنایی به هم پیوسـته دارد و با ردّ متشابهات به محکمات تفسیر می‌شود و این، روشمند بودن فهم و منطق تفسیر قرآن را نشان می‌دهد. در روایتی از امام رضا علیه السلام حکایت شده است که هر کس آیات متشابه را به آیات محکم بازگردانـد، به راه راست هـدایت شـده است. «۳» ۴. در این‌جا ممکن است این پرسـش مطرح شـود کـه اگر قرآن کتـاب نـور و حـق اسـت و برای هـدایت عمـوم مردم آمـده است چرا آیـات متشـابه دارد؟ اولًا، الفـاظ و عبارت‌هـای معمولی انسان‌ها برای جهان مادی و نیازمنـدی‌های آن به وجود آمـده است و گویای مفاهیم خارج از این جهان نیست، پس نارساست و از این روست که تعبیرات متشابهی هم‌چون «شـنوا» و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۶ «بینا» را برای خدا به کار می‌بریم، در حـالی که خـدا چشم و گوش نـدارد. ثانیـاً، حقـایق ماورای طبیعی بسـیاری وجود دارد که ما به سـبب محصور بودن در زمـان و مکـان، قـادر به درک آن نیسـتیم و از این روست که تعبیرات در مورد بهشت و دوزخ متشـابه می‌شود. ثالثـاً، یکی از اسـرار وجود متشابهـات در قرآن، به کـار انـداختن قوه‌ی تفکر بشـر است. رابعاً، در برخی احادیث آمـده است که وجود آیات متشابه، این فایده را دارد که مردم را به سوی اسـتواران (راسـخان) در علم رهنمون می‌شود تا از علوم پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السـلام و دست‌پروردگان آنها، به عنوان رهبران و دانشـمندان الهی و معلمان بشـریت، اسـتفاده کننـد. پیر را بگزین که بی پیر این سـفر هست بس پر آفت و خـوف و خطر ۵. واژه‌ی «تأویل» در لغت به معنای «بازگشت دادن چیزی» است؛ و به هـدف رسانـدن هر کار یا سـخنی را تأویل می‌نامنـد. هم‌چنین به هدف نهایی کاری که روشن نبوده، «۱» واقعیت خارجی خوابی که دیده شده» و به اسـرار و مفاهیم خاص سـخن انسان که هدف نهایی آن سـخن است، تأویل گویند. و تأویل در آیه‌ی فوق به این معناست که کسـی برای گمراه کردن دیگران از پیش خود تفسیر و توجیه نادرستی برای آیات متشابه بسازد. پس مقصود آیه‌ی فوق این است که افراد منحرف، با اغراض فاسـد، می‌خواهند آیات متشابه را به شـکلی غیر از آنچه هست تفسیر و توجیه کنند. «۳» ۶. مقصود از «استواران در علم» ثابت قـدمان و صاحب نظران در علم و دانش‌انـد. تفسیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۳۷ البته مفهوم این کلمه وسیع است و همه‌ی دانشـمندان و متفکران را در بر می‌گیرد؛ امّا همان‌طور که در روایات آمده است، کامل‌ترین مصداق اسـتواران در علم، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیهم السـلام هسـتند «۱» که از همه‌ی اسـرار قرآن آگاه‌انـد و دیگران، هر یک به انـدازه‌ی دانش خـود از قرآن بهره می‌برنـد. «۲» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. قرآن نظام معناشـناختی روشـمندی دارد. ۲. آیـات متشـابه را به آیات محکم بازگردانیـد تا معنای آنها را دریابید، که این منطق فهم قرآن است. ۳. مراقب فتنه‌گری بیماردلان در مورد آیات متشابه قرآن باشید. ۴. اگر می‌خواهیـد تأویل آیات الهی را به خوبی درک کنید، به مقام اسـتواری در دانش برسـید. ۵. خردمندان، همه‌ی آیات قرآن را باور دارنـد و به آنها احترام می‌گذارند. ۶. خردمندی و دانشوری زمینه‌ساز تسلیم در برابر آیات الهی، و بیماردلی زمینه‌ساز فتنه‌گری در برابر آنهاست. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی آل عمران به دعای دانشوران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸. رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ تفسیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۳۸ (اسـتوارن در دانش می‌گوینـد:) [ای] پروردگـار مـا! پس از آن‌که مـا را راهنمـایی کردی دل‌هایمـان را کژ مگردان، و از نزد خود رحمتی بر ما ببخش، [چرا] که تنها تو بسیار بخشنده‌ای. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیـات متشابه و اسـرار آنها ممکن است موجب لغزش افراد شود، از این رو استواران در علم و دانشـمندان با ایمان، برای فهم حقیقت آیات، علاوه بر اسـتفاده از سـرمایه‌های علمی خود، به خـدا پناه می‌برنـد. آیه‌ی فوق روشـنگر این حقیقت است که راسخان در علم و مردم بینا و متفکّر، همواره مراقب روح و قلب خود هستند و از خدا مدد می‌جویند تا به راه‌های کج متمایل نشوند. ۲. غرور علمی، دانشـمندان بسیاری را از پای درمی‌آورد و در بیراهه‌ها سرگردان می‌کند. آنان از عظمت آفرینش و خالق آن و انـدک بودن علم خود غافل می‌شوند و از هدایت آفریدگار محروم می‌گردند، اما دانشـمندان مؤمن از خدا اسـتمداد می‌جویند و مراقب روح و قلب خویش هستند. نردبان خلق، این ما و من است عاقبت، زین نردبان افتادن است

۳. در خط هـدایت قرار گرفتن مهم است اما خارج نشـدن از خط، مهم‌تر است. آری، از خطر سوء عاقبت و انحراف دل نبایـد غافل شـد و بایـد به خـدا پناه برد و از او کمک خواست. ۴. مقصود از «قلب» همـان بعـد دوم شخصـیت انسان یعنی روح و دل اوست که گاهی دگرگون و منقلب می‌شود «۱» و برای جلوگیری از انحراف دل بایـد عوامل انحراف، هم‌چون: هوای نفس، تعصب و گناهان را کنترل کرد. ۵. خدای متعال وسایل شناخت و هدایت و گمراهی را در اختیار انسان قرار می‌دهد ولی کسی را مجبور به هدایت یا انحراف نمی‌سازد؛ خود انسان‌ها زمینه‌ی گمراهی یا هـدایت خویش را فراهم و راه را انتخاب می‌کننـد. تفسیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۳۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مراقب خطر انحرافات درونی خود باشـید. ۲. هم‌چون دانشـمندان راستین دعا کنیـد و از خطر انحراف درونی به خدا پناه ببرید. ۳. پایداری در خط مستقیم با لطف و رحمت الهی میسّـر است. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی آل عمران به یکی دیگر از مناجات‌های دانشمندان ثابت قدم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹. رَبَّنَآ إِنَّکَ جَامِعُ النَّاسِ لِیَوْمٍ لَّا رَیْبَ فِیهِ إِنَّ اللَّهَ لَـا یُخْلِفُ الْمِیعَـادَ [ای] پروردگـار ما! در واقع تو گرد آورنـده مردمانی، در روزی که هیـچ تردیـدی در آن نیست [زیرا] که خـدا از وعده [خود] تخلف نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هیچ چیز مانند اعتقاد به معاد و روز رستاخیز در کنترل افکار و امیال مؤثر نیست. انسان با توجه کردن به معاد، فکر و انـدیشه‌اش را سالم می‌سازد و راه درست را می‌بیند و می‌پیماید. ۲. خدای متعال از وعده‌ی خود تخلّف نمی‌کنـد. منشأ خُلف وعـده، غفلت، ناتوانی، ترس، جهل یا پشیمانی است که هیـچ کدام در ذات مقدس الهی وجود ندارد، چون خدا از هر عیب و نقصی پاک است. ۳. خدای متعال بارها در کتاب‌های آسمانی وعده داده است که رستاخیز را بر پا می‌سازد و پاداش نیکوکاران و کیفر بـدکاران را می‌دهـد و البته به این وعـده وفا خواهد کرد، چون لازمه‌ی عدالت و حکمت خداست؛ پس تردیـدی در رسـتاخیز نیست. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. رسـتاخیز قطعی و آمـدنی اسـت (پس خـود را برای حساب‌رسـی آن روز آمـاده سازید). ۲. به وعده‌های الهی اطمینان داشـته باشید که تخلّف‌ناپذیر است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۰ ۳. هم‌چون دانشمندان به یاد رستاخیز باشید و با پروردگارتان مناجات کنید.

دین حقیقی و عوامل انحراف و سعادت

دین حقیقی و عوامـل انحراف و سـعادت قرآن کریـم در آیه‌ی دهم سوره‌ی آل عمران به کـافران هشـدار می‌دهـد که بر ثروت‌هـا و فرزندان خود تکیه نکنند و می‌فرماید: ۱۰. إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُواْ لَن تُغْنِیَ عَنْهُمْ أَمْوَلُهُمْ وَ لَا أَوْلَدُهُم مِّنَ اللَّهِ شَیْئاً وَ أُوْلَئِکَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ در حقیقت کسـانی که کفر ورزیدنـد، اموالشـان و فرزنـدانشان هیـچ چیزی از (عـذاب) خـدا را از آنـان دفع نخواهـد کرد؛ و تنهـا آنان آتشـگیره‌های آتشند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کـافران آتش‌گیره‌ی دوزخ هسـتند؛ این تعبیر اشـاره به این نکته دارد که آتش دوزخ از درون خود گناهکـاران زبـانه می‌کشـد و وجود آنهـاست که آنها را آتش می‌زنـد. البته در پاره‌ای از آیات اشاره شـده که علاوه بر گناهکاران، سـنگ‌ها نیز هستند. «۱» ۲. این آیه هشـدار می‌دهـد که به غیر خـدا (مثل ثروت و فرزند) دل‌بسـتگی نداشـته باشـید که امکانـات و قـدرت‌های دنیوی در رسـتاخیز کـارایی ندارنـد و آتش را دفع نمی‌کننـد، پس تکیه بر این امور سـبب جرأت بر گنـاه و نافرمانی نشود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان در اثر کفر آن‌قدر سقوط می‌کند که هیزم آتش دوزخ می‌شود. ۲. به غیر خدا تکیه نکنید که سودی به حال شما ندارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۱ قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی آل عمران به سرنوشت ستمگران گذشته و عوامل عذاب آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱. کَدَأْبِ ءَالِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ کَذَّبُواْ بَِایَتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ اللَّهُ شَدِیـدُ الْعِقَـابِ (شیـوه آنـان) هم‌چون شـیوه فرعونیـان و کسـانی است که پیش از آنـان بودنـد؛ نشانه‌های ما را دروغ شمردنـد، پس خدا به پیامد (گناهان) شان [گریبان] آنان را گرفت؛ و خدا، سـخت کیفر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق حال کافران معاصـر پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله را به عادت مستمره و سیره‌ی نادرست آل فرعون و اقوام پیش از آنها تشبیه می‌کند که آیات خـدا را تکذیب کردند و خدا آنها را به سـبب گناهانشان گرفتار کرد و در این جهان به مجازات سـختی رسـیدند. این آیه

در حقیقت هشداری است به کافران لجوج معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله که سرنوشت فرعونیان و اقوام پیشین را به خاطر بیاورند و مراقب اعمال خود باشند. هان ای دل عبرت‌بین از دیده نظر کن هان ایوان مداین را آیینه‌ی عبرت دان (خاقانی) ۲. لجاجت در برابر حقیقت و تکذیب آیات پروردگار عادت ستمکاران و فرعونیان شده بود «۱» و به همین دلیل به مجازات شدیدی گرفتار شدند. تا زمانی که «گناه و خلاف‌کاری» به صورت عادت در نیامده، بازگشت از آن آسان و مجازاتش نسبتاً خفیف است، ولی وقتی روش مستمر شد، هم بازگشت از آن مشکل و هم مجازاتش سنگین است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۲ ۳. خدای متعال همان‌طور که «أرحمُ الراحمین» است به موقع خود و برای تربیت بندگان، «شدید العقاب» نیز هست؛ پس هرگز رحمت وسیع الهی باعث غرور کسی شود. ۴. تاریخ و تجربه‌ی گذشتگان آموزه‌ی خوبی برای آیندگان است. قرآن کریم در موارد متعددی از مثال‌های تاریخی استفاده می‌کند آیه‌ی فوق نیز با تحلیل تاریخ ستمکاران پیشین اشاره می‌کند که عامل هلاکت امّت‌ها، گناهان و خصلت‌های روحی آنان بوده است و البته خصلت‌ها و شیوه‌ها و گناهان مشابه، جزا و پاداشی مشابه دارند. ۵. در این آیه به رابطه گناه و عذاب اشاره شده و گناهکاری و پیامدهای «۱» آن از عوامل عذاب ملت‌ها شمرده شده است. کسی که نشانه‌ها و آیات الهی را باور نمی‌کند و آنها را دروغ می‌شمارد، باعث گمراهی خود و دیگران می‌شود، و به خاطر این پیامد گناهش، مجازات می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت سرکشان تاریخ عبرت بیاموزید و مخالفت با دین الهی را روش خود قرار ندهید. ۲. مخالفت با آیات الهی پیامدهای ناگوار و عذاب‌آلودی دارد. ۳. دروغ انگارانِ نشانه‌های خدا، منتظر عذاب سختی باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی آل‌عمران شکست کافران را پیش گویی می‌کند و از فرجام عذاب‌آلود آنان به صورت اعجازآمیزی خبر می‌دهد و می‌فرماید: ۱۲. قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ سَتُغْلَبُونَ وَ تُحْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمِهَادُ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۳ به کسانی که کفر ورزیدند بگو: «بزودی شکست می‌خورید؛ و به سوی جهنم، گرد آوری خواهید شد. و چه بد بستری است!» شأن نزول: حکایت شده که وقتی مسلمانان در سال دوم هجری در جنگ بدر پیروز شدند، گروهی از یهودیان گفتند این پیروزی نشانه‌ی صدق محمد صلی الله علیه و آله است، چون در تورات آمده است که او در جنگ پیروز می‌شود و شکست نمی‌خورد، امّا گروه دیگری گفتند عجله نکنید، شاید در جنگ‌های دیگر شکست بخورد. هنگامی که در سال سوم هجری، مسلمانان در جنگ احد شکست خوردند، این گروه از یهودیان خوشحال شدند و حتّی گفتند: آن پیامبری که در کتاب ما مژده به آمدنش داده شده، محمد صلی الله علیه و آله نیست و از آن به بعد بر دشمنی خود با مسلمانان افزودند و حتّی با یهودیان مدینه و مشرکان مکه هم‌پیمان شدند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت نازل شد «۱» و اشاره کرد که زود قضاوت نکنید و در پایان کار نتیجه بگیرید و بدانید که شما در آینده‌ای نزدیک شکست خواهید خورد و در جهان دیگر نیز سرانجام شومی در پیش خواهید داشت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه پس از جنگ احد و شکست مسلمانان نازل شد؛ یعنی در شرایطی که مسلمانان از نظر ظاهری ضعیف بودند و دشمنان اسلام با هم، هم پیمان شده و قدرت چشم‌گیری پیدا کرده‌بودند و پیروزی مسلمانان بر کفار و یهود روشن نبود. آیه‌ی فوق در این شرایط از پیروزی مسلمانان در آینده‌ای نزدیک خبر تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۴ داد و طولی نکشید که مضمون آیه تحقق یافت و یهودیان مدینه در هم شکسته شدند و مشرکان نیز پس از فتح مکه شکست خوردند. ۲. برخی از مفسران آیه‌ی فوق را یکی از معجزات قرآن به شمار آورده‌اند؛ «۱» چرا که به صورت صریح به پیامبر صلی الله علیه و آله مژده‌ی پیروزی و به کافران خبر شکست در آینده‌ای نزدیک را می‌دهد. این نوعی پیش گویی اعجازآمیز و معجزه‌ی تاریخی قرآن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آینده‌ی اسلام روشن است و پیروزی نهایی از آن مسلمانان است. ۲. کافران در انتظار شکست و عذاب باشند. ۳. مسلمانان به آینده امیدوار باشند و با ایمان به پیروزی خود گام بردارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی آل عمران به جریان عبرت‌آموز جنگ بدر و امدادهای الهی در آن صحنه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳. قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِى فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَتِلُ فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَ أُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْىَ الْعَيْنِ وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَآءُ إِنَّ فِى ذلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُوْلِى الأَبْصرِ بیقین در دو گروهی که (در

جنگ بـدر) بـا هم رو به رو شدنـد، نشانه‌ای (و عبرتی) برای شـما بود: گروهی، در راه خـدا جنگ می‌کرد؛ و [گروهی] دیگر کافر بودنـد، که با چشم خود، آن (مؤمن) ان را دو برابر آنان می‌دیدنـد. و خـدا، هر کس را (شایسته بدانـد و) بخواهـد، با یاریش، تأیید می‌کنـد. قطعاً در این (ماجرا) برای صاحبان بینش عبرتی است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۵ شأن نزول: حکایت شـده که در سال دوم هجری جنگ بدر واقع شد و دو گروه مسلمانان و مشـرکان مکه در برابر هم قرار گرفتند. تعداد مسـلمانان سیصد و سیزده نفر بود که هفتاد شتر، دو اسب، شـش زره و هشت شمشیر داشتند، پرچم مهاجران به دست علی علیه السلام و پرچم انصار به دست سعد بن عباده بود و سپاه دشمن بیش از هزار رزمنده و صد اسب داشتند. مسلمانان در این جنگ نابرابر تنها با ۲۲ شهید پیروز شدند و دشمن با ۷۰ کشته و ۷۰ اسیر تن به شکست داد. «۱» آیه‌ی فوق در مورد این جنگ نازل شده و آن را نشانه و درس عبرت معرفی کرده است؛ زیرا یک ارتش کوچک و فاقد سازوبرگ جنگی امّا با ایمان اسـتوار، بر ارتش نسبتاً بزرگی که تجهیزات جنگی زیادی داشتند، پیروز شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران، مؤمنان را دو برابر می‌دیدنـد؛ در سوره‌ی انفال نیز اشاره شده که مؤمنان، کافران را اندک می‌دیدند تا از دشـمن نهراسند. «۲» آری خـدا مجاهـدان باایمان را با وسایل مختلف و امـدادهای غیبی مدد می‌رساند. هنگام شروع جنـگ بـدر، دشـمنان چنان وحشت زده شدنـد که می‌پنداشـتند نیروی دیگری به مسـلمانان پیوسـته است، در حالی که قبل از جنگ، مسـلمانان را کم‌تر از آنچه بودنـد تصور می‌کردند؛ «۳» و همین مطلب زمینه‌ساز پیروزی مسـلمانان شـد. ۲. خدا در حادثه‌ی تاریخی بدر، مسـلمانان را از چند جهت تأیید کرد و پیروز گرداند: یکی پیروزی نظامی که ارتشـی کوچک بر ارتشـی بزرگ پیروز تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۶ شد؛ دوم، پیروزی منطقی که خدای متعال صریحاً این پیروزی را قبل از آغاز جنگ به مسلمانان خـبر داده بود؛ «۱» و سـوم امـدادهای الهی که به صـورت تصـرف در دیـدگان دشـمن و محاسـبات او به وجـود آمـد. همه‌ی این‌ها نشانه‌هـای خـدا و بهترین نمونه‌ی غلبه‌ی حق بر باطل و ایمان بر کفر بود. ۳. خـدا هر کس را بخواهد پیروز می‌کند، اما اراده‌ی خدا بدون حساب نیست و تابع حکمت اوست و هر مؤمنی را که با اسـتفاده‌ی صحیح از نعمت‌های الهی بکوشد و در راه خدا جهاد کند پیروز می‌گرداند. ۴. برخی فقـط ظاهر حوادث را می‌بیننـد و برخی با انـدیشه و بصـیرت به حوادث می‌نگرنـد و از آنها درس عبرت می‌گیرند و نشانه‌های خدا را در آنها می‌بینند. آری افراد با بصـیرت آیات الهی را بهتر درک می‌کنند. در چمن هر ورقی دفتر حالی دگر است حیف باشـد که ز کـار همه غافل باشـی آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در مورد جنگ بـدر درس خداشناسـی بیاموزید و عبرت بگیرید. ۲. اگر با بصـیرت به حوادث بنگریـد، عبرت‌ها می‌آموزید. ۳. اگر شـما در راه خـدا کفرستیزی کنید، او با امدادهای غیبی به شـما یاری می‌رساند. ۴. پیروزی شـما به دست خـداست (پس فقـط بر او تکیه کنیـد). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی آل عمران با اشاره به سـرمایه‌های اصـلی زنـدگی دنیا و مقایسه‌ی آنها با آنچه نزد خداست، می‌فرماید: ۱۴. زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوٰتِ مِنَ النِّسَآءِ وَ الْبَنِینَ وَ الْقَنٰطِیرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الـذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَیْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الأَنْعٰمِ وَ الْحَرْثِ ذٰلِکَ مَتٰعُ الْحَیَوٰةِ الدُّنْیَا تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۷ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَئَابِ محبت امور دوست داشتنی از زنان و پسران و ثروت‌های فراوان از طلا و نقره و اسبهـای نشان‌دار و دام‌ها و زراعت، برای مردم آراسـته شـده است؛ اینها مایه بهره‌منـدی زنـدگی پست (دنیا) است؛ و بازگشـت نیکـو، نزد خـداست. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. در آیـه‌ی فوق بـه شـش مـورد از جلوه‌هـا و سـرمایه‌های مهـم زنـدگی اشـاره شـده که عبارت‌انـداز: زن، فرزنـد، پول‌های نقد فراوان، «۱» مرکب‌هـای ممتاز، «۲» چهارپایـان و زراعت؛ که ارکان زنـدگی مادی را تشکیل می‌دهنـد و مورد علاقه‌ی انسان هسـتند. «۳» البته روشن است که ذکر این شـش مورد از بـاب مثـال و مصـداق است. ۲. محبت امور دنیوی برای انسان آراسته شده است. حال پرسش این است که زینت دهنده‌ی این امور کیست؟ زینت دهنده همان خدایی است «۴» که از طریق دسـتگاه آفرینش، عشق به تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۸ فرزنـدان و ثروت را در نهاد آدمی قرار داده است تا او را بیازمایـد و در مسـیر تکامل و تربیت به پیش ببرد؛ همان‌طور که در برخی آیات بدان اشاره شده است. «۱» ۳. در آیه‌ی فوق نخستین موضـوعی کـه ذکر شـده، محبـت زنـان اسـت؛ و جـالب ایـن اسـت کـه در عصـر حاضـر روان‌کـاوان می‌گوینـد: غریزه‌ی جنسـی از

نیرومندترین غرایز انسان است. «۲» ۴. آیه‌ی مورد بحث و آیات مشابه آن، هیچ‌گاه علاقه‌ی معتدل نسبت به زن و فرزند و ثروت را نکوهش نمی‌کند؛ زیرا پیشبرد اهداف معنوی بدون وسایل مادی ناممکن است و قانون قرآن بر خلاف قانون آفرینش نیست؛ پس آنچه نکوهش شده عشق و علاقه‌ی افراطی و به عبارت دیگر، پرستش این امور است. ۵. علاقه‌ی طبیعی به امور مادی در نهاد هر انسانی وجود دارد، اما آنچه خطرناک است فریب خوردن از جلوه‌های آن و عدم کنترل دل‌بستگی‌ها و فراموش کردن زندگی عالی‌تر معنوی است. اگر کسی به امور شش‌گانه‌ی ذکر شده در آیه به عنوان هدف نهایی عشق بورزد و از آنها به صورت وسیله‌ای در مسیر زندگی انسانی بهره نگیرد، تن به زندگی پستی داده است؛ پس در تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۹ حقیقت، تعبیر «زندگی پایین و پست» «۱» (حیات دنیا) اشاره به سیر تکاملی زندگی است. ۶. حب دنیا، زمینه‌ساز پیروزی شیطان: امام عارفان می‌فرماید: بپرهیز از این‌که خدای نخواسته حبّ دنیا و حبّ نفس به تدریج در شما روبه فزونی نهد و کار به آن‌جا رسد که شیطان بتواند ایمان شما را بگیرد. گفته می‌شود تمام کوشش شیطان برای ربودن ایمان است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عشق به امور مادی شما را از اهداف معنوی بازندارد. ۲. امور معنوی و فرجام نیکو، هدف اصلی شما باشد، نه امور مادی. ۳. عشق به امور مادی در نهاد انسان وجود دارد (و امری طبیعی است). *** قرآن کریم در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی آل‌عمران به نعمت‌های معنوی و برتری آنها بر لذّت‌های مادی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵. قُلْ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيْرٍ مِّن ذٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْاْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ خٰلِدِينَ فِيهَا وَ أَزْوٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَ رِضْوٰنٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ بگو: «آیا شما را به بهتر از این (سرمایه‌های دنیایی)، خبر دهم؟» برای کسانی که (خود را) حفظ کرده‌اند، بوستان‌هایی است که از زیر [درختان] ش نهرها روان است؛ در حالی که در آنجا ماندگارند؛ و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خدا، نزد پروردگارشان [برای آنان است.] و خدا به تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۵۰ (امور) بندگان بیناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اگر مؤمنین از لذات نامشروع و هوس‌های سرکش و گناه آلود صرف نظر کنند و تقوا پیشه سازند، از مطلق لذت محروم نخواهند شد؛ زیرا می‌توانند از لذّت‌های صحیح و حلال دنیا و نیز از لذّت‌های جهان دیگر بهره گیرند که همانند همین لذت‌هاست امّا در سطحی عالی‌تر و پاک از هرگونه عیب و نقص. ۲. قرآن کریم برای تربیت و راه‌نمایی مردم از روش مقایسه استفاده می‌کند. در آیه‌ی قبل لذت‌های دنیوی را گوشزد کرد و در این آیه لذّت‌های برتر اخروی را یادآوری می‌کند. روش مقایسه می‌تواند به عنوان یک الگوی قرآنی، در تربیت انسان‌ها نقش سازنده‌ای داشته باشد. ۳. در این آیه به برخی از نعمت‌های بهشتی و ویژگی‌های برتر آنها اشاره شده است: الف) بوستان‌های بهشتی، بر خلاف بوستان‌های دنیوی، همیشگی است و به طور دایم آب از زیر درختانش جاری است که صفای خاصی به آنها می‌دهد. ب) بر خلاف همسران زیبای دنیا، هیچ ناپاکی «۱» و نقطه‌ی سیاهی در جسم و جان همسران بهشتی نیست. ج) خشنودی خدا برترین نعمت اخروی است و لذّتی بالاتر از این نیست که انسان بداند محبوب و معشوق و معبود او از وی راضی است. جنت‌طلبان گر لب شیرین تو بینند در کام همه تلخ شود کوثر و تسنیم ۴. این آیه به مردم هشدار می‌دهد که شما تحت نظر خدا هستید، پس تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۵۱ مراقب اعمال و افکار خود باشید؛ امّا استفاده از تعبیر «بندگان»، در این جا، به نوعی، اظهار لطف و محبت به آنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پارسایی زمینه‌ساز بهره‌مندی از نعمت‌های برتر معنوی و بهشتی است. ۲. برای تربیت افراد از روش مقایسه و پرسش استفاده کنید. ۳. نعمت‌های معنوی و بهشتی برتر از نعمت‌های مادی دنیاست. ۴. شما تحت نظر خدا هستید (پس مراقب کردار خود باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی آل عمران به یکی از صفات و دعاهای پارسایان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶. الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ [همان] کسانی که می‌گویند: « [ای] پروردگار ما! براستی ما ایمان آورده‌ایم؛ پس بیامد (گناهان) ما را بر ما بیامرز، و ما را از عذابِ آتش، حفظ کن.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ایمان واقعی زمینه‌ساز بخشش گناهان گذشته و آثار آنها و نجات است. این زمینه را خود انسان می‌تواند در وجود خویش ایجاد کند و در عمل به نمایش بگذارد. ۲. به کار بردن فعل مضارع در این آیه، دلالت بر استمرار دارد؛ «۱» یعنی افراد با تقوا همواره از خدا طلب آمرزش و نجات

از آتش می‌کننـد. آری، دعای مسـتمر و توجه مـداوم به خـدا از صـفات پارسایان و درس آموزنده‌ای برای ماست. تفسـیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۵۲ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. همـواره به فکر پیامـدهای گناهـان خویش و نجـات از آتش باشـید. ۲. هم‌چون پارسایان نیایش کنید. ۳. اگر نعمت‌های معنوی و بهشتی را می‌طلبید پارسایی پیشه سازید و به دنبال آمرزش گناهان خویش باشـید. «۱» *** قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی آل عمران صفات دیگر پارسایان را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. الصبِرِینَ وَ الصدِقِینَ وَ الْقنِتِینَ وَ الْمُنفِقِینَ وَ الْمُسْتَغْفِرِینَ بِالأَسْحَارِ [همان پارسایانی که] شکیبایان و راستگویان و [فرمانبرداران] فروتن و بخشندگان [در راه خدا] و آمرزش خواهان در سـحرگاهانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل یکی از صـفات پارسایان بیان شـد و در این آیه به پنج ویژگی دیگر این افراد اشاره می‌شود که عبارت‌اند از: الف) در کارها صبر و اسـتقامت و پشتکار دارند و در برابر حوادث و در مسیر اطاعت پروردگـار و در برابر گناهـان ایسـتادگی و مقاومت می‌کننـد. ب) افرادی راست‌گو و درست کردارنـد و به آنچه در باطن معتقـدند عمـل می‌کننـد و از نفاق، دروغ، تقلّب و خیانت به دورنـد. ج) در راه بنـدگی و عبودیت خـدا، خاضع و فروتن هسـتند و بر این کار مداومت دارند. «۲» د) از مواهب مادی و معنوی که در اختیار دارند در راه خدا می‌بخشند و بدین وسیله دردهای اجتماعی را درمان می‌کنند. تفسـیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۵۳ ه) به هنگام سـحر که آرامش و صـفا همه جا را فرا گرفته و در دل شب که غافلان در خواب‌انـد به یاد خـدا به پا می‌خیزند و در پیشـگاه باعظمتش طلب آمرزش می‌کنند و محو پرتو نور و جلال پروردگار می‌شوند و با تمام وجودشان زمزمه‌ی توحید دارند. شب خیز که عاشـقان به شب راز کنند گِرد در و بام دوست پرواز کنند هر جا که دری بود به شب در بنـدد الّا در دوست را که شب باز کنند ۲. در روایتی از امام صادق علیه السـلام حکایت شده که اگر کسی در رکعت آخر نمـاز شب (یعنی نمـاز وَتْر) هفتـاد بـار بگویـد: «اسـتغفِر اللّه ربّی و اتوبُ الیه» و تـا یـک سال به این عمل ادامه دهـد، خـدا او را جزء اسـتغفارکنندگان در سـحر قرار می‌دهـد و حتماً او را مشـمول بخشـش خویش می‌سـازد. «۱» البته این‌گونه روایـات مصـداق کامل استغفار کنندگان را بیان می‌کند، و گر نه آیه استغفار بدون نماز را نیز شامل می‌شود. ۳. در آیه‌ی فوق از میان اوقات شبانه روز تنها به وقت «سـحر» اشاره شـده است، «۲» در حـالی که اسـتغفار در همه‌ی اوقـات مطلوب است؛ زیرا انسـان در سـحر به خاطر آرامش و سکوت و تعطیلی کارهای مادی و نشاطی که بعـد از استراحت شـبانه پیدا می‌شود، آمادگی بیش‌تری برای توجه به خدا دارد؛ و این به آسـانی قابل تجربه است. بسـیاری ازدانشـمندان برای حل مشـکلات علمی از وقت سـحر اسـتفاده می‌کردنـد؛ چرا که چراغ فکر و روح انسـان در آن وقت، از هر زمـان دیگر، پرفروغ‌تر و درخشـان‌تر است. چـو تو بیـدار باشـی صبحگاهی بیـابی هر چه آن سـاعت بخواهی آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر نعمت‌های معنوی و بهشتی را می‌طلبید شـکیبا، راستگو و فروتن باشید و در سحرگاهان از خداوند بخشش و آمرزش بطلبید. ۲. پارسایان از ارتباط با خدا در دل شب نیرو می‌گیرند و به مردم می‌بخشـند. ۳. پیوند با خدا و خلق را از پارسایان راستین و مقاوم بیاموزید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هیجدهم سوره‌ی آل‌عمران به گواهی خدا، فرشـتگان و دانشـمندان بر یگانگی خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸. شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلئِکَةُ وَ أُوْلُواْ الْعِلْمِ قَآئِمَاً بِالْقِسْطِ لَا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ خـدا، در حالی که همواره برپا دارنـده دادگری است، گواهی می‌دهـد که هیچ معبودی جز او نیست؛ و فرشـتگان و صاحبان دانش، [نیز گواهی می‌دهنـد:] هیـچ معبودی جز آن شـکست ناپـذیر فرزانه نیست. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. مقصود از گواهی و شـهادت خـدا همـان گـواهی عملی و فعلی خـداست؛ یعنی جهـان بـا نظم واحـد و قوانینی که بر آن حکومت می‌کنـد در واقع «یـک واحـد به هم پیوسـته» است و خـدا بـا آفرینش جهـان عملًا نشان داده که آفریـدگار و معبود دیگری در جهان نیست. آفتاب آمـد دلیل آفتاب گر دلیلت باید از وی رُخ متاب ۲. مقصود از گواهی فرشتگان و دانشمندان، گواهی گفتاری و عملی است؛ یعنی آنها با گفتار شایسته‌ی خود به یگـانگی خـدا اعتراف می‌کننـد و در عمـل نیز تنهـا او را می‌پرسـتند. تفسـیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۵۵ ۳. جمله‌ی «قائماً بالقِسـط» بیـان کننـده‌ی آن است که خـدا به یکتایی خود گواهی می‌دهـد، در حالی که قیام به عـدالت در جهان هستی دارد؛ و این جمله دلیلی بر شهادت اوست. ۴. حقیقت عدالت، انتخاب طریق میانه و مستقیم است که همواره یکی است. عدالت همیشه همراه با

«نظام واحد» و نظام واحد نشانه‌ی «مبدأ واحد» است؛ بنا براین عدالت به معنای واقعی در عالم هستی دلیل بر یگانگی آفریدگار خواهد بود. ۵. در این آیه، دانشمندان واقعی در کنار فرشتگان و هر دو در کنار خدا قرار گرفته‌اند، که این امتیاز و عظمت دانشوران را مشخص می‌سازد. ۶. در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده است: یک ساعت از زندگی دانشمندی که بر بستر خود تکیه کرده و در اندوخته‌های علمی خود تفکر می‌کند، بهتر از هفتاد سال عبادت عابد است. «۱» ۷. در برخی روایات آمده است که مقصود از دانشمندان در آیه‌ی فوق ائمه‌ی اطهار علیهم السلام هستند و این بدان سبب است که آنان مصداق کامل واژه‌ی «اولوا العِلم» و سرآمد آنها هستند، نه این‌که آیه منحصر به آنان باشد. این آیه همه‌ی دانشمندان موحِّد را شامل می‌شود. «۲» ۸. در روایت دیگری آمده است که این آیه از آیاتی است که همواره مورد توجه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده و مکرر در مواقع مختلف آن را تلاوت می‌کردند. «۳» ۹. بزرگ‌ترین ذکر در سیر و سلوک عرفانی: امام عارفان می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۵۶ ذکر شریف «لا اله الّا اللّه» را که بزرگ‌ترین و شریف‌ترین اوراد است ... «۱» تکرار کند این ذکر شریف را، و به قلب به طور طمأنینه (: آرامش) و تفکّر بخواند و قلب را با این ذکر شریف بیدار کند تا آن‌جا که قلب را حالت تذکّر و رقّت پیدا شود؛ پس به واسطه‌ی مدد غیبی، قلب به ذکر شریف غیبی گویا شود و زبان تابع قلب شود.» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید؛ پیام الهی، فرشتگان و دانشمندان است. ۲. هم‌چون فرشتگان و دانشمندان توحید را زمزمه کنید. ۳. به صفات عدل، عزت و حکمت الهی توجه کنید تا توحید را بهتر بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی آل عمران به تسلیم در برابر حق که روح دین است و علل اختلافات مذهبی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹. إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الْإِسْلَمُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَبَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيَاً بَيْنَهُمْ وَ مَن يَكْفُرْ بِئَايتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ در حقیقت دین [پذیرفته شده] نزد خدا، اسلام است. و کسانی که کتاب [الهی] به آنان داده شد، اختلاف نکردند، مگر پس از آن‌که علم برای آنان [حاصل] آمد، بخاطر ستم (و حسدی) که در میانشان بود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، پس (خدا به حساب او می‌رسد، زیرا) که خدا حسابرسی سریع است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۵۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «دین» در اصل به معنای «پاداش» و نیز به معنای «اطاعت و پیروی از فرمان» است و در اصطلاح مذهبی عبارت است از: «مجموعه‌ی عقاید، قوانین و آدابی که انسان در سایه‌ی آنها می‌تواند به سعادت و خوش‌بختی برسد و از نظر فردی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی، در مسیر صحیح گام بردارد.» ۲. واژه‌ی «اسلام» به معنای تسلیم است و در این‌جا مقصود تسلیم در برابر خداست. در واقع روح همه‌ی ادیان الهی، تسلیم در برابر حقیقت است، ولی از آن‌جا که آیین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عالی‌ترین نمونه‌ی آن است، نام «اسلام» برای آن انتخاب شده است. ۳. معمولًا سرچشمه‌ی بیش‌تر اختلاف‌ها و کشمکش‌های مذهبی، ظلم و انحراف از حق و اعمال نظرهای شخصی است نه جهل و بی‌خبری. اگر مردم، مخصوصاً طبقه‌ی دانشمندانِ اهل کتاب، تعصب، کینه‌توزی و تنگ‌نظری‌ها و منافع شخصی را کنار بگذارند و با واقع‌بینی و روح عدالت‌خواهی احکام خدا را بررسی کنند، راه حق روشن، و اختلافات به سرعت حل می‌شود؛ چرا که اهل کتاب نشانه‌های حقانیّت اسلام را در کتاب‌های خود دیده و از آنها آگاه‌اند. ۴. برخی گمان می‌کنند که مذهب عامل اختلاف مردم است امّا این‌ها «مذهب» را با «تعصبات مذهبی» و «افکار انحرافی» اشتباه گرفته‌اند. آیه‌ی فوق توضیح خوبی برای این مطلب و پاسخ قاطعی به این ادعاهاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گوهر ادیان الهی، تسلیم در برابر خداست. ۲. ریشه‌ی اختلافات مذهبی را در انحرافات اخلاقی بجویید. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۵۸ ۳. کافران از حساب‌رسی سریع خدا بهراسند (و نشانه‌های او را انکار نکنند و کفر نورزند). ۴. برای رفع اختلافات مذهبی، انحرافات اخلاقی را درمان کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی آل عمران با بیان راه نجات، به روش مناظره با مخالفان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰. فَإِنْ حَآجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِىَ لِلَّهِ وَ مَنِ اتَّبَعَنِ وَ قُل لِّلَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَبَ وَ الْأُمِّيِّنَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُواْ فَقَدِ اهْتَدَواْ وَّ إِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَغُ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بَالْعِبَادِ و اگر با تو، به بحث (و ستیز) برخاستند، پس بگو: « (من) و کسانی که پیروِ [من] هستند، ذات خود را برای خدا تسلیم کرده‌ایم.» و به کسانی که کتاب [الهی]

داده شده و درس ناخواندگان [مشرک] بگو: «آیا [شما هم] تسلیم شده‌اید؟» و اگر تسلیم شوند، پس بیقین رهنمون می‌شوند؛ و اگر روی بر تابند، پس فقط رساندن [پیام] بر عهده توست. و خدا نسبت به (امور) بندگان، بیناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. طرف‌داران هر آیینی از عقیده‌ی خود دفاع می‌کنند و خود را بر حق می‌دانند و بر همین اساس یهودیان و مسیحیان با پیامبر اسلام بحث می‌کردند «۱» و می‌گفتند: ما در برابر حق تسلیم هستیم و پیرو اسلام به معنای طرف‌داری از حق. «۲» و حتی در این باره پافشاری می‌نمودند. آیه‌ی فوق به پیامبر اسلام دستور نمی‌دهد که از بحث و گفت‌وگو با آنان تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۵۹ دوری کند، بلکه می‌فرماید: وقتی بحث به مرحله‌ی نهایی رسید، بهترین راه برای راه‌نمایی و ترک مجادله، آن است که به آنها بگویی: من و پیروانم تسلیم خدا و پیرو حق هستیم. اگر آنان پذیرفتند، که هدایت شده‌اند و اگر لجاجت کردند و نپذیرفتند دیگر تو وظیفه‌ای نداری؛ چرا که بحث و گفت‌وگو تأثیر و فایده‌ای ندارد (و کار آنها را به خدای بینا واگذار). گوینده را چه غم که نصیحت قبول نیست گر نامه رد کنند گناه رسول نیست ۲. آیه‌ی فوق به صورت ضمنی روش مناظره و گفت‌وگو با مخالفان را به پیامبر صلی الله علیه و آله و ما آموزش می‌دهد که نخست حق و خط خود را روشن کنیم، سپس از ادامه‌ی بحث و جدل با مردم لجوج که تسلیم منطق صحیح نیستند، بپرهیزیم. ۳. روش پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز تحمیل فکر و عقیده نبود. ایشان کوشش می‌کردند تا حقایق برای مردم روشن شود، سپس آنان را به حال خود می‌گذاشتند تا خودشان فکر کنند و تصمیم بگیرند. آری پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به انجام وظیفه و تبلیغ بود، نه ضامن نتیجه‌ی کار. ۴. مقصود آیه از کسانی که خواندن و نوشتن نمی‌دانند، مشرکان هستند. مشرکان در برابر اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) به این نام خوانده می‌شوند؛ زیرا آنان کتاب الهی نداشتند و به همین دلیل کم‌تر به فرا گرفتن خواندن و نوشتن می‌پرداختند. «۱» ۵. این آیه اهل کتاب را بر بی‌سوادان مقدم داشته است؛ یعنی مخاطبان را به دو گروه فرهنگی و غیرفرهنگی تقسیم کرده است. «۲» شاید این تعبیرات به ما آموزش می‌دهد که در سخن گفتن و هدایت مردم ابتدا به افراد تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۶۰ بافرهنگ توجه کنید سپس به سراغ دیگران بروید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وظیفه‌ی مبلغان دینی روشنگری است (نه تحمیل عقاید بر دیگران). ۲. در مناظره مسیر حق را روشن کنید و از بحث با مخالفان لجوج بپرهیزید که ثمره‌ای ندارد. ۳. راه پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان، خط تسلیم در برابر خداست. ۴. اگر می‌خواهید هدایت شوید در برابر خدا تسلیم شوید. ۵. مخاطبان خود را به دو بخش فرهنگی و غیرفرهنگی تقسیم کنید و آموزش را از اهل فرهنگ شروع کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی آل عمران به اعمال کافران یهود، هم‌چون پیامبرکشی و دادگرکشی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِئَايتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بَالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ در حقیقت کسانی که به آیات خدا کفر می‌ورزند، و پیامبران را به ناحق می‌کشند، و کسانی از مردم را که به دادگری فرمان می‌دهند، به قتل می‌رسانند، پس آنان را به عذابی دردناک مژده ده! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند که این آیات مربوط به قوم یهود است «۱» امّا به آنها اختصاص ندارد و همه‌ی اقوامی که اعمال مشابهی انجام می‌دهند مشمول آیه هستند. ۲. این آیه دعوت‌کنندگان به عدالت را در ردیف پیامبران قرار داده و کفر به خدا و کشتن پیامبران و این‌گونه افراد را در یک ردیف شمرده است. این تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۶۱ مطلب توجه اسلام به مسأله‌ی گسترش عدالت در اجتماع را نشان می‌دهد. ۳. واژه‌ی «بغیر حق» قید توضیحی است و برای تأکید آمده و منظور این است که قتل پیامبران، همیشه ناحق و ظالمانه است و مقصود آن نیست که می‌توان پیامبران را به حق کشت. ۴. برخی مفسران از تعبیرات آیه‌ی فوق استفاده کرده‌اند که یهودیان معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مشمول آیه‌ی فوق بوده‌اند هر چند هیچ‌کدام از آنان قاتل پیامبران قبلی نبوده‌اند؛ زیرا هر کس به برنامه‌ها و مکتب و اعمال گروهی راضی باشد، در اعمال نیک و بد آنان سهیم است؛ و این دسته از یهود نسبت به اعمال خلاف گذشتگان خود راضی و وفادار بودند. «۱» ۵. «بشارت» در اصل به معنای مژده و خبرهای نشاطانگیز است که اثر آن در صورت انسان آشکار می‌شود. به کار بردن واژه‌ی بشارت در مورد عذاب، نوعی تهدید و استهزای افکار گناهکاران است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناه کفر، پیامبرکشی و

دادگسترکشی عذاب‌آور است. ۲. کشتن دادگستران، هم‌ردیف کشتن پیامبران و کفرورزی است. ۳. دادگستری نیکوست؛ و مقابله با دادگستران ممنوع. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوّم سوره‌ی آل عمران به دو بخش دیگر از کیفرهای کافران یهود اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲. أُوْلئِکَ الَّذِینَ حَبِطَتْ أَعْملُهُمْ فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَةِ وَ مَا لَهُم مِّن نصِرِینَ آنان کسانی هستند که کردار [نیک] شان در دنیا و آخرت تباه شده، و هیچ یاوری برای آنان نیست. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۶۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مجازاتِ کُشندگان پیامبران و صالحان شدید است؛ زیرا مجازات «حَبْط» (نابودی کارهای نیک) «۱» درباره‌ی گناهان شدید به کار می‌رود و نفی یاری و شفاعت از این افراد نیز نشانه‌ی دیگری از شدّت گناه و مجازات آنان است. ۲. برخی گناهان، مثل قتل پیامبران و دادگستران و کفر، موجب نابودی اعمال نیک گذشته‌ی انسان می‌شود و او را از یاری و شفاعت این افراد محروم می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گاهی یک گناه تمام اعمال نیک انسان را نابود می‌سازد (پس مواظب کارهای خود باشیم). ۲. اگر یاری (و شفاعت پیامبران و صالحان دادگستر را در رستاخیز) می‌خواهید، دست از آزار اولیای الهی بردارید و ایمان آورید. «۲» *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوّم سوره‌ی آل عمران به جریان قضاوت پیامبر صلی الله علیه و آله در اختلافات یهودیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۳. أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ أُوتُواْ نَصِیباً مِّنَ الْکِتبِ یُدْعَوْنَ إِلَی کِتبِ اللَّهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ یَتَوَلَّی فَرِیقٌ مِّنْهُمْ وَ هُم مُّعْرِضُونَ آیا نظر نکردی به [حال] کسانی که بهره‌ای از کتاب (تورات) داده شدند؛ که به سوی کتاب خدا فرا خوانده شدند تا در میانشان حکم کند، سپس دسته‌ای از آنان روی بر می‌تابند، در حالی که آنان (از قبول حق) روی گردانند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۶۳ شأن نزول: در تفسیرهای قرآن حکایت شده که زن و مردی از یهود با داشتن همسر مرتکب زنا شدند و طبق قانون تورات می‌بایست سنگسار می‌شدند اما چون از اشراف بودند، می‌کوشیدند از اجرای حکم تورات بگریزند. آنان نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند تا ایشان بر آنان حکم کنند. آن حضرت نیز همان حکم را بیان کردند و فرمودند: حکم اسلام نیز در این مورد همانند حکم تورات است. آنها منکر حکم تورات شدند و قرار گذاشتند که یکی از علمای یهود به نام «ابن صُوریا» از فدک به مدینه فرا خوانده شود تا تورات را بخواند. ابن صوریا چون از ماجرا با خبر بود، هنگام خواندن آیات تورات دست خود را روی جمله‌ی مربوط به سنگسار می‌گذاشت «۱» و جمله‌ی بعد را می‌خواند. عبداللَّه بن سلام که از علمای یهود و تازه مسلمان بود و در آن جلسه حضور داشت، ماجرا را فهمید و موضوع را برملا- کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند تا حکم اجرا شود؛ از این رو جمعی از یهودیان خشمگین شدند و آیه‌ی فوق فرو فرستاده شد. «۲» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از جمله‌ی «کسانی که بهره‌ای از کتاب (الهی) داشتند» استفاده می‌شود که توراتی که در دست یهودیان آن عصر بود، تنها قسمتی از تورات واقعی بود نه تمام آن و قسمت بیش‌تر این کتاب از میان رفته و یا تحریف شده بود؛ و همان‌گونه که در ذیل آیه‌ی سوم سوره‌ی آل عمران بیان کردیم، این مطلب را شواهد تاریخی نیز تأیید می‌کند. ۲. آیه‌ی فوق به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آیا مشاهده نکردی؟» ولی در تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۶۴ حقیقت هشداری به مسلمانان است که مبادا آنان هم مثل یهود، به هنگام اجرای قانون الهی، روی‌گردان شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گروهی از یهودیان قانون‌گریزند. ۲. داوری کتاب خدا را بپذیرید (و هم‌چون یهودیان قانون‌گریز نباشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی آل عمران به یکی از ادعاهای نژادپرستانه‌ی یهود اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴. ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَالُواْ لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَیَّاماً مَّعْدُودتٍ وَ غَرَّهُمْ فِی دِینِهِم مَّا کَانُواْ یَفْتَرُونَ این [عمل] بدان سبب بود که آنان گفتند: «آتش [دوزخ]، جز چند روزی محدود به ما نخواهد رسید. و تهمت‌هایشان آنان را در دینشان فریفته ساخت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد این که یهودیان می‌گفتند: «ما چند روزی بیش‌تر در آتش نمی‌مانیم.»، دو احتمال داده‌اند: نخست آن‌که مقصود همان روزهای گناه‌آلود گوساله‌پرستی آنان است؛ و دوم آن‌که منظور روزهایی از عمرشان است که به گناهان صریح و انکارناپذیری دست‌زده بودند؛ «۱» البته مانعی ندارد که هر دو مطلب مقصود آیه باشد. ۲. در این‌جا ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا ممکن است انسان دروغی بر خدا ببندد و بعد خودش تحت تأثیر آن قرار گیرد و به آن مغرور شود؟ تفسیر قرآن مهر

جلد سوم، ص: ۶۵ پاسخ آن است که اوّلًا، این نوعی فریب وجدان است؛ یعنی گاهی دستگاه فکر و اندیشه‌ی انسان در پی فریب وجدان برمی‌آید و چهره‌ی حقیقت را در نظر وجدان خویش دگرگون می‌سازد؛ همان‌طور که معتادان و سارقان، برخی مشکلات خانوادگی یا اجتماعی را بهانه می‌سازند و کار خود را توجیه می‌کنند. ثانیاً، این مطالب دروغ توسط نسل‌های پیشین یهود ساخته شد و به تدریج به نسل‌های بعد منتقل شد و به صورت عقاید مسلّمی در آمد. ۳. پرسش دیگری که در این‌جا مطرح می‌شود آن است که اعتقاد به «کیفر محدود» در میان ما مسلمانان نیز وجود دارد؛ چرا که ما معتقدیم مسلمانان گناهکار همیشه در عذاب الهی نمی‌مانند و ایمان آنها موجب نجاتشان می‌گردد، پس آیا ما نیز مثل یهودیان می‌اندیشیم؟ پاسخ آن است که اوّلًا، ما معتقدیم مسلمان گناهکار سالیان درازی گرفتار عذاب است که مدّت آن را جز خدا نمی‌داند، ولی مجازات آنان، به خاطر ایمانشان، جاویدان نیست. ثانیاً، ما امتیازی برای مسلمانان قایل نیستم، بلکه معتقدیم که پیروان هر پیامبری اگر در عصر و زمان همان پیامبر ایمان به پیامبر خود داشته باشند و گناهی مرتکب شوند، مشمول قانون فوق هستند و تفاوتی بین نژادها نیست، امّا یهودیان این امتیاز را مخصوص نژاد یهود می‌دانند که معتقدند دوستان و فرزندان خدا هستند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توهّم نجات از دوزخ، زمینه‌ساز ارتکاب گناهان می‌شود. ۲. دروغ‌پردازی و نژادپرستی موجب غرور و خودفریبی می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۶۶ ۳. عقاید باطل موجب فرار از احکام الهی و عمل نکردن به آنها می‌شود. «۱» ۴. در مورد عذاب الهی واقع‌بین باشید و دل به وعده‌های دروغین خوش ندارید (و گناه نکنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی آل عمران به روز رستاخیز و شیوه‌ی کیفردهی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵. فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ پس چگونه [خواهند بود] هنگامی که آنان را برای روز [رستاخیز] ی که هیچ تردیدی در آن نیست گرد آوریم، و به هر شخص، دستاوردش بطور کامل داده شود؟ و آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در رستاخیز چیزی از اعمال انسان کم نمی‌شود و نتیجه‌ی همه‌ی اعمال به دست او می‌رسد؛ «۲» چرا که رستاخیز روز تجسّم اعمال انسان است. ۲. از تعبیر «آنچه به دست آورده است»، استفاده می‌شود که پاداش و کیفر رستاخیز و نجات و بدبختی انسان در آن روز، نتیجه و تجسم اعمال خود اوست و دادگاه الهی براساس عدالت تشکیل می‌شود و به احدی ستم نمی‌شود. ۳. هشدار آیه به یهودیان آن است که مراقب کردار و گفتار و افکار خود باشند که در رستاخیز به همه‌ی این‌ها رسیدگی می‌شود و نتایج آنها را تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۶۷ می‌بینند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دادگاه رستاخیز حتمی و عادلانه است. ۲. پاداش و کیفر رستاخیز نتیجه (و تجسّم) اعمال خود شماست. ۳. خودتان را برای حضور در رستاخیز آماده سازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره‌ی آل عمران به سرچشمه‌ی حکومت، عزّت و ذلّت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶. قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَآءُ وَ تَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَآءُ وَ تُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَ تُذِلُّ مَن تَشَآءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگو: «بار خدایا! خداوندِ فرمانروایی و هستی! به هر که (شایسته بدانی و) بخواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزّت دهی؛ و هر که را خواهی خوار گردانی، (همه) نیکی (ها) تنها به دست توست؛ که تو بر هر چیزی توانایی. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق به دو صورت حکایت شده است: نخست آن‌که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه، وعده‌ی پیروزی بر ایران و روم را دادند که دو ابرقدرت آن عصر به شمار می‌آمدند. در آن هنگام برخی منافقان با تعجب به یکدیگر نگاه کردند و این مطلب را اغراق‌آمیز خواندند. در این هنگام آیه‌ی فوق نازل شد و یادآوری نمود که عزّت و قدرت و حکومت به دست خداست، پس این پیروزی‌ها بعید نیست. گروهی دیگر از مفسران نزول آیه‌ی فوق را مربوط به جنگ احزاب و حفر خندق دانسته و گفته‌اند: در هنگام کندن خندق به سنگ سفید و بزرگی برخوردند و پیامبر صلی الله علیه و آله برای شکستن آن سه بار ضربه زدند و هر بار جرقه‌ای بیرون جهید و پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر گفتند. آن‌گاه بیان کردند که من در این تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۶۸ جرقه‌ها کاخ‌های ایران، روم و یمن را دیدم که جبرئیل فتح آنها را مژده داد. منافقان با شنیدن این سخن، آن را امری محال دانستند و گفتند:

مسلمانان از ترس جان خود مشغول کندن خندق هستند، ولی خیال فتح کشورهای بزرگ جهان را در سر می‌پرورانند. در این موقع آیه‌ی فوق نازل شد «۱» و خط بطلانی بر سخنان منافقان کشید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منظور از این جمله که می‌فرماید «خدا به هر کس بخواهد چیزی می‌دهد یا از او می‌گیرد.»، این نیست که خدا بدون حساب و بدون دلیل، چیزی به کسی می‌بخشد یا از او می‌گیرد، بلکه اراده‌ی خدا آمیخته با حکمت و رعایت و مصلحت عمومی جهان آفرینش و انسان‌هاست؛ بنا براین هر کاری که صورت می‌گیرد در نوع خود بهترین است. یکی را بر آری و شاهی دهی یکی را به دریا به ماهی دهی نه با آنت مهر و نه با آنت کین که به دان تویی ای جهان آفرین ۲. تمام نیکی‌ها تنها به دست اوست و خدا سرچشمه‌ی هرگونه خیر و سعادت است «۲» و عزّت بخشیدن و ذلیل کردن او همه بر قانون عدالت است. اگر انسان این مطلب را به خوبی درک کند، توحید افعالی او کامل می‌شود و بر خدا تکیه می‌کند و غصه‌ی آمدن و رفتن امور دنیوی را نمی‌خورد. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۶۹ ۳. در این‌جا این پرسش مطرح می‌شود که آیا طبق آیه‌ی فوق همه‌ی حکومت‌ها به خواست خداست و تمام حکومت‌های جبّار و ستمگر را خدا امضا کرده است؟ به این پرسش دو گونه پاسخ داده‌اند: اوّل آن‌که آیه‌ی فوق مخصوص حکومت‌های صالح الهی و یا حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله است و در برخی روایات نیز به این پاسخ اشاره شده است؛ «۱» پس خدا به هر کس که شایسته باشد، مثل سلیمان، یوسف، طالوت و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکومت می‌دهد. «۲» پاسخ دوم آن است که این آیه یک مفهوم کلّی و عمومی دارد؛ یعنی تمام حکومت‌های خوب و بد طبق خواست خداست و خدا یک سلسله اسباب برای پیشرفت و پیروزی آفریده است و استفاده از این عوامل همان اراده و خواست خداست. حال اگر ستمگران از آن وسایل پیروزی استفاده کردند و ملّت‌های زبون به حکومت آنان تن دادند، این نتیجه‌ی اعمال خود آنان است؛ و اگر صالحان از اسباب الهی استفاده کردند و حکومت عادل به وجود آوردند، باز این نتیجه‌ی اعمال آنهاست. پس در حقیقت آیه‌ی فوق بیدارباشی برای همه‌ی جوامع انسانی است که به هوش باشند و از وسایل پیروزی استفاده کنند. «۳» از همین جا روشن می‌شود که آیه‌ی فوق به معنای جبر نیست. ۴. مالک اصلی خداست و دیگران امانت‌دارانی هستند که باید طبق تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۷۰ رضای او عمل کنند. عزّت و ذلّت به دست خداست؛ پس از دیگران توقّع عزت و ذلت نداشته باشیم و در هر کاری مسئولیت خویش را انجام دهیم و نگران نتیجه‌ی کار نباشیم، چون ما مأمور به وظیفه هستیم، نه نتیجه. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرمانروایی، عزّت و ذلّت را از خدا بدانید (و توحید افعالی خویش را تقویت کنید و به غیر خدا تکیه نکنید). ۲. کارها به دست خداست (پس مسئولیت خویش را انجام دهید و غصه‌ی نتیجه‌ی کارها را نخورید). ۳. با خدا مناجات کنید و او را با صفات نیکو ستایش نمایید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی آل عمران به مظاهر قدرت خدا در تغییرات شب و روز و مرگ و حیات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. تُولِجُ الَّيْلَ فِى النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِى الَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ وَ تَرْزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيْرِ حَسَابٍ شب را در روز وارد می‌کنی، و روز را در شب وارد می‌کنی؛ و زنده را از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را از زنده بیرون آوری؛ و هر که را (شایسته بدانی و) بخواهی، بی حساب، روزی دهی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران، جمله‌ی «خدا شب را در روز و روز را در شب داخل می‌کند.» «۱» را دو گونه تفسیر کرده‌اند: الف) اشاره به تغییرات محسوس و تدریجی شب و روز، یعنی کم و زیاد شدن شب و روز در طول فصل‌های چهارگانه‌ی سال است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۷۱ ب) اشاره به طلوع و غروب تدریجی روز و شب است. البته مانعی ندارد که هر دو مطلب مقصود آیه باشد و در هر دو صورت این تغییرات تدریجی آثار سودمندی در زندگی انسان دارد. «۱» ۲. تعبیر «خدا زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد.» را می‌توان به دو صورت تفسیر کرد: الف) پیدایش حیات از موجودات بی‌جان زمین و مردن موجودات زنده که همه روزه مشاهده می‌کنیم. ب) حیات و مرگ معنوی. یعنی مؤمنان زندگان حقیقی‌اند و کافران مردگان حقیقی هستند؛ که گاهی مؤمن از پدر و مادر بی ایمان متولد می‌شود و یا به عکس. «۲» پس آیه‌ی فوق اشاره به قانون تبادل دایمی مرگ و حیات مادی و معنوی دارد که عمومی‌ترین و پیچیده‌ترین و در عین حال جالب‌ترین قانونی است که بر ما حکومت می‌کند.

۳. دریای مواهب الهی آن‌قدر وسیع و پهناور است که هر قدر به هر کس ببخشد از آن کاسته نمی‌شود و نیاز به نگاه داشتن حساب ندارد؛ چرا که سرمایه‌ی او محدود نیست تا حساب بخواهد. پس مقصود آن است که رزق فراوان و بی‌شمار می‌دهد، نه این‌که حساب از دست او خارج است؛ و این‌که روزی دادن به دست خداست، به معنای جبر نیست- چرا که انسان آزاد و با اختیار است- بلکه مقصود آن است که سرچشمه‌ی همه‌ی مواهب و رزق‌ها به دست اوست و همه‌ی امکانات را او در تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۷۲ اختیار بشر قرار می‌دهد. ای کریمی که از خزانه‌ی غیب گبر و ترسا وظیفه‌خور داری دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمن این نظر داری (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه‌ی تغییرات شبانه روز و مرگ و حیات، نشانه‌های قدرت خدا را ببینید و خداشناس‌تر شوید. ۲. حیات و مرگ و رزق شما به دست خداست (پس بر او تکیه کنید). ۳. اگر روزی بی‌شمار می‌خواهید، از خدا بخواهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی آل‌عمران استیلای کافران بر مسلمانان را نفی می‌کند و با اشاره به مسأله‌ی تقیه می‌فرماید: ۲۸. لَّا یَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْکفِرِینَ أَوْلِیَآءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِینَ وَ مَن یَفْعَلْ ذلِکَ فَلَیْسَ مِنَ اللَّهِ فِی شَیْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُواْ مِنْهُمْ تُقَیةً وَ یُحَذِّرُکُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَی اللَّهِ الْمَصِیرُ مؤمنان نباید، کافران را- به جای مؤمنان- سرپرست [و دوست خود] گیرند؛ و هر کس چنین کند، پس در هیچ چیز از [رابطه با] خدا [او را بهره‌ای] نیست. مگر آن‌که با تقیّه‌ای (خودتان را) از آنان حفظ کنید. و خدا شما را از (نافرمانی) خودش، بیم می‌دهد؛ و فرجام [شما] فقط به سوی خداست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در آیه‌ی فوق این درس مهم سیاسی و اجتماعی را به مسلمانان می‌دهد که بیگانگان را نه به عنوان سرپرست و نه به عنوان حامی و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۷۳ یاور، «۱» در هیچ کاری نپذیرند و فریب سخنان جذاب و طرح‌های جالب و اظهار محبت‌های صمیمانه‌ی آنها را نخورند. تاریخ نیز نشان می‌دهد که ضربه‌های سنگینی از طریق همین اعتمادهای بی‌جا به مسلمانان وارد شده است. اگر تاریخچه‌ی استعمارگران را مطالعه کنیم می‌بینیم آنان در لباس دل‌سوزی و عمران می‌آیند و در کشورهای اسلامی نفوذ می‌کنند و سپس بی‌رحمانه بر آنان می‌تازند و همه چیز را به یغما می‌برند. مزن با دست و بازوی توانا به دامان کسی دست تمنّا البته یادآوری این نکته لازم است که گاهی ارتباط ظاهری با کفار برای رسیدن به اهداف والاتر، مثل تحصیل علم و صنعت، جایز است ولی پذیرش سلطه‌ی آنان ممنوع است. آری، اگر مسلمانان به همین آیه‌ی قرآن عمل می‌کردند وضع کشورهای اسلامی چنین نبود. طلب را نمی‌گویم انکار کن طلب کن و لیکن به هنجار کن (جامی) ۲. «تقیّه» نوعی تغییر شکل مبارزه و یک حکم عقلی موافق فطرت انسان است؛ یعنی اسلام صریحاً اجازه داده است که در موردی که جان یا مال یا ناموس انسان در خطر است و اظهار حق، هیچ‌گونه فایده‌ی مهمی ندارد، موقتاً از اظهار حق خودداری کند و پنهانی به وظیفه‌ی خود عمل نماید تا نیروهای انسانی نابود نشوند. در تاریخ اسلام سرگذشت «عمار یاسر» مشهور است که پیامبر صلی الله علیه و آله به او تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۷۴ اجازه‌ی تقیّه دادند که هر چه مشرکان می‌خواهند با زبان بگوید تا از مرگ نجات یابد. البته تقیّه در صورتی واجب است که جان انسان، بدون فایده‌ی مهمی، به خطر بیفتد. «۱» امّا در مواردی که موجب ترویج باطل و گمراه ساختن مردم و تقویت ظلم و ستم می‌گردد، حرام و ممنوع است. آری آن‌گاه که اصل دین در خطر است تقیّه معنا ندارد و باید حسین‌وار به میدان رفت و جان خود را نثار دین کرد. از آنچه بیان شد روشن می‌گردد که تقیّه در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها حکم یک‌سانی ندارد؛ گاهی واجب و گاهی حرام و زمانی نیز مباح است. «۲» ۳. ولایت خدا با ولایت کافران جمع نمی‌شود؛ یعنی اگر کسی ولایت خدا را پذیرفت، حق ندارد ولایت کافران را بپذیرد و اگر کسی ولایت کافران را پذیرفت، ولایت و حمایت خدا از او قطع می‌شود و به حال خود واگذار می‌شود. در این حالت انسان از خدا دور می‌شود و به وادی گمراهی و دوزخ سقوط می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ولایت الهی با ولایت کافران جمع نمی‌شود. ۲. سلطه‌ی کافران بر مؤمنان ممنوع است. ۳. اگر ولایت و یاری خدا را می‌خواهید، سلطه‌ی کافران را نپذیرید. ۴. در هنگام خطر تقیّه جایز است. ۵. از (عذاب) خدا بر حذر باشید (و بر خلاف دستورات او عمل نکنید و سلطه‌ی کافران را نپذیرید). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی آل عمران هشدار می‌دهد که خدا اسرار شما را می‌داند، و می‌فرماید:

تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۷۵ ۲۹. قُلْ إِن تُخْفُواْ مَا فِی صُدُورِکُمْ أَوْ تُبْدُوهُ یَعْلَمْهُ اللَّهُ وَ یَعْلَمُ مَا فِی السَّموتِ وَ مَا فِی الأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ بگو: «اگر آنچه در سینه‌های شماست، پنهان دارید یا آشکارش کنید، خدا آن را می‌داند؛ و (نیز) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، می‌داند؛ و خدا بر هر چیزی تواناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. علم خدا حضوری و شهودی است، نه علم حصولی؛ یعنی او در همه جا حضور دارد و همه چیز در نزد او حاضر است؛ پس همه چیز را می‌داند و حتی از نیّت‌ها و مقاصد ما آگاه است و می‌داند که چه کسانی قصد دارند سلطه‌ی کافران را بپذیرند و چه کسانی واقعاً تقیّه می‌کنند. «۱» ۲. قدرت خدا به هر چیزی تعلّق می‌گیرد، پس می‌تواند هر کاری را انجام دهد، مگر آن‌که محال عقلی باشد، مثل جمع دو چیز متناقض، که در این صورت اشکال از مورد است؛ یعنی مثلًا جمع وجود یک مداد با عدم آن در یک زمان و یک مکان ممکن نیست و اصلًا قدرت به این امور تعلق نمی‌گیرد، وگرنه قدرت خدا نامحدود است و او بر انجام هر کار ممکنی تواناست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. درون و برون شما محضر خداست (پس مراقب پندارها و کردارهای خود باشید). ۲. قدرت خدا بی‌کران است (پس تهدیدهای او را جدّی بگیرید) «۲». ۳. درون و برون خود را چنان سامان دهید که متناسب با حضور خدا باشد. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۷۶ قرآن کریم در آیه‌ی سی ام سوره‌ی آل عمران به تَجسُّم اعمال در رستاخیز اشاره می‌کند و با هشدار و امید آفرینی می‌فرماید: ۳۰. یَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُّحْضَراً وَ مَا عَمِلَتْ مِن سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَیْنَهَا وَ بَیْنَهُ أَمَداً بَعِیداً وَ یُحَذِّرُکُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ روزی که هر شخصی، آنچه از [کار] نیک انجام داده و آنچه از [کار] بد انجام داده، حاضر می‌یابد؛ (و) آرزو می‌کند که بین او و بین آن [اعمال بد] فاصله [زمانیِ] زیادی بود. و خدا شما را از (نا فرمانی) خودش، بیم می‌دهد؛ و خدا [نسبت] به بندگان، مهربان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق به‌روشنی تجسّم اعمال و حضور کردار انسان در روز رستاخیز را خاطرنشان می‌سازد. همان‌گونه که در روایات نیز به این مطلب اشاره شده است، بقای اعمال انسان در قیامت باعث می‌شود که به هنگام محاسبه‌ی اعمال، هر کس تمامی اعمال خود را ببیند و در میان اعمال خود زندگی کند و رنج ببرد یا آرامش بیابد. «۱» ۲. دانشمندان مسلمان در باره‌ی پاداش و کیفر اعمال سه دیدگاه دارند: الف) برخی معتقدند که پاداش و کیفر اعمال در رستاخیز، مثل دنیا، بر اساس قرار داد است و خدا برای هر عملی کیفر و پاداش خاص مقرر کرده است. ب) برخی معتقدند که پاداش و کیفرها زاییده‌ی روح انسان است؛ زیرا اعمال نیک و بد در این جهان به صورت ملکات روحی درمی‌آید و در قیامت تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۷۷ به صورت نعمت‌ها و شکنجه‌ها ظاهر می‌شود. ج) برخی دیگر بر آن‌اند که هر عمل خوب و بد انسان، یک صورت دنیوی دارد که ما مشاهده می‌کنیم و صورتی اخروی دارد که در قیامت جلوه می‌کند و باعث راحتی یا آزار انسان می‌گردد. دیدگاه سوم با ظاهر آیه‌ی فوق و برخی آیات دیگر «۱» و روایات مطابقت دارد. ۳. عذاب اخروی به گونه‌ای دیگر است. امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: ... اساس عذاب الهی بر اعمال ماست. هر عملی که از ما صادر می‌شود در آن عالم یک صورت دارد، رد بر انسان می‌شود. این‌طور نیست که عذاب آخرت شبیه عذاب‌های دنیایی باشد که مأمورین بیایند، بکشندش و ببرندش و از باطن خود- ذات انسان- آتش طلوع می‌کند. اساس جهنّم انسان است و هر عملی که از انسان صادر می‌شود، بر شدت و مدت عمل، بر شدت و مدت عذاب می‌افزاید ... «۲» دوزخ شرری ز آتش سینه‌ی ماست جنّت اثری زین دل گنجینه‌ی ماست ۴. گناهکاران آرزو می‌کنند که میان آنها و اعمال بدشان فاصله‌ی زیادی باشد؛ و این نهایت بیزاری آنها را از کردارشان می‌رساند؛ زیرا برای ابراز تنفّر، فاصله‌ی زمانی، از فاصله‌ی مکانی رساتر است. در فاصله‌ی مکانی، احتمال حضور کاملًا نفی نمی‌شود، امّا در فاصله‌ی زمانی، به هیچ وجه احتمال حضور نیست؛ مثل دو نفر که در دو قرن متفاوت زندگی می‌کنند و همدیگر را ملاقات نمی‌کنند. زان روز بترس کاندر و پیدا آید همه‌ی کارهای پنهانی (ناصر خسرو) ۵. آیه‌ی فوق از روش تربیتی «بیم و امید» استفاده می‌کند و می‌فرماید: «خدا مردم را از مخالفت فرمان خود برحذر می‌دارد و خدا به همه‌ی بندگان مهربان است.» این یک روش تربیتی قرآن است که در همان حال که هشدار می‌دهد، از نا امید شدن افراد جلوگیری می‌کند. امّا برخی مفسران احتمال داده‌اند که جمله‌ی دوم تأکید جمله‌ی اوّل باشد.

گویـا به مـا می‌گویـد: «شـما را از کـار خطرنـاکی برحـذر می‌دارم و من به تـو مهربـانم که اعلام خطر می‌کنم.»؛ پس اعلام خطر و هشـدارهای خـدا نیز نشـانه‌ی محبّت اوست. ما بسـی گم گشـته بازآورده‌ایم ما بسـی بی‌توشه را پرورده‌ایم ما بخوانیم ار چه ما را رد کننـد عیب‌پوشـی‌ها کنیم ار بـد کنند (پروین) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رسـتاخیز تجسم اعمال نیک و بد شـماست. ۲. قبـل از آن‌که در رستاخیز از اعمال بد خود بگریزید (در همین دنیا از آنها بپرهیزید). ۳. از قهر الهی بپرهیزید و به مهر او پناه آورید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سـی و یکم سوره‌ی آل‌عمران به محبت خـدا و آثـار آن اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۳۱. قُلْ إِن کُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ تفسیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۷۹ بگو: «اگر همواره خـدا را دوست می‌دارید، پس از من پیروی کنیـد؛ تا خدا دوسـتتان بدارد؛ و بیامد (گناهان) شـما را برایتان بیامرزد؛ و خدا بسـیار آمرزنده مهرورز است.» شأن نزول: حکایت شده که گروهی در حضور پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله ادعای دوستی خدا می‌کردند، در حالی که به برنامه‌های الهی کم‌تر عمل می‌کردنـد. آیه‌ی فوق (و آیه‌ی بعد) نازل شد «۱» و به آنان پاسـخ گفت و بیان داشت که محبّت تنها یک علاقه‌ی قلبی نیست، بلکه بایـد آثـار آن در عمـل انسان منعکس شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اثر طبیعی محبت آن است که انسـان را به سوی محبوب و خواسـته‌های او می‌کشاند. محبت راستین حتماً آثار عملی دارد و عاشق را با معشوق پیوند می‌دهد و در مسیر خواسته‌های او به تلاشـی پرثمر وا می‌دارد. ۲. عشق به هر چیز به خـاطر کمال آن است. اگر انسان به خـدا عشق و محبت دارد به خاطر آن اسـت که او سرچشـمه‌ی هر نوع کمال است. مسـلماً چنین وجودی تمام برنامه‌ها و دستوراتش نیز کامل است و در این حال چگونه ممکن است انسانی عاشق کمال و تکامل باشد و از برنامه‌های الهی سـر باززند. سـرپیچی از دستورات معشوق، نشانه‌ی عدم واقعیت عشق و محبت اوست؛ پس نشانه‌ی عشق و محبت به خدا پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله و برنامه‌های خدایی اوست. ۳. از آن‌جا که خدا وجودی کامـل است، بـا هر موجودی که در مسیر تکامـل تفسـیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۸۰ گـام بر دارد، سـنخیّت دارد و پیوند محبت برقرار می‌کنـد و محبت دوطرفه می‌شود. از این‌جا روشن می‌شود که محبت یک‌طرفه وجود نـدارد، چرا که هر محبتی عاشـق را دعوت می‌کند که در راستای خواسته‌های محبوب گام بردارد و در چنین حالی، به طور قطع، محبوب نیز به او علاقه پیدا می‌کند. گفت پیغمبر که چـون کوبی دری عـاقبت زان در برون آیـد سـری چون نشـینی بر سـر کوی کسـی عـاقبت بینی تو هم روی کسـی (مولوی) ۴. در روایات متعددی از پیشوایان اسـلام نقل شده که «دین چیزی جز محبت نیست.» و از امام صادق علیه السلام حکایت شده که «آیا دین چیزی جز محبت است!» سـپس حضرت آیه‌ی مورد بحث را تلاوت فرمودند.» و در روایتی دیگر از همان حضرت حکایت شـده که کسـی که گناه می‌کنـد خدا را دوست نمی‌دارد. «۲» مقصـود این روایـات آن است که روح و حقیقت دین همـان ایمان و عشق به خداست؛ عشـقی که سراسر وجود انسان را فرا گیرد و آثار آن در پیروی از فرمان خدا ظاهر شود. ۵. منازل دوستی: خلیل «۳» گفـت: هر که بر پی مـاست او از مـاست. «۴» تفسـیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۸۱ حبیب «۱» گفت: هر که بر پی ماسـت دوست خداست. «۲» و برتر از حـال دوستی حـالی نیست، خوش‌تر از ایـام دوستی روزگاری نیست. از دیـده و دوست فرق کردن نه نکوست یا اوست به جای دیـده، یا دیـده خود اوست «۳» دوستی سه منزل است: هوی، صـفت تن؛ محبت، صـفت دل؛ عشق، صفت جان. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر ادعایی در عمل اثبات می‌شود؛ از این رو پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله نشانه‌ی عشق به خداست. ۲. اگر می‌خواهید خدا شـما را دوست بدارد و ببخشد، باید از سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کنید. ۳. اطاعت از رهبر الهی، پیونـد دوستی شـما را بـا خـدا محکم می‌سازد. *** تفسیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۸۲ خـدا چه کسـانی را دوست دارد؟ ۱. خدا نیکوکـاران را دوسـت دارد (بقره، ۱۹۵ و آل‌عمران، ۱۲۴). ۲. خـدا تـوبه کننـدگان را دوست دارد (بقره، ۲۲۲). ۳. خـدا پاکان را دوست دارد (بقره، ۲۲۲). ۴. خـدا پارسایان خودنگه‌دار را دوست دارد (آل‌عمران، ۷۶). ۵. خدا صابران با اسـتقامت را دوست دارد (آل‌عمران، ۱۴۶). ۶. خـدا تکیه کننـدگان و توکـل کننـدگان بر او را دوست دارد (آل‌عمران، ۱۵۹). ۷. خـدا دادگران عدل‌پیشه را دوست دارد (مائده، ۴۲). ۸. خدا مجاهدان و رزمندگان اسـتوار را دوست دارد (صف، ۴). ۹. خدا پیروان پیامبر اسلام صلی الله علیه

و آله را دوست دارد (آل‌عمران، ۳۱). خدا چه کسانی را دوست ندارد؟ ۱. خدا تجاوزکاران را دوست ندارد (بقره، ۱۹۰). ۲. خدا فسادگران را دوست ندارد (بقره، ۲۰۵). ۳. ناسپاسان گناهکار محبوب خدا نیستند (بقره، ۲۷۶). ۴. خدا کافران را دوست ندارد (آل‌عمران، ۳۲). ۵. خدا ستمکاران را دوست ندارد (آل‌عمران، ۵۷ و ۱۴۰). ۶. افراد خیال‌پرداز فخرفروش محبوب خدا نیستند (نساء، ۳۶). ۷. خدا اسرافکاران را دوست ندارد (انعام، ۱۴۱ و اعراف، ۳۱). ۸. خدا خائنان را دوست ندارد (انفال، ۵۸). ۹. مستکبران محبوب خدا نیستند (نحل، ۲۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۸۳

داستان مریم پاک و فرزندش

داستان مریم پاک و فرزندش قرآن کریم در آیه‌ی سی و دوّم سوره‌ی آل عمران همگان را به اطاعت از خدا و پیامبرش فرا می‌خواند و با هشدار به عصیان‌گران می‌فرماید: ۳۲. قُلْ أَطِیعُواْ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْکفِرِینَ بگو: «از خدا و فرستاده (او)، اطاعت کنید؛ و اگر روی برتافتند، پس در حقیقت خدا کافران را دوست نمی‌دارد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از این‌که فعل «اطیعوا» یک بار آمده است استفاده می‌شود که اطاعت خدا و پیامبر از هم جدا نیستند؛ اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله اطاعت خداست و اطاعت خدا اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله است. پیامبر صلی الله علیه و آله دستورات خدا را ابلاغ می کند و از این رو در آیه‌ی قبل سخن از تبعیت از پیامبر صلی الله علیه و آله بود و در این آیه اطاعت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله هر دو مطرح است. ۲. سرپیچی از فرمان خدا و پیامبر نشانه‌ی کفر و ناسپاسی است و ناسپاسان نمی‌توانند ادعای دوستی با خدا را بنمایند و خدا نیز این افراد را دوست ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اطاعت خدا و پیامبر ملازم یکدیگر است. ۲. نافرمانی در برابر خدا و پیامبر، نشانه‌ی کفر و ناسپاسی و موجب محرومیت انسان از محبت الهی می‌شود. ۳. اگر طالب دوستی خدا هستید، نافرمانی نکنید. *** قرآن کریم در آیات سی و سوّم و سی و چهارم سوره‌ی آل‌عمران به برگزیدگان جهان اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۳ و ۳۴. إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَی ءَادَمَ وَ نُوحاً وَ ءَالَ إِبْرهِیمَ وَ ءَالَ عِمْرنَ عَلَی الْعلَمِینَ* ذُرِّیَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۸۴ در واقع خدا، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان (برتری داد، و) برگزید.* در حالی که [آنان] نسلی بودند که برخی آنها از برخی [دیگر] ند. و خدا شنوای داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال پیامبران را هم از نظر تکوینی (وجودی) و هم از نظر تشریعی (قانونی و قراردادی) از جهانیان برگزید؛ یعنی از آغاز، آفرینش آنان را آفرینش ممتازی قرار داد، تا زمینه‌ی مساعدی برای هدایت نوع بشر به وجود آید- هر چند در پیمودن راه حق مجبور نبودند- سپس به خاطر اطاعت فرمان خدا و تقوا و تلاش آنها در راه هدایت انسان‌ها، یک نوع امتیاز اکتسابی و قانونی به دست آوردند که با امتیاز ذاتی آنها آمیخته شد و به صورت «انسان‌های برگزیده» «۱» درآمدند. ۲. در این‌جا این پرسش مطرح می‌شود که آیا قرار دادن امتیاز ذاتی برای پیامبران یک نوع تبعیض به شمار نمی‌آید؟ پاسخ آن است که آفرینش نظام‌مند، چنین تفاوتی را ایجاب می کند. همان‌گونه که در بدن انسان هم سلول‌های ظریف چشم مورد نیاز است و هم سلول‌های سخت استخوان، و یکسان بودن آنها نظام ساختمان بدن را در هم فرو می‌ریزد، در بین انسان‌ها نیز لازم است تفاوت‌هایی باشد. البته این امتیاز پیامبران همراه با مسئولیتی عظیم است؛ یعنی به همان نسبت که رهبران بشر امتیاز دارند، مسئولیت نیز دارند. از این گذشته، دارا بودن امتیازات ذاتی برای نزدیکی انسان به خدا کافی نیست و باید با امتیازات اکتسابی همراه باشد. ۳. قرآن کریم در این آیه در صدد شمارش تمام برگزیدگان و پیامبران تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۸۵ خدا نیست، بلکه به جمعی از آنها اشاره دارد و برگزیدگان خاندان ابراهیم علیه السلام، شامل موسی و عیسی علیهما السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز می‌شود، «۱» هر چند این تعبیرات شامل تمام فرزندان ابراهیم و عمران علیهما السلام نمی‌شود، چرا که همه‌ی آنها برگزیده نیستند و حتی ممکن است در بین آنها کافر نیز وجود داشته باشد. اشاره‌ی مجدد به مریم و عیسی علیهما السلام در تعبیر «آل عمران» بدان جهت است که این آیه مقدمه‌ای برای شرح حال آنان در آیات بعد است. ۴. در

تاریخ، سه تن با نام عمران مشهور بودند: پدر مریم و پدر موسی و پدر علی علیهم السلام که در این‌جا مقصود پدر مریم علیها السلام است که در آیات بعد شرح حال او می‌آید. ۵. در برخی تفاسیر قرآن به آیه‌ی فوق برای معصوم بودن پیامبران و اهل بیت علیهم السلام استدلال شده است. «۲» چرا که خدای متعال هرگز افراد گناهکار و آلوده به شرک، کفر و فسق را انتخاب نمی‌کند. ۶. مقصود از واژه‌ی «العالمین» در این‌جا مجموعه‌ی جامعه‌ی انسانیت در طول تاریخ است؛ یعنی پیامبران فوق از تمام ملّت‌ها برگزیده شدند و بر تمام مردم جهان در طول تاریخ برتری دارند. آری، همه‌ی انسان‌ها در یک سطح نیستند و خدای حکیم بعضی از آنها را به رهبری و پیامبری مردم برگزیده است. ۷. پیامبران برگزیده‌ی الهی از نظر تسلیم بودن، پاکی، تقوا و تلاش برای راه‌نمایی بشر، همانند یکدیگر و هم‌چون نسخه‌های متعدد یک کتاب بودند که هر یک از دیگری اقتباس شده باشند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۸۶ ۸. خدا مراقب کوشش‌ها و فعالیّت‌های پیامبران است و سخنان آنان را می‌شنود و از اعمال آنان آگاه است. این جمله به مسئولیت‌های سنگین برگزیدگان، در برابر خدا و خلق اشاره دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی شما در نزد خدا یکسان نیستید، بلکه خدا (براساس شایستگی‌ها) برخی افراد را از میان جهانیان (برای نبوّت و رهبری) برگزیده است. ۲. به آدم، نوح و خاندان ابراهیم و عمران علیهم السلام توجه ویژه کنید که خدا به آنان عنایت دارد. ۳. پیامبران الهی با یکدیگر پیوند دارند و از نسلی (پاک) بوده‌اند. *** قرآن کریم از آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی آل عمران به بعد سرگذشت مریم علیها السلام را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۳۵. إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَنَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَکَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّراً فَتَقَبَّلْ مِنِّی إِنَّکَ أَنتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (به یاد آرید) هنگامی که زن «عمران» گفت: «پروردگارا! در واقع من آنچه را در شکم خود دارم، برای تو نذر کردم، در حالی که آزاد [برای خدمتگذاری بیت‌المقدس] باشد. پس از من بپذیر، که تنها تو شنوا [و] دانایی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ماجرای تولد مریم را برخی از مفسران قرآن و تاریخ نگاران این‌گونه گزارش کرده‌اند: همسران عمران و زکریای پیامبر خواهر بودند و هیچ یک تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۸۷ بچه دار نمی‌شدند. «۱» روزی همسر عمران زیر درختی نشسته بود و پرنده‌ای را دید که به جوجه‌هایش غذا می‌دهد، محبّت مادرانه، آتش عشق فرزند را در وجودش شعله‌ور ساخت و در همان حال از خدا درخواست فرزند کرد و دعایش مستجاب شد. از سوی دیگر، به شوهرش عمران الهام شد که فرزندی از اولیای خدا به او داده خواهد شد که بیماران را شفا می‌دهد و مردگان را زنده می‌کند. او جریان را با همسرش در میان گذاشت؛ از این رو هنگامی که همسرش حامله شد، پیش‌بینی کرد که آن فرزندی که کارهای خارق العاده انجام می‌دهد، حتماً پسر است؛ لذا همسر عمران نذر کرد فرزندش را خدمتکار بیت المقدس کند، امّا چون نوزاد به دنیا آمد، مشاهده کردند که دختر است و نام او را «مریم» گذاردند و در آن حال متوجه شدند که آن الهام در مورد فرزند مریم (یعنی عیسی علیه السلام) بوده است. آیه‌ی فوق به نذر همسر عمران اشاره می‌کند. ۲. واژه‌ی «مُحَرَّر» به معنای آزاد ساختن است و در اصطلاح به فرزندانی گفته می‌شد که برای خدمت‌گذاری در معبد بیت المقدس تعیین می‌شدند تا نظافت و خدمات آن را به عهده گیرند و به هنگام فراغت مشغول نیایش و عبادت پروردگار شوند. به این‌گونه افراد مُحَرَّر می‌گفتند چرا که از هرگونه خدمت به پدر و مادر آزاد بودند. برخی مفسران حکایت کرده‌اند که این افراد تا زمان بلوغ خدمت می‌کردند و بعد از آن آزاد بودند که به همان وضع ادامه دهند یا از معبد بیرون روند. «۲» ۳. افراد دوراندیش قبل از تولّد فرزند به فکر سرنوشت و سعادت او هستند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۸۸ ۴. موضوع نذر، پیشینه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد و تاریخ آن به پیش از تولد مسیح علیه السلام برمی‌گردد. ۵. خدمت به مسجد و پایگاه عبادت خدا به قدری ارزشمند است که اولیای خدا عزیزان خود را قبل از تولد نذر آن می‌کردند از میلیون‌ها نذری که در تاریخ شده، خدا از این نذر یاد کرده است. ۶. نذر برای خداست و با عشق به او ادا می‌شود هرچند در اختیار مکان (یا شخص) مقدسی قرار گیرد. ۷. صحت عبادت غیر از قبولی آن است؛ برای مثال اگر نمازی با تمام شرایط و به صورت کامل انجام گیرد، صحیح است و تکلیف را از دوش انسان برمی‌دارد، امّا قبولی نماز امری معنوی است که بستگی به اموری مثل حضور قلب و پذیرش ولایت دارد. در آیه‌ی فوق، مادر مریم علیها السلام با آن که عزیزترین چیزها

را نـذر کرد، بـاز هم به فکر قبولی عمل است و از خـدا می‌خواهـد که آن را بپـذیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قبل از تولـد فرزندانتان به فکر سرنوشت آنان باشید. ۲. برای پروردگار نذر کنید و در اندیشه‌ی قبولی آن باشید. ۳. عزیزترین چیزها را برای خدا نذر کنید. ۴. آزادی واقعی در گرو بندگی برای خدا و خدمت‌گزاری آستان اوست. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و شـشم سوره‌ی آل عمران، جریان تولـد مریم و نام‌گذاری او را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۳۶. فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّی وَضَعْتُهَآ أُنثَی وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَ لَیْسَ الـذَّکَرُ کَالأُنثَی وَ إِنِّی سَمَّیْتُهَا مَرْیَمَ وَ إِنِّی أُعِیـذُهَا بِکَ وَ ذُرِّیَّتَهَا مِنَ الشَّیْطَنِ الرَّجِیم تفسیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۸۹ و [لی] هنگامی که او را بزاد، گفت: «پروردگارا! در واقع من او را دختر زاده‌ام.- و خدا به آنچه (او) زاده بود، داناتر است- و پسر، همانند دختر نیست. و در حقیقت من او را مریم نامیـدم؛ و در واقع من، او و نسـلش را از (وسوسه‌هـای) شیطان رانـده شـده، در پناه تو قرار می‌دهم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد جمله‌ی «پسر همانند دختر نیست.»، دو تفسیر وجود دارد: برخی از مفسران معتقدند که این سخنِ مادر مریم است که این مطلب با قراین موجود در آیه و روایات نیز تأییـد می‌شود «۱» و مقصود ازاین جمله آن است که برای هـدفی که من نـذر کردم (یعنی خدمت‌گـذاری بیت‌المقـدس)، دختر و پسر یکسان نیسـتند و معمولًا پسران برای خـدمتکاری نـذر می‌شونـد. برخی دیگر از مفسـران معتقدنـد که این جمله از خـداست و مقصـود آن است که پسـران معمولی مثـل چنین دختـری که عیسـی علیه السـلام از او متولد می‌شود، با ارزش نیستند «۲» و سیاق آیه نیز همین احتمال را تقویت می‌کنـد. «۳» ۲. جمله‌ی «خدا به آنچه او زاده داناتر است.»، یک جمله‌ی مُعترضه است و بـدین معناست که لزومی نـداشت مادر مریم بگویـد خـدایا من دختر به دنیا آوردم، زیرا خـدا از آنچه او به دنیا آورده بود آگاه بود. ۳. واژه‌ی «مریم»، که ۳۴ مرتبه در قرآن آمـده است، در لغت به معنای «زن عبادت‌گر» است و انتخاب این نام توسط مادرش، نهایت عشق و علاقه‌ی این مادر پاک را برای نـذر فرزنـدش در مسیر بندگی خدا نشان می‌دهد. ۴. مـادر نیز حقّ نام‌گـذاری فرزنـد خود را دارد؛ البته سزاوار است که هم‌چون مـادر مریم، نـام نیکو و الهام بخش بر فرزندانمان بگذاریم. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۹۰ ۵. افراد دور انـدیش به فکر نام نیکو و آینده‌ی فرزندان خود و حتی به یاد نسل او نیز هستند و برای آنان دعا می‌کننـد و خطرهای راه آنها و دشـمنانشان را یادآوری می‌کننـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشکلات خود را با خـدا در میان بگذارید و با او درد دل کنید. ۲. هر پسری همانند دختر نیکو نیست. ۳. نام نیک برای فرزندان خود انتخاب کنید. ۴. در هنگام تولد و نام‌گذاری برای فرزند خود و نسل او دعا کنید. ۵. به فکر آینده‌ی فرزندان و نسل خود باشید و خطرها را به آنان گوشـزد کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی آل عمران از قبولی مریم برای خدمت‌گزاری بیت‌المقدس خبر می‌دهد و مراحل رشد او را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۳۷. فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أَنبَتَهَا نَبَاتاً حَسَناً وَ کَفَّلَهَا زَکَرِیَّا کُلَّمَا دَخَلَ عَلَیْهَا زَکَرِیَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنـدَهَا رِزْقاً قَالَ یمَرْیَمُ أَنَّی لَکِ هذا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَن یَشَآءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ و پروردگارش او [مریم] را با قبول نیکویی پذیرفت؛ و او را با رشد نیکویی پروراند؛ و زکریا را سرپرست وی قرار داد. زکریا هرگاه که در محراب بر او وارد می‌شـد، غـذای (مخصوصـی) نزد او می‌یـافت. گفـت: «ای مریـم! ایـن از کجـا برای تـو [آمـده] اسـت؟!» گفـت: «این از نزد خـداست. که خـدا هر کس را [شایسـته بدانـد و] بخواهد، بی‌شـمار روزی می‌دهد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «رویانیـدن» که در مورد پرورش مریم علیها السـلام به کار رفته است، تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۹۱ اشاره به تکامل معنوی، روحانی و اخلاقی او دارد. آری کار خدا رویانیدن و پرورش استعدادهای نهفته است هم‌چون باغبان که گل را پرورش می‌دهد؛ پس هر کسی که تحت تربیت مربیان الهی قرار گیرد، به سرعت رشد می‌یابد و استعدادهای نهفته‌اش آشکار می‌گردد. آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشـد آبت از بالا و پست (مولوی) ۲. «مِحراب» محل مخصوصـی است که در معبـد برای امام معبد یا افراد خاصـی در نظر گرفته می‌شـود و دربـاره‌ی علت نام‌گـذاری آن دو جهت ذکر شـده است: الف) محراب از مـاده‌ی «حرب» به معنـای جنگ است؛ چرا که مؤمنان در این محل با شیطان و هوس‌های سرکش مبارزه می‌کننـد. ب) محراب در اصل به معنای بالای مجلس است و چون محل محراب در بالای معبـد قرار دارد، به این نـام نامیـده شـده است. البته محراب‌هـای یهودیـان در آن زمـان کمی بالاتر از زمین ساخته

می‌شد و دیوارهایی مانند اطاق داشت. «۱» ۳. در مورد این‌که چه غذاهایی و از کجا برای مریم علیها السلام می‌آمده است دو احتمال وجود دارد: الف) نوعی از میوه‌های بهشتی بوده که به فرمان خدا در غیر فصل آن آماده می‌شده، که در برخی روایات نیز بدان اشاره شده است. ب) همین غذاهای معمولی دنیا بوده که در قحط سالی، توسط مردی نجار، به مریم هدیه می‌شد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۹۲ ۴. برخی تفسیرهای قرآن حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت کرده‌اند که در زمان قحطی از فاطمه علیها السلام پرسیدند: «این همه غذا از کجا آمده است؟» فاطمه علیها السلام جواب دادند: «این از نزد خداست.» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شکر خدا که دخترم همانند مریم است.» «۱» ۵. قبولی اعمال درجاتی دارد و خدای متعال مریم را به نیکی پذیرفت؛ آری، کسی که با اخلاص است، خدا او و کارش را به نیکی می‌پذیرد. ۶. مادر مریم نذر کرد که کودکش خادم خانه‌ی خدا باشد و خدا در مقابل پیامبری مثل زکریا را در خدمت این کودک قرار داد. ۷. اگر خدا کسی را بپذیرد، پرورش مستقیم و سرپرستی غیر مستقیم او را به بهترین صورت انجام می‌دهد و رزق او را تأمین می‌کند؛ پس بکوشیم در قدم اوّل چنان باشیم که پروردگار ما را بپذیرد. ۸. اراده‌ی خدا تابع حکمت اوست؛ پس مقصود از روزی بی‌حساب آن نیست که بدون برنامه به کسی روزی می‌دهند، بلکه خدا براساس حکمت خود و شایستگی افراد به برخی افراد رزق بی‌شمار می‌بخشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تلاش کنید کار نیک شما را خدا به خوبی بپذیرد، که اگر پذیرفت، رشد و کفالت و رزق شما را تأمین می‌کند. ۲. اولیای الهی تحت سرپرستی و تربیت خاص الهی قرار می‌گیرند. ۳. بانوان اگر رزق ویژه می‌خواهند مریم‌وار زندگی کنند. ۴. کفیل‌ها در مورد زندگی افراد تحت سرپرستی خود حسّاس باشند و از آنها بازپرسی کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۹۳ قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی آل عمران به دعای زکریای پیامبر و فرزند خواستن او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۸. هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَآءِ در آن‌جا زکریا، پروردگارش را خواند [و] گفت: «پروردگارا! از جانب خود، نسلِ پاکیزه‌ای به من ببخش، که تو شنونده دعایی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. همسر زکریا و مادر مریم، با هم خواهر و هر دو نازا بودند. هنگامی که مادر مریم به لطف پروردگار صاحب فرزندی شایسته شد و زکریا ویژگی‌های شگفت‌آور او را دید- با این‌که خود و همسرش کهن سال بودند- از موقعیت استفاده کرد و او هم از خداوند فرزندی پاک و با تقوا، همچون مریم درخواست کرد. ۲. از دعای زکریای پیامبر متوجه می‌شویم که ارزش فرزند به پاکی اوست؛ البته فرزند پاک، کسی است که از آلودگی‌های عقیدتی، اجتماعی و اخلاقی به دور باشد. چو خواهی که نامت بماند به جای پسر را خردمندی آموز و رآی چو فرهنگ و رایش نباشد بسی بمیری و از تو نماند کسی (سعدی) ۳. عمل زکریای پیامبر نوعی غبطه بود، نه حسادت. حسد آن است که انسان بخواهد که نعمت دیگران نابود شود؛ و غِبطه آن است که هنگام دیدن نعمت دیگران، از خدا بخواهد که او نیز مثل آن نعمت را داشته باشد. حسد تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۹۴ ورزیدن نقص است، امّا غبطه اشکالی ندارد. ۴. زکریای پیامبر، تنها درخواست فرزند نکرد، بلکه درخواست نسل (ذُرّیّه) کرد تا استمرار داشته باشد. این مطلب، علاوه بر توجه به خدا، آینده‌نگری او را نشان می‌دهد و آموزه‌ای است برای ما. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام دیدن نعمت‌های دیگران غبطه بخورید و از خدا آن را بخواهید (ولی حسادت نورزید). ۲. آینده‌نگر باشید و در دعاها از خدا نسل نیکو بخواهید. ۳. فرزند پاک و پاکیزه از خدا بخواهید (که هر فرزندی مفید نیست). ۴. موقعیت‌شناس باشید و موانع استجابت دعا را بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی آل عمران به اجابت دعای زکریا و بشارت تولد یحیی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹. فَنَادَتْهُ الْمَلٰئِكَةُ وَ هُوَ قَآئِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقاً بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَ سَيِّداً وَ حَصُوراً وَ نَبِيّاً مِّنَ الصلِحِينَ و در حالی که او در محراب ایستاده، نیایش می‌کرد، فرشتگان او را ندا در دادند، که: «خدا تو را به «یحیی» مژده می‌دهد؛ در حالی که تأیید کننده کلمه‌ی خدایی [: مسیح]، و سَروَر و خویشتندار، و پیامبری از شایستگان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «یحیی» از ماده‌ی حیات و به معنای «زنده می‌ماند» است که به عنوان اسم یک پیامبر بزرگ، قبل از تولد او، انتخاب شد و این نام بی سابقه تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص:

۹۵ بود. «۱» ۲. مقصود از واژه‌ی «کَلِمهٔ» در آیه‌ی فوق و برخی دیگر از آیات قرآن همان حضرت مسیح علیه السلام است. آری، عیسی کلمه و نشانه‌ای از خداست، نه فرزند او. «۲» ۳. یحیی شش ماه از عیسی علیه السلام بزرگ‌تر بود، ولی نخستین کسی بود که نبوت او را تأیید کرد و چون در میان مردم به پاکی و زهد مشهور بود، گرایش او به مسیح، اثر عمیقی در توجه مردم به نبوت و دعوت او داشت. ۴. در این‌جا این پرسش مطرح می‌شود که آیا ترک ازدواج افتخاری برای یحیی به شمار می‌آید که در آیه‌ی فوق بدان اشاره شده است؟ «۳» پاسخ آن است که اولًا، دلیل قاطعی نداریم که واژه‌ی «حَصُور» به معنای ترک کننده‌ی ازدواج باشد؛ پس بعید نیست که به معنای ترک کننده‌ی شهوات و دنیاپرستی باشد. ثانیاً، یحیی و عیسی به خاطر شرایط خاص و سفرهای متعددی که برای تبلیغ دین خدا داشتند، به‌ناچار ازدواج نکردند، ولی این یک قانون کلّی برای همه و در هر شرایطی نیست. قانون ازدواج یک قانون فطری است که در اسلام و دیگر ادیان بدان توجه شده است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۹۶ ۵. در ادیان پیشین نیز نماز و نیایش، به نوعی، بوده است هر چند ممکن است کمیت و کیفیت آن با نماز مسلمانان متفاوت بوده باشد. ۶. گاهی برخی از فرشتگان الهی با انسان سخن می‌گویند. این سخن ممکن است به صورت وحی یا الهام درونی و یا نوعی مکاشفه باشد؛ یعنی فرشتگان مجسم شوند و با انسان سخن بگویند. ۷. در آیه‌ی سی و هفتم این سوره و در آیه‌ی فوق از محراب عبادت سخن گفته شد. این آیات به این نکته اشاره دارند که انتخاب محلی برای عبادت به نام محراب، نیکوست؛ همان‌طور که انتخاب مکانی خاص برای عبادت در منزل نیکوست و موجب تمرکز و توجه بیش‌تر به خدا می‌شود و از موانع و مزاحمت‌ها می‌کاهد. ۸. مقصود از سیادت و سروری یحیی آن است که او از نظر علم و عمل الگو و رهبر و سرور مردم بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد استجابت دعاها امیدوار باشید که ممکن است مژده‌ی الهی در راه باشد. ۲. تأیید رهبران الهی، سروری و خویشتن‌داری، از صفات پیامبران صالح خداست (پس شما نیز پیرو آنان باشید). ۳. نماز خود را در مکان خاص (محراب) به جا آورید. ۴. انسان می‌تواند به مقامی برسد که فرشتگان با او سخن بگویند. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی آل عمران به تعجب زکریا و اراده‌ی الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰. قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَمٌ وَ قَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَ امْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ [زکریا] گفت: «پروردگارا! چگونه برای من پسری خواهد بود، در حالی که بیقین «پیری»، به سراغ من آمده، و زنم نازاست؟!» [ندا کننده] گفت: «این گونه خدا هر چه را [شایسته بداند و] بخواهد انجام می‌دهد.» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۹۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. با توجه به قدرت بی پایان پروردگار، تعجب و شگفتی زکریا از چه بود؟ او می‌خواست بداند: چگونه ممکن است از یک زن نازا فرزندی متولد شود و چه تغییراتی در وجود او پیدا می‌شود. زکریا به قدرت خدا ایمان داشت امّا می‌خواست این ایمان او به مرحله‌ی شهود و مشاهده برسد و به چنین مرحله‌ای از اطمینان نایل گردد. ۲. اراده‌ی خدا بر هر چیز طبیعی غلبه دارد؛ چون او علهٔ العلل است و علیت او فوق علل طبیعی است؛ پس اگر خدا بخواهد، در حالت پیری و عقیمی نیز فرزند عطا می‌کند، پس هیچ‌گاه از استجابت دعا مأیوس نشویم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در شرایط غیرطبیعی نیز دعا کنید و از خدایاری بجویید که ممکن است به استجابت برسد. ۲. اراده‌ی خدا بر اسباب طبیعی غالب است. ۳. موانع طبیعی (مثل پیری و عقیم بودن) شما را مأیوس نسازد، که اراده‌ی الهی موانع طبیعی را نیز برطرف می‌سازد. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و یکم سوره‌ی آل عمران به نشانه‌های خدا و یادمان او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۱. قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّي ءَايَةً قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَثَةَ أَيَّام إِلَّا رَمْزاً وَ اذْكُر رَّبَّكَ كَثِيراً وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكرِ [زکریا از روی شوق] گفت: «پروردگارا! برای من نشانه‌ای قرار ده.» فرمود: «نشانه‌ات این است که [به تو دستور می‌دهم که] سه روز، جز به رمز با مردم سخن نگویی. و پروردگارت را بسیار یاد کن؛ و به هنگام صبح و عصر [او را] تسبیح گوی.» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۹۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هنگامی که به زکریا علیه السلام مژده داده شد که فرزندی به او عطا می‌شود، از روی شوق درخواست کرد که نشانه‌ای برای زمان تحقّق این مطلب بیان شود و در پاسخ اعلام شد که: زمان تحقّق این وعده، هنگامی است که به تو دستور می‌دهم که سه روز روزه بگیری. «۱» ۲. روزه‌ی سکوت یک دستور الهی بود «۲» که زکریا علیه السلام مأمور

اجرای آن شد و در این روزه حق سخن گفتن با کسی را نداشت، مگر به صورت رمز «۳» یا ذکر و تسبیح خدا. روزه‌ی سکوت در برخی ادیان پیشین بوده، اما در اسلام چنین روزه‌ای واجب نشده است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۹۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یاد فراوانِ خدا، به ویژه در صبحگاهان و عصرگاهان مطلوب است. ۲. در موارد لزوم، از خدا نشانه بخواهید (که به لطف خود عنایت می‌کند). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و دوّم سوره‌ی آل عمران به گفتگوی فرشتگان با مریم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۲. وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلئِکَةُ یمَرْیَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَیکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصْطَفَیکِ عَلَی نِسَآءِ الْعلَمِینَ و (به یاد آرید) هنگامی که فرشتگان گفتند: «ای مریم! در حقیقت خدا تو را برگزیده و تو را پاک ساخته؛ و تو را بر زنان جهانیان، (برتری داده و) برگزیده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرشتگان ممکن است با غیر پیامبران نیز سخن بگویند، هم‌چنان که با مریم علیها السلام سخن گفتند و این حاکی از مقام بلند مریم است که شایسته‌ی گفت‌وگو با فرشتگان شده است. ۲. مریم بزرگ‌ترین شخصیت زن در عصر خود بود. در این مورد حدیث‌های متعددی نیز حکایت شده که سرآمد زنان جهان چهار نفرند: مریم، آسیه (زن فرعون)، خدیجه و فاطمه علیهما السلام. «۱» این موضوع با آنچه در مورد بانوی اسلام، فاطمه علیها السلام، رسیده که برترین بانوی جهان است منافات ندارد؛ چرا که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام حکایت شده که مریم بانوی زنان زمان خود بود، امّا فاطمه بانوی همه‌ی بانوان تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۰۰ جهان از اولین و آخرین است. «۱» عالم صدف است و فاطمه گوهر او گیتی عَرَض است و این گهر جوهر او ۳. تکرار تعبیر «تو را برگزید»، شاید بدین سبب است که در مرتبه‌ی اوّل اشاره به صفات عالی انسانی مریم می‌کند و به عنوان انسان برگزیده از او نام می‌برد و در مرتبه‌ی دوم اشاره به برتری او بر همه‌ی زنان معاصر خود می‌کند. ۴. کمالات معنوی مخصوص مردان نیست بلکه بانوان هم می‌توانند به مقامات عالی معنوی برسند به طوری که فرشتگان با آنان سخن بگویند و انسانی برگزیده شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بانوان می‌توانند به مقامات عالی معنوی برسند و با فرشتگان سخن گویند و برگزیده‌ی الهی شوند. ۲. بین پاکی زنان و مقام عالی برگزیدگی الهی، رابطه‌ای هست. ۳. بانوان اگر می‌خواهند به مقامات عالی برسند پاک باشند (و خدا را عبادت کنند) «۲». *** در آیه‌ی چهل و سوّم سوره‌ی آل عمران مریم علیها السلام به عبادت و فروتنی فرا خوانده می‌شود و می‌فرماید: ۴۳. یمَرْیَمُ اقْنُتِی لِرَبِّکِ وَ اسْجُدِی وَ ارْکَعِی مَعَ الرَّ کِعِینَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۰۱ ای مریم! برای پروردگارت فرمانبرداری فروتن باش و سجده به جای آور؛ و با رکوع کنندگان، رکوع نمای. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل فرشتگان با مریم سخن گفتند و در این آیه سه دستور به مریم علیها السلام می‌دهند که عبارت‌اند از: الف) قنوت در برابر پروردگار که به معنای فروتنی و فرمانبرداری مستمر است. ب) سجود، که به معنای فروتنی کامل در برابر خداست. ج) رکوع، که آن نیز نوعی فروتنی در پیشگاه الهی است. ۲. جمله‌ی «با رکوع کنندگان رکوع کن.» ممکن است اشاره به نماز جماعت و یا پیوستن به جمعیت نمازگزاران و فروتنان در برابر خدا باشد. «۱» ۳. لازم است که افراد بر جسته تواضع و عبادتشان بیش‌تر از دیگران باشد، همان‌گونه که نماز شب بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله واجب بود ولی برای دیگران مستحب است؛ از این رو خدا برخی افراد برگزیده را تحت تربیت خویش قرار می‌دهد و برای آنان برنامه‌ی عبادی خاصی مشخص می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افراد برجسته و برگزیدگان الهی فروتنی و عبادت بیش‌تری داشته باشند. ۲. عبادات خود را به صورت دسته جمعی به جا آورید. ۳. زنان در اجتماعات عبادی حاضر شوند. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۰۲ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و چهارم سوره‌ی آل عمران به کودکی مریم و علاقه‌ی دیگران به سرپرستی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۴. ذلِکَ مِنْ أَنبَآءِ الْغَیْبِ نُوحِیهِ إِلَیْکَ وَ مَا کُنتَ لَدَیْهِمْ إِذْ یُلْقُونَ أَقْلَمَهُمْ أَیُّهُمْ یَکْفُلُ مَرْیَمَ وَ مَا کُنتَ لَدَیْهِمْ إِذْ یَخْتَصِمُونَ این [مطالب]، از خبرهای (از حسّ) پوشیده است که آن را به تو وحی می‌کنیم؛ و [گرنه تو] نزدشان نبودی، هنگامی که قلم‌های خود را (برای قرعه کشی به آب) می‌افکندند [تا] کدام یک سرپرستی مریم را عهده دار شود، و (نیز) به هنگامی که [با یکدیگر] کشمکش داشتند، نزدشان نبودی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در تفسیر آیات قبل بیان شد «۱» که مادر مریم، پس از وضع حمل، نوزاد خود را به معبد آورد و به بزرگان یهود گفت: این نوزاد برای

خـدمت به خانه‌ی خـدا نـذر شـده است؛ سـرپرستی او را به عهده بگیرید. از آن‌جا که مریم از خانواده‌ای بزرگ (خانواده‌ی عمران) بود، بزرگان یهود برای سـرپرستی او از هم‌دیگر سـبقت می‌گرفتنـد؛ از این رو تصـمیم بر قرعه‌کشـی گرفتنـد و کنار نهری آمدنـد و قلم‌هـای مخصوص قرعه را آماده کردنـد و بر هر یک نام یک نفر را نوشـتند و در آب انداختنـد. هر قلمی که در آب فرو نمی‌رفت برنـده بود و تنها قلمی که بر روی آب آمـد از آنِ زکریا بود؛ از این رو زکریا که پیامبر خدا و شوهر خاله‌ی مریم بود، کفالت «۲» و سرپرستی او را پذیرفت. ۲. از این آیه و آیاتی که در سوره‌ی صافات درباره‌ی یونس پیامبر علیه السلام تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۰۳ آمـده اسـتفاده می‌شود که قرعه یکی از راه‌هـای حلّ مشـکل است؛ یعنی در هنگـام مشـاجره، که کـار به بن بست کـامل می‌رسـد، می‌توان از قرعه اسـتمداد جست. براساس همین آیات و روایات اسـلامی، قاعـده‌ی قرعه در قواعد فقهی مطرح شده است؛ البتـه کیفیـت قرعه‌کشـی در اسـلام صـورت خاصـی نـدارد و می‌تـوان از کاغـذ، سـنگ یـا هر چیز دیگری اسـتفاده کرد. ۳. گاهی دانشـمندان و عابـدان نیز در انجام کارهای خیر بر هم‌دیگر سـبقت می‌جسـتند و رقابت می‌کردند؛ پس اصل مسابقه و رقابت در کار خیر، نیکوست. ۴. پیـامبران الهی از طریق وحی به مطالبی از غیب دست می‌یافتنـد و اسـراری برای آنها بازگو می‌شـد و آنها را برای مردم بیـان می‌کردنـد. برخی از آیـات قرآن در بردارنـده‌ی این‌گونه مطالب است. ۵. داسـتان‌های تـاریخی قرآن خیالی و افسانه و یا داسـتان‌های تحریف شده نیست، بلکه مطابق واقعیات تاریخی و از صحیح‌ترین داستان‌هاست؛ چرا که متصل به منبع غیب الهی است و کسی از این مطالب خبر داده که از اسرار جهان آگاه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منبع داستان‌های قرآنی، اخبار غیبی (وحی الهی) است (پس داستان‌های خیالی و غیرواقعی نیست). ۲. در هنگام کشـمکش در کارها، قرعه کشی کنید (تا مشکل حلّ شود). ۳. یکی از راه‌هـای دست‌یابی به واقعیات تاریخی، مراجعه به وحی قرآنی است. *** قرآن کریم از آیه‌ی چهل و پنجم سوره‌ی آل عمران به بعد جریان تولد مسیح علیه السلام را بیان می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۰۴ ۴۵. إِذْ قَالَتِ الْمَلئِکَهُ یمَرْیَمُ إِنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُکِ بِکَلِمَهٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِیحُ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ وَجِیهاً فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ (به یاد آریـد) هنگامی که فرشـتگان گفتند: «ای مریم! در واقع خدا تو را به کلمه‌ای از جانب خود مژده می‌دهد، که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است؛ در حالی که در دنیا و آخرت، آبرومند، و از مقرّبان (الهی) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «کلمه» در انجیل هم آمده است «۱» و مقصود حضرت عیسـی علیه السلام است. در این که چرا عیسـی علیه السـلام را «کلمه» گوینـد، مطـالب متعـددی گفته شـده که به چنـد مورد اشاره می‌کنیـم. الـف) اشـاره بـه کلمه‌ی ایجـاد (کُن فَیکـون «۲») در برخی آیـات قرآن اسـت؛ «۳» یعنی عیسـی بـه خـاطر تولـد و ایجـاد فوق‌العاده‌اش کلمه‌ی الهی است. ب) قبل از تولـد، خـدا بشارت عیسـی علیه السـلام را در کلامی به مادرش داده بود؛ از این رو آن حضـرت کلمـه‌ی الهی بـه شـمار می‌آیـد. ج) «کلمـه» بـه معنـای مخلـوق است و در قرآن نیز به این معنـا به کـار رفته است «۴» و به موجودات و مخلوقـات کلمه‌ی الهی گوینـد چرا که هم‌چون سـخن گفتن افراد، نشانه‌ی صاحب سـخن هسـتند. ۲. واژه‌ی «مسیح» به معنای «مسح کننده» یا «مسح شده» است و به عیسـی علیه السـلام، مسیح گفته شده، چون بر بدن بیماران علاج‌ناپذیر دست می‌کشید و آنها را به فرمان خدا شفا می‌داد. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۰۵ و یا این‌که خدا، عیسی علیه السلام را از ناپاکی و گناه مسح کرد و پاک گرانید. ۳. قرآن کریم در آیه‌ی فوق صـریحاً عیسـی علیه السلام را فرزند مریم علیها السلام معرفی می‌کند تا پاسخی به ادعای الوهیّت و خـدا بودن عیسـی بدهـد. آری، کسـی که از مادر متولـد شـده، نمی‌توانـد خدا باشد. ۴. خـدای متعـال نام برخی از اولیـای خود را قبـل از تولـد انتخاب کرد که از آن جمله یحیی «۱» و مسـیح علیهما السـلام بودنـد. که در قرآن به هر دو اشاره شده است. در روایات اسـلامی نیز آمـده است که فرزندانتان را قبل از تولد نامگذاری کنید. «۲» ۵. در این آیه به چهار ویژگی و صـفت عیسـی علیه السـلام اشاره شـده است که عظمت این پیامبر الهی را نشان می‌دهد: - او کلمه‌ی الهی است؛ - پسـر مریمِ پاک است؛ - در دنیا و آخرت آبرومنـد است؛ - از مقرّبان درگاه الهی است؛ قبل از تولـدش، بشارت آمدنش داده شده بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عیسـی علیه السـلام مردی الهی، آبرومند و مقرّب درگاه الهی است که از مادری زمینی متولد شده است (پس او را بزرگ شمارید،

اما خدا ندانید). ۲. عیسی علیه السلام را به نام مادرش بخوانید (تا شبهه‌ی الوهیت از ساحت او دفع شود). ۳. مریم بانویی بزرگ است که مبشرّه و مادر عیسی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۰۶ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی آل عمران به دو ویژگی حضرت عیسی علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۶. وَ يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ مِنَ الصلِحِينَ و در گهواره و میان سالی با مردم سخن خواهد گفت؛ و از شایستگان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر پیامبری پاک به دنیا می‌آید از این رو عیسی علیه السلام با سخن گفتن خود در گاهواره، پاکی مادر خود را به صورت اعجازآمیزی اثبات کرد. «۱» این سخنان عیسی علیه السلام در آیه‌ی ۳۰ به بعد سوره‌ی مریم بیان شده است که قسمتی از آن چنین است: «آن (طفل) گفت: به راستی من بنده‌ی خدایم که به من کتاب (انجیل) داده و مرا پیامبر گردانیده است و هر کجا باشیم (برای جهانیان) مایه‌ی برکت و رحمت گردانید ...». ۲. «کَهل» به معنای میان‌سالی و کهولت است و برخی لغویین تصریح کرده‌اند که بین ۳۴ تا ۵۱ سالگی را دوران کُهولت، کم‌تر از آن را دوران جوانی و بیش‌تر از آن را پیری گویند. تعبیر کهولت در مورد حضرت مسیح علیه السلام گویا نوعی پیش‌گویی و اشاره به بازگشت او به جهان است؛ چرا که طبق تاریخ‌های موجود، عیسی علیه السلام در ۳۳ سالگی از میان مردم رفت و عروج کرد؛ «۲» پس در آن موقع به کهولت سن نرسیده بود. این مطلب با روایات متعددی که پیش بینی می‌کند که مسیح در زمان مهدی علیه السلام به میان مردم بازمی‌گردد و او را تأیید می‌کند، کاملًا تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۰۷ سازگار است. «۱» یعنی او در کهولت سن بازمی‌گردد و سخن می‌گوید. ۳. خدا برای دفاع از زن صالحی مثل مریم، ممکن است کودکی را معجزه‌وار به سخن آورد و دامن او را از اتهام پاک کند؛ آری، خدا از مؤمنان واقعی دفاع می‌کند. ۴. اگر خدا بخواهد، ممکن است شخصی در کودکی به مقام‌های عالی، مثل نبوت یا امامت، برسد؛ همان‌گونه که در مورد عیسی علیه السلام اتفاق افتاد و در مورد امام مهدی «عج» حکایت شده است که در کودکی به امامت رسیدند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عیسی علیه السلام فردی شایسته بود که معجزات او از کودکی آشکار شد. ۲. عیسی در سن کهولت (رجعت خواهد کرد) و با شما سخن خواهد گفت. ۳. مقامات و معجزات شایستگان الهی را در کودکی بعید نشمارید (که اگر خدا بخواهد چنین می‌شود). *** قرآن‌کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی آل‌عمران به تعجّب مریم و اراده‌ی الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷. قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَ لَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ إِذَا قَضَى أَمْراً فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (مریم) گفت: «پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود، در حالی که بشری با من تماس نگرفته است؟!» (فرشته) گفت: «خدا، این گونه هر چه را [شایسته بداند و] بخواهد می‌آفریند. هنگامی که چیزی را اراده کند، پس فقط به آن می‌گوید: «باش» پس [فوراً موجود] می‌شود.» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۰۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جهان ما، جهان اسباب است و خدا آفرینش جهان را چنان قرار داده است که هر موجودی به دنبال یک سلسله عوامل پا به دایره‌ی وجود می‌گذارد؛ برای مثال برای تولد یک فرزند، ازدواج یک مرد و زن و پیوند «اسپرم» و «اوول» لازم است. اما این نظام طبیعت، مخلوق خدا و محکوم فرمان اوست و هرگاه بخواهد می‌تواند این نظام را دگرگون سازد و به وسیله‌ی اسباب و عوامل غیرعادی موجوداتی بیافریند. به عبارت دیگر، به وجود آمدن فرزند سببی دارد که گاهی طبیعی و از طریق ازدواج است و گاهی غیر طبیعی و به وسیله‌ی اسباب ماورای طبیعی. در مورد مریم علیها السلام در آیات دیگر قرآن اشاره شده که روح القدس در وجود او دمید و عیسی علیه السلام پدید آمد. «۱» ۲. «کُن» (باش) در حقیقت بیان اراده‌ی قطعی خداست، وگرنه خدا برای به وجود آوردن چیزها، احتیاج به سخن گفتن ندارد؛ یعنی به مجرد این‌که اراده‌ی او به چیزی تعلّق بگیرد و فرمان آفرینش صادر شود، فوراً موجود می‌شود «۲» و لباس هستی بر آن پوشیده می‌شود و به همان راحتی که ما صورت‌های ذهنی خود را ایجاد می‌کنیم، خدا مخلوقات را به وجود می‌آورد. ۳. از آن‌جا که به طور طبیعی، انسان‌ها بدون پدر متولد نمی‌شوند، تعجب مریم از تولد عیسی بدون پدر، به جا بود؛ چرا که می‌دانست هنگامی که با مردم روبه‌رو شود، اولین پرسش آنان این خواهد بود که چگونه تو بدون شوهر، دارایِ فرزند شدی. بنابراین سخنان مریم اعتراض به اراده‌ی الهی نبود، بلکه نوعی درخواست توضیح بود. تفسیر قرآن مهر جلد

سوم، ص: ۱۰۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آفرینش همه‌ی موجودات طبیعی و غیرطبیعی به دست خداست و هر چه را اراده کند فوراً به وجود می‌آید. ۲. در مورد تولد کودک، راه‌های فوق طبیعی را مسدود ندانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی آل عمران به دانش و فرزانگی عیسی علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۸. وَ یُعَلِّمُهُ الْکِتبَ وَ الْحِکْمَهَ وَ التَّوْرَیهَ وَ الإِنجِیلَ و به او، کتاب و حکمت و تورات و انجیل، می‌آموزد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مفسران قرآن بر آن‌اند که مقصود از تعلیم «کتاب» به عیسی علیه السلام، همان آموزش دانش شریعت، یعنی قوانین و دستورات الهی است که بر مردم نوشته شده است «۱» و مقصود از تعلیم «حکمت»، بینش در شریعت، یعنی آگاهی از فواید، آثار دنیوی و اخروی و مصالح و مفاسد قوانین، افعال، اخلاق و عقاید است. ۲. یکی از اصول و شرایط رهبری علم و آگاهی است. آیه‌ی فوق به این مطلب اشاره می‌کند که به عیسی علیه السلام این آگاهی‌ها را آموختند و به او کتاب و حکمت، یعنی برنامه‌ی زندگی و راه‌کارهای آن را تعلیم دادند. ۳. در این آیه به آموزش کتاب تورات و انجیل به عیسی علیه السلام اشاره شده است. انجیل کتاب و برنامه‌ی دین مسیحیت است و طبیعی است که به وی آموزش داده شود، اما آموزش تورات برای آن بوده که دین مسیحیت ادامه و تکمیل دین یهود است؛ و از این رو قوانین تورات در مورد متدینان بعدی نیز تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۱۰ قابل اجراست، مگر در مواردی که تحریف شده یا از طرف دین بعدی نسخ شده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا برنامه‌ها و راه‌کارهای مناسب را در اختیار رهبران الهی قرار می‌دهد. ۲. مطالب کتاب‌های آسمانی قبلی را (که تحریف و نسخ نشده است،) به متدینان بعدی آموزش دهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی آل عمران به رسالت و معجزات مسیح علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۹. وَ رَسُولًا إِلَی بَنِی إِسْرَ ءِیلَ أَنِّی قَدْ جِئْتُکُم بِئَایهٍ مِّن رَّبِّکُمْ أَنِّی أَخْلُقُ لَکُم مِّنَ الطِّینِ کَهَیْئَهِ الطَّیْرِ فَأَنفُخُ فِیهِ فَیَکُونُ طَیْراً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِیءُ الأَکْمَهَ وَ الأَبْرَصَ وَ أُحْیِ الْمَوْتَی بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُنَبِّئُکُم بِمَا تَأْکُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِی بُیُوتِکُمْ إِنَّ فِی ذلِکَ لآیَهً لَّکُمْ إِن کُنتُم مُّؤْمِنِینَ و (او را بعنوان) فرستاده‌ای به سوی فرزندان یعقوب (: بنی‌اسرائیل، قرار داده که او به آنان می‌گوید:) که من از طرف پروردگارتان نشانه‌ای [معجزه‌وار]، برایتان آورده‌ام؛ من از گِل، برای شما [چیزی] همانند شکل پرنده می‌سازم؛ و در آن می‌دمم پس به رخصت خدا، پرنده‌ای می‌گردد. و نابینای مادرزاد، و (مبتلایان به) پیس را بهبود می‌بخشم؛ و مردگان را به رخصت خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید، و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ که مسلماً در این [معجزات]، نشانه‌ای برای شماست، اگر مؤمن باشید. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۱۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آیه‌ی فوق ابتداءً چنین برمی‌آید که مأموریت عیسی علیه السلام تنها برای دعوت یهود (بنی اسرائیل) بوده است، «۱» اما برخی از مفسران احتمال داده‌اند که دعوت مسیح علیه السلام جهانی بوده، اگر چه یهود در صف اول دعوت شدگان قرار داشته‌اند. «۲» ۲. همه‌ی موجودات زنده از خاک و آب به وجود می‌آیند و این تحوّل و تغییر، تدریجی است و طی سالیان به وقوع می‌پیوندد؛ اما مانعی ندارد که خدا همان عوامل را فشرده کند و تمام آن مراحل، به سرعت صورت گیرد و خاک تبدیل به موجودی زنده «۳» و یا مجسمه‌ای گلی به پرنده‌ای تبدیل شود. از این گذشته، خدا که آفریننده‌ی طبیعت است، مانعی ندارد که گاهی این موجودات را از راه طبیعی و گاهی با اسباب ماورای طبیعی به وجود آورد و معجزه‌آسا مجسمه‌ای را تبدیل به پرنده کند. ۳. آیه‌ی فوق دلیلی بر امکان ولایت تکوینی پیامبران و اولیای الهی است؛ یعنی اولیای خدا به فرمان او و در هنگام لزوم می‌توانند در جهان آفرینش تصرف کنند، و بر خلاف جریان عادی طبیعت، حوادثی را به وجود آورند. ۴. پیامبران و اولیای الهی در جهان تکوین و آفرینش تصرف می‌کنند و حوادثی را خلق می‌کنند، ولی برای این‌که کسی تصور نکند که آنان از خود استقلال دارند و احتمال هرگونه شرک و دوگانه‌پرستی در خلقت برطرف گردد، مکرر از واژه‌ی «به رخصت خدا» استفاده می‌کنند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۱۲ ۵. بسیاری از معجزات پیامبران، اعمالی است که خود آنان به فرمان خدا و با استمداد از نیروی الهی انجام می‌دهند، پس می‌توان گفت که معجزه هم کار پیامبر است و هم کار خدا. «۱» فیض روح القدس ار باز مدد فرماید دگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد (حافظ) ۶. پیامبران الهی دارای علم غیب بودند؛ یعنی اگر می‌خواستند، خدا به آنان قدرتی

می‌داد که حتی از جزئیات زندگی مردم آگاه شوند. ۷. هر پیامبری معجزه‌ای دارد و معجزه‌ی او متناسب با عصر خود اوست. در روایتی از امام رضا علیه السلام حکایت شده که از آن حضرت پرسیدند: چرا هر پیامبری نوعی از معجزات داشته است؟ حضرت بیان کردند که: در عصر موسی علیه السلام جادوگران فراوان بودند، پس موسی عملی انجام داد که همه‌ی ساحران در برابر آن عاجز ماندند. در عصر مسیح علیه السلام، پزشکان مهارت فوق‌العاده‌ای در معالجه‌ی بیماران داشتند، پس عیسی علیه السلام با درمان بیماران علاج‌ناپذیر، بدون استفاده از وسایل مادی، حقانیت خود را به اثبات رساند. و در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سخن‌رانان و سخن‌سرایان و شاعرانِ فوق‌العاده فصیح و بلیغ وجود داشتند که همگی در برابر فصاحت و بلاغت قرآن زانو زدند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۱۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عیسی علیه السلام معجزاتی (متناسب با علوم عصر خویش) داشته است. ۲. پیامبران الهی علم غیب داشته‌اند. ۳. پیامبران الهی ولایت تکوینی داشته‌اند. ۴. معجزات پیامبران به رخصت الهی بوده و آنان در کارها استقلال نداشته‌اند. ۵. مؤمنان معجزات پیامبران را نشانه (های حقانیّت آنان) بدانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی آل عمران سخنان مسیح علیه السلام را در مورد برنامه‌هایش بیان می‌کند و می‌فرماید: ۵۰. وَ مُصَدِّقاً لِّمَا بَيْنَ يَدَىَّ مِنَ التَّوْرَيةِ وَ لأُِحِلَّ لَكُم بَعْضَ الَّذِى حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُم بِئَايَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ و [می‌گوید: آمده‌ام تا] آنچه را پیش از من از تورات بوده، تأیید کننده باشم؛ و تا بعضی از آنچه که [بر اثر ظلم و گناه،] بر شما حرام شده، برایتان حلال کنم؛ و از طرف پروردگارتان، نشانه‌ای برایتان آورده‌ام؛ پس [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. به سبب لجاجت و طغیان یهودیان، پاره‌ای از نعمت‌ها موقتاً بر آنان حرام و ممنوع شده بود (مثل ممنوع بودن خوردن گوشت شتر و برخی از پرندگان)، «۱» اما در عصر رسالت عیسی علیه السلام و به شکرانه‌ی ظهور این پیامبر بزرگ، آن ممنوعیت‌ها برداشته شد. ۲. پیامبران الهی هم‌دیگر را تأیید می‌کردند؛ یعنی دین، یک جریان تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۱۴ مستمر بود و پیامبران اهداف مشترکی داشتند و هر کدام یک مرحله و یک کلاس از این جریان را طی کردند. ۳. آیه‌ی فوق شاهدی بر ولایت تشریعی پیامبران خداست؛ یعنی پیامبران با رخصت الهی می‌توانند قانون‌گذاری کنند و براساس مصالح و مفاسد جامعه، برخی چیزها را ممنوع یا جایز اعلام کنند. از این رو عیسی علیه السلام بیان می‌کند که آمده‌ام: تا برخی از چیزهایی را که بر شما حرام شده بود حلال کنم. یعنی فعل حلال کردن را به خود نسبت می‌دهد. ۴. رهبران الهی اصلاح‌گرند و اصلاح گران برای اصلاح جامعه برنامه دارند و لازم است که این برنامه‌ها را به مردم اعلام کنند تا با آگاهی از برنامه‌های آنان استقبال و حمایت نمایند و این آموزه‌ای برای همه‌ی رهبران الهی است. ۵. برنامه‌ی عیسی علیه السلام چهار بخش اساسی داشت: الف) اعلام پذیرش اصول اساسی کتاب‌های آسمانی پیشین؛ ب) مژده در مورد آزادی‌های مشروع و معقول؛ ج) آوردن نشانه‌های اعجازآمیز برای اثبات حقانیت خود و برنامه‌ها؛ د) برنامه‌ی سازندگی و نظام بخشی به جامعه از طریق تقویت روحیّه‌ی تقوا و پارسایی و فرمان‌پذیری افراد. ۶. رهبران اصلاح‌گر نباید تمام اصول و مبانی گذشتگان را ویران کنند، بلکه بهتر است اصول صحیح آنها را بپذیرند و جزء برنامه‌های خود قرار دهند تا خط اصلاحات رهبران الهی ادامه یابد و اعتماد مردم جلب شود؛ همان‌طور که عیسی علیه السلام برنامه‌های تورات را تأیید کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران اصلاح گر برنامه‌های خود را به اطلاع مردم برسانند (تا با تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۱۵ آگاهی از آنان حمایت کنند). ۲. دین یک جریان مستمر است و پیامبران الهی مجری کلاس‌های این جریان و مؤید یک‌دیگرند. ۳. دین مسیح، برای بشریت آزادی بخش بود و برخی موارد ممنوع را آزاد ساخت. ۴. رهبران الهی، برنامه‌های خود را به همراه دلیل ارائه کنند. ۵. پارسایی و اطاعت‌پذیری مردم زمینه‌ساز اجرای برنامه‌های رهبران الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی آل عمران به قسمتی دیگر از سخنان مسیح علیه السلام و برنامه‌های او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۱. إِنَّ اللَّهَ رَبِّى وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هذَا صِرطٌ مُّسْتَقِيمٌ درحقیقت، خداپروردگار من وپروردگار شماست؛ پس او را بپرستید. (که) این راهی راست است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مسیح علیه السلام برای این‌که تولد استثنایی‌اش دست‌آویزی برای الوهیت او قرار نگیرد و از روی خطا

او را خـدا نپندارنـد، بارهـا بر این مطلب تأکیـد می‌کرد که «خـدا پروردگـار من و شـماست.» قرآن این مطلب را از زبان مسیح علیه السلام حکایت می‌کند، بر خلاف انجیل‌های کنونی که غالباً واژه‌ی «پدر» را در مورد خدا به کار می‌برند و موجب اشتباه می‌شوند. ۲. در این آیه اشاره شـده که فلسفه‌ی عبادت خـدا، همـان ربُوبیّت اوست؛ یعنی از آن‌جا که او پروردگـار رشـد دهنـده و تربیت کننـده‌ی ماست، لازم است که به شـکرانه‌ی آن، خـدا را بپرستیم. البته این پرسـتش و عبادت نیز در تفسـیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۱۶ راسـتای تربیت و شـکوفایی معنوی و رشـد شخصـیت انسان است. ۳. راه راست، همـان توحیـد و یکتـاپرستی است و این همان راهی است که اسلام نیز ما را بدان فرا می‌خواند و در هر شبانه روز حداقل ده بار در نماز از خدا می‌خواهیم که ما را به راه راست هدایت کند که کوتاه‌ترین راه به سوی خداست. رُخ زیبا، دم عیسی، ید بیضا داری هر چه خوبان همه دارند تو تنها داری آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکتاپرستی، راه مستقیم الهی (و کوتاه‌ترین راه به سوی خـدا) است. ۲. مسیح علیه السلام، (هم‌چون دیگر پیامبران الهی)، مردم را به سوی یکتاپرستی و توحید فرا می‌خواند (نه تثلیث). ۳. مبلغان دینی و رهبران الهی، پروردگار را به یاد مردم آورند و آنان را به یکتاپرستی فراخوانند. ۴. ربوبیت الهی، خاسـتگاه پرسـتش اوست. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی آل‌عمران به یاورطلبی عیسی علیه السلام و نقش حواریون اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۲. فَلَمَّآ أَحَسَّ عِیسَی مِنْهُمُ الْکُفْرَ قَالَ مَنْ أَنصَاری إِلَی اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِیُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ اشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ و هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد، گفت: «چه کسـانی یـاوران من با خداینـد؟» حواریّون گفتنـد: «ما یاوران خـداییم؛ به خـدا ایمان آوردیم؛ و گواه باش که ما تسلیم هستیم. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. یهود قبل از آمـدن عیسی علیه السـلام، طبق بشارت‌ها و پیش‌گویی‌ها، منتظر تفسیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۱۱۷ ظهور او بودنـد، امـا هنگـامی که مسیح علیه السلام ظهور کرد و منـافع جمعی از سـتمگران و منحرفان یهود به خطر افتاد، تنها جمعیتی محدود گرد او را گرفتند و بیش‌تر آنان از پیروی او سرپیچی کردند و کفر ورزیدند؛ از این رو، عیسی علیه السلام احساس خطر کرد. ۲. شاگردان و یاران مسیح، «حواریون» «۱» نامیـده شدنـد؛ زیرا قلبی پاک و روحی باصـفا داشـتند و در پاکیزه ساختن و روشن نمودن افکـار دیگران و شسـت‌وشوی مردم از آلودگی و گناه کوشـش فراوان می‌کردنـد. «۲» ۳. نکته‌ی جـالبی که در آیه‌ی فوق وجود دارد آن است که حواریون در پاسخ دعوت عیسی علیه السـلام نگفتند: «ما یاور توایم»، بلکه گفتند: «ما یاوران خداییم.» و این نهایت توحید و اخلاص را می‌رساند و آنها را از هرگونه شرکی در مورد خدا بودن عیسی علیه السلام مبرا می‌سازد. ۴. مسیح علیه السلام در هنگام خطر هوشیار است و به سرعت عکس العمل نشان می‌دهد این مطلب لازمه‌ی هر رهبر لایقی است که نیروهای وفـادار خویش را بشنـاسد و آنهـا را سازمان‌دهی کنـد تا بتوانـد به حرکت خویش ادامه دهـد. ۵. پاسـخ صـریح و مثبت حواریون به عیسی علیه السلام نوعی بیعت مجدد با ایشان بود. این‌گونه بیعت‌ها با رهبران الهی، از نظر سیاسی، اجتماعی و دینی ارزشمند است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۱۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در نظام‌های الهی، هدف یارگیری و یاری‌گری، خداست. ۲. رهبران الهی بایـد خطرهـا را بشناسـند و نیروهای وفادار دین را در برابر آنها سازمان‌دهی کننـد. ۳. مؤمنان بایـد یاور و تسـلیم (دین و پیامبر) خدا باشـند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی آل عمران مناجات حواریون با خـدا را بازگو می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۵۳. رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشـهِدِینَ (ای) پروردگـار مـا! به آنچه فرو فرسـتاده‌ای، ایمان آوردیم و فرسـتاده [ات] را پیروی نمودیم؛ پس مـا را در زمره گواهـان بنویس. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. چنـانچه ایمان در روح و جان انسان نفوذ کنـد، در عمل او انعکاس می‌یابد و ادعای بدون عمل، ممکن است، ایمان واقعی نباشد و تنها یک ایمان پنداری باشد. از این روست که ایمان به خدا همیشه همراه بـا پیروی از رسول اوست که حواریون به هر دو اشـاره کردنـد. ۲. مقصود از گواهـان و شاهـدان در آیه‌ی فوق، همان کسانی هستند که در این جهان مقام رهبری امت‌ها را دارند و در رستاخیز بر اعمال نیک و بد مردم گواه خواهند بود. «۱» ۳. بخشی از معـارف و آموزه‌هـای دین در محتوای دعاهای پیامبران، امامان و اولیای الهی نهفته است؛ از این رو قرآن کریم بخش‌هایی از این میراث عظیم را برای بشـریت حکـایت کرده و دعاهـای ابراهیم و پیـامبران دیگر و نیز دعـای برخی اولیـای الهی، هم‌چـون حواریـون

عیسی را بـازگو نموده تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۱۹ است. در میراث اسلامی نیز دعاهـای صحیفه‌ی سجادیّه از مهم‌ترین معارف و حقایق دینی است. آموزه‌ها و پیامها: ۱. ایمان و عمل را همراه گردانید. ۲. مؤمنان اهل عمل باشند تا گواه (و الگوی مردم) شوند. ۳. عیسی علیه السلام رسول بود (نه خدا). ۴. در مناجات با پروردگار خود، ایمان و اعمال خود را به او عرضه کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی آل عمران به نقشه‌های مخالفان عیسی علیه السلام و پاسخ خدا به آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۴. وَ مَکَرُواْ وَ مَکَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَیْرُ الْمکِرِینَ و [دشمنان نقشه کشیدند و] فریبکاری کردند، وخدا ترفند کرد؛ وخدا، بهترین ترفندکنندگان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گروهی از یهودیان عصر مسیح علیه السلام با همکاری برخی مسیحیان خیانت‌کار، برای خاموش کردن صدای دعوت او، نقشه‌های شیطانی کشیدند و حتی برای دستگیری او جایزه تعیین کردند و مقدمات اعدام او را فراهم نمودند. اما خدا نقشه‌ی آنها را نقش بر آب کرد و او را به بهترین شکل نجات داد. و نقشه‌ی خدا از همه‌ی این نیرنگ‌ها و نقشه‌ها مؤثرتر بود. ۲. واژه‌ی «مَکر» در لغت به معنای هر نوع چاره‌اندیشی است، چه مفید و چه زیان‌آور، اما در زبان فارسی امروز به معنای حیله و نقشه‌های شیطانی و زیان‌بخش است؛ پس معنای قرآنی این واژه با مفهوم فارسی آن متفاوت است. و مقصود آیه‌ی فوق آن است که دشمنان مسیح با طرح‌ها و نقشه‌های تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۲۰ شیطانی خود می‌خواستند مانع دعوت او شوند، اما خدا برای حفظ جان پیامبرش با نقشه‌ی مفیدی نقشه‌های آنان را خنثی کرد. ۳. خدا پشتیبان پیامبران خویش است و تدبیر خدا در این مورد بالاتر از هر نوع تدبیر و نقشه‌ای است. ۴. نقشه‌های خدا از نقشه‌های دیگران بالاتر است؛ چرا که علم و قدرت خدا از همه برتر است، پس تدبیر او نیرومندتر و اجرایی‌تر است. آموزه‌ها و پیامها: ۱. با خدا نیرنگ‌بازی نکنید که می‌بازید. ۲. خدا پشتیبان دوستان خود است و با توطئه‌های دشمنان برخورد می‌کند. ۳. مخالفان رهبران الهی از سرنوشت مخالفان عیسی علیه السلام پند بگیرند و علیه رهبران دینی نقشه نکشند که خدا نقشه‌های آنان را نقش بر آب می‌کند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی آل عمران به جریان نجات مسیح علیه السلام و عروج او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۵. إِذْ قَالَ اللَّهُ یعِیسَی إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَ رَافِعُکَ إِلَیَّ وَ مُطَهِّرُکَ مِنَ الَّذِینَ کَفَرُواْ وَ جَاعِلُ الَّذِینَ اتَّبَعُوکَ فَوْقَ الَّذِینَ کَفَرُوآ إِلَی یَوْمِ الْقِیمَةِ ثُمَّ إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ فَأَحْکُمُ بَیْنَکُمْ فِیمَا کُنتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ (یاد کن) هنگامی را که خدا گفت: «ای عیسی! در حقیقت من تو را بر گرفته و تو را به سوی خویش، بالا- می‌برم و تو را از [آلایش] کسانی که کفر ورزیدند، پاک می‌سازم؛ و تا روز رستاخیز کسانی را که از تو پیروی کردند، برتر از کسانی که کفر ورزیدند، قرار می‌دهم؛ سپس فرجام شما فقط به سوی من است، پس در مورد آنچه که همواره در آن اختلاف تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۲۱ می‌کردید، میان شما داوری خواهم کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. با توجه به مضمون آیه‌ی فوق و برخی آیات سوره‌ی نساء، «۱» مسیح علیه السلام کشته نشده و خدا او را نزد خود برد و این مطلب دیدگاه غالب مفسران قرآن است. «۲» امّا طبق نوشته‌های انجیل‌های موجود، عیسی علیه السلام کشته شد و دفن گردید، سپس از میان مردگان برخاست و مدتی کوتاه در زمین بود و بعد به آسمان صعود کرد. «۳» ۲. آیه‌ی فوق دلالتی بر مرگ عیسی علیه السلام ندارد. هر چند واژه‌ی «تَوفّی» گاهی به معنای مرگ به کار رفته است اما در آن موارد هم به معنای «تحویل گرفتن روح» است نه به معنای «مرگ». «۴» ۳. مقصود از پاک کردن عیسی علیه السلام، نجات او از چنگال افراد بی ایمان و پلید است که می‌کوشیدند او را با تهمت‌های ناروا و توطئه‌های ناجوانمردانه آلوده سازند؛ و یا مقصود پاک ساختن و بیرون بردن مسیح از آن محیط آلوده است. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد و جمع آنها ممکن است. ۴. بشارت برتری پیروان مسیح بر کافران موجب دل‌گرمی مسیحیان تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۲۲ شد. این مژده یکی از پیش‌گویی‌های قرآن است و هم اکنون نیز در دنیا این حقیقت را با چشم خود مشاهده می‌کنیم که یهود و صهیونیست‌ها بدون وابستگی به مسیحیان نمی‌توانند به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه دهند. آموزه‌ها و پیامها: ۱. خدا از پیامبران خود حمایت می‌کند و آنان را از خطر نجات می‌دهد. ۲. خدا، عیسی را عروج داد (و توطئه‌ی قتل او را خنثی ساخت). ۳. کفر نوعی آلودگی اجتماعی است که خدا می‌خواهد انسان مؤمن از آن

پاک شود. ۴. مسیحیان واقعی برتر از کافران (و یهودیان) خواهند بود. ۵. اختلاف‌گران منتظر داوری خدا در رستاخیز باشند (تا حقیقت روشن شود). ۶. عیسی وار زندگی کنید تا خدا از شما حمایت کند و پیروان شما را برتری بخشد. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و ششم سوره‌ی آل عمران سرنوشت کافران را در دنیا و آخرت بیان می‌کند و می‌فرماید: ۵۶. فَأَمَّا الَّذِینَ کَفَرُواْ فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَاباً شَدِیداً فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَةِ وَ مَا لَهُم مِّن نَّصِرِینَ و امّا کسانی که کفر ورزیدند، پس در دنیا و آخرت، آنان را با عذاب شدیدی، عذاب خواهم کرد؛ و هیچ یاوری برایشان نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به کیفر دنیوی کافران اشاره شده است که در این‌جا مقصود یهودیان هستند؛ یعنی آنان در این جهان گرفتار مشکلات و ناراحتی‌ها خواهند بود؛ و تاریخ ملت یهود شاهد این مدعاست که در هر مقطع تاریخی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۲۳ برخی زمامداران و اقوام دیگر بر یهودیان مسلط شده و اموال آنان را به آتش کشیده و یا غارت کرده‌اند و عده‌ای از آنها را اسیر نموده یا کشته‌اند. آری این یکی از آثار کردار ناپسند آنان با پیامبران پیشین، از جمله عیسی علیه السلام است؛ البته این روحیه و رفتار هنوز هم در یهودیان باقی است، از این رو کیفر و گرفتاری آنان ادامه دارد. چو بد کردی مباش ایمن ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافات (نظامی) ۲. کفر و عناد با رهبران الهی سه پیامد منفی دارد: الف) گرفتاری و مشکلات در دنیا؛ ب) عذاب شدید در آخرت؛ ج) بی‌یاور شدن و تنها ماندن. ۳. کسی که از حق جدا شود، هیچ کس او را یاری نخواهد کرد؛ چرا که حق‌گرایان از او جدا می‌شوند و باطل‌گرایان وفادار نیستند و در نهایت او را رها می‌سازند؛ همان‌طور که در آخرت نیز کسی شفاعت او را نخواهد کرد و تنها خواهد ماند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام کفر، عذاب‌آلود است. ۲. در نهایت، کفر موجب تنهایی و بی‌یاوری است. ۳. اگر می‌خواهید از مجازات دنیوی و اخروی نجات یابید و در رستاخیز یاور (و شفاعتگر) داشته باشید، ایمان آورید و از کفر فاصله بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هفتم سوره‌ی آل‌عمران به پاداش مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷. وَ أَمَّا الَّذِینَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُواْ الصلِحتِ فَیُوَفِّیهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللَّهُ لَا یُحِبُّ الظلِمِینَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۲۴ و امّا کسانی که ایمان آوردند، و [کارهای] شایسته انجام دادند، پس [خدا] پاداششان را به طور کامل به‌آنان خواهد داد؛ وخدا، ستمکاران را دوست نمی‌دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت دو گروه مخالف، یعنی مؤمنان و کافران را در برابر هم به نمایش می‌گذارد. این روش تأثیر بیش‌تری در مخاطب دارد. ۲. در آیات متعدد قرآن، ایمان و عمل صالح به همراه یک‌دیگر یاد شده‌اند و این نشان می‌دهد که این دو از هم جدا نیستند و اگر با هم باشند اثر مطلوب دارند. ۳. خدای متعال پاداش مؤمنان را در رستاخیز به صورت کامل می‌پردازد «۱» و چیزی کم نمی‌دهد؛ زیرا پاداش ناقص ظلم است و خدا ستمگران را دوست ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان شایسته‌کردار نگران پاداش خود نباشند که آن را به طور کامل دریافت می‌کنند. ۲. اگر پاداش الهی را می‌طلبید ایمان و کردار شایسته را توأم سازید. ۳. خدا (نه تنها ستمکار نیست بلکه) ستمکاران را دوست ندارد (از این رو حق افراد را ناقص نمی‌دهد). *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۲۵ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هشتم سوره‌ی آل عمران به ویژگی‌های آیات قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۸. ذلِکَ نَتْلُوهُ عَلَیْکَ مِنَ الآیتِ وَ الذِّکْرِ الْحَکِیمِ این‌هاست که [ما] آن را از آیات، و یادآوری حکیمانه‌ی [قرآن] بر تو می‌خوانیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از تاریخ پرماجرای مسیح علیه السلام و برخوردهای متفاوت حواریون و یهودیان با ایشان، به عنوان نشانه‌ها و آیات یاد شده است؛ نشانه‌هایی از پیروزی حق بر باطل، نشانه‌هایی از حقانیّت قرآن و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که این مطالب تاریخی را به صورت صحیح و دقیق بیان می‌کند. آری، تاریخ، چنانچه حکیمانه در آن نگریسته شود، می‌تواند منبعی از معرفت باشد. ۲. در این آیه به دو صفت و ویژگی آیات قرآن اشاره شده است: «۱» الف) آیات قرآن یادمان گذشتگان است و سرگذشت رهبران الهی و عبرت‌های آنها را یادآوری می‌کند. ب) آیات قرآن حکیمانه است؛ یعنی مطالب آن حکمت‌آمیز و استوار است که خواننده را خردمند و فرزانه می‌سازد و از کژروی‌ها منع می‌کند. گِرد قرآن گَرد زیرا هر که در قرآن گریخت آن جهان رَست از عقوبت، این جهان جَست از فِتَن (سنائی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آیات قرآن (یادمانِ تاریخ عبرت‌آموز پیشینیان و)

حکمت‌آمیز است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۲۶ ۲. از قرآن، تاریخ صحیح و سخنان حکیمانه بیاموزید.

برخورد منطقی اسلام با یهودیان

برخورد منطقی اسلام با یهودیان قرآن کریم در آیات پنجاه و نهم و شصتم سوره‌ی آل عمران به نشانه‌ی تولد حضرت آدم و عیسی علیهما السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۹ و ۶۰. إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِندَ اللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ* الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ در واقع مثال عیسی نزد خدا، همچون مثال آدم است؛ [که] او را از خاک آفرید، سپس به او گفت: «باش!» پس [فوراً موجود] شد.* [این مطالبِ] حقّ، از جانب پروردگار توست؛ پس از تردید کنندگان مباش. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مسیحیان نجران با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گفت‌وگو می‌کردند. «۱» آنان از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: ما را به جمله چیز دعوت می‌کنی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به سوی خدای یگانه و این‌که از طرف او رسالت راه‌نمایی مردم را به عهده دارم و مسیح بنده‌ای از بندگان اوست و حالاتی بشری داشت و مانند دیگران غذا می‌خورد.» مسیحیان نجران این سخن را نپذیرفتند و به تولد بدون پدر عیسی علیه السلام اشاره کردند و آن را دلیل بر الوهیت (یعنی خدا بودن) او خواندند. «۲» آیه‌ی فوق بدین مناسبت نازل شد و به آنان پاسخ داد که اگر عیسی علیه السلام بدون پدر به دنیا آمده، هیچ‌گاه دلیل بر آن نیست که او فرزند خدا یا عین خدا باشد؛ زیرا این موضوع درباره‌ی آدم به شکل عجیب‌تری تحقّق یافت و او بدون پدر و مادر به دنیا آمد. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۲۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق به آفرینش دو بعد آدم اشاره شده است. ابتدا فرمود: «او را از خاک آفرید.»، که این جمله اشاره به آفرینش جسم و جنبه‌ی مادی انسان است؛ و در جمله‌ی بعد فرمود: «سپس به او گفت: موجود شو! او هم موجود گردید.»؛ یعنی با فرمان آفرینش، «حیات و روح» به کالبد آدم دمید.» ۲. آیه‌ی فوق اشاره می‌کند که قدرت و آفرینش خدا محدود به راه‌های طبیعی (مثل تولد فرزند از پدر و مادر) نیست بلکه او می‌تواند انسان را بدون مادر یا بدون پدر و مادر خلق کند. «۲» به عبارت دیگر، بعد جسمی انسان می‌تواند از جسم پدر (و مادر) به وجود آید یا از جسم دیگری مثل خاک تشکیل شود؛ چرا که عناصر موجود در بدن انسان همان عناصر موجود در خاک است. ۳. مفسران قرآن درباره‌ی جمله‌ی «الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ» دو احتمال مطرح کرده‌اند: الف) مقصود آن است که «حق همواره از طرف پروردگار خواهد بود.» «۳» چرا که حق به معنای واقعیت است و واقعیت عین هستی است و هستی همه از وجود او می‌جوشد و باطل، عدم و نیستی است و با ذات او بیگانه است؛ پس هر چه از طرف خداست حق است و باطل در آنها راه ندارد. ب) مقصود آن است که «این خبرهایی که به تو داده شد، همگی حقایقی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۲۸ از طرف پروردگار است.» «۱» البته هر دو معنا با آیه سازگار است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از تولد بدون پدر عیسی علیه السلام تعجب نکنید (و او را خدا نپندارید)، که تولد آدم عجیب‌تر بوده است. ۲. هر انسان دو بعد جسمی و الهی دارد که هر دو مخلوق خداست. ۳. خدا قادر است انسان را مستقیم یا غیرمستقیم از عناصر خاک بیافریند، پس در قدرت او در تولد عیسی علیه السلام شک نکنید. ۴. در اخبار قرآن تردید نکنید که هر چه از طرف خدا می‌آید حق است و باطل در آنها راه ندارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی آل عمران به جریان مباهله، یعنی مبارزه‌ی صلح‌آمیز مسلمانان با مسیحیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱. فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَآءَنَا وَ أَبْنَآءَكُمْ وَ نِسَآءَنَا وَ نِسَآءَكُمْ وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَذِبِينَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۲۹ و هر گاه بعد از دانشی که تو را [حاصل] آمده، (باز) کسانی در (مورد) آن با تو به بحث (و ستیز) برخیزند، پس بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و خودمان و خودتان، را دعوت کنیم، سپس مباهله می‌کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم.» شأن نزول: در روایات اسلامی آمده است که وقتی سخن از مباهله‌ی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و مسیحیان شد، نمایندگان مسیحیان نجران از پیامبر مهلت خواستند تا در این‌باره بیندیشند و مشورت کنند؛ و نتیجه‌ی مشاوره‌ی آنها

این شد که اگر مشاهده کردید محمد با جمعیت زیاد و جار و جنجال به مباهله آمد، نترسید و با او مباهله کنید، زیرا حقیقتی در کار او نیست و از این رو متوسّل به غوغاسازی شده است؛ و اگر مشاهده کردید که محمد با افراد محدود و فرزندان خردسالش به میعادگاه آمد، از مباهله با او بپرهیزید که خطرناک است و بدانید که او پیامبر خداست. هنگامی که همگان در روز موعود به میعادگاه آمدند، دیدند پیامبر صلی الله علیه و آله فرزندش حسین را به آغوش دارد و دست حسن را گرفته و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام همراه او هستند و به آنها سفارش می‌کند که هرگاه من دعا کردم شما «آمین» بگویید. مسیحیان با دیدن این صحنه سخت به وحشت افتادند و از مباهله صرف‌نظر کردند. و حاضر به مصالحه شدند و با پذیرش شرایط مسلمانان تسلیم شدند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۳۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اصطلاح قرآن مباهله به معنای نفرین کردن دو نفر به یکدیگر است؛ «۱» یعنی چند نفر که درباره‌ی یک مسأله‌ی مهم مذهبی اختلاف دارند، در یک محل جمع شوند و به درگاه خدا تضرّع کنند و از او بخواهند که دروغ‌گو را لعنت نماید و مجازات کند. ۲. جریان مباهله‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران، نشانه‌ی ایمان و راستی دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود. اگر کسی به کار و دعوت خود و نتیجه‌ی مباهله ایمان نداشته باشد، اقدام به این کار نمی‌کند؛ چرا که اگر دعای او به اجابت نرسد و مخالفان در همان صحنه به مجازات الهی گرفتار نشوند، نتیجه‌ای جز رسوایی نخواهد داشت. از این روست که گفته‌اند جریان مباهله یکی از نشانه‌های صدق دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله است. ۳. مفسران و محدثان شیعه و اهل سنت تصریح کرده‌اند که آیه‌ی مباهله در حقّ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است؛ یعنی مقصود از واژه‌ی «فرزندان ما» همان حسن و حسین علیهما السلام و مقصود از واژه‌ی «زنان ما» همان فاطمه علیها السلام و مقصود از «جان‌های ما» همان علی علیه السلام است «۲» و در این مورد روایات فراوانی حکایت شده است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۳۱ و برخی این آیه را قوی‌ترین دلیل فضیلت اهل‌بیت علیهم السلام می‌دانند. «۱» این مزیتی است که هیچ کس بر اهل بیت علیهم السلام در آن پیشی نگرفته و هیچ انسانی به این فضیلت نرسیده است. «۲» تویی که نفس رسولی هم از کلام خدای چنان‌که هست در این آیه‌ی مباهله دال ۴. آیه‌ی فوق با تعبیر «أبناءَنا» که «حسن و حسین علیهما السلام را فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله خواند» در حقیقت بر یک تفکر جاهلی عرب خط بطلان کشید؛ چرا که آنان فرزندان دختر را فرزند حقیقی انسان نمی‌دانستند و تنها فرزندان پسر (نوه پسری) را فرزند خود می‌دانستند. ۵. آخرین برگ برنده‌ی مؤمنان واقعی دعاست. چنانچه کسی در برابر منطق و استدلال و معجزه تسلیم حق نشد، می‌توان از غیب کمک گرفت و با او به مبارزه‌ای معنوی برخاست. اما رتبه‌ی دعا و نفرین در مبارزه با دشمن، بعد از منطق و استدلال قرار دارد. «۳» ۶. آیه‌ی فوق فقط به مباهله‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و مسیحیان نجران اشاره می‌کند، اما مباهله در برابر مخالفان یک حکم عمومی است؛ یعنی چنانچه استدلال‌های افراد باایمان و پارسا بر دشمن تأثیرگذار نشد، می‌توانند مخالفان را به مباهله دعوت کنند. در این مورد روایاتی نیز در منابع اسلامی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۳۲ حکایت شده است. «۱» ۷. مباهله در روز بیست و چهارم یا بیست و پنجم ماه ذی الحجه، در محلی بیرون از شهر مدینه واقع شد که اکنون داخل شهر مدینه قرار دارد و مسجدی به نام «مسجد الاجابه» به جای آن ساخته شده که تقریباً در یک کیلومتری مسجد النبی صلی الله علیه و آله است. ۸. در آیه‌ی فوق، فاطمه علیها السلام در کنار مردان مطرح است. این نشان می‌دهد که زنان در مواقع حساس تاریخ اسلام حضور داشته و به سهم خود در پیش‌برد اهداف اسلامی کمک کرده‌اند. ۹. آیه‌ی فوق و شأن نزول آن نشان می‌دهد که در مباهله، که نوعی دعاست، شخصیت افراد مهم‌تر از تعداد آنهاست؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله تعدادی اندک اما بسیار بزرگوار و با شخصیت و عزیز را برای مباهله به همراه برد. ۱۰. واژه‌ی لعنت به معنای دوری از رحمت الهی است، و از این آیه استفاده می‌شود که دروغ‌گویان مستحق لعنت الهی‌اند، یعنی از رحمت الهی دور می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از مباهله (نفرین دسته‌جمعی دو طرفه) می‌توان به عنوان وسیله‌ای برای مبارزه با دشمنان اسلام استفاده کرد. ۲. در مرحله‌ی نخست با دشمنان مبارزه‌ی منطقی کنید و اگر اثر نکرد تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۳۳ مباهله نمایید. ۳. پس از روشن شدن

حقایق و استدلال منطقی، جای بحث و جدل نیست. ۴. در مباهله از نزدیک‌ترین و با کیفیت‌ترین افراد استفاده کنید. ۵. علی علیه السلام هم‌چون جان پیامبر صلی الله علیه و آله، و حسن و حسین علیهما السلام فرزندان او و فاطمه علیها السلام خانواده‌ی حقیقی اوست. «۱» ۶. دروغ‌گویان سزاوار لعنت الهی (و دوری از رحمت خدا) هستند. *** قرآن کریم در آیات شصت و دوم و شصت و سوم سوره‌ی آل عمران به حقانیت داستان‌های قرآن و برخی صفات الهی اشاره می‌کند و با هشدار به مفسده جویان می‌فرماید: ۶۲ و ۶۳. إِنَّ هـذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَ مَا مِنْ إِلهٍ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ* فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ در واقع تنها حکایت‌های حقیقی (مسیح) همین است. و هیچ معبودی، جز خدا نیست؛ و قطعاً تنها خدا شکست‌ناپذیر فرزانه است.* و اگر روی برتابند، پس در حقیقت خدا به [حال] فسادگران، داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. داستان‌هایی که در قرآن کریم حکایت شده است «۲» هم‌چون افسانه‌ها و اساطیر و رمان‌های غیرواقعی و خیالی نیست که آمیخته با خرافات و دروغ و تحریف باشد، بلکه داستان‌های حق و مطابق با واقعیت خارجی است. آری شخص حکیم و فرزانه چنین داستان‌هایی را حکایت می‌کند. ۲. اگر جمعیتی پس از روشن شدن حق، باز هم به گفته‌های لجوجانه‌ی خود ادامه دهند، «حق‌جو» نیستند، بلکه «مفسده‌جویانی» هستند که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۳۴ هدفشان تخریب عقاید صحیح مردم است و باید آنها را تحت نظر گرفت. ۳. در این آیات به چهار صفت الهی اشاره شده است: الف) توحید و این‌که هیچ معبودی جز خدا نیست؛ ب) قدرت شکست‌ناپذیر خدا؛ ج) حکمت و فرزانگی او؛ د) علم و آگاهی خدا نسبت به دیگران. آری خدای حکیم و دانا جز حق نمی‌گوید و با قدرت شکست‌ناپذیرش ترسی از حق‌گویی ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. داستان‌های قرآن خیالی و غیرواقعی نیست. ۲. خدا را به فرزانگی، شکست‌ناپذیری، دانایی و توحید بشناسید. ۳. روی گردانی از حق، نوعی مفسده‌جویی است. ۴. فسادگران جامعه بدانند که تحت نظر خدا هستند (و روزی به مجازات خواهند رسید). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و چهارم سوره‌ی آل عمران با دعوت پیروان ادیان الهی به وحدت پیرامون مسائل مشترک، محورهای گفت‌وگوی ادیان را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۶۴. قُلْ يأَهْلَ الْكِتبِ تَعَالَوْاْ إِلَى كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُولُواْ اشْهَدُواْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ بگو: «ای اهل کتاب! بیایید، به سوی سخنی که میان ما و میان شما یکسان است که: جز خدا را نپرستیم و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعض [دیگر] را- به غیر خدا- به پروردگاری برنگزینیم.» و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۳۵ اگر [از این دعوت] روی برتابند، پس بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم مردم را به نقطه‌های مشترک بین اسلام و اهل کتاب (یهود و مسیحیت) فرا می‌خواند. در واقع قرآن با این طرز استدلال به ما می‌آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدس با شما همکاری کنند، از پا ننشینید و دست‌کم در قسمتی از اهداف که با شما مشترک‌اند همکاری کنید و آن را پایه‌ی پیش‌برد اهداف مقدستان قرار دهید. ۲. مسیحیان، مدعی تثلیث (خدایان سه گانه) هستند و می‌گویند منافاتی با «توحید» ندارد. یهودیان نیز مدعی توحید هستند و در عین حال «عُزیر» را فرزند خدا می‌دانند. آیه‌ی فوق ندای وحدت و اتحاد به آنها می‌دهد و می‌فرماید همه‌ی شما که ادعای توحید دارید، بیایید گرد توحید جمع شوید. ۳. واژه‌ی «ارباب» ممکن است اشاره به این باشد که نباید دانشمندان و علمای منحرف را که از مقام خود سوء استفاده می‌کنند و حلال و حرام خدا را به دل‌خواهِ خویش تغییر می‌دهند، به رسمیت شناخت و از آنها پیروی کرد. هم‌چنین، ممکن است اشاره به این باشد که مسیح یک انسان است، پس نباید او را به الوهیت شناخت و در همان حال، نباید از دانشمندان منحرف پیروی کرد. «۱» ۴. حکایت شده که عَدِی، فرزند حاتم، قبلًا مسیحی بود و سپس اسلام آورد. او بعد از نزول آیه‌ی فوق به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عرض کرد: ما هیچ گاه علمای خود را عبادت نمی‌کردیم. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۳۶ پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: آیا می‌دانستید که آنها به میل خود احکام خدا را تغییر می‌دهند و شما از آنها پیروی می‌کردید؟ عَدی گفت: آری. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این همان پرستش و عبودیت است. «۱» نکته‌ای که در آیه و در روایت فوق بدان اشاره شده آن است که قانون‌گذاری و تشریع حلال و حرام

به دست خداست و هر کس، دیگری را در این موضوع صاحب اختیار بداند، او را «شریک» خدا قرار داده است. «۲» ۵. آیه‌ی فوق در قسمتی از نامه‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مَقُوقِس پادشاه مصر و قیصر روم آمده و آنها را دعوت به وحدت و توحید کرده است. «۳» ۶. این آیه، محورها و مبانی گفت‌وگوی پیروان ادیان الهی را ترسیم کرده است، که همان توحید، نفی شرک و نفی بردگی فکری و پرستش غیرخداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروان ادیان الهی اصول مشترک خود را بیابند و پیرامون آنها گرد آیند. ۲. توحید، نفی شرک و نفی ربوبیت غیرخدا، محورهای اساسی گفت‌وگوی پیروان ادیان الهی است. ۳. مسلمانان تسلیم (حق و توحید) باشند و از روی‌گردانی دیگران نهراسند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۳۷ ۴. پیروان ادیان غیراسلام بدانند که روی گردانی از اصول مشترک ادیان الهی، (نوعی سرکشی و) عدم تسلیم در برابر خداست (که مجازات خاص خود را دارد). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و پنجم سوره‌ی آل‌عمران با بیان اشتباهات تاریخی یهودیان و مسیحیان و مبانی گفت‌وگوی ادیان می‌فرماید: ۶۵. يَأَهْلَ الْكِتَبِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِي إِبْرَهِيمَ وَ مَآ أُنزِلَتِ التَّوْرَيةُ وَ الإِنجِيلُ إِلَّا مِن بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ای اهل کتاب! چرا در [باره] ابراهیم، بحث (و ستیز) می‌کنید؟ در حالی که تورات و انجیل فرو فرستاده نشد، مگر بعد از او، پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام دو فرزند به نام اسحاق و اسماعیل داشت و یعقوب و موسی از نسل اسحاق بودند و بعدها از میان بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب) عیسی علیه السلام به دنیا آمد، ولی از آن‌جا که ابراهیم علیه السلام پیامبری بزرگ است، پیروان ادیان الهی تلاش می‌کردند او را به خود نسبت دهند و گاهی برخی افراد سبک سر یهود و مسیحی او را پیرو مذهب خود می‌خواندند، در حالی که این مطلب بر خلاف عقل و مسلّمات تاریخی بود. ۲. با این‌که سخن یهودیان و مسیحیان در این مورد باطل است، اما قرآن از خطاب محترمانه‌ی «یا أهل الکتاب» استفاده می‌کند. البته شاید این تعبیر نوعی بیدارباش هم باشد؛ چرا که اگر کسی اهل کتاب باشد و در آن تفکر و تعمّق کند، سخن بی‌منطق و نادرست نمی‌گوید. «۱» ۳. این آیه نیز به یکی از اصول و مبانی گفت‌وگوی ادیان اشاره می‌کند و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۳۸ آن این که در این مناظرات، براساس عقل و تاریخ صحیح سخن بگویید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در گفتگوهای بین ادیان، برخلاف مسلمات تاریخی و غیرمعقول سخن نگویید. ۲. در مناظره براساس منطق، استدلال و عقل سخن بگویید. ۳. اهل کتاب برخلاف کتاب خود و عقل و مسلّمات تاریخی ادعا نکنند (که این کار شایسته‌ی آنان نیست). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و ششم سوره‌ی آل عمران به یکی دیگر از مبانی گفت‌وگوی ادیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۶. هأَنتُمْ هؤُلَآءِ حجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ هان شما [اهل کتاب] کسانی هستید که درباره آنچه شما (نسبت) به آن دانشی داشتید، بحث (و ستیز) کردید؛ پس چرا درباره آنچه شما بدان هیچ دانشی ندارید، بحث (وستیز) می‌کنید؟! و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان نباید در مورد اموری که از آنها آگاهی کامل ندارد به بحث و جدل بپردازد؛ این‌گونه سخن گفتن انسان را به حقیقت نمی‌رساند بلکه به خطا و لغزش دچار می‌کند. چه بیند چشم نابینا ز خورشید چه داند دیو سرکش جام جمشید ۲. در این آیه نیز یکی از مبانی گفت‌وگوی پیروان ادیان الهی بیان شده و آن این که آنان باید براساس علم سخن بگویند، و در مورد مسائلی که از آنها اطلاع ندارند بحث نکنند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۳۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بر مبنای علم سخن بگویید و بحث کنید. ۲. در گفت‌وگوی بین ادیان، سخنان غیرعلمی نگویید. ۳. خدا آگاه است (پس مراقب باشید که در محضر او خلاف واقع سخن نگویید). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هفتم سوره‌ی آل عمران بر ادعاهای باطل یهودیان و مسیحیان در مورد ابراهیم علیه السلام خط بطلان می‌کشد و او را به طور صحیح معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۶۷. مَا كَانَ إِبْرَهِيمُ يَهُودِيّاً وَ لَا نَصْرَانِيّاً وَ لكِن كَانَ حَنِيفاً مُّسْلِماً وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ابراهیم یهودی و مسیحی نبود؛ و لیکن حق گرایی مسلمان بود؛ و از مشرکان نبود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام حنیف بود. او پرده‌های تقلید و تعصب را درید و در محیط و عصری که مردم غرق بت‌پرستی بودند، هرگز تسلیم بت‌ها نشد «۱» و حق‌گرا و یکتاپرست خالص و پاک بود. ۲. مشرکان بت‌پرست عرب صدر اسلام، خود را اهل دین «حنیف ابراهیم علیه

السلام» معرفی می‌کردند و این سخن آن قدر شایع شده بود که به آنها «حُنفاء» می‌گفتند و در حقیقت معنای حنیف با معنای ضد آن، یعنی بت‌پرستی، هم‌خوان شده بود؛ از این رو در آیه‌ی فوق عنوان «حنیف» با تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۴۰ جمله‌ی «مسلمان بود و هرگز از مشرکان نبود.» همراه شد تا هرگونه احتمال شرک از ابراهیم علیه السلام، منتفی شود. «۱» ۳. اصطلاح «مُسلِم»، یعنی «مسلمان»، تنها به پیروان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گفته نمی‌شود، بلکه در قرآن، واژه‌ی اسلام به معنای وسیع آن، یعنی «تسلیم مطلق در برابر فرمان خدا و توحید کامل و خالص» به کار می‌رود؛ و ابراهیم علیه السلام پرچم‌دار این گونه توحید بود، پس او مسلمان بود. ۴. ابراهیم علیه السلام قبل از تولد موسی و عیسی علیهما السلام زندگی می‌کرد، پس نمی‌تواند یهودی یا مسیحی باشد؛ از این رو ادعای برخی مسیحیان و یهودیان در مورد انتساب ابراهیم علیه السلام به خود، باطل است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ابرهیم علیه السلام را نادرست معرفی نکنید، که او حق‌گرا، یکتاپرست و تسلیم حق بود. ۲. واقعیات تاریخی را تحریف نکنید و به دروغ پیامبران الهی را به خود منتسب نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هشتم سوره‌ی آل عمران نزدیک‌ترین افراد به ابراهیم علیه السلام را معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۶۸. إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرٰهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هٰذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ در حقیقت سزاوارترین مردم به ابراهیم، کسانی هستند که از او پیروی کردند، و این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند؛ و خدا، سرپرست مؤمنان است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۴۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق یک اصل اساسی را بیان کرده است و آن این که ولایت و ارتباط با پیامبران، تنها با ایمان و پیروی از آنهاست؛ بنابراین نزدیک‌ترین افراد به ابراهیم علیه السلام مؤمنانی هستند که از مکتب او پیروی کردند. احترام پیامبران به خاطر مکتب آنهاست نه به خاطر نژاد و قبیله‌ی آنان؛ بنابراین اهل کتاب بر خلاف اعادی خود، از ابراهیم علیه السلام دورند؛ زیرا با عقاید شرک‌آمیز خود از اصل توحید منحرف شده‌اند، در حالی که این اصل مهم‌ترین آموزه‌ی دعوت ابراهیم علیه السلام بود؛ و پیامبر اسلام و مسلمانان که بر این اصل تأکید می‌کنند، نزدیک‌ترین افراد به ابراهیم علیه السلام هستند. ۲. در راستای اصل فوق، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده که در مورد سلمان فارسی می‌فرمود: «سلمان از ما اهل بیت است.» و در روایتی از علی علیه السلام حکایت شده که سزاوارترین مردم به پیامبران کسانی هستند که به دستورات آنها بیش از همه عمل می‌کنند. سپس حضرت آیه‌ی فوق را تلاوت کرد و فرمود: دوست محمد صلی الله علیه و آله کسی است که اطاعت فرمان خدا کند، اگر چه نَسَبش از او دور باشد؛ و دشمن محمد صلی الله علیه و آله کسی است که نافرمانی پیشه کند، اگر چه خویشاوندی او با پیامبر نزدیک باشد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیوند اصلی مردم با رهبران الهی، پیوند مکتبی است، نه ارتباطات خویشاوندی، نژادی، زبانی یا منطقه‌ای. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۴۲ ۲. نسبت ایمانی فراتر از نسبت‌های خویشاوندی است؛ چه بسیار افرادی که در ظاهر خویشاوندند، اما از نظر فکری و اعتقادی از هم دورند. «۱» ۳. اگر نزدیکی به پیامبران (و رهبران الهی) را می‌طلبید از آنان پیروی کنید. ۴. اگر ولایت خدا را می‌طلبید ایمان آورید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و نهم سوره‌ی آل عمران به تلاش‌های بیهوده‌ی برخی یهودیان و مسیحیان برای گمراهی مسلمانان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۹. وَدَّت طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَ مَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ دسته‌ای از اهل کتاب گمراهی شما را، آرزو می‌کردند؛ در حالی که جز خودشان را گمراه نمی‌کنند، و (لی با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند. شأن نزول: برخی از مفسران حکایت کرده‌اند که گروهی «۲» از یهود می‌کوشیدند تا برخی از سرشناسان مسلمان را به سوی آیین خود دعوت کنند و با وسوسه‌های شیطانی از اسلام باز گردانند، که اگر این کار تحقّق پیدا می‌کرد، ضربه‌ی بزرگی بر اسلام وارد می‌شد و زمینه‌ای برای تزلزل دیگران پدید می‌آمد. آیه‌ی فوق نازل شد و در این زمینه به مسلمانان هشدار داد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۴۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «آنان متوجه نیستند.»، شاید اشاره به یک نکته‌ی روان‌شناختی باشد که انسان ناخودآگاه تحت تأثیر سخنان خودش قرار می‌گیرد و هنگامی که می‌کوشد دیگران را با دروغ و تهمت و سفسطه گمراه کند، خودش از آثار آن در امان نمی‌ماند و کم‌کم این خلاف‌گویی‌ها در روح و جان او اثر می‌گذارد و آنها را باور می‌کند و در نتیجه خودش گمراه

می‌شود. «۱» آن شغالک رفت اندر خمّ رنگ اندر آن خم کرد یک ساعت درنگ پس، برآمد پوستش رنگین شده که منم طاووس علیین شده (مولوی) ۲. این آیه در حقیقت تهاجم فرهنگی دشمن و توطئه‌ی آنان را افشا می‌کند و در آیات بعد قسمت‌های دیگری از این توطئه روشن می‌شود. «۲» این آیه به برنامه‌ریزی دشمن در مورد انحرافات فکری، و آیات بعد به حق‌پوشی و تاکتیک‌های فرهنگی- روانی آنان اشاره می‌کند. ۳. آیه‌ی فوق به دشمنان اسلام هشدار می‌دهد که دست از کوشش بی‌حاصل خود بردارند؛ چرا که تربیت مسلمانان حقیقی در مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله حساب شده و آگاهانه است و آن چنان اسلام در جان آنان جای گرفته و به آن عشق می‌ورزند که احتمال نمی‌رود تبلیغات دشمنان بر آنها تأثیر بگذارد و گمراه شوند. ۴. یکی از آموزه‌های این آیه دشمن‌شناسی است که موجب در امان ماندن از آسیب‌های احتمالی آنان می‌شود؛ آری، خطر تهاجم فکری و فرهنگی از مهم‌ترین خطرهاست که دفع آن نیازمند هشدار جدّی و هوشیاری و شناخت ترفندهای دشمنان است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۴۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مراقب کژ راهه‌های دشمن باشید و خطر انحرافات عقیدتی را جدّی بگیرید. ۲. ترفندهای دشمنان را بشناسید (و برای مبارزه با آنها چاره اندیشی کنید). ۳. دشمنان اسلام ناآگاهانه، خود فریبی می‌کنند (و خودشان در دام کژ راهه‌هایی که حفر کرده‌اند سقوط می‌کنند). *** قرآن کریم در آیات هفتاد و هفتاد و یکم سوره‌ی آل عمران به یهودیان و مسیحیان در مورد کفر و حق پوشی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۷۰ و ۷۱. يَأَهْلَ الْكِتبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِئَايتِ اللَّهِ وَ أَنتُمْ تَشْهَدُونَ* يأَهْلَ الْكِتبِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنتُمْ تَعْلَمُونَ ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید، در حالی که شما (به درستیِ آن) گواهی می‌دهید؟!* ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل می‌آمیزید، و حقیقت را پوشیده می‌دارید، در حالی که شما می‌دانید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اطلاع از کتاب‌های الهی و گواهی بر مطالب آنها کافی نیست، بلکه باید در عمل نیز نشانه‌های الهی را تأیید کرد و از آن پیروی نمود، یعنی به آنها کفر نورزید؛ به عبارت دیگر، لازمه‌ی آگاه بودن از کتاب و شهادت بر آن، قبول و پیروی آن است. سعدیا گرچه سخن‌دان و مصالح‌گویی به عمل کار برآید به سخن‌دانی نیست (سعدی) ۲. روش اهل کتاب در ایجاد انحراف و پوشاندن حقایق، مخصوص آن عصر نبود؛ امروزه نیز تحریف‌گران بسیاری که گاهی خود را خاورشناس و مستشرق و یا مورخ معرفی می‌کنند، با تصرف در کتاب‌ها و دایرهٔ المعارف‌ها، سیمایی ناحق از اسلام تصویر می‌کنند، تا مردم را از ایمان آوردن به آن بازدارند. «۱» ۳. گاهی انسان ناآگاهانه گرفتار انحراف یا حق‌پوشی می‌شود، که در این صورت باید مطلب را برای او توضیح داد تا حقیقت برایش روشن شود و از کژراهه‌ی کفر و حق‌پوشی بازگردد، اما گاهی برخی افراد لجوج آگاهانه به کژراهه می‌روند و راه کفر و انکار در پیش می‌گیرند و حق‌پوشی می‌کنند، که در این صورت استدلال و توضیح کارساز نیست و لازم است ضربه‌ای به وجدان آنها وارد شود تا بیدار گردند. اهل کتاب (یهود و مسیحیان) از نوع دوم هستند؛ چون نشانه‌های حقانیت اسلام را در کتاب‌های خود خوانده‌اند، ولی حق پوشی می‌کنند. ۴. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که از مخاطب پرسش می‌کند و پاسخ آن را نمی‌دهد که وجدان مخاطب داوری کند تا شاید بیدار شود و از کژراهه باز گردد. در آیات فوق از همین شیوه‌ی تربیتی استفاده شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آگاهانه حق‌پوشی و انکار حقیقت نکنید. ۲. یهودیان و مسیحیان به حقانیت اسلام پی برده‌اند ولی لجاجت می‌کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی آل عمران یکی از توطئه‌های فرهنگی- تبلیغاتی دشمنان اسلام را افشا می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۴۶ ۷۲. وَ قَالَت طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتبِ ءَامِنُواْ بِالَّذِى أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَجْهَ النَّهَارِ وَ اكْفُرُواْ ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ و دسته‌ای از اهل کتاب گفتند: «در آغاز روز به آنچه بر کسانی که ایمان آورده‌اند، فرود آمده، (ظاهراً) ایمان آورید، و در پسین آن [روز]، کفر ورزید، تا شاید آنان [از اسلام] باز گردند. شأن نزول: حکایت شده که دوازده نفر از دانشمندان یهود تصمیم گرفتند صبحگاهان نزد حضرت محمد صلی الله علیه و آله بیایند و اظهار ایمان کنند، ولی در آخر روز از اسلام برگردند و بگویند ما محمد را دیدیم ولی سخنان او با آنچه در تورات و انجیل آمده است مطابقت ندارد. آنان با این نقشه‌ی ماهرانه می‌خواستند به مردم عادی این گونه وانمود کنند که اگر اسلام مکتب

خوبی بود و مورد تأیید ادیان سابق بود، اهل علم و کتاب از آن دست برنمی‌داشتند؛ و بدین وسیله در تازه‌مسلمانان تزلزل و تردید ایجاد کنند و سایر یهودیان را از مسلمان شدن بازدارند. «۱» آیه‌ی فوق فرود آمد و پرده از روی این «نقشه‌ی ویرانگر» یهود برداشت و نشان داد که آنان برای متزلزل ساختن ایمان مسلمانان از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یهودیان می‌گفتند: «در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز از آن برگردید.» بعید نیست که منظور از آغاز و پایان روز فاصله‌ی کوتاه بین ایمان و کفر باشد، خواه از آغاز روز شروع شود یا وقت دیگر؛ که این کوتاهی فاصله سبب خواهد شد که ساده لوحان بگویند: آنها اسلام را از دور، چیز خوبی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۴۷ پنداشتند ولی از نزدیک چیز دیگری یافتند و از این رو به سرعت از آن بازگشتند. ۲. یهودیان امیدوار بودند که تازه مسلمانان از دین خود باز گردند؛ چرا که این عده از دانشمندان یهود بودند و در بین تازه‌مسلمانان نیز افراد سست عنصری وجود داشتند که ممکن بود تحت تأثیر این نقشه‌ی ماهرانه قرار گیرند. ۳. آیه‌ی فوق و آیه‌ی بعد در حقیقت از آیات اعجازآمیز قرآن بود که پرده از اسرار یهود و دشمنان اسلام برمی‌داشت. مسلمانان در پرتو این آیات بیدار شدند و از وسوسه‌های دشمن دوری جستند. ۴. مواظب تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی دشمنان باشیم. این گونه نقشه‌های فرهنگی- تبلیغاتی منحصر به آن زمان نبود و در عصر ما نیز به صورت دیگری اجرا می‌شود. امروزه دشمنان اسلام با مجهزترین شبکه‌های تبلیغاتی در جهان می‌کوشند تا پایه‌های عقاید اسلامی مسلمانان و به ویژه نسل جوان را ویران سازند و آنان را نسبت به آیین خود به تردید اندازند پس هشدار قرآن پابرجاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مواظب عناصر نفوذی دشمن باشید (که ممکن است از پشت به شما ضربه بزنند). ۲. مراقب تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی دشمنان اسلام باشید (و آنها را خنثی سازید). ۳. دشمنان برای ایمان شما نقشه می‌کشند تا شما را از اسلام باز گردانند (پس مراقب باشید). ۴. زودباور نباشید و به ایمان آوردن دشمنان اسلام دل‌خوش نکنید (که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۴۸ شاید توطئه باشد). *** قرآن کریم در آیات هفتاد و سوم و هفتاد و چهارم سوره‌ی آل عمران بخش دیگری از توطئه‌ی فرهنگی- تبلیغاتی دشمنان اسلام را افشا می‌کند و با پاسخ به آنها می‌فرماید: ۷۳ و ۷۴. وَ لَا تُؤْمِنُواْ إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَن يُؤْتَى أَحَدٌ مِّثْلَ مَآ أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَآجُّوكُمْ عِندَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ وَ اللَّهُ وسِعٌ عَلِيمٌ* يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَآءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ و جز به کسی که از دین شما پیروی می‌کند، (واقعاً) ایمان نیاورید. بگو: «در حقیقت هدایت، هدایت خداست.» (اهل کتاب به همدیگر می‌گفتند: تصوّر نکنید) که به کسی، نظیر آنچه به شما داده شده، داده می‌شود، یا در پیشگاه پروردگارتان، با شما بحث می‌کنند. بگو: «در حقیقت (این) بخشش، به دست خداست؛ به هر کس (شایسته بداند و) بخواهد می‌دهد؛ و خدا گشایشگری داناست.* رحمتش را به هر کس (شایسته بداند و) بخواهد، اختصاص می‌دهد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد مقصود اهل کتاب از «ایمان نیاوردن نسبت به پیروان ادیان دیگر»، دو احتمال داده‌اند: الف) مقصود آنان تأکید بر این است که ایمان شما تنها جنبه‌ی ظاهری داشته باشد و تنها با پیروان آیین خودتان یعنی نژاد یهود پیوند برقرار کنید. زیرا آنها معتقد بودند که نبوت تنها در نژاد یهود خواهد بود. ب) مقصود آن است که این توطئه باید کاملًا محرمانه باشد و آن را جز برای یهودیان بازگو نکنید تا مبادا فاش گردد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۴۹ ۲. افشای این توطئه‌ی محرمانه‌ی یهود توسط قرآن و بازگو کردن سخنان آنها می‌توانند درس عبرت و وسیله‌ی هدایتی برای مخالفان اسلام و مایه‌ی دل گرمی مسلمانان باشد. ۳. دشمنان اسلام در توطئه‌های خود به پنهان کاری سفارش می‌کنند و به غیر خود اعتماد ندارند و دیگران را لایق افتخارات الهی نمی‌دانند. ۴. در این آیات دو تذکر اساسی به توطئه‌گران داده شده است: الف) هدایت واقعی هدایت الهی است؛ بنابراین دین و نژاد یهود معیار هدایت و گمراهی نیست. ب) مواهب الهی، هم چون مقام نبوت و رهبری، به دست خداست و هر کس را شایسته بداند و بخواهد به او می‌بخشد و این نعمت‌ها مخصوص نژاد یهود نیست. ۵. بخشش خدا تابع خواست و اراده‌ی او، و اراده‌ی الهی تابع حکمت و علم اوست، پس به کسانی می‌بخشد که شایستگی لازم را در آنها بیابد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دشمنان مخفیانه علیه مسلمانان توطئه می‌کنند (پس مراقب آنان باشید). ۲. دشمنان اسلام

افرادی نژادپرست هستند که می‌خواهند مواهب الهی را در انحصار خود درآورند. ۳. هدایت و بخشش الهی به دست خداست (نه در اختیار دشمنان اسلام). ۴. توطئه‌ها و سخنان دشمنان اسلام را بی‌پاسخ نگذارید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۵۰ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و پنجم سوره‌ی آل عمران به برخوردهای متفاوت اهل کتاب با امانت‌های مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۵. وَ مِنْ أَهْلِ الْکِتبِ مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ یُؤَدِّهِ إِلَیْکَ وَ مِنْهُم مَّنْ إِن تَأْمَنْهُ بِدِینَارٍ لَّا یُؤَدِّهِ إِلَیْکَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَیْهِ قَآئِماً ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَالُواْ لَیْسَ عَلَیْنَا فِی الْأُمِّیِّنَ سَبِیلٌ وَ یَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ و از اهل کتاب، کسی است که اگر او را بر ثروت زیادی امین بداری، آن را به تو باز می‌گرداند؛ و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین بداری، آن را به تو باز نمی‌گرداند؛ مگر تا زمانی که بر [سر] او ایستاده باشی. این بخاطر آن است که آنان می‌گفتند: «در (مورد) کسانی که درس نخوانده‌اند [و کتاب الهی ندارند]، بر [زیان] ما راهی نیست.» و بر خدا دروغ می‌بندند؛ در حالی که آنان می‌دانند. شأن نزول: حکایت شده که مرد ثروتمندی مقدار زیادی طلا نزد «عبد اللّه بن سلام» یهودی به امانت گذاشت و او با امانت‌داری و درستکاری، سر موقع آنها را باز گرداند. و مردی از قریش نیز مقدار کمی طلا- نزد «فنحاص» یهودی به امانت گذاشت و او در آن امانت خیانت کرد. «۱» آیه‌ی فوق نازل شد و یهودی اول را بر امانت‌داری ستود و یهودی دوم را به واسطه‌ی خیانت در امانت نکوهش کرد. البته برخی نیز حکایت کرده‌اند که قسمت اول آیه مربوط به مسیحیان و قسمت دوم مربوط به یهودیان است. البته مانعی ندارد که آیه به هر دو مطلب اشاره داشته باشد و در هر حال موجب انحصار معنای آیه در موارد فوق نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۵۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عده‌ای از اهل کتاب در امانت خیانت می‌کردند، نه همه‌ی آنها و قرآن برای خلاف کاری عده‌ای، همه‌ی اهل کتاب را محکوم نمی‌کند. «۱» ۲. منطق غلط یهودیان که «غصب اموال مردم را مجاز می‌دانند»، از اصل خیانت در امانت، به مراتب خطرناک‌تر است؛ زیرا آنان خود را در این کار صاحب حق معرفی می‌کنند و حتی این مطلب جنبه‌ی اعتقادی و مذهبی به خود می‌گیرد. آری، توجیه گناه بالاتر از گناه است. ۳. از جمله‌ی «مگر زمانی که بالای سر او ایستاده باشی»، یک اصل کلی و اساسی درباره‌ی روحیه‌ی یهود استفاده می‌شود و آن این که آنان در پرداخت حقوق دیگران هیچ اصلی را، جز «قدرت»، به رسمیت نمی‌شناسند و مسلمانان برای گرفتن حقوق خود از یهودیان، هیچ راهی جز کسب قدرت ندارند. این اصل در عصر حاضر نیز با تجاوزها و پیمان‌شکنی‌ها و خیانت‌های اسرائیل نسبت به حقوق مسلمانان فلسطین به اثبات رسید. و این یکی از مطالب جالبی است که قرآن در مورد روان شناختی یهودیان بیان کرده است. ۴. باز پس دادن امانت، در ادیان الهی، از جمله اسلام، سفارش شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خدا هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این‌که «راست‌گویی» و «ادای امانت» جزء برنامه‌های او بود که باید هم درباره‌ی نیکان و هم بدکاران رعایت گردد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۵۲ ۵. ریشه‌ی تجاوزگری و خیانت‌کاری یهودیان دو چیز است: اول آن‌که به غلط می‌پنداشتند که برتر از دیگران هستند و از این رو مانعی ندارد که به حقوق آنان تجاوز کنند. دوم آن‌که آگاهانه به خدا دروغ می‌بستند و گناهان خود را به وسیله‌ی دین توجیه می‌کردند. ۶. دروغ‌گویی بد است، دروغ‌گویی آگاهانه بدتر، و دروغ بستن به خدا از همه بدتر است و یهودیان این‌گونه بودند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی اهل کتاب را نیک ندانید که برخی از آنان خیانت‌پیشه‌اند. ۲. برخی از اهل کتاب تصور غلطی از خود دارند و خود را برتر از دیگران می‌پندارند و مانعی برای تجاوزکاری خود نمی‌بینند. ۳. توجیه گناه یکی از عوامل زمینه‌ساز رواج خلافکاری است. ۴. حق خود را با قدرت از تجاوزگران اهل کتاب بگیرید که آنان جز زور نمی‌شناسند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و ششم سوره‌ی آل عمران به صفت پسندیده‌ی وفای به عهد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۶. بَلَی مَنْ أَوْفَی بِعَهْدِهِ وَ اتَّقَی فَإِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَّقِینَ آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و [خود را] حفظ کند، پس حتماً خدا پارسایان (خود نگهدار) را دوست می‌دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وفای به عهد و امانت‌داری در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. در حدیثی از امام سجاد علیه السلام حکایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۵۳ ادای امانت بر همه‌ی شما لازم است. سوگند به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت، اگر

قاتـل پـدرم حسین بن علی بن ابی طـالب علیهمـا السلام همـان شمشـیری را که بـا آن مرتکب قتل او شـد، به صورت امانت به من می‌سپرد [و من از او می‌پـذیرفتم]، امـانت او را بـاز پس می‌دادم. «۱» ۲. پیمـان دارای اقسامی است و وفای به عهـد نیز مراحلی دارد: الف) عهـد خـدا از طریق فطرت یا از طریق پیامبران با انسان؛ «۲» ب) عهـد انسان با خدا؛ «۳» ج) عهـد مردم با یکدیگر؛ «۴» د) عهد رهبر با امت و بالعکس. «۵» وفای به عهـد در تمام اقسام و مراحل فوق لازم است. آدمی گر خون بگرید از گرانباری رواست کانچه نتوانست بردن آسـمان، بر دوش اوست (صـائب) ۳. این آیه تقوا و پارسـایی را معیـار دوستی با خـدا می‌دانـد، البته زمینه‌ی محبت و لطف الهی نسبت به انسان و مقیاس ارزش و شخصیت انسان نزد خداست. ۴. وفاداری نسبت به پیمان و امانت‌داری از مصادیق تقوا و پارسایی است که به خاطر اهمیتش، جداگانه در کنار تقوا ذکر شده است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۵۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وفاداری و تقوا زمینه‌ساز محبت و لطف خـداست. ۲. اگر دوستی خـدا را طالبیـد پارسا شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هفتم سوره‌ی آل عمران به پیامـدهای منفی پیمان‌شـکنی و سوگندهای دروغ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۷. إِنَّ الَّذِینَ یَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَیْمنِهِمْ ثَمَناً قَلِیلًا أُوْلئِکَ لَا خَلقَ لَهُمْ فِی الآخِرَهْ وَ لَا یُکَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَ لَا یَنظُرُ إِلَیْهِمْ یَوْمَ الْقِیمَهِ وَ لَا یُزَکِّیهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ براستی کسانی که پیمان خـدا و سوگنـدهایشان را به بهای انـدکی می‌فروشـند، آنان هیچ بهره‌ای در آخرت برای‌شان نخواهد بود؛ و خدا با آنان سـخن نخواهـد گفت و در روز رسـتاخیز به آنان نظر نخواهـد کرد و رشـدشان نمی‌دهد (و از گناه پاکشان نخواهد ساخت؛) و عـذاب دردناکی برای آنهاست. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق دو گونه حکایت شده است: نخست آن‌که برخی از دانشـمندان یهود که پس از گسترش اسلام، موقعیت اجتماعی خود را در میان یهودیان در خطر دیدند، کوشیدند تا نشان‌هایی که در تورات در مورد پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله وجود داشت و شـخصاً آنهـا را حکـایت کرده بودنـد، تحریف نماینـد و حتی حاضـر شـدند سوگنـد یاد کننـد که آن جمله‌های تحریف شـده، که خود به تورات اضافه کرده بودنـد، از ناحیه‌ی خداست؛ از این رو، آیه‌ی فوق فرود آمـد و شدیـداً به آنها اخطار کرد. دومین شأن نزولی که برای آیه‌ی فوق حکایت شده آن است که شخصـی به نام «اشـعَث بن قیس» می‌خواست با دروغ‌گویی زمین دیگری را مالک شود تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۵۵ و حتی آماده‌ی سوگند شده بود. در این هنگام آیه‌ی فوق نازل شد و «اشـعَث» ترسید و به حق اعتراف کرد و زمین را به صاحبش برگرداند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق در مورد خلاف‌کـاری یهود و یـا برخی افراد نـازل شـده است امـا معنـای آیه منحصـر در آنان نیست و به صورت کلی و عمومی بیـان شـده است و شامل همه‌ی کسانی که این صـفات را دارنـد، می‌گردد. ۲. سوگندشـکنی و پیمان‌شکنی پنج پیامد منفی دارد: الف) بی بهره بودن در آخرت؛ ب) محرومیت از سخن گفتن خدا با آنان؛ ج) محرومیت از نظر و لطف الهی؛ د) محرومیت از پاکی و آمرزش الهی؛ ه) گرفتار شـدن به عذاب دردناک. ۳. پیامـدهای پنج گانه‌ی فوق، گویا اشاره به مراحل تدریجی «نزدیکی و دوری» از خـداست؛ کسـی که به خدا نزدیک می‌شود، نخست مشـمول یک سلسله مواهب معنوی می‌شود و هنگامی که نزدیک‌تر شد، خدا با او سـخن می‌گوید، باز نزدیک‌تر می‌شود و خدا بر او نظر رحمت می‌افکند، و هنگامی که از آن هم نزدیک‌تر شد، او را از آثار لغزش و گناه پاک می‌سازد؛ در نتیجه از عذاب دردناک نجات می‌یابد. ولی کسانی که در مسیر پیمان‌شـکنی و سوگندهای دروغ قرار گرفته‌انـد، از این برکـات محروم می‌شونـد و مرحله به مرحله عقب‌نشـینی می‌کننـد. «۲» ۴. مقصود از «بهای انـدک»، آن است که هرگونه بهای مادی در برابر گناه پیمان‌شـکنی و سوگندشـکنی، حتی اگر ریاست‌های وسیع و دامنه‌داری تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۵۶ باشـد، باز هم قلیل و ناچیز است؛ چون این گناهان بسـیار بزرگ است. دین‌فروشـی مایه کردن، هست خسـران مبین سودمند آن کس که دنیا صرف کرد و دین خرید ۵. سخن گفتن خدا با انسان، نشانه‌ی لطف او و یکی از نعمت‌های معنوی و لذت بخش است، ولی مقصود از سـخن گفتن خدا با بندگان، سـخن گفتن معمولی با زبان نیست؛ خدای متعال جسم نیست تا زبان داشـته باشـد؛ پس مقصـود الهـام قلبی و یـا ایجـاد امواج صوتی در فضـاست، همـان‌طور که بـا موسـی علیه السـلام سـخن گفت. ۶. پیمان‌شـکنی و سوگنـد دروغ از گناهـان کـبیره است؛ و چنیـن عـذاب‌ها و تهدیـدهای سـخت و پی در پی در قرآن کریم در مـورد

گناهان دیگر مطرح نشده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیمان‌فروشی و سوگندفروشی به هر قیمتی که باشد بهایش اندك و معامله‌ای زیان‌آور است. ۲. پیمان‌شکنی و سوگندشکنی گناه بزرگی است که انسان را از لطف الهی محروم می‌سازد و فرجامی عذاب‌آلود دارد. ۳. اگر لطف و آمرزش الهی و بهره‌ی آخرت و نجات از آتش را می‌طلبید، به پیمان و سوگند خود وفادار باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هشتم سوره‌ی آل عمران تحریفگران و خیانتکاران علمی را افشا می‌کند و می‌فرماید: ۷۸. وَ إِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقاً يَلْوُنَ أَلْسِنَتَهُم بَالْكِتبِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتبِ وَ مَا هُوَ مِنَ الْكِتبِ وَ يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عَندِ اللَّهِ وَ مَا هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۵۷ الْكَذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ و در واقع برخی از آنان دسته‌ای هستند که زبانشان را به [خواندن] کتاب می‌پیچانند تا بپندارید آن [را که می‌خوانند،] از کتاب (خدا) است؛ در حالی که آن از کتاب (خدا) نیست. و می گویند: «آن از نزد خداست.» در حالی که آن از نزد خدانیست، و بر خدا دروغ می‌بندند، در حالی که آنان می‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از گناهان خاص عالمان، عوام‌فریبی همراه با لفّاظی و خیانت علمی است که در آیه‌ی فوق بدان اشاره شد. مقصود آن است که برخی دانشمندان یهود به هنگام تلاوت کتاب (تورات) زبان خود را می‌پیچند تا وانمود کنند که آنچه می‌خوانند از کتاب خداست «۱» و بدین وسیله کتاب الهی را تحریف می‌کنند. ۲. دروغ آگاهانه و مغرضانه در مسائل دینی از بزرگ‌ترین گناهان است؛ چرا که خیانت به فرهنگ، تفکر، عقیده و دین انسان‌هاست و مردم را به اشتباه می‌اندازد و گمراه می‌سازد و از همه مهم‌تر آن‌که تهمت بر خداست. ۳. خدای متعال دانشمندانی را که با خیانت علمی، مطالب دینی را تحریف می‌کنند رسوا می‌سازد. این مطلب هشداری است به خیانت‌پیشگان و آموزه‌ای است برای دیگران. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آگاهانه به خدا دروغ نبندید و کتاب‌های آسمانی را تحریف نکنید. ۲. برخی از اهل کتاب (یهودیان و ...) تحریف‌گرند و آگاهانه تهمت می‌زنند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۵۸ ۳. دانشمندانی را که خیانت علمی و تحریف‌گری می‌کنند افشا نمایید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و نهم سوره‌ی آل عمران بشر پرستی را ممنوع می‌کند و با اشاره به عوامل پرورش عالمان ربانی می‌فرماید: ۷۹. مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتبَ وَ الْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُواْ عِبَاداً لِّى مِن دُونِ اللَّهِ وَ لكِن كُونُواْ رَبنِيِّنَ بَمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتبَ وَ بِمَا كُنتُمْ تَدْرُسُونَ برای هیچ بشری سزاوار نیست که خدا به او، کتاب و حکم و پیامبری دهد؛ سپس [او] به مردم بگوید: «غیر از خدا، بندگان من باشید.» و لیکن (سزاوار مقام پیامبر آن است که بگوید: مردمی) ربّانی باشید، به سبب آن‌که همواره کتاب [خدا] را می‌آموختید و از آن رو که پیوسته درس می‌خواندید. شأن نزول: حکایت شده که برخی از یهودیان و مسیحیان خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: آیا مایل هستی تو را پرستش کنیم و مقام الوهیت برای تو قایل شویم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پناه بر خدا، که من اجازه دهم کسی جز پروردگار یگانه مورد پرستش قرار گیرد، خدا هرگز مرا برای چنین امری نفرستاده است. «۱» شاید اهل کتاب می‌پنداشتند که مخالفت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با الوهیت مسیح علیه السلام به خاطر آن است که خود سهمی از این موضوع ندارد و یا برای بد نام کردن پیامبر صلی الله علیه و آله این پیشنهاد را مطرح کردند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۵۹ اما آیه‌ی فوق جواب صریح و قاطعی به این افراد داد و بیان داشت که نه پیامبر اسلام و نه هیچ پیامبر دیگری را نباید پرستید و اگر مسیحیان هم خیال می‌کنند حضرت مسیح علیه السلام آنان را به پرستش خویش دعوت کرده است اشتباه می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق در مقام نفی مطلق است؛ یعنی افرادی که از جانب خدا فرستاده شده‌اند و بهره‌ی وافری از علم و حکمت دارند، هیچ‌گاه از مرحله‌ی بندگی و عبودیت تجاوز نمی‌کنند و به پرتگاه شرك در نمی‌غلتند. و همیشه پیامبران در مقابل خدا از افراد عادی خاضع‌ترند و دیگران را نیز به پرستش و فروتنی در برابر خدا فرا می‌خوانند. ۲. هدف پیامبران تنها پرورش افراد عادی نبود، بلکه تربیت افرااد عادی نبود، بلکه تربیت افراد ربّانی، یعنی معلمان و مربیان و رهبران گروه‌های انسانی بود که خودشان با خدا پیوند محکمی داشته باشند و دیگران را نیز این‌گونه تربیت کنند. «۱» عالم و عابد و صوفی همه طفلان ره‌اند مرد اگر هست به جز عالم ربانی نیست (سعدی) ۳. تفاوت «تعلیم» و «تدریس» آن است که تعلیم معنای وسیع و گسترده‌ای دارد و هرگونه آموزش از

طریق گفتار و کردار، نسبت به افراد بـا سواد و بی سواد را شامـل می‌شود، امـا تـدریس به آموزش‌هـایی گفته می‌شود که از روی کتاب و دفتر باشد؛ پس تدریس اخص از تعلیم است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۶۰ ۴. واژه‌ی «درس» در مورد کتاب‌های الهی به کار رفته است. «۱» چند عنصر در این مفهوم دخالت دارند که عبارت‌اند از: الف) پیوسته خواندن چیزی؛ ب) کهنه شدن اثر که آن را «دَرس الاثر» گویند؛ ج) تکرار چیزها که به همین مناسبت تدریس استاد را «درس» گفته‌اند؛ د) باقی ماندن اثر چیزی، و از این رو به اثری که در ذهن باقی مانـد درس علم و درس کتاب گویند. «۲» پس می‌توان گفت که درس کتاب‌های الهی، مثل قرآن، به معنـای مراجعه‌ی مکرر به آن است که یکی از مراحـل اسـتفاده از این کتـاب الهی است که در ردیف روخوانی، قرائت، تلاوت و حفظ قرار می‌گیرد. ۵. پیامبران و اولیای خدا معبود ما نیستند، اما ما وظیفه داریم آنها را دوست بداریم و به آنها احترام بگذاریم و از زحمات آنان قـدردانی کنیم و پیرو آنان باشیم. حکایت شده که شخصـی از پیامبر صـلی الله علیه و آله پرسـید: اجازه می‌دهی تو را سجـده کنیم؟ حضـرت فرمود: سـجده برای غیر خـدا جـایز نیست. پیـامبر خود را تنها به عنوان یک بشـر احترام کنیـد، ولی حق او را بشناسید و از او پیروی کنید. «۳» ۶. معلمان و مربیان و رهبران جامعه، باید ربّانی‌پرور باشـند که لازمه‌اش تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۶۱ ربانّی بودن خود آنان است و دیگر این که کتاب (خدا) را تعلیم دیده و درس گرفته باشند. ۷. راهکار اساسی ربانّی شدن این است که انسان تحت تربیت رهبر الهی قرار گیرد؛ رهبری که از کتاب‌های آسمانی آموزش دیده باشد و به شاگردان خود درس دهد. چنین رهبری به سوی خدای خود دعوت می‌کند، نه به سوی خود؛ و این مقتضای کتاب‌های الهی است. دست را مسپار جز در دست پیر حق شـده است آن دست را دست‌گیر (مولوی) آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. هدف پیامبران آن است که شـما دانشـمندان الهی و ربّانی شوید. ۲. مبلغـان و رهبران دینی به سوی خود فرا نخواننـد (بلکه به سوی خـدای خود فراخواننـد). ۳. تعلیم و تعلّم کتاب‌هـای آسمانی، ربّانی‌پرور است. ۴. معلمی انتخاب کنید که با کتاب الهی انس داشـته باشد (تا شما را ربانّی تربیت کند). ۵. محور تعلیم و تـدریس شـما کتاب الهی (قرآن) باشـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشـتادم سوره‌ی آل عمران پرسـتش فرشـتگان و پیامبران را نفی می‌کنـد و می‌فرماید: ۸۰. وَ لَما یَأْمُرَکُمْ أَن تَتَّخِذُواْ الْمَلئِکَهَ وَ النَّبِیِّنَ أَرْبَاباً أَیَأْمُرُکُم بَالْکُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ و [برای پیامبر سـزاوار نیست] که به شـما دسـتور دهد که فرشـتگان و پیامبران را، پروردگارِ [خود] انتخاب کنید. آیا پس از آن‌که شـما مسلمان شدید، به شما دستور کفر ورزیدن می‌دهد؟! تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۶۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه اولًا، پاسخ به مشـرکان عرب است که فرشـتگان را دختران خدا می‌پنداشتند و نوعی ربوبیت برای آنها قایل بودند؛ ثانیاً، پاسخی به «صابئان» است که خود را پیرو «یحیی» معرفی می‌کردند و مقام فرشـتگان را تا سـر حد پرسـتش بالا می‌بردند و ثالثاً، پاسـخی است به یهود که «عُزَیر» را فرزند خدا معرفی می‌کردنـد و سـهمی از ربوبیت برای او قایـل بودنـد. آیه‌ی فوق به همه‌ی آنها پاسـخ می‌دهـد که برای هیـچ پیامبری شایسـته نیست مردم را به ربوبیت و پرسـتش غیر خدا دعوت کند. ۲. پیامبران معصوم‌اند و از مسـیر فرمان خدا منحرف نمی‌شوند. ۳. هرگونه پرسـتش غیر خدا و به ویژه بشـرپرستی، محکوم است و آزادگی و اسـتقلال شخصـیت، روح انسان را پرورش می‌دهد؛ همان روحی که بـدون آن شایسـته‌ی نام انسان نخواهد بود. ۴. یکی از راه‌های شـناساییِ «دعوت کننـدگان به سوی حق» از «دعوت کننـدگان به سـوی باطـل» آن است که دعوت کننـدگان به حق مثـل پیـامبران و امامـان، هرگـاه قـدرتی را در اختیـار می‌گیرنـد مردم را به سوی اهـداف مقـدس دینی و انسـانی، مثـل توحیـد و آزادگی و عـدالت، دعـوت می‌کننـد؛ ولی دعوت کننـدگان به سوی باطـل، پس از پیروزی، مردم را به طرف فردپرستی و بنـدگی خـویش دعوت می‌کننـد. «۱» ۵. در حـدیثی حکـایت شـده که روزی امام علی علیه السلام به سرزمین «انبار» رسید (که یکی از شهرهای مرزی عراق است)، گروهی از دهقانان در برابر او به سجده افتادند و طبق روش خود به حضـرت علی علیه السـلام ادای احترام کردند. تفسـیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۶۳ امام علی علیه السـلام نه تنها به این کار رضـایت ندادنـد کـه برآشـفتند و فریـاد زدنـد: ایـن چـه کـاری بـود کـه انجـام دادیـد؟ ... مردم گفتنـد: ایـن کـاری اسـت کـه برای بزرگ‌داشـت زمـامداران خـود انجـام می‌دهیـم. امـام علی علیـه السـلام فرمودنـد: بـه خـدا قسم، زمـامداران شـما از ایـن کـار بهره‌ای

نمی‌گیرند و شما خود را در دنیا به رنج و در آخرت به بدبختی گرفتار می‌سازید. «۱» ۶. کفر اقسامی دارد: انکار خدا نوعی از کفر است و ربّ قرار دادن غیر خدا نیز نوع دیگری است؛ چرا که شرک در ربوبیت اوست. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. غیرخدا را پروردگار خویش قرار ندهید که کفر است. ۲. رهبران دینی، مسلمانان را به غیرخدا و کفر دعوت نکنند (بلکه به توحید فراخوانند). ۳. فرشته‌پرستی و پیامبرپرستی ممنوع است (پس آزاده و مسلمان باشید). *** خدای متعال در آیه‌ی هشتاد و یکم سوره‌ی آل عمران از یک پیمان مقدس که با تمام پیامبران بسته شده سخن می‌گوید و می‌فرماید: ۸۱. وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَقَ النَّبِيِّنَ لَمَآ ءَاتَيْتُكُم مِّن كِتَبٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَآءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنصُرُنَّهُ قَالَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَى ذلِكُمْ إِصْرِى قَالُوٓاْ أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُواْ وَ أَنَاْ مَعَكُم مِّنَ الشَّهِدِينَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۶۴ و (یاد کنید) هنگامی را که خدا، از پیامبران پیمان محکم گرفت، که هر گاه به شما کتاب و فرزانگی دادم، سپس فرستاده‌ای به سوی شما آمد که مؤید آن چیزی است که با شماست، حتماً به او ایمان آورید و قطعاً یاریش کنید. [آنگاه خدا] گفت: «آیا اقرار کردید؟ و پیمان محکم مرا بر آن پذیرفتید؟» گفتند: « (آری) اقرار کردیم.» [خدا به آنان] گفت: «پس گواه باشید؛ و من [نیز] با شما از گواهانم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق به یک اصل کلی و عمومی اشاره دارد، یعنی بشارت به پیامبران پیشین در مورد پیامبران بعدی و پیمان گرفتن از «۱» آنها نسبت به هر پیامبری که بعد از آنها فرستاده می‌شود. ۲. پیامبران الهی همگی دارای هدف مشترک هستند؛ از این رو هر پیامبری به آمدن پیامبر بعدی بشارت می‌دهد و هم‌دیگر را تأیید و یاری می‌کنند. ۳. همه‌ی پیامبران (و پیروان ادیان الهی) موظف‌اند که به پیامبر اسلام ایمان آورند و در احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که هنگامی که خدا، آدم و سایر پیامبران را آفرید، از آنها عهد و پیمان گرفت که هرگاه محمد صلی الله علیه و آله برانگیخته شد، به او ایمان آورند و او را یاری کنند. «۲» ۴. پیمان گرفتن از پیامبران، نوعی پیمان گرفتن از پیروان آنها نیز هست. پس مقصود از پیمان فوق، پیمان از امت‌های آنان و نسل‌های بعدی نیز تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۶۵ هست که عصر پیامبران بعدی را درک می‌کنند. دین فطرت از نبی آموختیم در ره حق مشعلی افروختیم ۵. آیه‌ی فوق در مورد جانشینان پیامبران نیز صادق است و جانشینان راستین آنها از آنان جدا نیستند «۱» و این‌که در روایات حکایت شده که جمله‌ی «او را یاری کنید.» در آیه‌ی فوق، درباره‌ی علی علیه السلام است، اشاره به همین مطلب است. «۲» ۶. تفاوت برنامه‌ی پیامبران همانند تفاوت برنامه‌ی دو استاد یا دو استاندار است که در اصول علمی و سیاسی دارای هدف و جهت واحدی هستند، ولی در مسائل جزئی، به خاطر تفاوت‌های فردی دانش‌جویان یا شرایط منطقه‌ای، برنامه‌های گوناگونی ارائه می‌دهند. «۳» ۷. در میثاق فوق، ایمان به پیامبر همراه با یاری او مطرح شده است؛ چرا که تنها ایمان به پیامبران کافی نیست بلکه یاری آنها نیز لازم است. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی مؤیّد و یاور یکدیگر باشند (چرا که برنامه‌ی مشترکی را دنبال می‌کنند). ۲. از همه‌ی پیامبران در مورد پیامبر بعدی (و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) پیمان وفاداری گرفته شده و خدا شاهد این پیمان است. ۳. در برابر رهبران الهی دو وظیفه دارید: تأیید و پشتیبانی. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۶۶ قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و دوم سوره‌ی آل‌عمران به عاقبت پیمان‌شکنی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۲. فَمَن تَوَلَّى بَعْدَ ذلِكَ فَأُوْلئِكَ هُمُ الْفَسِقُونَ و کسانی که بعد از این (پیمان محکم)، روی برتابند، پس تنها آنان نافرمانبردارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تاریخ نشان داده که پیروان هیچ آیینی به آسانی حاضر نیستند، دست از آیین خود بردارند و در برابر پیامبر جدید که از طرف خدا فرستاده شده، تسلیم گردند، بلکه با تعصب و سرسختی خاصی بر آیین قدیم می‌ایستند و از آن دفاع می‌کنند و این مسأله سرچشمه‌ی بسیاری از جنگ‌های مذهبی است که در طول تاریخ واقع شده است. ۲. انسان در مسیر خداشناسی، حق، عدالت، ایمان و اخلاق راه تکامل را می‌پوید و هم‌چون دانش‌آموزی است که مدارج تحصیلی خود را یکی پس از دیگری طی می‌کند. حال اگر در کلاس یکی از پیامبران بماند و بالاتر نرود، چیزی جز رکود و عقب‌ماندگی نصیب او نخواهد شد. همان‌طور که بسیاری از پیروان آیین‌های کهن در برابر حقایق دین اسلام تسلیم نشدند «۱» و خود را از مزایای آن محروم ساختند. ۳. پیمان شکنان افرادی

فاسق و نافرمانانـد؛ چرا که وفای به عهـد، دسـتوری الهی است و هر کس پیمان‌شـکنی نمایـد در حقیقت قانون الهی را نقض کرده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیمان‌شـکنان، فرمان الهی را نقض کرده و قانون شـکن‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۶۷ ۲. تأیید نکردن و یـاری ننمودن پیامبر آخر (الزمان) نافرمانی و فسق به شـمار می‌آیـد. ۳. پس از پیمان بسـتن آن را نقض نکنیـد که فاسق به شمـار می‌آییـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشـتاد و سوم سوره‌ی آل‌عمران به گوهر دین که همان تسـلیم شـدن در مقابل خداسـت اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۸۳. أَفَغَیْرَ دِینِ اللَّهِ یَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَن فِی السَّموتِ وَ الأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ و آیا غیر از دین خـدا را می‌طلبند؟! در حالی که هر کس در آسـمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه تسـلیم اوست؛ و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «اسلام» در این موارد به معنای وسیع آن یعنی تسلیم شدن انسان و غیرانسان در برابر خداست. ۲. در مورد تعبیر «خواه و ناخواه» در آیه‌ی فوق دو تفسیر ارائه شـده است: الف) تسـلیم اختیاری در برابر خدا، همان تسـلیم در برابر قوانین تشـریعی خـداست و تسـلیم اجباری، در برابر قوانین تکوینی خـداست. یعنی خدای متعال دو گونه فرمان در عالم هستی دارد: یـک سلسله از فرمان‌هـای او به صورت قوانین طبیعی یـا ما فوق طبیعی است که بر موجودات جهان حاکم است. این‌ها همان قوانین تکوینی است که همه، بی‌اختیار تابع آن قوانین هستند و، بدین معنا، همه تسلیم و مسلمان هستند. و نوع دوم فرمان‌ها، همان احکام و قوانینی است که دین به انسان عرضه می‌کند. این‌ها همان قوانین تشـریعی است که تسـلیم در برابر آنها جنبه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۶۸ اختیـاری دارد و تنها افراد با ایمان به خاطر تسـلیم شـدن در برابر قوانین دینی، شایسـته‌ی نام «مسـلمان» هسـتند. آری مؤمنان از روی اختیار تسلیم قوانین الهی‌اند و کافران به اجبار تنها تابع قوانین تکوینی خدا هستند. ب) احتمال دوم در معنای جمله‌ی مـذکور آن است که: افراد با ایمان در حال رفاه و آرامش و از روی رغبت و اختیار به سوی خـدا می‌رونـد، اما افراد بی‌ایمان تنها به هنگـام گرفتاری و مشـکلات طاقت‌فرسا به سوی او می‌شـتابند و او را می‌خواننـد. «۱» ۳. هر کسـی در جهان هستی تسـلیم خداست؛ برخی به اجبار و برخی با اختیار، اما از آن‌جا که انسان عقل و اختیار دارد، تسـلیم اختیاری او ارزشـمند است و حقیقت دین الهی نیز همین تسـلیم است و چه نیکوست که ما هم، پس از تفکر، با اختیار خویش، تسـلیم او باشـیم. در دایره‌ی قسـمت، ما نقطه‌ی تسلیمیم لطف آنچـه تـو اندیشـی، حکـم آنچه تـو فرمـایی فکر خـود و رأی خـود در عـالم رنـدی نیست کفرست درین مـذهب خـودبینی و خودرأیی ۴. این آیه به پیروان ادیـان دیگر اشـاره کرده که اگر به دنبـال دین حقیقی هستیـد، که همان تسـلیم در برابر خـداست، از اسـلام پیروی کنیـد و به دنبال غیر آن نرویـد و در ضـمن به آنان هشـدار می‌دهـد که به سوی خـدا باز می‌گردیـد و به حساب شـما رسـیدگی خواهد شد. پس مراقب اعمال و عقاید خود باشـید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دین حقیقی همان تسـلیم در برابر خداست. ۲. به فرجام خویش در محضر پروردگار اندیشه کنید و به دنبال غیر تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۶۹ اسلام نروید. ۳. دین الهی را در غیر اسـلام جست‌وجو نکنیـد (که جای دیگر خبری نیست). *** قرآن کریم در آیه‌ی هشـتاد و چهارم سوره‌ی آل‌عمران به وحدت هدف و عقاید اساسـی پیامبران الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۴. قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ مَآ أُنزِلَ عَلَیْنَا وَ مَآ أُنزِلَ عَلَی إِبْرهِیمَ وَ إِسْمعِیلَ وَ إِسْحقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الأَسْبَاطِ وَ مَآ أُوتِیَ مُوسَی وَ عِیسَی وَ النَّبِیُّونَ مِن رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ بگو: «به خدا و آنچه بر ما فرو فرستاده شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و (پیامبران از) فرزندان (او) فروفرستاده شده؛ و آنچه به موسـی و عیسـی و پیامبران (دیگر)، از طرف پروردگارشان داده شـده، ایمان آورده‌ایم. [در حالی که ما] میان هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم؛ و ما تنها تسـلیم او هستیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هدف همه‌ی پیامبران یکی است که همان تکامل انسان از طریق آشـنا سـاختن او با توحیـد است؛ بنابراین مسـلمان واقعی کسـی است که به تمام پیامبران الهی و برنامه‌های آنها ایمان داشـته باشـد. «۱» ۲. تفاوتی بین پیامبران الهی نیست و همه در اصول مشترک‌انـد. هر چنـد شـکل کار آنها، بر اساس مقتضـیات زمان، مکان و مخاطبان، متفـاوت بـوده است؛ برای مثـال موسـی بـا فرعون مبـارزه می‌کرد و سـلیمان فرمـان‌روایی می‌نمود، ولی هر دو یـک هـدف را دنبـال می‌کردنـد و آن توحیـد بود. تفسـیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۷۰ ۳. آیه‌ی ۸۱ آل عمران به پیـامبران قبلی دسـتور می‌داد که پیامبر

بعدی را تأیید و یاری کنند و در این آیه به پیامبر اسلام و پیروانش دستور می‌دهد که پیامبران قبلی را تأیید کنند؛ یعنی قرآن درس احترام و تجلیل متقابل به طرف‌داران حق می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف همه‌ی پیامبران الهی یکی (توحید) است. ۲. در برابر همه‌ی برنامه‌ها و پیامبران الهی تسلیم باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و پنجم سوره‌ی آل‌عمران اسلام را تنها دین معتبر در عصر حاضر معرفی می کند و می‌فرماید: ۸۵. وَ مَن يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلِمِ دِيناً فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْخسِرِينَ و هر کس جز اسلام، دینی بجوید (و برگزیند)، پس از او پذیرفته نخواهد شد؛ و وی در آخرت از زیانکاران است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اسلام «۱» در اصطلاح به معنای گفتن شهادتین (اشهد ان لا اله الّا اللّه و اشهد ان محمد رسول اللّه) است که همان اعتراف به حقانیت توحید و دین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ چه با قصد قلبی باشد و چه نباشد و این پایین‌تر از مرتبه‌ی ایمان است. «۲» ۲. چنانچه واژه‌ی «اسلام» در آیه‌ی فوق را به معنای دین اسلام بدانیم، «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۷۱ از آیه استفاده می‌شود که «اسلام» تنها دین مورد قبول خدا در عصر حاضر است و از این روست که دین اسلام را ناسخ ادیان قبل «۱» دانسته‌اند. ۳. رها کردن مکتب جامع اسلام، خسارتی ابدی در بر خواهد داشت؛ زیرا کسی که اسلام را رها کند و دین دیگری را برگزیند «۲» سرمایه‌ی وجود خود را با خرافات و تقلیدهای نابه‌جا و تعصب‌های جاهلی و مسائل نژادی معامله کرده و مسلماً در چنین معامله‌ای گرفتار زیان و خسران خواهد شد که نتیجه‌ی آن در قیامت به صورت محرومیت‌ها و کیفرها آشکار می‌شود. البته گاهی اسلام به معنای بالاتری نیز می‌آید و آن اعتراف همراه با اعتقاد قلبی و عمل است؛ یعنی شخص با تمام هستی خود تسلیم خدا باشد. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام تنها دین معتبر در عصر حاضر است. ۲. زیانکاری مخالفان اسلام در رستاخیز آشکار می‌شود. ۳. اگر می‌خواهید خداوند دین شما را قبول کند و زیانکار نشوید، پیرو اسلام باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۷۲ قرآن و پلورالیسم مفهوم‌شناسی «۱»:. پلورالیسم در لغت به معنای «تکثر و تعدد» و در اصطلاح به معنای «تأیید حقانیّت ادیان مختلف» است و دارای قرائت‌های مختلفی هم چون تعدد ادیان حق، تنوع ادیان ناخالص، تکثّر مکاتب و ... است «۲» و گاهی از آن با عنوان «صراطهای مستقیم» یاد می‌شود. قرآن فقط یک دین حق و صراط مستقیم را به رسمیت می‌شناسد: ۱. دین نزد خدا اسلام (و تسلیم در برابر حق) است (آل‌عمران، ۱۹) و هر کس غیر از اسلام دینی بپذیرد از او قبول نمی‌شود (آل‌عمران، ۸۵). ۲. خدا پیامبر اسلام را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه‌ی ادیان پیروز شود (توبه، ۳۳ و فتح، ۲۸). ۳. محمد صلی الله علیه و آله پیامبری جهانی است (اعراف، ۱۵۸ و سبا، ۲۸). ۴. قرآن کتاب الهی جهانیان است (انعام، ۱۸؛ ابراهیم، ۵۲؛ فرقان، ۱؛ تکویر، ۲۷ و ...). ۵. قرآن ناسخ و مهیمن بر کتاب‌های دیگر است (مائده، ۴۸) «۳». ۶. از پیامبران پیشین پیمان گرفته شده که به پیامبر بعدی (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) ایمان آورند و او را یاری کنند. (آل‌عمران، ۸۱– ۸۲). ۷. صراط مستقیم همان راه خداست. (اعراف، ۱۶) که راه عبادت او (یس، ۶۱) راه نعمت داده شدگان است و از راه گمراهان و افراد مورد خشم خدا تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۷۳ (هم‌چون یهودیان و مسیحیان) جداست که باید هر روز این راه مستقیم را از خدا بخواهیم (حمد، ۶– ۷) و این راه اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله است. «۱» ۸. در تورات و انجیل واقعی در مورد آمدن پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت داده شده است (اعراف، ۱۵۷ و صف، ۶). ۹. غیرمسلمانان (مثل یهودیان و مسیحیان) کافر هستند (بقره، ۴۱ و توبه، ۲۹ و ...). ۱۰. هر کس از دین اسلام بازگردد مرتد و گمراه می‌شود (بقره، ۱۰۸ و بقره، ۲۱۷). ۱۱. کسانی که به قرآن و اسلام ایمان نیاورند مورد لعنت خدا و اهل عذاب هستند (نساء، ۴۷ و بقره، ۸۹). پرسش‌ها: ۱. آیا اسلام در آیه ۸۵ آل‌عمران به معنای تسلیم لغوی است که در همه‌ی ادیان وجود دارد؟ پاسخ این مطلب ذیل آیه‌ی فوق گذشت. ۲. آیا آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی مائده دلالت بر پلورالیسم دارد؟ پاسخ آن ذیل آیه‌ی مذکور خواهد آمد. ۳. آیا آیات ۶۲ و ۱۱۲ سوره‌ی بقره دلالت بر حقانیت پیروان ادیان دارد یا به پاداش اعمال نیک آنان نظر دارد؟ پاسخ آن ذیل آیه‌ی مذکور بیان شد. «۲» *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۷۴ قرآن کریم در آیات هشتاد و ششم تا هشتاد و هشتم سوره‌ی آل عمران به آگاهان کج اندیش و فرجام عذاب‌آلودشان اشاره می کند و می‌فرماید: ۸۶– ۸۸. كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْماً كَفَرُواْ بَعْدَ إِيمنِهِمْ وَ

شَهِدُواْ أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جَآءَهُمُ الْبَيِّنتُ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظلِمِينَ* أُوْلئِكَ جَزَآؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَ الْمَلئِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ* خلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ چگونه خدا گروهی را راهنمایی می‌کند که بعد ایمانشان کفر ورزیدند، و گواهی می‌دادند که فرستاده [خدا] حقّ است و برای‌شان دلایل روشن آمد. و خدا، گروه ستمکاران را راهنمایی نخواهد کرد.* آنان، کیفرشان (این است) که لعنت (و طرد) خدا و فرشتگان و مردم همگی، بر آنهاست. * در حالی که در این (لعنت) ماندگارند، عذاب از آنان کاسته نمی‌شود و آنان مهلت داده نمی‌شوند. شأن نزول: حکایت شده است که یکی از انصار به نام «حارث» دستش به خون بی‌گناهی آلوده گشت و از ترس مجازات راه کفر را برگزید و با گروهی به مکه گریخت؛ سپس پشیمان شد و یکی از خویشاوندان خود را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه فرستاد تا از ایشان بپرسد که آیا برای او راه بازگشتی وجود دارد یا نه؟ آیه‌ی فوق و سه آیه‌ی بعد درباره‌ی این جریان فرو فرستاده شد و اعلام کرد که توبه‌ی «حارث» با شرایط خاصی پذیرفته می‌شود؛ و حارث خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و مجدداً مسلمان شد و تا آخرین نفس به اسلام وفا نمود، ولی یازده نفر از همراهان حارث که از اسلام برگشته بودند، به حال خود باقی ماندند «۱» و به اصطلاح، «مُرتد» شدند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۷۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اگر کسی حق را نشناخت و به کژراهه رفت، کم‌تر مورد سرزنش قرار می‌گیرد، اما اگر کسی حق را با دلایل روشن شناخت و پس از آن به کژراهه رفت به خود و جامعه ستم کرده است؛ چرا که سرمایه‌ی وجودی خود را در راه باطل و کفر مصرف کرده و کمال پیدا نکرده است. ۲. هدایت و گمراهی انسان به اراده و اختیار او بستگی دارد. اگر انسان حق را بشناسد و در برابر آن لجاجت کند و به خود ستم نماید، زمینه‌ی هدایت خود را از بین می‌برد و روش و سنت خدا آن است «۱» که ستمکاران را در گمراهی وا می‌نهد؛ و روشن است که این نتیجه‌ی اعمال خود آنهاست. ۳. واژه‌ی «لَعن» در اصل به معنای طرد و دور ساختن آمیخته با خشم و غضب است؛ بنابراین، لعن پروردگار، همان دور ساختن کسی از رحمت خویش است، اما لعن فرشتگان و مردم، یا خشم و تنفر و طرد معنوی، و یا نفرین آنها به دور شدن از رحمت پروردگار است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پشت کردن به حق و ایمان، ستمی بزرگ (به خود و جامعه) است. ۲. رو برتافتن از حق و ستمکاری، زمینه‌ساز محرومیت انسان از الطاف و هدایت‌های الهی است. ۳. آگاهانه به ایمان و رهبران الهی پشت نکنید که این کار، شما را از نعمت هدایت محروم می‌سازد. ۴. آگاهان کژاندیش، از طرف خدا، فرشتگان و مردم طرد می‌شوند. ۵. آگاهان کژاندیش فرجامی عذاب‌آلود و سخت دارند. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۷۶ قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و نهم سوره‌ی آل‌عمران به توبه کنندگان اصلاح‌گر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۹. إِلَّا الَّذِينَ تَابُواْ مِن بَعْدِ ذلِكَ وَ أَصْلَحُواْ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ مگر کسانی که پس از آن [کفر ورزیدن]، توبه کردند و اصلاح نمودند؛ پس (توبه آنان پذیرفته می‌شود چرا) که خدا، بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. توبه تنها ندامت از گذشته و تصمیم بر ترک گناه در آینده نیست، بلکه شرط پذیرش توبه این است که توبه‌کار با اعمال نیک خود در آینده، گذشته‌ی خود را جبران کند؛ و از این روست که در برخی آیات، پس از ذکر توبه، به ایمان و عمل صالح اشاره شده است. «۱» آری چنین افرادی مشمول آمرزش و رحمت خدا خواهند شد. اگر بخردی سوی توبه‌گرای همیشه بود پاک دین پاک رای (فردوسی) ۲. به کسی که مسلمان باشد سپس کافر شود، مرتد گویند. اینک با توجه به آیه‌ی فوق و شأن نزولِ آن، این پرسش مطرح می‌شود که آیا توبه‌ی مرتد پذیرفته می‌شود؟ مرتدها دو قسم هستند: الف) مرتد ملّی؛ یعنی غیرمسلمان‌زاده‌ای که اسلام را بپذیرد و سپس به حال کفر بازگردد، که مجازات چنین فردی خفیف‌تر است و توبه‌اش پذیرفته می‌شود. ب) مرتد فطری؛ یعنی کسی که از پدر و مادر مسلمان تولد یافته و یا در حالی نطفه‌ی او منعقد شده باشد که پدر و مادرش مسلمان بوده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۷۷ اگر چنین فردی پس از مسلمان شدن به کفر بازگردد، توبه‌اش در شریعت اسلام پذیرفته نیست، هر چند ممکن است نزد خدا قبول گردد. «۱» ۳. اگر کافر مسلمان شود لازم نیست عبادت قبلی خویش را جبران نماید، اما اگر مرتد توبه کند، باید عبادات و اعمال از دست رفته را جبران نماید. «۲» ۴. در این‌جا این پرسش مطرح می‌شود

که آیا این برخورد شدید اسلام با مرتد، با آزادی عقیده و روح اسلام سازگار است؟ این حکم یک فلسفه‌ی اساسی دارد و آن حفظ جبهه‌ی داخلی کشور اسلام از هرج و مرج و جلوگیری از متلاشی شدن آن و نفوذ بیگانگان و منافقان است؛ پس حکم مذکور در واقع یک حکم سیاسی ضروری است برای حفظ نظام و جامعه‌ی اسلامی و مبارزه با ایادی و عوامل بیگانه و در قوانین برخی کشورها موارد مشابه دارد. پس مبارزه با این‌گونه افراد، ربطی به آزادی عقیده و آزادی تحقیق درباره‌ی ادیان ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه بازگشت به روی افراد مرتد باز است. ۲. شرط پذیرش توبه، اصلاح و جبران گذشته است. ۳. اگر به اسلام پشت کرده‌اید تا دیر نشده توبه کنید و گذشته‌ی خود را جبران نمایید، تا آمرزش و لطف الهی شامل حال شما شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی نودم سوره‌ی آل عمران به افرادی که توبه‌ی آنان به درگاه خدا پذیرفته نمی‌شود اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۷۸ ۹۰. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ بَعْدَ إِيمنِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُواْ كُفْراً لَّن تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَ أُوْلَئِكَ هُمُ الضَّآلُّونَ در حقیقت کسانی که پس از ایمانشان کفر ورزیدند، سپس بر کفر [خود] افزودند، توبه آنان، پذیرفته نخواهد شد؛ و تنها آنان گمراهان [واقعی] هستند. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق به دو صورت حکایت شده است: نخست آن‌که آیه در مورد همراهان «حارث» است (که در آیه‌ی ۸۶ همین سوره داستان آنها گذشت) که پس از مسلمان شدن کافر شدند و در مکه ماندند و می‌گفتند: ما در مکه می‌مانیم و به روش خود بر ضد پیامبر ادامه می‌دهیم و انتظار شکست او را داریم و اگر مقصود ما حاصل نشد راه توبه باز است و هرگاه توبه کنیم او توبه‌ی ما را خواهد پذیرفت. دومین شأن نزولی که برای آیه‌ی فوق بیان شده آن است که این آیه در مورد اهل کتاب نازل شده که قبل از بعثت پیامبر اسلام، مردم را به ظهور او بشارت می‌دادند و ابراز ایمان و وفاداری به او می‌کردند، ولی بعد از بعثت، نه تنها کافر شدند، بلکه در مقام مبارزه با او برآمدند «۱». البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق در مورد هر دو گروه نازل شده باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد آیه‌ی فوق سه تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود کسانی هستند که بعد از ایمان کافر شدند و بر کفر خود پافشاری دارند و حاضر به پیروی از حق نیستند، مگر آن‌که کار بر آنها مشکل شود و پیروزی حق را نزدیک ببینند و اظهار توبه کنند؛ بنابراین، توبه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۷۹ این‌گونه افراد ظاهری است و پذیرفته نخواهد شد. ب) مقصود کسانی هستند که در آستانه‌ی مرگ قرار گرفته‌اند و ممکن است حقیقتاً پشیمان شوند و توبه کنند، که در این صورت توبه‌ی آنها پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا در چنین ساعاتی وقت توبه پایان یافته است. ج) مقصود آن است که توبه از گناهان معمولی (مثل ظلم، غیبت و ...) در حال کفر پذیرفته نمی‌شود؛ چرا که شستن آلودگی‌های سطحی از روح و جان، با وجود آلودگی‌های عمیق و شدید، مؤثر نخواهد بود. البته تفسیرهای سه گانه‌ی فوق با هم منافاتی ندارند و ممکن است آیه ناظر به همه‌ی آنها باشد، اما تفسیر اول با آیات گذشته و شأن نزول آیه سازگارتر است. «۱» ۲. کفر هم، مانند هدایت، دارای مراتب و شدت و ضعف است؛ «۲» یعنی کمالات و انحرافات انسان‌ها همیشه در یک حد ثابت نیست و ممکن است کفر به جایی برسد که جبران‌ناپذیر شود و خدای توبه‌پذیر هم توبه‌ی آنان را نپذیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قبل از آن‌که راه بازگشت بسته شود از کفر بازگردید و توبه کنید. ۲. ممکن است کفر به اندازه‌ای شدید شود که راه بازگشت نداشته باشید. ۳. افزودن گناه بر گناه، نوعی گمراهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و یکم سوره‌ی آل‌عمران به پذیرفته نشدن بخشش‌های مالی کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۸۰ ۹۱. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ وَ مَاتُواْ وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِم مِّلْءُ الأَرْضِ ذَهَباً وَ لَوِ افْتَدَى بِهِ أُوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَ مَا لَهُم مِّن نصِرِينَ در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر مردند، پس زمین پر از طلا، از هیچ یک آنان پذیرفته نخواهد شد؛ وگرچه آن را [برای خود بعنوان] تاوان بپردازند، آنان، برای شان عذابی دردناک است؛ و هیچ یاوری برای شان نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «بخشش زمین پر از طلا»، کنایه‌ای برای اثبات اهمیت موضوع است؛ یعنی بخشش آنها هر اندازه هم زیاد باشد، برای آنها مؤثر نیست، چرا که آلودگی روح و جان و دشمنی با حق دارند، وگرنه اگر زمین پر از طلا شود ارزش طلا با خاک یکسان خواهد شد. ۲. در مورد آیه‌ی فوق دو احتمال داده‌اند: «۱» الف) مقصود بخشش در دنیا

باشـد، که در این صورت، آیه به این مطلب اشاره دارد که کفر مانع قبولی اعمال نیک، مثل بخشش است. ب) مقصود بخشـش در قیـامت باشـد، که ظـاهر آیه همین است و در این صورت، آیه به این مطلب اشـاره دارد که در قیامت فـدیه و بخشـش موجب نجات انسان نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کفر مستمر اعمال نیک شما را بی‌ثمر خواهد ساخت و ایمان شرط قبولی اعمال نیک است. ۲. کفرِ مستمر، زمینه‌ساز بی‌یاور شدن و عذاب است. ۳. اگر می‌خواهید خدا بخشش‌های مالی شما را بپذیرد، ایمان آورید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۸۱ قرآن کریم در آیه‌ی نود و دوم سوره‌ی آل عمران به حقیقت نیکوکاری و گذشـتن از تعلّقات در راه دوست اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۲. لَن تَنَالُواْ الْبِرَّ حَتَّی تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنفِقُواْ مِن شَیْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِیمٌ به نیکی نمی‌رسید تا از آنچه دوست می‌داریـد، (در راه خـدا) مصـرف کنیـد؛ و آن چیزی که (در راه خـدا) مصـرف می‌کنید، پس براستی که خدا بدان دانـاست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نیکوکـاران حقیقی کسانی هسـتند که بر سـر دو راهی‌ها راه خـدا را انتخاب می‌کننـد؛ یعنی از مال و ثروت و مقام و منصبی، که مورد علاقه‌ی شخصی و شدید آنهاست، به خاطر خدا و حقیقت و عواطف انسانی می‌گذرند. آری تا از خود و متعلّقات آن نگذری نیک نگردی و محبوب خدا نشوی. ۲. از آن‌جا که هیچ چیز در دنیا در نظر انسان عزیزتر از جان نیست، پس بهترین نیکوکـاران کسـانی هسـتند که جـان خود را در راه خـدا نثـار می‌کننـد، یعنی شـهدا، جانبازان، مجاهـدان در راه خـدا و خانواده‌های آنان که در این مسیر هستند. ۳. نیکی‌هایی هم‌چون ایمان، کارهای شایسـته، کمک به نیازمندان، عبادات، وفای به عهد و صبر و اسـتقامت، موجب توسـعه و گسترد گی می‌شود. گسترد گی و نیکیِ بخشش، اول برای بخشنده است؛ چون وجودش توسعه می‌یابـد و رشـد و کمال پیدا می‌کند؛ سپس موجب گشایش و گسترد گی جامعه‌ی انسانی می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۸۲ ۴. بخشـی از آنچه را دوست داریـد انفـاق کنیـد. لازم نیست انسـان بـا تمایلات خود مبارزه کنـد و همه‌ی ثروت خود را ببخشد. «۱» ۵. اصل در بخشش کیفیت آن است، یعنی هر چه دوست داشتنی‌تر است ببخشید و کمیت و مقدار آن بستگی به توانایی افراد دارد. خـدا از مال بخشـیده شـده آگاه است و پاداش خواهـد داد، هر چند بسیار کم باشد. لن تنالوا البرحتی تنفقوا آنچه داری دوست، یعنی ده بر او نیست تنهـا بـذل مال، انفاق و برّ حق به مالت ننگرد، بینـد به سرّ ۶. این آیه در روحیه و رفتار مسـلمانان صدر اسلام تأثیر فراوانی گذاشت؛ برای مثال: یکی از یاران پیامبر به نام ابو طلحه انصاری باغ زیبایی در مدینه داشت که رو به‌روی مسجد پیـامبر صـلی الله علیه و آله واقع بود و آب زلالـی داشت و رسول خـدا صـلی الله علیه و آله گـاهی وارد آن باغ می‌شـد و از آب آن می‌نوشیـد و وضـو می‌گرفت. این بـاغ درآمـد خوبی داشت و مورد توجه مردم مـدینه بود. وقتی آیه‌ی ۹۲ سوره‌ی آل عمران نـازل شـد، ابو طلحه خدمت پیامبر صـلی الله علیه و آله رسـید و عرض کرد: محبوب‌ترین چیزها نزد من این باغ است، می‌خواهم آن را در راه خـدا انفاق کنم. رسول خدا صـلی الله علیه و آله او را تشویق کرد و فرمود: تجارت خوبی است، ولی من پیشـنهاد می‌کنم که این باغ را به فقرای فامیل و بسـتگان خویش واگذار کنی. او پذیرفت و باغ را بین آنان تقسـیم کرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۸۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصل، کیفیت بخشش است، نه کمیت آن. ۲. بهترین بخشش، گذشتن از چیزهای دوست‌داشتنی است. ۳. اگر می‌خواهیـد به مقـام نیکوکاران حقیقی برسـید، از محبوب‌های خود (در راه دوست) بگذریـد. ۴. خدا از بخشـش‌های شما آگاه است (و بخشـش‌های اندک را می‌پذیرد و حقیقت نیت‌ها و ادعاهای شما را می‌داند). *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و سوم سوره‌ی آل‌عمران با بیان اصل حلّیّت به یکی از اشـکالات یهودیان بر پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله پاسـخ می‌دهـد و می‌فرماید: ۹۳. کُلُّ الطَّعَـامِ کَانَ حِلًّا لِّبَنِی إِسْـرءِیلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْـرءِیلُ عَلَی نَفْسِهِ مِن قَبْلِ أَن تُنَزَّلَ التَّوْرَیـةُ قُلْ فَأْتُواْ بِالتَّوْرَیـةِ فَاتْلُوهَآ إِن کُنتُمْ صـدِقِینَ همه غذاها بر بنی‌اسـرائیل (: فرزندان یعقوب) حلال بود، جز آنچه پیش از فرو فرستاده شدنِ تورات، اسرائیل (: یعقوب) بر خویش ممنوع کرده بـود؛ بگـو: «اگر راست می‌گوییـد (که غیر از این است) پس تـورات را بیاوریـد و آن را بخوانیـد [و پیروی کنیـد].» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. طبق روایـات و نقـل مفسـران قرآن، نزول آیه‌ی فوق و چنـد آیه‌ی بعـد، به سـبب اشـکال‌هایی بوده که یهودیان بر پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله می‌گرفتنـد. اولین اشـکال یهودیـان این بود که چگونه پیـامبر اسـلام که خود را پیرو ابراهیم علیه السـلام

معرفی می‌کند، گوشت و شیر شتر را حلال می‌داند در حالی که در آیین نوح و ابراهیم علیهما السلام گوشت و شیر شتر حرام بوده است؟ «۱» قرآن کریم تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۸۴ به اعتراض آنان پاسخ می‌دهد که این غذاها در اصل شریعت حرام نبود، بلکه یعقوب علیه السلام آنها را بر خود ممنوع کرده بود. ۲. از روایات اسلامی و نقل برخی تفسیرهای قرآن برمی‌آید که وقتی یعقوب علیه السلام غذاهایی مانند گوشت شتر را مصرف می‌کرد، ناراحتی جسمی‌اش شدید می‌شد، بدین سبب از این گونه غذاها پرهیز می‌کرد و یهودیان گمان بردند که این یک ممنوعیت و تحریم شرعی و ابدی است. «۱» ۳. حلال بودن غذاها، قبل از نزول تورات، یک اصل ثابت بود؛ همان‌گونه که در اسلام نیز چنین است، یعنی اصل بر حلال بودن و پاک بودن غذاهاست، «۲» مگر آن‌که حرام بودن یا ناپاکی چیزی در شریعت ثابت شود. ۴. قرآن کریم به وسیله‌ی کتاب الهی یهودیان، یعنی تورات، علیه آنان استدلال می‌کند و این یکی از روش‌های کارآمد در گفت‌وگوهای بین ادیان است. ۵. در تورات کنونی در سفر لاویان، فصل یازدهم، چنین می‌خوانیم: از نوشخوار کنندگان و سم‌چاکان این‌ها را نخورید: شتر را با وجودی که نوشخوار می‌کند اما تمام سم چاک نیست آن برای شما ناپاک است. از این قسمت تورات ممنوعیت خوردن گوشت شتر استفاده می‌شود، اما این ممنوعیت به تورات اضافه شده است و جمله‌های فوق هیچ‌گونه دلالتی بر تحریم گوشت شتر در آیین نوح و ابراهیم علیهما السلام ندارد و این همان مطلبی است که قرآن تذکر داده بود. ۶. برخی ممنوعیت‌ها و عادات و مسائل شخصی پیامبران الهی، به مرور زمان، جزئی از دین شده است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۸۵ آری اگر در فهم سنت پیامبران دقت کافی نشود و بین وحی و مطالب دینی و قضایای شخصی، پزشکی، اجتماعی و حکومتی آنان تفاوت گذاشته نشود، ممکن است این گونه توهّمات در دین راه پیدا کند؛ از این رو در اسلام بین احکام اولیه و ثانویه و احکام شرعی و حکومتی تفاوت گذاشته شده است؛ همان‌گونه که بین قضایای شخصی پیشوایان دین با دستورات دینی تفاوت گذاشته می‌شود و فقط دستورات دینی و احکام ثابت شرعی لازم الاجراست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مسائل شخصی رهبران دینی را با دستورات دینی مخلوط نکنید و جزء دین نشمارید. ۲. در گفت‌وگوی ادیان، براساس کتاب آسمانی آنها استدلال کنید. ۳. اصل، حلال بودن غذاست مگر آن‌که حرمت آن اثبات شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و چهارم سوره‌ی آل‌عمران دروغ بستن بر خدا را ستمکاری می‌نامد و می‌فرماید: ۹۴. فَمَنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِن بَعْدِ ذلِكَ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الظلِمُونَ و کسانی که بعد از این، بر خدا دروغ بندند، پس تنها آنان ستمکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. افرادی که به خدا تهمت می‌زنند و نسبت دروغ به او می‌دهند، به خود و دیگران ستم می‌کنند؛ چرا که خویش را گرفتار مجازات و کیفر الهی می‌کنند و دیگران را با دروغ و نیرنگ از راه راست منحرف می‌سازند. ۲. تهمت زدن و دروغ بستن بر افراد از گناهان کبیره است و دروغ بستن به خدا و تهمت به او از همه بزرگ‌تر است؛ از این رو، قرآن مکرر این گناه بزرگ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۸۶ را یادآوری کرده و در مورد آن هشدار داده است. «۱» ۳. در آیه‌ی قبل بیان شد که یهودیان ممنوعیت گوشت و شیر شتر را به دین و خدا نسبت می‌دادند و خدا آن را ردّ می‌کند و در این‌جا هشدار می‌دهد که از این به بعد اگر کسی چنین سخنی بگوید، تهمت بر خداست؛ بنابراین اگر کسی آگاهانه حکمی را به خدا نسبت دهد که او نفرموده، این دروغ‌گویی و تهمت زدن بر خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آگاهانه حکم غیرشرعی را به خدا نسبت ندهید که تهمت بر خداست. ۲. دروغ‌زنی و تهمت برخدا، ستم به خویشتن و جامعه است. ۳. اگر می‌خواهید به خود و دیگران ستم نکنید، چیزی را که از دین نیست به خدا نسبت ندهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و پنجم سوره‌ی آل‌عمران همگان را به پیروی از آیین ابراهیم علیه السلام دعوت می‌کند و می‌فرماید: ۹۵. قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُواْ مِلَّةَ إِبْرهِيمَ حَنِيفاً وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ بگو: «خدا راست گفت. پس از آیین ابراهیم پیروی کنید، در حالی که حق‌گرا [بود،] و از مشرکان نبود.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بت‌پرستان عرب در جاهلیت مدعی بودند که پیرو آیین ابراهیم علیه السلام تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۸۷ هستند، به طوری که حتی آنان را «حُنَفا»، یعنی پیروان ابراهیم علیه السلام می‌نامیدند، اما قرآن کریم مکرر این موضوع را نفی می‌کند «۱» و می‌فرماید ابراهیم مشرک نبود و این‌که مشرکان عرب خود را بر آیین او می‌دانند کاملًا

بی‌معناست چرا که اینان بت‌پرست‌اند و ابراهیم بت‌شکن بود. ۲. ابراهیم علیه السلام هنوز هم شایسته‌ی پیروی است؛ چرا که حق‌گرا و توحیدگرا بود، «۲» نه مشرک. چو ابراهیم در دین بت شکن باش بتان آزری را راه زن باش آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبلغان و رهبران دینی پیروان ادیان الهی را به آیین ابراهیم علیه السلام فراخوانند. ۲. سخنان الهی را غیرحقیقی نپندارید. ۳. ابراهیم پیامبری توحیدی و حق‌گرا بود و هنوز هم شایسته‌ی پیروی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و ششم سوره‌ی آل عمران به تاریخچه‌ی بنای کعبه و برخی فضیلت‌های آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۶. إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكاً وَ هُدىً لِّلْعَلَمِينَ در واقع نخستین خانه (و پرستشگاهی) که برای مردم نهاده شد، آن (است) که در مکّه است؛ که خجسته، و برای جهانیان (مایه) هدایت است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در توضیح آیات قبل بیان شد که یهودیان اشکالاتی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کردند؛ از جمله اشکالات آنها این بود که چگونه پیامبر اسلام که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۸۸ خود را وفادار به آیین ابراهیم علیه السلام می‌داند، قبله‌ی خویش را تغییر داده و کعبه را قبله‌ی خویش قرار داده است، در حالی که تمام پیامبرانی که از دودمان اسحاق، فرزند ابراهیم، بودند، بیت المقدس را محترم می‌شمردند و به طرف آن نماز می‌گزاردند؟ «۱» آیه‌ی فوق به آنان پاسخ داد که اولین پرستشگاه جهان کعبه بوده است و در آیه‌ی بعد نیز جواب می‌دهد که مقام ابراهیم در این‌جاست. ۲. طبق تاریخ و منابع اسلامی، خانه‌ی کعبه به دست آدم علیه السلام ساخته شد، سپس در طوفان نوح آسیب دید و توسط ابراهیم خلیل تجدید بنا شد. «۲» ۳. تعبیر «خانه‌ای که برای مردم است»، در مورد کعبه به کار رفته که نام دیگر آن «بیت اللّه»، یعنی خانه‌ی خداست. این تعبیرات بیان کننده‌ی این حقیقت است که آنچه به نام خدا و برای خداست، در خدمت مردم است و آنچه در خدمت مردم و برای بندگان خداست، برای خدا محسوب می‌شود. ۴. نکته‌ی جالب آن است که کعبه برای عموم مردم (ناس) قرار داده شده است؛ پس خیر و برکت آن تنها برای قوم خاص یا پیروان یک دین (مثل دین حنیف) نبوده است. ۵. منظور از این جمله که می‌گوید: «کعبه نخستین خانه‌ای بوده است که برای مردم ساخته شد.»، آن است که کعبه نخستین خانه‌ی عبادت و محل پرستش بوده و مراد از خانه در این جا خانه‌ی مسکونی نیست. ۶. واژه‌ی «بَکّه» در اصل به معنای ازدحام و اجتماع است. برخی از مفسران نیز گفته‌اند «بَکّه» همان مکه است که «میم» آن به «باء» تبدیل شده است و نظیر این در برخی لغات عرب (مثل لازم و لازب) وجود دارد. در روایتی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که مکه نام مجموع شهر است و بکه نام محلی است که خانه‌ی کعبه تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۸۹ در آن‌جا بنا شده است. «۱» در مورد این‌که چرا به مکه، بَکّه می‌گویند چند احتمال وجود دارد: برخی گفته‌اند: به مکه، «بَکّه» گویند، چون مردم در آن‌جا ازدحام و اجتماع می‌کنند. برخی نیز احتمال داده‌اند که «بَکّه» به معنای از بین بردن نخوت و غرور است؛ چرا که در این مرکز همه‌ی گردنکشان مغرور باید همانند مردم عادی به نیایش برخیزند. و در برخی احادیث نیز حکایت شده که چون مردم در کعبه و اطراف آن گریه می‌کنند، به آن «بَکّه» گفته می‌شود. «۲» ۷. در این آیه چند فضیلت برای کعبه بیان شده است: الف) کعبه سابقه‌ای ممتد و طولانی دارد؛ یعنی نخستین پرستشگاه جهان بوده است و سابقه داشتن در مسیرهای الهی و سازنده اهمیت دارد و همین امر سبب ارزش و اهمیت چیزی مثل کعبه و یا حجر الاسود «۳» شده است. ب) این‌که کعبه مبارک است. واژه‌ی «مبارک» به معنای پربرکت و پرفایده است. کعبه هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی در یکی از پربرکت‌ترین سرزمین‌های جهان واقع شده است. برکات معنوی این سر زمین و جذبه‌های الهی و جنبش‌آفرین و وحدت‌بخش آن در مراسم حج آشکار می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۹۰ و در مورد برکات مادی آن، همین بس که شهر مکه در سرزمینی خشک واقع شده که از نظر طبیعی مناسب زندگی نیست، ولی در طول تاریخ، همواره یکی از شهرهای آباد جهان و از مراکز تجاری بوده است. ج) کعبه مایه‌ی هدایت جهانیان است و جاذبه‌ی معنوی این خانه‌ی مقدس چنان است که همگان را بی‌اختیار تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و هر سال مردم را از نقاط مختلف جهان برای زیارت و مراسم حج به سوی خود جلب می‌کند. آیین حج، حتی در دوران تاریک جاهلیت و بت‌پرستی برگزار می‌شد و انجام این مراسم، که ناقص هم بود، تا حدود

زیادی مانع کارهای نادرست آنان می‌شد. آری، کعبه دارای جذبه‌ها و هدایت‌های ظاهری و باطنی برای بشریت است که جلوه‌هایی از آن در حج، عمره و طواف تبلور پیدا می‌کند؛ پس کعبه رمز هدایت همه‌ی مردم است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کعبه نخستین پرستشگاه و مایه‌ی برکت و هدایت است (پس، از آن غافل نشوید و آن را قبله‌ی خویش قرار دهید و در آن‌جا اجتماع کنید). ۲. به سابقه‌ی تاریخی مکان‌های مقدس توجه کنید که این یکی از معیارهای امتیاز آنهاست. ۳. فواید کعبه جهانی است (و اختصاص به قوم خاصی ندارد). ۴. از کعبه برکت و هدایت بخواهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و هفتم سوره‌ی آل‌عمران به برخی دیگر از فضیلت‌های مکه و واجب بودن حج بر مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۷. فِيهِ ءَايتٌ بَيِّنتٌ مَّقَامُ إِبْرهِيمَ وَمَن دَخَلَهُ كَانَ ءَامِناً وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَلَمِينَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۹۱ در آن، نشانه‌های روشن (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس در آن داخل شود، در امان خواهد بود؛ و برای خدا، بر [عهده] مردم است که آهنگ (حج) خانه (او) کنند، (همان) کسی که بتواند به سوی آن راهی بیابد. و هر کس کفر ورزد، (و حج را ترک کند؛) پس در حقیقت خدا از جهانیان، بی‌نیاز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «آیات بَیِّنات» (نشانه‌های روشن) اشاره به این است که مکه و کعبه نمایشگاهی از قدرت و نشانه‌های الهی است و تاریخ آن مَملوّ از خاطرات و سرگذشت‌های درس‌آموز و عبرت‌انگیز است. آثاری از پیامبران بزرگ، هم‌چون ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام در آن‌جا باقی مانده است؛ مانند زمزم، صفا، مروه، حجر الاسود، حجر اسماعیل «۱» و مقام ابراهیم، که هر کدام تاریخ مجسمی از قرون و اعصار گذشته است. دوام و بقای کعبه در طول تاریخ در برابر دشمنانی نیرومند، هم‌چون فیل‌سواران ابرهه، یکی از نشانه‌های روشن الهی است. ۲. مقام ابراهیم محل ایستادن ابراهیم علیه السلام بوده است. «۲» او برای بنای کعبه، یا به خاطر انجام مراسم حج و یا برای دعوت عمومی مردم به حج در آن‌جا می‌ایستاد. این مکان از مهم‌ترین نشانه‌ها و آیات روشن سرزمین مکه است که خاطرات بی‌نظیری از فداکاری‌ها، اخلاص‌ها و اجتماع‌ها را زنده می‌کند. ۳. ابراهیم علیه السلام پس از بنا نهادن خانه‌ی کعبه، امنیت شهر مکه را از خدا تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۹۲ درخواست کرد «۱» و خدا دعای ابراهیم را اجابت کرد و این شهر را مرکز امن قرار داد، که مایه‌ی آرامش روح و امنیت اجتماع مردمی است که به آن شهر سفر می‌کنند و از آن الهام می‌گیرند. از نظر قوانین مذهبی هم، امنیت مکه آن‌چنان محترم شمرده شده که هرگونه جنگ و مبارزه در آن ممنوع است. حتی حیوانات وحشی در این سرزمین از هر نظر در امان هستند و نباید کسی مزاحم آنها شود و اگر قاتلی به آن‌جا فرار کند نباید متعرض او شد و برای جلوگیری از سوء استفاده‌ی جانیان، فقط می‌توان از نظر آب و غذا آنها را در مضیقه قرار داد تا مجبور شوند آن‌جا را ترک کنند. این از امتیازات اسلام است که یک منطقه از کره‌ی زمین را منطقه‌ی امن قرار داده است تا محل فریاد همه‌ی مظلومان تاریخ و هم‌چون بهشت زمین باشد. بهشت آن‌جاست که آزاری نباشد کسی را با کسی کاری نباشد ۴. واژه‌ی «حج» به معنای قصد است و در اسلام به معنای قصد زیارت کعبه و انجام اعمال مربوط به آن است. از برخی روایات استفاده می‌شود که حج از زمان آدم علیه السلام برای بشر قرار داده شد، در زمان ابراهیم علیه السلام رسمیت یافت، سپس به صورت یک سنت در میان اعراب جاهلی ادامه یافت، در اسلام کامل شد و در سال دهم هجری به دستور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به صورت عمومی برگزار شد. «۲» ۵. حج بر هر انسانی که توانایی لازم را داشته باشد، در طول عمر، فقط یک بار واجب می‌شود. «۳» از تعبیر «بر مردم» استفاده می‌شود که وجوب حج مخصوص مسلمانان نیست همه‌ی مردم، حتی کافران موظف به انجام حج هستند، «۴» گر چه شرط تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۹۳ صحیح بودن حج آنان این است که نخست اسلام را بپذیرند سپس آن را انجام دهند. البته عدم قبولی عمل کافران، مسئولیت آنها را برطرف نمی‌کند. ۶. «استطاعت» (توانایی برای انجام حج)، شرط وجوب حج است که در روایات اسلامی و کتاب‌های فقهی، به معنای داشتن توشه‌ی سفر و مرکب سواری، توانایی جسمی، باز بودن راه مسافرت به مکه و توانایی بر اداره‌ی زندگی به هنگام بازگشت از حج، تفسیر شده است. «۱» البته همه‌ی این امور از واژه‌ی استطاعت قابل استفاده است. ۷. واژه‌ی «کفر» در اصل به معنای پوشانیدن است و از نظر اصطلاح دینی، معنای وسیعی دارد و

هر گونه مخالفت با حق، چه در مرحله‌ی اصول دین و چه در مرحله‌ی دستورات فرعی را شامل می‌شود، هر چند غالباً در مورد مخالفت با اصول به کار می‌رود. به عبارت دیگر، کفر و فاصله گرفتن از حق، دارای مراحل و درجاتی است که هر کدام برای خود احکامی دارد؛ یعنی گاهی کفر نظری و اعتقادی است که همان مخالفت با اصول دین است و گاهی کفر عملی است که همان مخالفت با فروع و احکام دین است. به همین مناسبت در آیه‌ی فوق، در مورد «ترک حج» واژه‌ی «کفر» به کار رفته و در روایتی از امام صادق علیه السلام واژه‌ی کفر در این‌جا به معنای «ترک» تفسیر شده است. «۲» ۸. از به کار بردن تعبیر «کفر» در مورد ترک حج، اهمیت فوق العاده‌ی حج تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۹۴ استفاده می‌شود. در روایتی نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده که خطاب به علی علیه السلام فرمودند: ای علی کسی که حج را، با آن‌که توانایی دارد، ترک کند کافر به شمار می‌آید، ... ای علی کسی که حج را به تأخیر اندازد تا از دنیا برود، خدا او را در قیامت یهودی یا مسیحی محشور می‌کند و برمی‌انگیزد. «۱» تو ز پیوند حریمی زنده‌ای تا طواف او کنی پاینده‌ای ۹. فایده‌ی انجام دستورات الهی به خود انسان برمی‌گردد، وگرنه، خدا نیاز به کسی ندارد و غنی مطلق است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با سفر به مکه نشانه‌های الهی را در آن‌جا ببینید. ۲. به آثار باستانی که نشانه‌های الهی و یادگار پیامبران الهی است اهمیت دهید. ۳. حرمت مکه را پاس دارید و امنیت آن‌جا را (برای انسان و حیوان) حفظ کنید. ۴. ترک حج نوعی کفر است. ۵. سود حج به شما می‌رسد، نه به خدای توانگر بی‌نیاز. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۹۵ قرآن کریم در آیه‌ی نود و هشتم سوره‌ی آل عمران اهل کتاب (یهودیان) را به خاطر کفر ورزیدن سرزنش می‌کند و می‌فرماید: ۹۸. قُلْ یَأَهْلَ الْکِتبِ لِمَ تَکْفُرُونَ بِئَایتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَهِیدٌ عَلَی مَا تَعْمَلُونَ بگو: «ای اهل کتاب، چرا نشانه‌های خدا را انکار می‌کنید؟! در حالی که خدا بر آنچه انجام می‌دهید، گواه است.» شأن نزول:داستان نزول آیه‌ی فوق و سه آیه‌ی بعدی این‌گونه حکایت شده که یکی از یهودیان، به نام «شاس بن قیس»، که پیرمردی تاریک‌دل و در کفر و عناد کم نظیر بود، روزی هنگام عبور از کنار جمعیت مسلمانان، مشاهده کرد که جمعی از طایفه‌ی «اوس» و «خَزرَج» که سال‌ها در مدینه با هم جنگ داشتند، در نهایت صفا و صمیمیت گرد هم نشسته‌اند و مجلس انسی دارند و به برکت اسلام و حضور پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه آتش اختلافات آنان خاموش شده است. آن پیرمرد یهودی ناراحت شد و فکر کرد که اگر مسلمانان تحت رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله این‌گونه پیش بروند، موجودیت یهود به کلّی در خطر می‌افتد. او نقشه‌ای کشید و به یکی از جوانان یهودی دستور داد که به جمع آنان بپیوندد و حوادث «بُعاث» (جنگ‌های خونینی که در جاهلیت بین دو طایفه‌ی اوس و خزرج واقع شده بود) را یادآور شود. این نقشه با مهارت اجرا شد و برخی از مسلمانان به بحث و جدل پرداختند و هم‌دیگر را تهدید کردند که آن صحنه‌ها را تجدید خواهند کرد و نزدیک بود که جنگ شعله‌ور شود. خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و ایشان با جمعی از مهاجرین به سراغ آنها رفتند و با سخنان تکان دهنده‌ی خود آنها را بیدار ساختند. آن جمعیت با شنیدن سخنان آرام‌بخش پیامبر صلی الله علیه و آله سلاح‌ها را بر زمین گذاشتند و هم‌دیگر را در آغوش کشیدند و به شدت گریستند. در این هنگام تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۹۶ آیه‌ی فوق و سه آیه‌ی بعدی فرود آمد و مسلمانان دانستند که این آتش‌افروزی از نقشه‌های دشمنان اسلام بود. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «آیات» در این‌جا، یا آیاتی است که در تورات درباره‌ی نشانه‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وارد شده بود و یا مجموعه‌ی (آیات و) معجزاتی است که بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل گردید و حکایت از حقانیت او می‌کند. ۲. یکی از روش‌های تربیت و تبلیغ و بیدار کردن غافلان و گمراهان، طرح پرسش‌های مؤدبانه، همراه با توبیخ است و قرآن در این آیه و آیه‌ی بعد از این روش تربیتی استفاده کرده است. ۳. چنانچه کسی بپندارد دیگران از اسرار و مطالب او اطلاع پیدا نمی‌کنند، به راحتی راه حق‌پوشی و انکار و کفر را در پیش می‌گیرد، اما اگر توجه کند که خدا از اسرار او آگاه است و چیزی از او پنهان نمی‌ماند، معمولًا حق را نمی‌پوشاند و آیات الهی را انکار نمی‌کند و کفر نمی‌ورزد. بر او علم یک ذره پوشیده نیست که پیدا و پنهان به نزدش یکی است (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اهل کتاب به احاطه‌ی علمی خدا توجه کنید و کفر

نورزید. ۲. برای تربیت و تبلیغ از پرسش‌های بیدارگر و کوبنده استفاده کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۹۷ قرآن کریم در آیه‌ی نود و نهم سوره‌ی آل‌عمران بار دیگر با سرزنش اهل کتاب (یهودیان) به خاطر توطئه‌گری آگاهانه و ایجاد انحراف می‌فرماید: ۹۹. قُلْ یأَهْلَ الْکِتبِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجاً وَ أَنتُمْ شُهَدَآءُ وَ مَا اللَّهُ بِغفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ بگو: «ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده، از راه خدا باز می‌دارید، (و) می‌خواهید آن [راه] را منحرف سازید؟! و حال آن‌که شما (بر درستی آن) شاهدید. و خدا از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شاید تعبیر «عدم غفلت خدا از اعمال» به خاطر این باشد که یهود برای پیش‌برد مقاصد شوم خود غالباً نقشه‌های مخفیانه می‌کشیدند و این توطئه‌های پنهانی در افراد غافل و ناآگاه مؤثر می‌شد. پس اگر برخی مردم غافل تحت تأثیر توطئه‌های شما قرار گیرند خدایی که از اسرار نهان و آشکار آگاه است، غافل نخواهد بود و مجازات او در انتظار شماست. «۱» ۲. از تعبیرات این آیه، که با فعل مضارع آمده است «۲» و دلالت بر استمرار دارد، استفاده می‌شود که دشمنان اسلام، به ویژه یهود، هر لحظه برای انحراف مسلمانان تلاش می‌کنند و به این کار ادامه خواهند داد. پس مسلمانان باید همیشه هوشیار باشند و از نقشه‌ها و حیله‌های دشمنان غافل نشوند و دست پنهان دشمنان، به ویژه یهودیان را در اختلافات گروه‌های مسلمان شناسایی کنند. ۳. مخالفان اسلام، به ویژه یهودیان، از دو راه علیه مسلمانان توطئه می‌کنند: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۹۸ اول سد کردن راه پیشرفت مسلمانان و دیگری به انحراف کشاندن آنان. این در حالی است که از حقانیّت اسلام آگاه‌اند ولی لجاجت می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دشمنان اسلام دست از توطئه بردارید که شما تحت نظر خدا هستید (و به حساب شما رسیدگی خواهد کرد). ۲. مؤمنان، دشمنان درصدد مانع تراشی و منحرف ساختن شما هستند. ۳. اهل کتاب از حقانیّت اسلام مطلع هستند (ولی لجاجت می‌کنند) و آگاهانه علیه اسلام توطئه می‌کنند. ۴. توطئه‌ی دشمنان اسلام را بشناسید (و آنها را خنثی سازید).

پاسداشت اجتماع اسلامی

پاسداشت اجتماع اسلامی قرآن کریم در آیه‌ی صدم سوره‌ی آل عمران به مسلمانان هشدار می‌دهد که فریب دشمنان اسلام را نخورند و می‌فرماید: ۱۰۰. یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ إِن تُطِیعُواْ فَرِیقاً مِّنَ الَّذِینَ أُوتُواْ الْکِتبَ یَرُدُّوکُم بَعْدَ إِیمنِکُمْ کفِرِینَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از دسته‌ای که به آنان کتاب‌های (الهی) داده شده، اطاعت کنید، شما را پس از ایمان آوردنتان، به [حال] کفر باز می‌گردانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دشمنان اسلام نخست می‌کوشند تا آتش عداوت را در میان مسلمانان شعله‌ور سازند و آنها را به جان هم اندازند، ولی به این مقدار اکتفا نمی‌کنند و هم‌چنان به وسوسه‌های خود ادامه می‌دهند تا مردم را به کلی از اسلام بیگانه سازند و به دامن کفر بکشند. ۲. مفسران قرآن در مورد «بازگشت به کفر» دو احتمال را مطرح می‌کنند: نخست آن‌که مقصود بازگشت به کفر حقیقی و بیگانگی مطلق از اسلام تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۱۹۹ باشد و دوم آن‌که منظور از کفر همان دشمنی‌های دوران جاهلیت باشد که خود یکی از شعبه‌ها و نشانه‌های کفر به‌شمار می‌آید؛ چرا که ایمان سرچشمه‌ی محبت و برادری، و کفر سرچشمه‌ی پراکندگی و دشمنی است. «۱» ۳. اطاعت عملی از افراد ممکن است کم کم در عقاید انسان تأثیر بگذارد و او را منحرف سازد و دچار پیامدهای بدی مثل کفر کند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ای مسلمانان پیروی از دشمنان اسلام، به کفر منتهی می‌شود. ۲. اطاعت از اهل کتاب (و به ویژه یهود) جایز نیست. *** خدای متعال در آیه‌ی صد و یکم سوره‌ی آل‌عمران به دو نعمت قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۱. وَ کَیْفَ تَکْفُرُونَ وَ أَنتُمْ تُتْلَی عَلَیْکُمْ ءَایتُ اللَّهِ وَ فِیکُمْ رَسُولُهُ وَ مَن یَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِیَ إِلَی صِرطٍ مُّسْتَقِیمٍ و چگونه کفر می‌ورزید، در حالی که شمایید که آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و فرستاده او در میان شماست؟! و هر کس به خدا تمسّک جوید، پس بیقین به راه راست، رهنمون شده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اگر غیرمسلمانان، که رهبر و پیامبر ندارند، گمراه شوند، جای تعجب نیست؛ تعجب از

گمراه شدن افرادی است که پیامبر در میان آنهاست و همواره با عالم وحی در تماس هستند. مسلماً اگر چنین افرادی گمراه شوند، مقصِّر اصلی خود آنها هستند که از تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۰۰ نعمت پیامبر و وحی استفاده نکرده‌اند. ۲. عامل انحراف و کفر، یا فقدان برنامه و قانون است و یا فقدان رهبر و راهنما که خدای متعال با فرستادن کتاب آسمانی قرآن و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، هم قانون زندگی و هم رهبر و راهنما را برای بشریت تأمین کرده است. البته گروهی مستقیم از پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده می‌کنند و گروهی از سنت، یعنی از گفتار و کردار آن حضرت الگو می‌گیرند. ۳. در این آیات، خداوند در دو آیه‌ای که خطاب به کفّار است با واسطه‌ی «بگو»، و در دو آیه‌ای که خطاب به مؤمنان است بدون واسطه سخن گفته است و این نشانه‌ی لطف و توجه خاص خدا به بندگان مؤمن است. «۱» ۴. اعتصام به خدا، یعنی تمسک به خدا برای به دست آوردن چیزی که با آن خود را از انحرافات و گناهان حفظ کنیم؛ یعنی طلب چیزی که به وسیله‌ی آن به درجه‌ای از عصمت برسیم. «۲» آری، نتیجه‌ی قطعی اعتصام به خدا، هدایت به راه راست، یعنی نجات از کژی‌هاست. ۵. قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله ما را به سوی خدا راه‌نمایی می‌کنند و راه آنها همان راه خدا یعنی راه مستقیم است که نزدیک‌ترین راه به سوی سعادت دنیا و آخرت است. آری، هر کس می‌خواهد به کژ راهه‌ها سقوط نکند، باید به راه خدا برود و چراغ این راه، قرآن و رهبران الهی هستند. پیر را بگزین که بی‌پیر این سفر هست بس پر آفت و خوف و خطر (مولوی) تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۰۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر از نور آیات و رهبران الهی استفاده کنید، از خطر کفر نجات می‌یابید و به راه راست رهنمون می‌شوید. ۲. به خدا تمسّک جویید و از قرآن و پیامبر پیروی کنید تا شما را به راه راست رهنمون شوند. ۳. نزدیک‌ترین راه به سعادت (راه مستقیم) در خداخواهی و خداجویی نهفته است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوم سوره‌ی آل عمران همگان را به عالی‌ترین درجه‌ی تقوا و پارسایی دعوت می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۲. يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید آنگونه که حقِّ خود نگهداری از (عذاب) اوست. و نمیرید، مگر اینکه شما مسلمان باشید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حق تقوا»، یعنی آخرین و عالی‌ترین درجه‌ی خود نگه‌داری و پارسایی، که پرهیز از هرگونه گناه و ستم و انحراف از حق را شامل می‌شود. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام روایت شده که حق تقوا آن است که پیوسته اطاعت فرمان او کنی و هیچ گاه معصیت ننمایی و همواره به یاد او باشی و او را فراموش ننمایی و در برابر نعمت‌های او سپاس‌گزار باشی و کفران نعمت او نکنی. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۰۲ ۲. آیه‌ی فوق که حق تقوا را از مسلمانان طلب می‌کند، توسط آیه‌ی ۱۶ سوره‌ی تغابن تخصیص خورده است که می‌فرماید: «تا آن‌جا که توانایی دارید تقوا پیشه کنید.» «۱» یعنی تقوا دارای مراحل و مراتبی است: مراتب پایین تقوا (مثل انجام واجبات و ترک امور حرام) بر همه‌ی مسلمانان واجب است، اما رسیدن به مراتب عالی تقوا و پارسایی، بستگی به قدرت و توانایی افراد دارد و هر چه تقوا بیش‌تر شود کمال و مرتبه‌ی انسان در نزد خدا بالاتر می‌رود. ۳. آیه‌ی فوق راه چگونه زیستن که همان با تقوا زیستن و نیز چگونه مردن که همان مسلمان مردن است را به ما می‌آموزد؛ یعنی همان‌گونه که انسان در چگونه زیستن خود انتخاب‌گر است در چگونه مردن خویش نیز باید انتخاب‌گر باشد. آری، انسان در حُسن عاقبت خویش نقش دارد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به مراتب پایین تقوا راضی نباشید و خواستار مراتب عالی آن باشید. ۲. برای رسیدن به مراتب عالی پارسایی تلاش کنید. ۳. ایمان آوردن مهم است، اما با ایمان ماندن مهم‌تر است. ۴. چگونه مردن و خوب مردن را خودتان انتخاب کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سوم سوره‌ی آل‌عمران با یادآوری سابقه‌ی اختلافات و نعمت برادری اسلامی، همه‌ی مسلمانان را به وحدت دعوت می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۰۳ ۱۰۳. وَ اعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُواْ وَ اذْكُرُواْ نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَآءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَ كُنتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ و همگی به ریسمان خدا، تمسّک جویید، و پراکنده نشوید؛ و نعمتِ خدا را بر خودتان، به یاد آرید، آنگاه که دشمنان (یکدیگر) بودید، و [او] میان دل‌های شما، الفت انداخت، پس به

(برکتِ) نعمت او، برادران (همدیگر) شدید. و شما بر کنار حفره‌ای از آتش بودید، و شما را از آن نجات داد؛ اینگونه، خدا نشانه‌هایش را برای شما روشن بیان می‌کند؛ تا شاید شما راهنمایی شوید. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق «۱» این گونه حکایت شده که دو قبیله‌ی مشهور انصار مدینه، یعنی اوس و خزرج، رقابت‌ها، کینه‌ها و دشمنی‌های دیرینه‌ای داشتند که بعد از اسلام جای خود را به برادری و محبت داده بود، اما گاهی این اختلافات نهفته شعله‌ور می‌شد. از جمله روزی دو نفر از اوس و خزرج به نام «ثَعلبَه» و «اسعَد»، در برابر هم، افتخاراتی را که بعد از اسلام کسب کرده بودند برمی‌شمردند. کم کم کار به جای باریک کشید و طرف‌داران دو طرف دست به اسلحه بردند. خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و حضرت در محل حاضر شدند و با بیان و تدبیر خویش صلح و صفا را در میان آنان برقرار کردند. در این‌جا بود که آیات فوق نازل شد و همگان را به اتحاد و تمسک به ریسمان الهی و مبارزه با هرگونه تفرقه دعوت کرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «ریسمان الهی» هرگونه وسیله‌ی ارتباط با ذات پاک خداست و روایات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام در مورد مصادیق حبل اللّه حکایت شده است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام سجاد علیه السلام حکایت شده که مقصود از حبل اللَّه همان قرآن است؛ «۱» از امام باقر علیه السلام حکایت شده که ریسمان الهی، علی علیه السلام، یا آل‌محمد صلی الله علیه و آله هستند؛ «۲» و برخی از مفسران نیز احتمال داده‌اند مقصود از حبل اللّه همان اسلام باشد. «۳» اما با توجه به مفهوم وسیع «حبل اللّه»، یعنی «وسیله‌ی ارتباط با خدا» تمام این موارد می‌توانند از مصادیق ریسمان الهی باشند. از یک آیینی مسلمان زنده است پیکر ملت ز قرآن زنده است ما همه خاک و دلِ آگاه، اوست اعتصامش کن که حبل اللَّه اوست (اقبال) ۲. اتحاد نیازمند محور است و خدا محور این وحدت را «ریسمان الهی» معرفی کرده است تا امری ثابت و استوار باشد؛ چرا که وحدت بر محورهای دیگر، همچون نژاد، زبان و ملیت، بی‌ثبات و شکننده است. ۳. تعبیر «ریسمان الهی» در واقع اشاره به این حقیقت است که انسان در شرایط عادی و بدون مربّی و راه‌نما، در قعر درّه‌ی طبیعت و چاه تاریک غرایز سرکش و جهل و نادانی باقی خواهد ماند و برای نجات از این چاه نیاز به ریسمان محکمی دارد که به آن چنگ زند و بیرون آید. این رشته همان تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۰۵ وسیله‌ی ارتباط با خداست که از طریق قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان واقعی او تحقق می‌یابد و مردم را به آسمان تکامل معنوی و مادی ره‌نمون می‌شوند. ۴. مقصود از واژه‌ی «نعمت» در آیه‌ی فوق، همان موهبت اتحاد و برادری است و تکرار آن نشان دهنده‌ی اهمیت این مطلب است. ۵. وحدت دو جنبه‌ی ظاهری و باطنی دارد که اصل همان جنبه‌ی باطنی، یعنی همدلی و تألیف قلوب و برادری است و در آیه‌ی فوق بر هر دو جنبه‌ی وحدت تأکید شده است. ۶. خدای متعال در این آیه همدلی مؤمنان را به خود نسبت داده است. این اشاره به این معجزه‌ی اجتماعی اسلام است که از مردمی جاهل و بی‌تمدن که سابقه‌ی کینه‌ها، دشمنی‌ها و جنگ‌های ممتد داشتند، در مدتی کوتاه ملتی واحد و متحد و مهربان ساخت. آری این کار از طریق عادی و معمولی امکان‌پذیر نبود. ما ز نعمت‌های او اخوان شدیم یک زبان و یک دل و یک جان شدیم (اقبال) ۷. این آیه می‌فرماید: «شما در گذشته، در لبه‌ی گودالی از آتش بودید.» «۱» ممکن است مقصود از آتش در این آیه آتش جهنم باشد یا کنایه از جنگ‌ها و نزاع‌هایی که در دوران جاهلیت شعله‌ور می‌شد و هر لحظه خطر خون‌ریزی همه را تهدید می‌کرد. خدا مردم را از خطر این آتش‌ها نجات بخشید؛ البته این دو معنا قابل جمع است و مانعی ندارد که مقصود آیه هر دو معنا باشد. ۸. در روایات اسلامی نیز بر اتحاد مسلمانان تأکید شده است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۰۶ داستان افراد با ایمان در دوستی و نیکی به یک‌دیگر همچون اعضای یک پیکر است که چون بعضی از آن رنجور شود و به درد آید اعضای دیگر را قرار و آرامش نخواهد بود. «۱» بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند (سعدی) و در جای دیگر می‌فرماید: افراد با ایمان نسبت به یک‌دیگر همانند اجزای یک ساختمان‌اند که هر جزئی از آن جزء دیگر را محکم نگاه می‌دارد. «۲» ۹. تأثیر اتحاد مردم در پیشرفت اهداف اجتماعی و سربلندی ملت‌ها اعجازآمیز است. مؤمنان همچون قطرات آب باران هستند که از اجتماع آنها سدّی

عظیم به وجود می‌آید و در مقابل دشمن می‌ایستد و از نیروی آن همه جا روشن می‌شود و چرخ عظیم صنعت به گردش در می‌آید و سرزمین‌های زیادی آبیاری می‌شود، در حالی که قطرات باران هیچ کدام به تنهایی قادر به این کارها نیستند. کشتی امت رسد بر ساحل امن و مراد گر بود فرمانده‌ی او ناخدای اتّحاد آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ارتباط با خدا (از طریق اسلام، قرآن و اهل‌بیت علیهم السلام) را محور وحدت خویش قرار دهید. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۰۷ ۲. ای مسلمانان! متحد شوید. ۳. وحدت، نعمت الهی و مایه‌ی برادری و نجات شماست (پس قدر آن را بدانید). ۴. به هر دو جنبه‌ی ظاهری و باطنی وحدت اهمیت دهید. ۵. وحدت نجات‌بخش است و شما را از آتش و دشمنی دور می‌سازد. ۶. تفسیر آیات الهی فواید راه‌بردی دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهارم سوره‌ی آل عمران تشکیل گروه‌های امر به معروف و نهی از منکر در جامعه را مطرح می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۴. وَ لْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ و أُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و باید از میان شما، گروهی (مردم را) به سوی نیکی دعوت کنند، و به [کار] پسندیده فرمان دهند و از [کار] ناپسند منع کنند. و تنها آنان رستگارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از این‌که مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر در بین آیات مربوط به اتحاد مسلمانان قرار گرفته است استفاده می‌شود که بین این دو وظیفه با اتحاد مسلمانان رابطه‌ای وجود دارد؛ یعنی اگر امر به معروف و نهی از منکر در میان اجتماع نباشد، عوامل مختلفی که دشمن «وحدت اجتماعی» هستند، هم‌چون موریانه، از درون ریشه‌های اجتماع را می‌خورند و آن را متلاشی می‌سازند؛ پس حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست. ۲. آیات قرآن و روایات متعددی که در مورد امر به معروف و نهی از منکر آمده است، اهمیت این دو وظیفه‌ی اجتماعی را نشان می‌دهد. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۰۸ اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید، خدا ستمگران را بر شما مسلط می‌کند و دعایتان مستجاب نمی‌شود و توبه‌ی شما قبول نخواهد شد. و نیز از ایشان حکایت شده که امر کننده‌ی به معروف و نهی کننده‌ی از منکر از بهترین مردم به شمار می‌آید. «۱» و در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که امر به معروف و نهی از منکر دو واجب بزرگ الهی است که بقیه‌ی واجبات با آنها بر پا می‌شوند و به وسیله‌ی این دو، راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود و حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه‌ی آنها زمین‌ها آباد می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود، و در پرتو آنها همه‌ی کارها رو به راه می‌گردد. «۲» ۳. واژه‌ی «معروف» در لغت به معنای «شناخته شده» و «منکر» به معنای «ناشناس» است؛ بنابراین کارهای نیک اموری «شناخته شده» و کارهای زشت و ناپسند اموری «ناشناس» شمرده شده‌اند، چه این‌که فطرت پاک انسانی با دسته‌ی اول آشنا و با منکرات ناآشناست. ۴. کارهای ناپسند در اجتماع به زیان همه‌ی افراد است؛ گناهکاران در اجتماع هم‌چون مسافران کشتی هستند که می‌خواهند قسمتی از کشتی را سوراخ و همه‌ی مسافران را نابود سازند. «۳» و دیگر مسافران به حکم عقل و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۰۹ برای حفظ کشتی و مسافران از کارهای آنها جلوگیری می‌کنند. آری، عقل اجازه می‌دهد که افراد اجتماع در پاک نگه داشتن محیط زیست خویش بکوشند. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ی عقلی و حق طبیعی انسان‌ها و ناشی از پیوند سرنوشت آنها در اجتماع است؛ پس آیات و روایات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد به حکم عقل است. ۵. از مجموع آیات قرآن در مورد امر به معروف و نهی از منکر استفاده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر دارای دو مرحله است: الف) مرحله‌ی فردی که یک وظیفه و واجب عمومی است و هر کس موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد و امر به معروف و نهی از منکر کند و به علت محدودیت توانایی افراد، شعاع این مرحله نیز محدود است و از حد تذکّر، اندرز دادن، اعتراض کردن و انتقاد نمودن نسبت به خلاف‌کاران و فسادگران تجاوز نمی‌کند. ب) مرحله‌ی دوم مخصوص گروهی خاص از مسلمانان است که به صورت جمعی عمل می‌کنند و دارای قدرت و شعاع عمل وسیعی هستند. «۱» این مرحله یک واجب کفایی است که برخی موارد آن از شئون حکومت اسلامی است و شامل شدت عمل و اجرای حدود و تعزیرات نیز می‌شود. البته این موارد باید زیر نظر حاکم شرع و با اجازه‌ی حکومت اسلامی انجام گیرد تا از هرج و مرج در جامعه جلوگیری

شود. این همان چیزی است تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۱۰ که امروزه تحت عنوان بازرسی و نظارت و یا حتی سازمان‌های امر به معروف و نهی از منکر در برخی کشورهای اسلامی اجرا می‌شود که لازم است تکمیل شود. «۱» ۶. در آیه‌ی فوق از تعبیر «امر و نهی» استفاده شده است؛ یعنی افرادی که به این وظیفه‌ی اجتماعی عمل می‌کنند از موضع بالا برخورد کنند و دستور بدهند، نه این‌که فقط خواهش کنند؛ البته امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که دستور دادن یکی از مراتب آن است. ۷. امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد. ابتدا انسان باید قلباً از کار ناپسند ناراحت شود و در مرتبه‌ی دوم آثار ناراحتی در چهره‌ی او نمایان گردد و سپس با اشاره یا گفتار نرم و مؤدبانه و از روی دل‌سوزی انجام وظیفه کند و جز در موارد ضروری، از راه‌های مسالمت‌آمیز وارد شود، تا امر به معروف و نهی از منکر او اثر معکوس به جای نگذارد. ۸. کسی که امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد باید معروف و منکر را به خوبی بشناسد و در جایی اقدام کند که احتمال تأثیر داشته باشد و مفسده‌ی مهمی به دنبال نداشته باشد. «۲» ۹. امر به معروف و نهی از منکر با آزادی انسان منافاتی ندارد؛ چرا که از طرفی این یک قانون پذیرفته شده در اسلام است که در قرآن بیان شده و مسلمانان آن را پذیرفته‌اند؛ پس آزادی هر مسلمانی در چهار چوب قانون اسلام، منافاتی با امر به معروف و نهی از منکر ندارد. و از طرف دیگر، زندگی اجتماعی که برای بشر فواید و برکات فراوانی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۱۱ دارد، محدودیت‌هایی را نیز برای انسان به بار می‌آورد و افراد اجتماع در سرنوشت هم‌دیگر تأثیر دارند. یکی از این موارد همان حقّ‌طبیعی نظارت عمومی است که یک وظیفه‌ی عقلی نیز به شمار می‌آید و قرآن آن را امر به معروف و نهی از منکر می‌خواند. ۱۰. در این آیه به «امت» اشاره شده، یعنی امر به معروف و نهی از منکر باید توسط گروهی منسجم و سازمان‌یافته انجام شود؛ «۱» برای مثال، سازمان روحانیت و هیئت‌های مذهبی و یا سازمان‌های امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند از مصادیق آن باشد. البته این احتمال نیز در معنای آیه وجود دارد که شایسته است از میان شما مسلمانان، امتی به‌وجود آید که جهان و بشریت را به سوی نیکی فرا خواند و در آن صورت است که شما رستگار می‌شوید. «۲» ۱۱. تنها کسانی که برای رشد و اصلاح جامعه دل می‌سوزانند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، رستگاران واقعی هستند و به فلاح و رشد و پیروزی می‌رسند. آری، افرادی که به نظارت و پالایش جامعه اهمیت نمی‌دهند کم کم خود و خانواده‌شان نیز گرفتار می‌شوند و از رستگاری دور می‌گردند. ۱۲. از این‌که افعال در جملات این آیه به صورت مضارع به کار رفته است «۳» و مضارع دلالت بر استمرار فعل دارد، معلوم می‌شود که حرکت امر به معروف و نهی از منکر باید دایمی و مستمر باشد، نه موقتی و موسمی. ۱۳. در قرآن معمولًا امر به معروف قبل از نهی از منکر آمده است. از این تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۱۲ مطلب ممکن است اهمیت و تقدّم امر به معروف استفاده شود؛ چرا که اگر کارهای شایسته و نیک در جامعه زیاد شود، زمینه‌ی کارهای ناپسند کم می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید رستگار و کام‌یاب شوید به پاک‌سازی و رشد جامعه‌ی خویش همت گمارید. ۲. امر به معروف و نهی از منکر را به صورت گروهی و سازمان یافته انجام دهید. ۳. نیکی‌های شناخته شده (فطری و اجتماعی) را گسترش دهید. ۴. از کارهای ناپسند (که فطرت انسان و جامعه از آن نفرت دارد) جلوگیری کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجم سوره‌ی آل‌عمران به مسلمانان در مورد تفرقه هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۰۵. وَ لَا تَكُونُواْ كَالَّذِينَ تَفَرَّقُواْ وَ اخْتَلَفُواْ مِن بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْبَيِّنَتُ وَ أُوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ و مانند کسانی نباشید که پس از آن‌که دلایل روشن به آنان رسید، پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ و آنان برای شان عذابی بزرگ است؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اصرار و تأکید قرآن در مورد اجتناب از تفرقه اشاره به این است که این حادثه در آینده در اجتماع مسلمانان اتفاق خواهد افتاد؛ همان‌گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز این امر را پیش بینی کردند و به مسلمانان خبر دادند که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۱۳ قوم یهود بعد از موسی ۷۱ فرقه شدند و مسیحیان ۷۲ فرقه و امت من بعد از من ۷۳ فرقه خواهند شد. «۱» البته ظاهراً واژه‌ی «هفتاد» عدد تکثیر است، یعنی کنایه از کثرت تفرقه و طوایف پیروان این ادیان است که ممکن است بیش از این شود؛ به عبارت دیگر، عدد تقریبی است و عدد خاص مقصود نیست. اکنون این اشاره‌ی قرآنی و پیش بینی پیامبر صلی الله علیه و

آله تحقق یافته و مسلمانان گرفتار تفرقه شده‌اند و مذاهب گوناگون در میان آنها پیدا شده که یکی بر حق و بقیه باطل هستند. ۲. عذاب تفرقه و اختلاف در دنیا همان ذلّت و خواری است؛ یعنی امتی که گرفتار تفرقه شود، عظمت خود را از دست می‌دهد و سرزمین او جولانگاه بیگانگان و استعمارگران می‌شود؛ و عذاب تفرقه در آخرت، کیفری بزرگ است که در انتظار تفرقه‌افکنان خواهد بود. ۳. مسلمانان، تاریخ پیشینیان و سرنوشت دردناک آنان پس از اختلاف و تفرقه را مطالعه کنند تا عبرت بیاموزند و راه تفرقه را در پیش نگیرند. ۴. ریشه‌ی بسیاری از اختلافات بشری، همان جهل و نادانی برخی افراد است اما پس از آن‌که دلایل روشن و آیات بیّنات برای مردم آمد و جهل آنها برطرف شد، دلیلی بر اختلاف باقی نمی‌ماند، مگر پیروی از هوا و هوس‌ها و از این روست که عوامل این‌گونه اختلافات گرفتار عذاب الهی خواهند شد. ۵. مقصود از اختلاف و تفرقه در آیه‌ی فوق، اختلافات و مباحثات علمی و تفاوت سلیقه‌های شخصی در مقام عمل نیست، بلکه منظور اختلافات عقیدتی ناشی از انحرافات و تکفیر هم‌دیگر و جنگ و جدال است که معمولًا ریشه در پیروی از هوا و هوس دارد؛ چرا که اگر همگان پیرو کتاب و سنت و عقل باشند، این‌گونه اختلافات پیدا نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۱۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تفرقه‌افکنی آگاهانه فرجامی عذاب‌آلود دارد. ۲. اختلافات خود را براساس دلایل روشن حل کنید و وحدت مسلمانان را پاس بدارید. ۳. با مطالعه در سرنوشت تفرقه‌افکنان ملت‌های پیشین درس عبرت بیاموزید و کار آنان را تکرار نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و ششم سوره‌ی آل عمران، مردمان را به دو گروه روسفیدان و روسیاهان تقسیم می‌کند و به سرنوشت افراد سیه‌رو اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۶. يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُم بَعْدَ إِيمِنِكُمْ فَذُوقُواْ الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (در) روزی که چهره‌هایی سفید می‌شود، و چهره‌هایی سیاه می‌گردد؛ و امّا کسانی که چهره‌هایشان سیاه شده، (به آنها گفته می‌شود:) آیا بعد از ایمانتان، کفر ورزیدید؟! پس به سبب کفر ورزیدنتان، عذاب را بچشید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پاداش و کیفرهای انسان در جهان دیگر، تجسّمی از اعمال و روحیات و افکار او در این جهان است؛ یعنی همان‌طور که ایمان و اتحاد در این جهان مایه‌ی روسفیدی، و تفرقه و کفر موجب روسیاهی ملت‌هاست، در جهان دیگر نیز این روسیاهی و روسفیدی مجازی دنیا، شکل حقیقی به خود می‌گیرد. این‌گونه افراد با چهره‌های سفید و درخشان و یا سیاه و تاریک محشور می‌گردند. «۱» ۲. در زبان عرب و همین‌طور در زبان فارسی، واژه‌ی «روسیاهی» کنایه از تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۱۵ بدبختی و شقاوت و ناراحتی است. و واژه‌ی «روسفیدی» کنایه از خوش‌بختی و سعادت و نورانیت و خوشحالی است؛ به عبارت دیگر، ذکر این تعبیرات در قرآن به معنای تبعیض نژادی و پست دانستن نژاد سیاه و برتر دانستن نژاد سفید در انسان‌ها نیست. بلکه معیار برتری در قرآن، تقوا، جهاد، علم و بصیرت است و تفاوت رنگ پوست انسان‌ها و نژادها و قبایل برای شناخت انسان‌ها از یکدیگر است. آری، چه بسا سفیدپوستانی که در اثر کفر و ستم روسیاه در قیامت حاضر شوند و چه بسا سیاه‌پوستانی که در اثر ایمان و عمل صالح با چهره‌های نورانی و روسفید در قیامت حاضر شوند. ۳. قرآن کریم برخی افراد را روسیاه معرفی کرده است؛ از جمله کسانی که به صورت مکرر مرتکب گناه می‌شوند «۱» و یا کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز روسیاهی و روسفیدی افراد است (بکوشید که روسفید محشور شوید). ۲. کفر، موجب روسیاهی (بدبختی و ناراحتی) و عذاب در رستاخیز است. ۳. اگر می‌خواهید در رستاخیز روسفید باشید، دست از ایمان برندارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتم سوره‌ی آل‌عمران به سرنوشت انسان‌های روسفید اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۷. وَ أَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خلِدُونَ و امّا کسانی که چهره‌هایشان سفید شده، پس در رحمتِ خدایند؛ در حالی که آنان در آن (رحمت) ماندگارند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۱۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کسانی که در دنیا ولایت خدا را پذیرفته‌اند، خدای متعال آنها را از ظلمت‌ها و تاریکی‌ها به نور می‌برد «۱» و این‌گونه افراد با ایمان، که پای‌بند برادری و اتحاد با مسلمانان دیگر هستند، در قیامت با چهره‌ای نورانی حاضر می‌شوند. ۲. روسفیدی در قیامت نمودی از اعمال، افکار و روحیات انسان‌ها در دنیاست؛ پس انسان‌ها می‌توانند در همین دنیا اسباب روسفیدی خویش را فراهم سازند، یعنی با

ایمان و اتحاد، ملتی سرفراز و روسفید باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر رحمت جاودان الهی را می‌طلبید تلاش کنید که در پیشگاه الهی روسفید باشید. ۲. فرجام روسفیدان رستاخیز، (که در دنیا مؤمنانی شایسته‌کردار بوده‌اند) بهره‌مندی از مهرپایدار الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتم سوره‌ی آل‌عمران به حقانیت آیات الهی و ستمکار نبودن خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۸. تِلْکَ ءَایتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَیْکَ بَالْحَقِّ وَ مَا اللَّهُ یُرِیدُ ظُلْماً لِّلْعلَمِینَ آن [ها] آیات خداست؛ که آن را به حق بر تو می‌خوانیم و خدا هیچ ستمی بر (احدی از) جهانیان نمی‌خواهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «تلاوت» به معنای خواندن و پیروی کردن است؛ «۲» پس آیه‌ی فوق می‌تواند اشاره به این نکته باشد که مطالب آیات قبلی از سنت‌های الهی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۱۷ است که بر شما خوانده شده و خود پروردگار نیز به آنها عمل خواهد کرد. ۲. جامعه‌ای که با حفظ ایمان و اتحاد خود، اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند، رستگار و روسفید خواهد شد و جامعه‌ای که به طرف کفر و تفرقه و منکرات گام نهد در دنیا و آخرت روسیاه خواهد شد. و از آن‌جا که این امور نتایج کار خود مردم است، پس ستمی از جانب خدا نشده است. ۳. آیات الهی حق است یعنی مطابق واقع و حقیقت است. این آیات حقایقی را در مورد آثار اتحاد، امر به معروف و روسفیدی افراد و ملّت‌ها بیان می‌کنند که در هر عصری قابل تجربه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آیات قرآن (را خیالی و غیرواقعی نپندارید که این مطالب) حق است. ۲. پیامدهای ناگواری که به شما می‌رسد، به خاطر کردار خودتان است و خدا به شما ستم نمی‌کند (و او عادل است). ۳. آیات حق خدا را بخوانید و پیروی کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نهم سوره‌ی آل‌عمران دو دلیل بر ستم‌کار نبودن خدا می‌آورد و می‌فرماید: ۱۰۹. وَ لِلَّهِ مَا فِی السَّموتِ وَ مَا فِی الأَرْضِ وَ إِلَی اللَّهِ تُرْجَعُ الأُمُورُ و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط از آن خداست. و [همه] کارها، فقط به سوی خدا باز گردانده می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: در این آیه دو دلیل بر ستمکار نبودن خدا آورده است: الف) خدایی که مالک تمام هستی و موجودات این جهان است ظلم و ستم درباره‌اش مفهومی ندارد؛ زیرا کسی به دیگران ظلم می‌کند که فاقد چیزی باشد و بخواهد آن را با ستمگری از دیگران بگیرد و خدا این‌گونه تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۱۸ نیست، چون مالک همه چیز است. ب) ظلم کردن درباره‌ی کسی مفهوم دارد که ممکن است بدون جلب رضایت او کاری صورت گیرد، اما آن کس که تمام امور هستی از آغاز تا پایان به او بازمی‌گردد و هیچ کس بدون رخصت او نمی‌تواند کاری انجام دهد، نیازی به ظلم کردن ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حکومت جهان و سررشته‌ی امور هستی به دست خداست (پس نیازی به ستم ندارد). ۲. با شناخت قلمرو نفوذ و فرمان‌روایی خدا، به دادگری او پی ببرید. «۱» *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و دهم سوره‌ی آل عمران مسلمانان را بهترین امت می‌خواند و بار دیگر وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را یاد آوری می‌کند و با اشاره به تقسیم اهل کتاب می‌فرماید: ۱۱۰. کُنتُمْ خَیْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بَالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْکِتبِ لَکَانَ خَیْراً لَّهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَکْثَرُهُمُ الْفسِقُونَ شما بهترین امّتی بودید که برای مردم پدیدار شده‌اند؛ (چه اینکه) به [کار] پسندیده فرمان می‌دهید و از [کار] ناپسند منع می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر (بر فرض) اهل کتاب، ایمان آورده بودند، حتماً برای آنها بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند؛ و [لی] بیشترشان نا فرمانبردارند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۱۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی ۱۰۴ همین سوره نیز مشابه این آیه است، لیکن در آن آیه به مرحله‌ی خاصی از امر به معروف اشاره شد که وظیفه‌ی یک گروه ویژه است و در این آیه به مرحله‌ی دیگری اشاره شده که وظیفه‌ی همگانی است. ۲. مسلمانان در این آیه بهترین امت نامیده شدند؛ «۱» چرا که آنها دارای آخرین دین الهی هستند و این دین کامل‌ترین ادیان است و در این دین، ایمان به توحید خالص و امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده است. ۳. دو وظیفه‌ی بزرگ امر به معروف و نهی از منکر با وسعتی که در اسلام دارد، در آیین‌های پیشین مطرح نبوده است. ۴. در آیه‌ی فوق، امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا مقدم شده است. این نشانه‌ی اهمیت این دو فریضه‌ی بزرگ الهی است؛ به علاوه، انجام این دو فریضه ضامن گسترش و بقای ایمان و اجرای همه‌ی قوانین فردی و اجتماعی است و در مقام عمل، ضامن اجرای قوانین، بر خود قانون مقدم است. ۵. مسلمانان تا زمانی امت ممتاز به شمار می‌آیند

که دعوت به سوی نیکی‌ها و مبارزه با فساد را فراموش نکننـد و آن روز که این دو وظیفه را فراموش کنند، نه بهترین امت هسـتند و نه به سود جامعه‌ی بشـری خواهند بود. «۲» ۶. این دو وظیفه‌ی الهی برای تـک تک افراد جامعه‌ی اسـلامی است و خردسال‌ترین فرد مکلّف جـامعه‌ی اسـلامی حق دارد رهبران جـامعه را امر به تفسـیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۲۲۰ معروف و نهی از منکر کنـد؛ «۱» علاوه بر آن‌که این وظیفه‌ای مسـتمر است، «۲» نه مقطعی. ۷. این آیه اهل کتاب (یهودیان و مسـیحیان) را منصفانه به دو گروه مؤمن و فاسق تقسـیم می‌کنـد تا مسـلمانان هم آنها را یکسان نپندارند. ۸. ایمـان و اسـلام نیکو و سودمنـد است پس اگر اهل کتاب ایمان آورنـد به سود خودشان است و از منافع قوانین و معنویات اسـلامی در دنیا و آخرت بهره‌منـد می‌شونـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهترین افراد مسلمانانی هستند که نسبت به سرنوشت جامعه‌ی خویش بی‌تفاوت نیستند. ۲. اگر می‌خواهید بهترین امت باشید، ایمان و امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنیـد. ۳. همه‌ی اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) را یکسان نپندارید هر چند اکثر آنان نافرمان‌اند. *** قرآن کریـم در آیـه‌ی صـد و یـازدهم سـوره‌ی آل‌عمران در مقابـل تهدیـدهای یهودیـان، بـه مسـلمانان دو بشـارت می‌دهـد و می‌فرماید: ۱۱۱. لَن يَضُـرُّوكُمْ إِلَّا أَذىً وَ إِن يُقتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (آن یهودیان) جز آزارهای [اندک]، به شما زیانی نمی‌رسانند. و اگر با شـما پیکار کنند، با عقب‌گردی از شما روی برمی‌تابند (و شکست می‌خورند)؛ سپس یاری نخواهند شد. تفسیر قرآن مهر جلـد سـوم، ص: ۲۲۱ شـأن نزول: حکـایت شـده که با اسـلام آوردن برخی از دانشـمندان روشن‌ضـمیر و آزادفکر یهود و گروهی از یارانشان، برخی از رؤسای یهود نزد آنان آمدنـد و زبان به سـرزنش و تهدیـد گشودند که چرا آیین نیاکان خود را ترک کرده و اسـلام آورده‌انـد. بـه همیـن مناسبت آیه‌ی فـوق و آیه‌ی بعـد از آن، برای دل‌داری و بشـارت به آنهـا و سـایر مسـلمانان فرو فرستاده شد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه دو پیش‌گویی و بشارت مهم به مسلمانان داده شد: الف) دشمنان اسلام نمی‌توانند ضرر مهمی به مسـلمانان بزننـد. ب) دشـمنان اسـلام در جنگ با مسـلمانان شـکست خواهنـد خورد. طولی نکشـید که این وعده‌ها و بشارت‌های آسـمانی در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله تحقق یافت و به ویژه یهودیان حجاز (یعنی بنی قُریظه، بنی نضیر، بنی قینقاع و یهودیان خیبر) در میدان‌های مختلف جنگ با مسـلمانان روبه‌رو شدند و سـرانجام همگی شکست خوردند و متواری شدند. ۲. در حقیقت آیه‌ی فوق مسلمانان را در مقابل دشمنان اسلام، به ویژه یهودیان، بیمه کرده است. اگر مسلمانان بر ایمان خود استوار بمانند و به وظایف خویش (که در آیات قبل بیان شد، مثل امر به معروف و نهی از منکر) عمل کنند و متحد باشـند از دشـمن نمی‌هراسند؛ چرا کـه پیروزی و رسـتگاری نهـایی از آن مسـلمانان اسـت و این بیمه‌ی الهی در مقابـل ضـررهای کلی دشـمنان اسـلام برای همه‌ی زمان‌هاست. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۲۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروزی نهایی از آن مسلمانان است. ۲. مسلمانان از آزارهای اندک دشـمنان نهراسید که نمی‌توانند زیان کلی به شما برسانند. ۳. فرجام دشـمنان اسلام شکست و تنهایی است. ۴. آماده‌ی تحمّل زیان‌های جزئی در مبارزه با دشـمنان اسـلام باشید ولی روحیه‌ی خود را از دست ندهید که آنان شکست خواهند خورد. *** قرآن کریـم در آیـه‌ی صـد و دوازدهم سـوره‌ی آل‌عمران به سـرنوشت ذلیلانـه‌ی یهودیـان اشـاره می‌کنـد و به مسـلمانان بشـارت دیگری می‌دهد و می‌فرماید: ۱۱۲. ضُـرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُواْ إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَ بَآءُو بِغَضِبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ ضُـرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُواْ يَكْفُرُونَ بِئَايتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الأَنبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّ كَانُواْ يَعْتَدُونَ (آن یهودیان) هر کجا یافت شونـد، (نشانه) خواری بر آنان خورده است؛ مگر به ریسـمان خـدا، و به ریسـمان (ارتباط با) مردم (تمسّک جویند). و به خشـمی از جـانب خـدا، گرفتـار شده‌انـد؛ و (نشـانه) بینـوایی بر آنهـا زده شـده؛ آن بـدان سـبب است که آنـان به نشانه‌هـای خـدا همـواره کفر می‌ورزیدنـد و پیـامبران را به نـاحق می‌کشـتند. آن [هـا] بخـاطر آن است که نافرمـانی کردنـد؛ و (به حقوق دیگران) همواره تجاوز می‌نمودنـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق یـک پیش‌گویی نسـبت به سـرنوشت یهودیان آمـده است «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۲۳ و آن این که آنان بر اثر اعمال کفرآمیز و روحیه‌ی جنگ افروزشان هیـچ‌گاه بر پای خود نمی‌ایسـتند و همواره ذلیل و خوار خواهنـد بود. این یـک قـانون تکوینی در طول تاریـخ بوده و خفت و خواری صـفتی دایمی برای یهودیان شـده است. تاریخ

پرماجرای یهود این حقیقت قرآنی را تأیید می‌کند و وضع کنونی آنان نیز گواه بر این حقیقت است. در عصر حاضر، موضع خاص صهیونیست‌ها در برابر مسلمانان و قرار گرفتن آنان در زیر چتر حمایت قدرت‌های کفر (مثل آمریکا) و عوامل گوناگونی که موجودیت آنها را تهدید می‌کند، نشانه‌هایی از ذلت آنهاست. ۲. در مورد تعبیر «ریسمان الهی» قبلًا سخن گفتیم. «۱» در مورد تعبیر «ریسمان مردم» نیز مفسران احتمالاتی «۲» مطرح کرده‌اند و بهترین احتمال آن است که مقصود از تعبیر فوق ارتباطات خوب با خدا و مردم باشد؛ یعنی رمز عزت دو چیز است: ایمان و ارتباط درونی با خدا و ارتباط نیکو با ملت‌ها و مردم. «۳» ۳. مسکین کسی است که بر اثر ضعف و نیاز، قادر به حرکت و جنبش تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۲۴ نباشد؛ «۱» پس هر نوع بیچارگی آمیخته با ضعف (اعم از مالی و غیرمالی) را شامل می‌شود. برخی معتقدند تفاوت ذلّت و مسکنت آن است که ذلّت جنبه‌ی تحمیلی از طرف دیگران دارد اما مسکنت حالت «خودکم‌بینی درونی» شخص را می‌رساند؛ «۲» همان‌گونه که یهودیان با تمام قدرتی که دارند احساس حقارت می‌کنند. ۴. تعبیر «بغیر حق» می‌رساند که معیار در کشتن افراد، حق و ناحق بودن است؛ مثلًا کشتن برای قصاص، حق است، اما کشتن بی‌دلیل، ناحق و ناپسند است؛ پس معیارها را فراموش نکنیم. ۵. در برخی روایات آمده است که یهودیان (مستقیماً) پیامبران را با شمشیر نمی‌کشتند بلکه اسرار و اخبار آنها را فاش می‌کردند و قدرت‌های ستمگر، پیامبران را دستگیر می‌کردند و شهید می‌نمودند. «۳» ۶. گناه و تجاوز به حقوق دیگران زمینه‌ی گناهان بزرگ دیگری، مثل پیامبرکشی را فراهم می‌کند و این گناه بزرگ موجب ذلّت و مسکنت و خشم الهی می‌گردد. معمولًا انحرافات بزرگ از جاهای کوچک آغاز می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نافرمانی و تجاوزگری انسان را به کفر می‌کشاند. ۲. کفر و رهبرکشی، موجب خواری ملت‌ها می‌شود. ۳. ذلّت و بینوایی (و احساس حقارت) از صفات تاریخی یهودیان است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۲۵ ۴. راه نجات از ذلت، ایجاد ارتباط معنوی با خدا و ارتباط نیکو با ملت‌هاست. ۵. در مورد عوامل بدبختی یهودیان مطالعه کنید (و از سرنوشت ذلّت بار آنان عبرت بگیرید و راه آنان را دوباره تجربه نکنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سیزدهم سوره‌ی آل عمران با اشاره به نیکان اهل کتاب، عبادات آنها را ستایش می‌نماید و می‌فرماید: ۱۱۳. لَيْسُواْ سَوَآءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتبِ أُمَّةٌ قَآئِمَةٌ يَتْلُونَ ءَايتِ اللَّهِ ءَانَآءَ الَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ (ولی همه اهل کتاب) یکسان نیستند؛ از اهل کتاب، گروهی قیام کننده‌اند، که [پیوسته] آیات خدا را در شبانگاهان می‌خوانند (و پیروی می‌کنند) در حالی که آنان سجده می‌نمایند؛ شأن نزول: داستان نزول آیه فوق و دو آیه‌ی بعد این‌گونه حکایت شده که چهل نفر از مسیحیان نجران و ۳۲ نفر از مسیحیان حبشه و هشت نفر از مردم رُوم و برخی دانشمندان و مردم یهود اسلام آوردند. سران یهود از این حادثه نگران شدند و برای پیش‌گیری از اسلام آوردن دیگران در صدد برآمدند که این گروه مسلمان را افرادی شرور و پَست جلوه دهند و شعارهایی در این مورد منتشر کردند. آیات فوق نازل شد و از یهودیان تازه‌مسلمان و به طور کلّی، نیکان اهل کتاب که مسلمان شده بودند دفاع کرد و آنها را ستود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۲۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در برخورد با مخالفان اسلام انصاف، عدالت و احترام به حقوق افراد شایسته را رعایت می‌کند؛ از این رو در برابر مذمت‌هایی که در آیات گذشته از برخی اهل کتاب نمود، در این‌جا گروهی از آنان را استثنا کرد و اعمال نیکشان را ستود. این روش قرآن به ما می‌آموزد که در کنار انتقادات، از نقاط قوّت افراد غافل نشویم و کمال را از هر گروهی بپذیریم. ۲. مبارزه‌ی قرآن با یهودیان و دیگر مخالفان اسلام، تنها بر محور عقاید و اعمال و رفتار افراد است؛ نه نژاد و قبیله از این رو نژاد یهود را به طور کلی محکوم نکرده، بلکه تنها به اعمال آنها اشکال کرده و نیکوکارانشان را ستوده است. ۳. سجده‌های شبانه و تلاوت آیات آن‌قدر مهم است که اگر این عمل را اهل کتاب هم انجام دهند، خدا آنها را می‌ستاید. دعای صبح و آه شب، کلید گنج مقصود است بدین راه و روش می‌رو که با دل‌دار پیوندی (حافظ) ۴. تلاوت به معنای خواندن و پیروی کردن است؛ «۱» پس خدا کسانی را ستایش می‌کند که در شب آیات خدا را می‌خوانند و در زندگی به آنها عمل می‌کنند. ۵. واژه‌ی «قائمۀ» یا اشاره به قیام به حق و ایمان است و یا اشاره به ایستادن در حال عبادت در شبانگاهان که نشانه‌ی عشق و نشاط در عبادت است. ۶. واژه‌ی «آیۀ» به معنای «علامت،

نشانه، جماعت و امر شگفت‌آور» است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۲۷ هر سوره از چند آیه تشکیل شده که امروزه با شماره مشخص شده‌اند و وجه نام‌گذاری‌اش این است که حروف و کلمات در آن جمع شده یا نشانه‌ی صدق گوینده‌اش است. منشأ شماره‌گذاری آیات قرآن توقف‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام قرائت قرآن بوده است. «۱» ۶۲۳۶ آیه در قرآن‌های چاپی فعلی شماره‌گذاری شده است و همین شمارگان از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نقل شده است «۲» «بسم اللّه الرحمن الرحیم» فقط در سوره‌ی حمد یک آیه‌ی مستقل به شمار آمده و در ابتدای بقیه‌ی سوره‌ها شماره‌گذاری نشده است. البته در آیه‌ی فوق «آیات» در مورد عبارت‌های کتاب‌های مقدس غیر از قرآن نیز به کار رفته است همان‌گونه که در مورد عبارت‌های قرآن به کار می‌رود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی پیروان ادیان الهی را محکوم نکنید که برخی از آنان افراد معنوی هستند. ۲. در دل شب به قرائت کتاب الهی بایستید و سجده کنید (که فضیلت است). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهاردهم سوره‌ی آل‌عمران برخی دیگر از صفات نیکان اهل کتاب را یاد آوری می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۴. يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسرِعُونَ فِي الْخَيْرَتِ وَ أُوْلَئِكَ مِنَ الصلِحِينَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۲۸ به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آورند؛ و به [کار] پسندیده فرمان می‌دهند و از [کار] ناپسند منع می‌کنند؛ و در (انجام) نیکی‌ها، بر همدیگر پیشی می‌گیرند؛ و آنان از شایستگانند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. امر به معروف و نهی از منکر در ادیان گذشته هم مطرح بوده است. «۱» ۲. قرآن امر به معروف را قبل از نهی از منکر می‌آورد. آری، اگر کارهای شایسته رواج یابد کارهای ناپسند کم‌تر می‌شود؛ برای مثال، اگر ازدواج رواج یابد و آسان شود و جوانان به کار و ورزش و عبادات اشتغال داشته باشند، کارهای ناپسند و فحشا و فسادهای مالی کم‌تر می‌شود. ۳. از تعبیر «پیشی گرفتن در نیکی‌ها» «۲» استفاده می‌شود که همان‌گونه که نیکوکاری یک ارزش است، سرعت در انجام کار نیک نیز یک ارزش است؛ یعنی پیشی گرفتن از دیگران و مسابقه در کار خیر مطلوب است. ۴. فعل‌های آیه‌ی فوق به صورت مضارع آمده است؛ زیرا افراد صالح کسانی هستند که همواره امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کار خیر پیشی می‌گیرند، نه به طور موقت و موسمی. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان به مبدأ و معاد و امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در نیکی‌ها، ارزش‌های فرا اسلامی است (که در همه‌ی ادیان ارزشمند است). ۲. اگر می‌خواهید از شایستگان درگاه الهی شوید، به ایمان، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در کارهای نیک اهمیت دهید. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۲۹ ۳. نیکی کردن و شتاب‌ورزی در نیکی‌ها، هر دو مطلوب است. *** قرآن‌کریم در آیه‌ی صد و پانزدهم سوره‌ی آل‌عمران به صالحان اهل کتاب بشارت می‌دهد و می‌فرماید: ۱۱۵. وَ مَا يَفْعَلُواْ مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ و هر [کار] نیکی که انجام دهند، پس [در باره] آن، موردِ ناسپاسی قرار نمی‌گیرند. و خدا به [حال] پارسایان (خود نگهدار) داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «کفر» در این‌جا در برابر «شکر» است؛ شکر در اصل به معنای اعتراف به نعمت است و کفر و کفران به معنای انکار و ناسپاسی در برابر آن است؛ یعنی خدا هیچ‌گاه اعمال نیک صالحان را نادیده نمی‌گیرد و ناسپاسی و انکار نمی‌کند، هر چند این افراد از اهل کتاب باشند؛ و این آموزه‌ای است برای ما مسلمانان که نسبت به کارهای دیگران ناسپاس نباشیم. ۲. تعبیر «خدا به پارسایان آگاه است» گویا اشاره به آن است که با این‌که تقوا پیشگان غالباً در اقلیت هستند و طبعاً باید حالاتشان به چشم نیاید اما از دید دانش بی‌پایان الهی، هرگز مخفی نمی‌مانند و خدا از حال آنها و اعمال نیکشان آگاه است. این اعمال چه کم و چه زیاد ضایع نمی‌شوند. «۱» و پاداش مناسب به آنان داده می‌شود. تعبیر پارسایان نیز اشاره به آن است که خدا کارهای نیک را از پارسایان خود نگه‌دار قبول می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا ناسپاس نیست و پاداش اعمال نیکِ همه را می‌دهد. ۲. پارسایی زمینه‌ی (پذیرش اعمال نیک و پاداش و) سپاس الهی است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۳۰ ۳. در برابر اعمال نیک دیگران ناسپاس نباشید، اگر چه اهل کتاب باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شانزدهم سوره‌ی آل عمران به سرنوشت افراد بی‌ایمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۶. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَلُهُمْ وَ لَا أَوْلَدُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئاً وَ أُوْلَئِكَ أَصْحبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خلِدُونَ در واقع کسانی که کفر ورزیدند، اموالشان و فرزندانشان،

هیچ چیزی از (عذاب) خدا را از آنان دفع نخواهد کرد. و آنان اهل آتشند؛ در حالی که آنان در آن ماندگارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق از میان امکانات مادی، تنها به ثروت و فرزند اشاره شده است؛ زیرا مهم‌ترین سرمایه‌های مادی، نیروی انسانی و سرمایه‌های اقتصادی است و بقیه‌ی امکانات مادی از این دو ناشی می‌شوند. ۲. از منظر قرآن کریم، امتیازات مالی و قدرت انسانی، زمانی مفید و ارزشمند هستند که در پرتو ایمان و نیّت پاك در مسیر صحیح به کار گرفته شوند، در غیر این صورت امتیازی به شمار نمی‌آیند و تکیه بر آنها اشتباه است و چنانچه با کفر همراه شوند صاحبان خود را به عذابی طولانی گرفتار می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. امکانات مادی کفار مانع عذاب الهی نمی‌شود (پس بر آنها تکیه نکنند). ۲. فرجام کفر، عذاب آلود است. ۳. قدرت اقتصادی و نیروی انسانی اگر در خدمت کفر قرار گیرد، بهره‌وری لازم را ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۳۱ ۴. اگر نجات می‌خواهید، از کفر دوری گزینید که امتیازات دنیوی مانع عذاب نمی‌شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفدهم سوره‌ی آل‌عمران با اشاره به بی‌ثمر بودن بخشش‌های کافران ستمکار می‌فرماید: ۱۱۷. مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هذِهِ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ مثال آنچه [آنان] در این زندگی پست (دنیا) مصرف (: انفاق) می‌کنند، همانند مثال بادی است که در آن سوزندگی است که به کشتزار گروهی که بر خودشان ستم کرده‌اند بوزد و آن را نابود سازد. و خدا به آنان ستم نکرده؛ و لیکن بر خودشان ستم می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بخشش‌ها اگر از سرچشمه‌ی اخلاص و ایمان باشد بسیار مفید است و مشکلات اجتماعی را حل می‌کند و آثار عمیق اخلاقی در نهاد احسان کننده باقی می‌گذارد و فضایل اخلاقی او را بارور می‌کند. اما افراد آلوده و بی ایمان، که انگیزه‌ی صحیحی از بخشش خود ندارند، روح خودنمایی و ریاکاری، همچون باد سوزان و خشکی بر مزرعه‌ی بخشش آنها می‌وزد «۱» و آن را بی‌اثر می‌سازد؛ یعنی نه اثر اخلاقی برای انفاق کننده دارد و نه مشکلی را در اجتماع حل می‌کند. ۲. تعبیر «به خود ستم کرده‌اند» اشاره دارد که مرکز وزش این باد سوزان، به طرف زراعت کسانی است که به خود ستم کرده‌اند. آری، افراد بی ایمان در انتخاب زمان و مکان بخشش به خود ستم می‌کنند و سرمایه‌های خود را بی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۳۲ مورد بر باد می‌دهند. ۳. در آیه‌ی فوق از دو جهت تشبیه به کار رفته است: یکی تشبیه بخشش ستمکاران به زراعت بی‌موقع و در محل نامناسب و دیگری تشبیه انگیزه‌های بخشش آنان به بادهای سرد و سوزان. «۱» ۴. آیه‌ی فوق از طرفی تأثیر عقیده و انگیزه را در نتایج کارها نشان می‌دهد و از طرف دیگر اشاره می‌کند که نتایج بدِ کارها و آثار وضعی اعمال، به خاطر ستمکاری انسان‌ها و بازتاب عملکرد خود آنهاست، وگرنه خدا به کسی ستم نمی‌کند. کشت‌های ظالمان گردد تباه از سَموم گرم یا سرد و سیاه حق نکرده هیچ بر ایشان ستم بل ستم بر نفس خود کردند هم ۵. ممکن است آیه‌ی فوق اشاره به این مطلب باشد که بخشش‌های کافران از دو جهت اشکال دارد: یکی از جهت انگیزه‌ی درونی آنها که بر اثر شرك و کفر و گناه، به خود ستم کرده‌اند و انفاق آنها مورد قبول خدا نیست و سودی به حالشان ندارد؛ و اشکال دوم در اموال آنهاست که معمولًا از راه‌های حرام به دست می‌آید و تصرف در آنها جایز نیست و بخشیدن از آنها به جای تأثیرات مثبت، آثار منفی بر جای می‌گذارد و همچون باد سوزانی حیات آنها را می‌سوزاند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بخشش‌های کافران ستمکار سودی (برای خودشان و جامعه) ندارد. ۲. مطالب را با مثال‌های ساده، زیبا و آموزنده به دیگران بیاموزید. ۳. انگیزه و عملکرد افراد در نتایج اعمالشان مؤثر است. ۴. خدا عادل است، پس ریشه‌ی ستم را در اعمال خودتان بیابید. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۳۳ ۵. کفر نوعی ستم به خویشتن است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هیجدهم سوره‌ی آل‌عمران به مؤمنان گوشزد می‌کند که بیگانگان را محرم اسرار خویش نسازند و می‌فرماید: ۱۱۸. يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّواْ مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الآيتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان [دوستِ] همراز مگیرید. آنها از هر گونه تباهی (و فساد فرهنگی) در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند؛ زحمت شما را آرزو دارند. بیقین (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و سخنان) شان آشکار شده؛ و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد، بزرگ‌تر

است. بیقین نشانه‌ها (ی دشمنی آنان) را برای شما بیان کردیم، اگر خردورزی کنید. شأن نزول: حکایت شده که برخی از مسلمانان به سبب خویشاوندی یا همسایگی یا هم‌پیمانی، با یهودیان دوست بودند و به قدری با هم صمیمی می‌شدند که اسرار مسلمانان را به آنان می‌گفتند. «۱» آیه‌ی فوق فرو فرستاده شد و به مسلمانان هشدار داد که از غیرمسلمانان دوست و هم‌راز انتخاب نکنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «بِطانۀ» در لغت به معنای «لباس زیرین» و در این‌جا کنایه از «محرم اسرار» است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۳۴ آیه‌ی فوق با این تشبیه لطیف در مورد مناسبات و ارتباطات مسلمانان با دیگران، هشدار می‌دهد که از افراد غیرمسلمان و غیرخودی برای خود دوست و هم‌راز انتخاب نکنید. ۲. قرآن کریم در این آیه بین خودی‌ها و غیرخودی‌ها در جامعه‌ی اسلامی مرزبندی می‌کند، تعبیر «از غیرخودتان» همه‌ی افراد غیرخودی، هم‌چون کافران و منافقان را شامل می‌شود که مورد اطمینان و رازدار نیستند و نباید از آنان دوست و هم‌راز برگزید. ۳. کفّار به دنبال ایجاد فساد فکری و تهاجم فرهنگی به مسلمانان هستند «۱» پس نباید دوست و محرم اسرار شما باشند، زیرا از اسرار شما سوء استفاده و آنها را افشا می‌کنند و بدین وسیله شما را می‌آزارند. ۴. خدای متعال در آیه‌ی فوق راه شناسایی باطن دشمنان را نشان می‌دهد و بیان می‌کند که آنان برای آن که دیگران از مطالب درونشان آگاه نشوند، معمولًا با احتیاط و دقت سخن می‌گویند، اما گاهی ناخودآگاه سخنانی بر زبان می‌آورند که آثار دشمنی از لابه‌لای آن آشکار می‌شود و در این موقع می‌توانید به ضمیر و باطن آنها پی ببرید. حضرت علی علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید: هیچ کس در ضمیر باطن خود رازی را پنهان نمی‌دارد، مگر این‌که از رنگ چهره و لابه‌لای سخنان پراکنده و بی توجه او، آشکار می‌شود. «۲» گر دایره‌ی کوزه ز گوهر سازند از کوزه همان برون تراود که در اوست تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۳۵ ۵. «سینه» «۱» مثل «قلب» دو قسم ظاهری و باطنی دارد و همان‌طور که سینه‌ی مادی مثل صندوقی قلب انسان را احاطه کرده است، سینه‌ی معنوی و روحانی انسان نیز قلب روحانی، یعنی نفس و روح انسان را که مرکز حیات روحانی اوست احاطه کرده است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مرز خودی‌ها و غیرخودی‌ها را در جامعه مشخص سازید. ۲. غیرخودی‌ها را از سخنان دشمنانه و کنایه‌آمیز آنان بشناسید. ۳. دشمنان اسلام درصدد تهاجم فرهنگی و زحمت‌آفرینی برای شما هستند. ۴. رازدار باشید و اسرار مسلمانان را برای غیرخودی‌ها فاش نکنید. ۵. در آیات الهی تفکر کنید (و ترفندهای دشمنان را بشناسید و خنثی سازید). ۶. دوستان هم‌راز خود را از خودی‌ها انتخاب کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نوزدهم سوره‌ی آل عمران به دو چهرگی دشمنان اسلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۹. هأَنتُمْ أُوْلَاء تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا یُحِبُّونَکُمْ وَ تُؤْمِنُونَ بِالْکِتَبِ کُلِّهِ وَ إِذَا لَقُوکُمْ قَالُواْ ءَامَنَّا وَ إِذَا خَلَوْاْ عَضُّواْ عَلَیْکُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَیْظِ قُلْ مُوتُواْ بِغَیْظِکُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۳۶ هان! شما کسانی هستید که آنان را دوست می‌دارید؛ و [لی] آنان شما را دوست ندارند. و شما به همه کتاب‌ها [ی الهی] ایمان دارید. و هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم.» و هنگامی که خلوت کنند، از شدّت خشم بر شما، سر انگشتان [خود را به دندان] می‌گزند! بگو: «به سبب شدت خشمتان بمیرید! براستی که خدا به (اسرار) درون سینه‌ها داناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دوستی دوجانبه مفید است، اما دوستی یک‌جانبه، یا ریشه در غفلت، خودباختگی و احساس حقارت دارد یا ناشی از نفاق یک طرف دوستی است و در هر صورت دوام نخواهد داشت. این آیه به دوستی یک‌طرفه‌ی مخالفان اسلام با مسلمانان اشاره دارد. ۲. اسلام با کافران عادی برخورد ملایمی دارد و حتی سهمی از زکات را برای جذب آنان به اسلام قرار داده است، اما با منافقان با شدت و لحن تند برخورد می‌کند و به آنان می‌گوید: «از خشم لبریزتان بمیرید.» و بدین وسیله آنان را تحقیر می‌کند؛ «۱» چرا که نفاق پدیده‌ای پرخطر است. «۲» ۳. ایمان مسلمانان کامل است؛ چون به اصل همه‌ی کتاب‌های آسمانی ایمان دارند و مطالب آنها را تأیید می‌کنند، همان‌طور که به پیامبران گذشته اعتقاد دارند؛ ولی ایمان مخالفان اسلام ناقص است، چون به برخی از کتاب‌ها و پیامبران ایمان ندارند و از این روست که مسلمانان را دوست ندارند و با آنها دشمنی می‌ورزند. ۴. تعبیر «گزیدن سرانگشتان به دندان»، کنایه از شدّت خشم کافران تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۳۷ منافق‌صفت نسبت به مسلمانان است. آری، آنان از خشم لبریز

شده‌اند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دشمنان کینه‌توزی دارید (پس مراقب خطر آنان باشید). ۲. دوستی شما با مخالفان اسلام یک‌طرفه است و آنان منافقانه با شما برخورد می‌کننـد. ۳. با دشـمنان اسلام دوستی نکنید «۲» و شـعار «مرده باد» به آنان بگوییـد. ۴. دشمنان اسـلام بداننـد که خـدا از نقشه‌های آنان آگاه است و آنها را خنثی می‌سازد (پس سـزاوار است از غصه و خشم بمیرنـد). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیستم سوره‌ی آل‌عمران با بیان یکی دیگر از نشانه‌های دشمنان منافق‌صفت، به راهکار مقابله با حیله‌های آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۰. إِن تَمْسَسْکُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِن تُصِبْکُمْ سَیِّئَةٌ یَفْرَحُواْ بِهَا و إِنْ تَصْبِرُواْ وَ تَتَّقُواْ لَا یَضُرُّکُمْ کَیْدُهُمْ شَیْئاً إِنَّ اللَّهَ بَمَا یَعْمَلُونَ مُحِیطٌ اگر نیکی به شـما برسـد، آنـان را نـاراحت می‌کنـد، و اگر (حادثه) بـدی برای شـما رخ دهـد، بـدان شاد می‌شونـد. و اگر شـکیبایی نمایید و [خودتان را] حفظ کنید، نیرنگشان، هیچ چیزی به شـما زیان نمی‌رساند؛ حتماً خدا به آنچه انجام می‌دهنـد احـاطه دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلـد سوم، ص: ۲۳۸ ۱. امنیت مسـلمانان در برابر نقشه‌های شوم دشـمنان، مشـروط به اسـتقامت و داشـتن تقواست. صبر و پایـداری در برابر دشـمنان بیرونی و درونی از عوامـل مهم پیروزی است. «۱» ای دل صبور بـاش و مخور غم که عـاقبت این شـام صـبح گردد و این شب سـحر شود (حافظ) ۲. خـدای متعال در آیات فوق به مسـلمانان هشـدار داد و اعلاـم خطر عمومی کرد که دوسـتان و محرمان اسـرار خویش را از منافقان انتخاب نکننـد و نشانه‌های آنان را نیز بیان کرد، اما متأسـفانه بسیاری از مسلمانان از این هشدار غفلت ورزیدند و در نتیجه، گرفتار نابسامانی‌های فراوان شدند. ده‌ها سال است که مسلمانان با خطر اسرائیل روبه‌رو شده‌اند اما هنوز عده‌ای فریب لبخندهای دروغین سران صهیونیسم و حامیان آنها را می‌خورند و به وعده‌های آنان دل خوش می‌دارند و آنها را دوست و محرم اسرار خویش می‌پندارند، در حالی که نشانه‌هایی که قرآن بیان کرده در آنها مشاهـده می‌شود. آری، آنها مسـلمانان را دوست ندارند و جز پریشانی و رنج برای آنان نمی‌خواهند و آثار خشم و دشـمنی در گفتار و کردار آنها هویـداست. ۳. دشـمن از خوبی ما ناراحت و از ناراحتی ما خوشـحال می‌شود؛ پس هرگاه دیـدیم دشـمن از کرده‌ی مـا خوشـحال است، بـدانیم که اعمـال مـا به ضـرر مسـلمانان بوده است و ضـربه‌ای خورده‌ایم و هرگـاه دشـمن از کرده‌ی ما ناراحت شد، باید بدانیم که اعمال ما به نفع مسـلمانان بوده است و موفقیتی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۳۹ به دست آورده‌ایم. ۴. یکی از نشانه‌هـای منافقـان، در حالات روانی آنها ظاهر می‌شود و مطالعات روان‌شـناختی در عکس‌العمل‌ها و شادمانی و ناراحتی دشمنان، ما را به شناخت آنها رهنمون می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دشمنان نفاق پیشه‌ی اسلام را از حالات روانی آنها بشناسید. ۲. راهکـار مقـابله بـا توطئه‌های دشـمنان منافق، پایـداری و پارسایی است. ۳. دشـمنان منـافق، نیکی شـما را نمی‌خواهنـد (پس براساس خوش‌آیند آنان عمل نکنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و یکم سوره‌ی آل‌عمران به مقدمات جنگ احد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۱. وَ إِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِکَ تُبَوِّیءُ الْمُؤْمِنِینَ مَقعِدَ لِلْقِتَالِ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ و (به یاد آر) هنگامی را که [در جنگ احد] بامـدادان، از [میـان] خـانواده‌ات بیرون رفتی، که محل‌هایی برای جنگ مؤمنان آماده کنی؛ و خـدا شـنوای داناست. داسـتان آیه: در سال دوم هجری، مسـلمانان بر کفار قریش پیروز شدند، اما در سال بعد کفار مکه به سرپرستی ابوسفیان با سه هزار سواره و دو هزار پیاده و تجهیزات کامل به سوی مـدینه حرکت کردند. عباس، عموی پیامبر، که در مکه زندگی می‌کرد، ماجرای حمله‌ی کفار را در نامه‌ای نوشت و به مـدینه فرسـتاد. پیامبر صـلی الله علیه و آله پس از اطلاع از این خبر، یک گروه شـناسایی فرسـتادند و خبر حرکت لشـگر ابوسفیان تأیید شد؛ آن‌گاه در روز جمعه جلسه‌ای تشکیل دادند و با مسلمانان در مورد جنگ با کفّار مشورت کردند. در این جلسه دو دیدگاه مطرح شد: الف) مسـلمانان در شـهر مدینه بمانند و در کوچه‌ها سنگر بگیرند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۴۰ ب) مسلمانان از مدینه خارج شوند و در بیرون شهر با دشمن بجنگند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله متمایل به دیدگاه اول بود، اما دیدگاه دوم که با حماسه و شـجاعت مطرح می‌شد، در بین جوانان طرف‌دار بیش‌تری داشت؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله به دیـدگاه اکثریت و جوانان احترام گـذاشت و نظر آنها را ترجیـح دادنـد. آن حضـرت با یک نفر برای انتخاب محل اردوگاه سپاه از شهر خـارج شدنـد. و محلی را در دامنه‌ی کوه احـد، که شـرایط نظـامی خوبی داشت، برگزیدنـد. آیه‌ی فوق به این ماجرا و انتخاب

مکان سپاه اشاره می کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انتخاب پایگاه نظامی و مناطق حسّاس و مهم دفاعی، کار هر شخصی نیست و فرمانده جنگ این کار را به عهده می گیرد؛ «۱» از این رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شخصاً اقدام به این کار کرد. ۲. برنامه‌ریزی‌های فنی، جغرافیایی و طبیعی عملیات نظامی، باید قبل از شروع جنگ و در فضایی آرام صورت گیرد؛ «۲» از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله صبحگاهان به همراه یک نفر اقدام به این کار کرد. ۳. قرآن کریم کتاب هدایت است و به وقایع تاریخی نیز از دیدگاه هدایتی می‌نگرد و به مسلمانان آموزش می‌دهد و نکات حساس نظامی را یادآوری می کند. ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از خطرها غافل نمی‌شدند و قبل از روبه‌رو شدن با دشمن، چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی می کردند و شخصاً در صحنه حاضر می‌شدند. آری، رهبران الهی باید این گونه باشند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۴۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی به فکر خطر دشمنان باشند و چاره‌اندیشی کنند. ۲. فرمانده سپاه، برای نبرد برنامه‌ریزی کند. ۳. فرمانده سپاه قبل از شروع جنگ از محل نبرد بازدید کند (و موقعیت‌ها را شناسایی نماید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و دوم سوره‌ی آل‌عمران با اشاره به سستی گرایان، نقش ولایت و توکل را در جنگ احد بیان می کند و می‌فرماید: ۱۲۲. إِذْ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمْ أَن تَفْشَلَا وَ اللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ [و نیز به یاد آر] هنگامی را که دو دسته از شما آهنگ کردند که سستی ورزند؛ و خدا [سرپرست و] یاور آن دو (دسته) بود؛ و (اگر دسته‌ای سستی کردند) پس مؤمنان باید، تنها بر خدا توکّل کنند. شأن نزول: در جنگ احد سپاه هزار نفری مسلمانان به فرماندهی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مدینه خارج شد و به طرف اردوگاه خود در دامنه‌ی کوه احد به راه افتاد. این حرکت نظامی به صورت پیاده انجام می‌شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسیر از سپاه سان می‌دیدند و صفوف آنها را منظم می کردند. اما دو طایفه از مسلمانان به نام «بنو سَلمه و بنو حارثه» سستی به خرج دادند و از وسط راه به مدینه باز گشتند. شاید علت تصمیم آنها این بود که طرف‌دار دفاع در شهر بودند. و در همین حال گروه دیگری که سیصد نفر بودند، از سپاهیان اسلام جدا شدند و به مدینه بازگشتند. این گروه یا پیروان «عبد اللّه بن ابی» بودند، که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۴۲ طرف‌داران دفاع در شهر بودند، و یا گروهی از یهودیان هم‌پیمان عبد اللّه بن ابی بودند که پیامبر حضور آنها را در سپاه نپذیرفت، مگر آن که مسلمان شوند. اما پس از مدتی این گروه سیصد نفری از تصمیم خود بازگشتند و به همکاری با مسلمانان ادامه دادند. آیه‌ی فوق به همین قطعه از ماجرای احد اشاره کرده که دو طایفه از مسلمانان ابتدا سست شدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سپاه هفتصد نفری مسلمانان در کوه احد پس از اقامه‌ی نماز صبح با پیامبر صلی الله علیه و آله صفوف خود را منظم نمودند و یک گروه پنجاه نفری از تیراندازان ماهر مأمور حفظ دهانه‌ی شکاف کوه شدند و پیامبر به آنان سفارش کردند که هرگز این منطقه را خالی نگذارند. در مقابل، ابوسفیان با سپاه پنج هزار نفری و به همراه بت‌ها و زنان زیبا حضور داشتند. ابوسفیان، گروه ویژه‌ی دویست نفری را مأمور کرد که از پشت سر به سپاه اسلام حمله کنند و آنان از همان دهانه‌ی شکاف کوه حمله نمود. در مرحله‌ی اول جنگ، سپاه کفار شکست خورد و مسلمانان پیروز شدند؛ از این رو گروه نگهبان دهانه‌ی کوه محل را ترک کردند و گروه ویژه‌ی دویست نفری از پشت به مسلمانان حمله کردند و سپاه اسلام در محاصره‌ی دشمن قرار گرفت. بدین ترتیب در مرحله‌ی دوم سپاه اسلام شکست خوردند و هفتاد نفر از مسلمانان، از جمله حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله شهید شدند. گروهی از مسلمانان به کوه فرار کردند، اما برخی دیگر، از جمله علی علیه السلام ماندند و پروانه‌وار گرد پیامبر صلی الله علیه و آله چرخیدند و از او دفاع کردند، به طوری که شصت زخم و ضربه بر سر و صورت و بدن علی علیه السلام وارد شد و در همین جنگ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۴۳ بود که شمشیر علی علیه السلام شکست و پیامبر صلی الله علیه و آله ذوالفقار را به او داد. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله پیک وحی را در میان زمین و آسمان مشاهده کرد که می گوید: «لا سیف الّا ذو الفقار و لا فتی الّا علی؛ «۱» هیچ شمشیری جز ذو الفقار و هیچ جوان‌مردی جز علی نیست.» در این بین، یکی از سربازان دشمن پنداشت که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را شهید کرده است؛ از این رو این مطلب را با صدای بلند اعلام کرد. این شایعه، ابتدا موجب تزلزل

بیش‌تری در مسلمانان شد و برخی دیگر نیز فرار کردند، اما در نهایت به نفع مسلمانان تمام شد و دشمن کینه‌توز، به گمان این‌که پیامبر را کشته است، همان شب احد را به قصد مکه ترک کرد. در مرحله‌ی سوم، سپاه مشرکان، به گمان این‌که پیامبر کشته شده است، به سرعت به طرف مکه حرکت کردند، اما در بین راه تصمیم گرفتند که به مدینه بازگردند و شهر را غارت کنند و مسلمانان را در هم بکوبند و اگر پیامبر هم زنده است او را به قتل برسانند؛ به همین جهت فرمان بازگشت صادر شد و این خبر خیلی زود به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. در این بین آیه‌ی فوق و چند آیه‌ی بعد نازل شد و روحیه‌ی مسلمانان را تقویت کرد و به دنبال آن پیامبر صلی الله علیه و آله یک فرمان عمومی برای حرکت به سوی مشرکان داد، به طوری که حتی مجروحان جنگ احد نیز آماده‌ی پیکار با دشمن شدند و از مدینه حرکت کردند و به تعقیب دشمن پرداختند. خبر حرکت مسلمانان به مشرکان قریش رسید و از روحیه‌ی عجیب مسلمانان به وحشت افتادند. آنها که گمان می‌کردند نیروی تازه‌نفسی از مدینه به مسلمانان پیوسته است، ترسیدند که برخورد دو باره نتیجه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۴۴ نهایی جنگ را به زیان آنها تغییر دهد؛ لذا به طرف مکه بازگشتند. ۲. افراد سست عنصر، هم خود در جنگ سستی می‌کنند، و هم دیگران را به سستی می‌کشانند، پس سپاه اسلام و فرماندهان آنها نباید بر این گونه افراد تکیه کنند. ۳. توکل بر خدا بدین معناست که انسان با استفاده از وسایل عادی تلاش خود را بنماید اما تکیه‌ی اصلی‌اش بر خدا باشد که علت همه‌ی علت‌ها و مبدأ همه‌ی قدرت‌هاست؛ پس توکل به معنای دست برداشتن از عوامل مادی و سستی در کارها نیست. تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایدش (حافظ) ۴. در این آیه به نقش ولایت الهی و توکل در جنگ اشاره شده است. سرپرستی و ولایت خدا هدایت کننده و یاور انسان است و توکل بر او، روحیه‌ی سپاهیان را بالا می‌برد و آنان را از سستی دور می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سستی‌های گذشته، عبرت بگیرید (و در جنگ‌ها سستی نکنید تا شکست نخورید). ۲. توجه به ولایت الهی و توکل بر او از عوامل نجات از سستی است. ۳. مؤمنان در جنگ (و غیر آن) تنها به خدا تکیه کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و سوم سوره‌ی آل‌عمران پیروزی مسلمانان در جنگ بدر را یادآور می‌شود و با تقویت روحیه‌ی مسلمانان می‌فرماید: ۱۲۳. وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُواْ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۴۵ و بیقین خدا شما را در (جنگِ) «بدر» یاری کرد؛ در حالی که شما، خوار بودید. پس [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، باشد که شما سپاسگزاری کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق پس از شکست مسلمانان در جنگ احد، و در حقیقت، برای تقویت روحیه و دلگرمی آنان نسبت به آینده نازل گردید و به پیروزی چشم‌گیر مسلمانان در میدان بدر «۱» اشاره کرد و فرمود: خدا شما را در بدر پیروزی داد، در حالی که نسبت به دشمن ضعیف بودید و از نظر عدّه و تجهیزات قابل مقایسه با آنها نبودید. تعداد شما در جنگ بدر ۳۱۳ نفر و تعداد مشرکان بیش از هزار نفر بود، ولی در نهایت آنان را به سختی شکست دادید؛ پس اکنون نیز ناامید نباشید که با یاری خدا می‌توانید شکست احد را جبران کرده، بر دشمن پیروز شوید. ۲. یادآوری پیروزی‌های گذشته و امدادهای غیبی در میدان‌های نبرد سبب تجدید خاطره‌ی پیروزی و دل‌گرمی سپاهیان نسبت به آینده و تقویت روحیه‌ی آنان می‌شود. ۳. تقوا، پارسایی و خود نگه‌داری، زمینه‌ساز سپاس‌گزاری است؛ چرا که، از طرفی، حفظ خود از ضررهای روحی و جسمی و عذاب الهی، با توفیق الهی ممکن است و این توفیق مستلزم سپاس‌گذاری به درگاه خداست، و از طرف دیگر، پرهیز از گناهان و انجام دادن واجبات، یعنی رعایت تقوا، سبب می‌شود که پرده‌های جهل و غرور کنار برود و انسان حقایق هستی را درک کند و همه‌ی نعمت‌ها را از خدا بداند و در نتیجه، سپاس‌گزار خدا گردد و در تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۴۶ این صورت است که متوجه می‌شود پیروزی‌ها از خداست و از او تشکر می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شکست‌ها شما را ناامید نسازد که شما پیروزان دیروزید. ۲. رهبران الهی و فرماندهان سپاه با یادآوری پیروزی‌های گذشته روحیه‌ی سپاهیان را تقویت کنند. ۳. پارسایی زمینه‌ساز سپاس‌گزاری است. *** قرآن در آیه‌ی صد و بیست و چهارم سوره‌ی آل‌عمران به برخی امدادهای غیبی در جنگ بدر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۴. إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَن يَكْفِيَكُمْ أَن

یُمِدَّکُم رَبُّکَمْ بِثَلثَةِ ءَالفٍ مِّنَ الْمَلئِکَةِ مُنزَلِینَ آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا [برای] شما کافی نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار (نفر) از فرشتگان فرود آمده، یاری‌تان کند؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از کارهای فرماندهان سپاه، امیدوار کردن رزمندگان و مقاومت بخشیدن به آنها، با توجه دادنشان به امدادهای غیبی است. این مطلب نور امید را در دل سپاهیان برمی‌افروزد، و روح توکّل به خدا را در آنها می‌دمد و استقامتشان را چند برابر می‌کند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرماندهی جنگ بدر را به عهده داشتند و روحیه‌ی سپاهیان را تقویت می‌کردند. ۲. هرگاه خدا اراده کند، فرشتگان الهی به خدمت و یاری مجاهدان مؤمن تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۴۷ می‌شتابند و به آنان نیرو می‌بخشند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رزمندگان اسلام منتظر امدادهای غیبی باشند. ۲. فرماندهان جنگی با یادآوری امدادهای غیبی، روحیه‌ی سپاهیان را تقویت کنند. ۳. علاوه بر نیروهای مادی، نیروهای معنوی (فرشتگان) نیز در جنگ‌ها نقش دارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و پنجم سوره‌ی آل‌عمران با یادآوری امدادهای غیبی می‌فرماید: ۱۲۵. بَلَی إِن تَصْبِرُواْ وَ تَتَّقُواْ وَ یَأْتُوکُم مِّن فَوْرِهِمْ هـذَا یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُم بِخَمْسَةِ ءَالفٍ مِّنَ الْمَلئِکَةِ مُسَوِّمِینَ آری، اگر شکیبایی (و استقامت) کنید و [خودتان را] حفظ کنید، و [دشمنان] با همین سرعتشان به (سراغ) شما آیند، پروردگارتان شما را با پنج هزار (نفر) از فرشتگان، نشانه‌گذار، مدد خواهد کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل سخن از امداد سه هزار فرشته بود و در این آیه سخن از پنج هزار فرشته است؛ چرا که تعداد دشمن در جنگ احد حدود پنج هزار نفر بود و نیازها و شرایط نظامی و روحی رزمندگان، کمک بیش‌تری را تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۴۸ می‌طلبید. سپاهیان ابوسفیان برای غارت مدینه از نیمه‌ی راه بازگشته بودند و این در حالی بود که سپاه اسلام شکست خورده و زخمی و خسته بودند و از این‌رو نیاز به تقویت روحی و رزمی داشتند. ۲. آیه‌ی فوق در مورد جنگ احد است، اما یاری مؤمنان و امدادهای غیبی یکی از سنت‌های پروردگار است که با تغییر زمان، مکان و افراد، عوض نمی‌شود. «۱» ۳. برخی از فرشتگان نشانه‌های ویژه‌ای دارند. فرشتگان امدادگر نیز از نیروهای ویژه و نشان‌دار بودند که با نمایش نشانه‌ها و نشانه‌گذاری، یعنی با تقویت روحی سپاه اسلام و نمایان کردن شوکت آنان دشمن را دچار دلهره و یأس و شکست می‌کردند. (م) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. براساس استقامت، پارسایی و نیاز مؤمنان، امدادهای غیبی افزایش می‌یابد. ۲. اگر امدادهای غیبی را می‌طلبید، صبر و تقوا پیشه سازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و ششم سوره‌ی آل‌عمران به تأثیرات روحی امدادهای غیبی و سرچشمه‌ی پیروزی‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۶. وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَی لَکُمْ وَ لِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُکُم بِهِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ و خدا آن (وعده امداد غیبی) را جز مژده‌ای برای شما و برای آرامش دل‌های شما بدان، قرار نداده است. و پیروزی جز از جانبِ خدای شکست‌ناپذیر فرزانه، نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شکست و پیروزی تنها به دست خداست و یاری فرشتگان برای بشارت و تقویت روحیه‌ی شماست تا بهتر دفاع کنید و در امتحان الهی پیروز تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۴۹ شوید. ۲. فرماندهان سپاه باید به نیازهای معنوی و روحی رزمندگان توجه کنند و به امدادهای غیبی مژده دهند و روح امید را در دل رزمندگان زنده نمایند تا به آمادگی دفاعی آنها لطمه وارد نشود. ۳. امکانات نظامی، علمی و روانی، همه مقدمات پیروزی‌اند و بدون رخصت الهی کاری از آنان ساخته نیست و پیروزی فقط از جانب خدا میسّر می‌شود؛ چون همه‌ی قدرت‌ها و علت‌ها منتهی به اوست. ۴. قدرت شکست‌ناپذیر الهی همراه با حکمت و فرزانگی اوست؛ پس ممکن است طبق حکمت و به دلایل خاصی رخصت دهد که مؤمنان در مرحله‌ای موقتاً شکست بخورند و در جای دیگر پیروز شوند، ولی پیروزی نهایی از آن مؤمنان است چون خدای شکست‌ناپذیر، یاری‌گر آنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به امکانات (نظامی و غیر آن) دل خوش ندارید که پیروزی (و شکست) شما به دست خداست. ۲. اگر پیروزی می‌خواهید، به خدا روی آورید که او قدرتمندی فرزانه است. ۳. امدادهای غیبی، موجب آرامش روانی و مژده به مؤمنان است. ۴. با یادآوری امدادهای غیبی، روحیه‌ی رزمندگان را تقویت کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و هفتم سوره‌ی آل‌عمران به سرانجام سپاه کفر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۷. لِیَقْطَعَ طَرَفاً مِّنَ الَّذِینَ کَفَرُواْ أَوْ یَکْبِتَهُمْ فَیَنقَلِبُواْ خَآئِبِینَ (این وعده) برای این است که ریشه کسانی را که

کفر ورزیدند قطع کند؛ یا آنها را با خواری بازگرداند؛ و ناامیدانه برگردند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۵۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان پس از جنگ احد تصمیم گرفتند به مدینه بازگردند و پیامبر صلی الله علیه و آله را بکشند و مدینه را خراب کنند، اما وقتی که از حرکت مجدد مسلمانان پس از شکست اولیه در جنگ احد آگاه شدند، ترسیدند و ذلیلانه از مقابل لشگر اسلام گریختند. «۱» و از کشتن پیامبر و نابود کردن مسلمانان و غارت مدینه ناامید شدند «۲» و این پس از شکست اولیه، یک پیروزی برای مسلمانان به شمار می‌آید. ۲. امدادهای غیبی الهی برای مؤمنان مجاهد تا ریشه کن شدن «۳» و یا ناامید و ذلیل شدن کافران ادامه می‌یابد؛ همان طور که مشرکان مکه از حرکت مجدّد به سوی مدینه ناامید شدند و باخواری بازگشتند. ۳. این آیه به فرماندهان سپاه اسلام آموزش می‌دهد که اهداف الهی جهاد مقدس را برای لشکریان روشن سازند تا با آگاهی و امید بیشتری به سوی میدان بشتابند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام دشمنان اسلام نابودی یا شکست ذلیلانه است. ۲. اهداف جهاد را برای سپاهیان بیان کنید (تا روحیه‌ی آنان تقویت شود). *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۵۱ قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و هشتم سوره‌ی آل‌عمران راه توبه و بازگشت را برای مشرکان می‌گشاید و می‌فرماید: ۱۲۸. لَیْسَ لَکَ مِنَ الأَمْرِ شَیْءٌ أَوْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ أَوْ یُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظٰلِمُونَ هیچ چیز از این کار [ها] با تو نیست (و اختیاری در این امور نداری). یا [خدا] توبه آنان را می‌پذیرد، یا عذابشان می‌کند؛ چرا که آنان ستمگرانند. شأن نزول: حکایت شده که در جنگ احد دندان و پیشانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شکست و ضربات سختی به مسلمانان وارد شد. در این هنگام پیامبر اکرم از آینده‌ی مشرکان نگران شد و پیش خود گفت: «چگونه چنین جمعیتی رستگار خواهند شد که با پیامبر خود این گونه رفتار می‌کنند، در حالی که وی آنها را به سوی خدا دعوت می‌کند!» «۱» آیه‌ی فوق فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله دل داری داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. افرادی که از توبه یا مجازات آنها سخن گفته شده است، یا کافرانی هستند که در این جنگ ضربه‌های سختی به مسلمانان وارد ساختند و دندان و پیشانی پیامبر صلی الله علیه و آله را شکستند؛ و یا مسلمانانی هستند که از میدان جنگ فرار کردند و پس از جنگ پشیمان شدند و از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای عفو کردند. البته احتمال اول با داستان نزول آیه سازگارتر است هر چند مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. ۲. خدا وسایل پیروزی و امدادهای غیبی را در اختیار مؤمنان قرار می‌دهد و یکی از چهار سرنوشت را برای کافران مقرر می‌سازد: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۵۲ الف) ریشه کن کردن آنها؛ ب) تحمیل ناامیدی ذلیلانه بر آنها؛ ج) قبولی توبه‌ی آنها (در صورت بازگشت و شایستگی آنها)؛ د) مجازات آنان به خاطر ستم‌هایی که کردند. «۱» ۳. یکی از الطاف الهی آن است که برای کسانی که اشتباه کرده‌اند و حتی برای دشمنان اسلام که صدمه‌های بزرگی به مسلمانان زده‌اند راه توبه را بازگذاشته است و این کمال لطف پروردگار نسبت به بندگان خویش است. مشو نومید از ظلمی که کردی که دریای کرم توبه‌پذیر است ۴. اگر خدا کسی را ببخشد به خاطر لطف اوست اما اگر کسی را عذاب کند به خاطر ستمکاری خود اوست. آری، کسانی که راه کفر و شرک را در پیش گیرند به خود و جامعه ستم کرده‌اند چون سرمایه‌های وجودی خود را نابود و زمینه‌ی انحراف دیگران را نیز فراهم کرده‌اند و از این رو سزاوار مجازات شده‌اند. ۵. یکی از نشانه‌های صداقت پیامبر صلی الله علیه و آله و امانت داری ایشان در نقل آیات الهی آن است که آیاتی را که از او سلب مسئولیت می‌کند، با کمال صداقت و شهامت برای مردم باز می‌خواند، از جمله همین آیه که می‌فرماید: «تو کاره‌ای نیستی ومسئولیتی در قبال آنها نداری». ۶. آیه‌ی فوق با مؤثّر بودن شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و دعای ایشان و یا عفو او منافاتی ندارد. مقصود از جمله‌ی «هیچ گونه اختیاری نداری» آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ کاری را مستقلًا نمی‌تواند انجام دهد، ولی به فرمان خدا و با اذن و اجازه‌ی او می‌تواند «۲» ببخشد یا شفاعت نماید. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۵۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی در قلمرو کار خویش مسئول‌اند، نه بیش‌تر از آن. ۲. در خارج از حوزه‌ی مسئولیت خویش دخالت نکنید. ۳. اگر می‌خواهید از عذاب الهی نجات یابید ستم نکنید. ۴. خدا (آن قدر مهربان است که) راه توبه و بازگشت را برای مخالفان اسلام نیز گشوده است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و نهم سوره‌ی آل‌عمران به

حکومت و آزادی اراده و لطف الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۹. وَ لِلَّهِ مَا فِی السَّموتِ وَ مَا فِی الأَرْضِ یَغْفِرُ لِمَن یَشَآءُ وَ یُعَذِّبُ مَن یَشَآءُ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط از آنِ خداست. هر کس را (شایسته بداند و) بخواهد، می‌آمرزد و هر کس را (مستحق بداند و) بخواهد، عذاب می‌کند؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رحمت خدا حکمت او را از بین نمی‌برد؛ زیرا هم چون حسّ ترحّم ما از احساسات سرچشمه نمی‌گیرد همیشه آمیخته با حکمت است؛ و حکمت ایجاب می‌کند که گناهکاران (جز در موارد خاصی) مجازات شوند؛ «۱» از این رو خداوند بر اساس حکمت خود و شایستگی افراد، برخی از گناهکاران را می‌بخشد و برخی را مجازات می‌کند. ۲. افراد مشمول لطف و یا خشم خدا مشخص نشده‌اند، تا دچار غرور و یا ناامیدی نشوند. و در میان ترس و امید (خوف و رجا) باشند. «۲» این خود یک تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۵۴ روش تربیتی است. ۳. بخشش و عذاب خدا به اراده‌ی الهی بستگی دارد، اما این اراده زمینه‌هایی دارد؛ یعنی انسان در خود یا جامعه زمینه هایی را به وجود می‌آورد و مستحق عذاب یا رحمت خدا می‌گردد و بخشش و مجازات الهی براساس استحقاق افراد و حکمت است نه بی‌حساب و دل خواه. ۴. فرمان روایی آسمان‌ها و زمین به دست خداست، پس او می‌تواند هرگونه که بخواهد حکم کند و هیچ چیز مانع اراده‌ی او نیست؛ و البته او آمرزشگر و مهرورز است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اراده‌ی الهی کاملًا آزاد و بانفوذ است و هیچ چیز مانع آن نیست. ۲. بخشش ومجازات شما به دست خداست (پس به‌درگاه غیر او نروید). ۳. حکومت و قدرت و اراده‌ی الهی با لطف و بخشش همراه است. *** قرآن کریم در آیات صد و سی‌ام و صد و سی و یکم سوره‌ی آل عمران به ممنوعیت رباخواری و پیامدهای آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۰ و ۱۳۱. یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لَا تَأْکُلُواْ الرِّبَواْ أَضْعفاً مُّضعَفَةً وَ اتَّقُواْ اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ* وَ اتَّقُواْ النَّارَ الَّتِی أُعِدَّتْ لَلْکفِرِینَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا (و سود) را چندین برابر مَخورید. و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، باشد که شما رستگار شوید.* و [خودتان را] از آتشی که برای کافران آماده شده، حفظ کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات فوق و هشت آیه‌ی بعد در میان آیات مربوط به جنگ احد قرار تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۵۵ گرفته‌اند؛ چرا که از طرفی قرآن کتاب هدایت و راه‌نمایی و تربیت انسان به سوی کمال مطلق است؛ از این رو در آن، مطالب متنوع مربوط به جنگ، مسائل اقتصادی، اخلاقی و داستان وجود دارد و این لازمه‌ی تربیت عمومی است؛ پس قرآن یک کتاب معمولی یا تخصصی در یک علم خاص نیست که دارای فصول منظم باشد. و از طرف دیگر، قرآن تدریجاً و طی ۲۳ سال، بر اساس نیازهای زمانی و مکانی و ضرورت‌ها و وقایعی، برای راه‌نمایی مردم بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. البته بین مطالب آیات قبل و این آیه ارتباطی وجود دارد؛ چرا که شرک و جنگ با اسلام از انحرافات اجتماعی به شمار می‌آید، همان طور که رباخواری یک انحراف اجتماعی و اقتصادی، و نوعی جنگ با خداست. «۱» ۲. در زمان جاهلیت مرسوم بود که بدهکار چناچه قادر به پرداخت بدهی خود نبود از طلبکار تقاضا می‌کرد که مجموع سود و اصل بدهی را به شکل سرمایه‌ی جدیدی با او محاسبه کند و سود آن را (دوباره) بگیرد. «۲» ربا خواران در عصر ما نیز گاهی چنین روش ظالمانه‌ای دارند، اما قرآن کریم در آیه‌ی فوق این شیوه را مردود اعلام می‌کند. البته ممکن است مقصود سودهای کلان باشد، که رباخواری در نهایت منتهی به این سودهای چند برابر و کلان می‌شود؛ از این رو قرآن با اصل رباخواری به مبارزه برخاست. ۳. روش قرآن کریم در برخورد با انحرافات ریشه‌دار اجتماعی این است که با زمینه سازی تدریجی افکار عمومی را با مفاسد آن گناه آشنا می‌سازد و در نهایت قانون قطعی را صریحاً اعلام می‌کند. با رباخواری نیز طی چند مرحله برخورد شد: در مرحله‌ی اول در آیه‌ی ۳۹ سوره‌ی روم به یک پند اخلاقی در مورد ربا قناعت می‌شود و می‌فرماید تنها از دیدگاه افراد (کوته بین) است که ثروت رباخواران از راه سود گرفتن افزایش می‌یابد، اما در پیشگاه خدا چیزی بر آنها تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۵۶ افزوده نمی‌شود. در مرحله‌ی دوم در آیه‌ی ۱۶۱ سوره‌ی نساء، ضمن انتقاد از عادات غلط یهودیان، به عادت زشت رباخواری آنها اشاره شده است. در مرحله‌ی سوم در آیه‌ی مورد بحث (آیه‌ی ۱۳۰ سوره‌ی آل عمران) ممنوعیت رباخواری صریحاً ذکر شده اما تنها به یک نوع شدید ربا اشاره شده است. در مرحله‌ی چهارم در

آیات ۲۷۵- ۲۷۹ سوره‌ی بقره رباخواری نوعی جنگ با خدا معرفی شده و با آن به شدت برخورد شده. ۴. تقوا اقسامی دارد: الف) در مورد انجام گناهان؛ ب) در مورد ترک واجبات؛ ج) نسبت به مسائل اخلاقی؛ د) نسبت به مسائل اقتصادی. که در آیه‌ی فوق قسم اخیر تقوا و پارسایی گوشزد شده است. آری، اهمیت تقوای اقتصادی کم‌تر از اقسام دیگر تقوا نیست. ۵. رباخواران نه در دنیا رستگار و پیروز می‌شوند و نه در آخرت. رباخواری در دنیا سبب تشدید اختلافات طبقاتی و فشار بر محرومان و انفجار جامعه می‌گردد و در بسیاری از موارد رباخواران در شعله‌های خشم مردم گرفتار می‌شوند و در قیامت نیز مجازات می‌شوند؛ زیرا افرادی بی‌تقوا هستند که به جنگ با خدا رفته و ستمگرانه حقوق مردم را پایمال کرده‌اند. ۶. از تعبیر «کافران» در آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که رباخواری با روح ایمان سازگار نیست و آتشی که در انتظار کافران است، دامن گیر رباخواران خواهد شد. آری، مسلمانان گناهکار به همان مقدار که شباهت و هماهنگی با تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۵۷ کافران دارند، سهمی از آن آتش خواهند داشت. «۱» ۷. دوزخ هم اکنون نیز موجود است، در مورد محل آن دو دیدگاه در بین مفسران قرآن وجود دارد: الف) آتش جهنم در باطن و درون این جهان است، به طوری که اولیای الهی آن را درک می‌کنند. ب) آتش جهنم محیط بر این عالم است؛ همان طور که عالم مستقل جنین، درون جهان فعلی واقع شده است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رباخواری موجب محرومیت از سعادت و گرفتاری در آتش می‌شود. ۲. تقوای اقتصادی داشته باشید. ۳. اگر رستگاری و نجات از آتش را می‌طلبید باتقوا باشید. ۴. سرنوشت رباخواران و کافران همگون است و هر دو گرفتار یک نوع آتش می‌شوند. ۵. رباخواری با ایمان و رستگاری منافات دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و دوم سوره‌ی آل‌عمران به رابطه‌ی رحمت و اطاعت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۲. وَ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ و خدا و فرستاده [اش] را اطاعت کنید، باشد که شما (مشمول) رحمت شوید. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۵۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اطاعت از دستورات رسول خدا صلی الله علیه و آله، چه در زمینه‌ی عبادات و چه مسائل حکومتی و سیاسی، هم‌چون اطاعت از فرمان خدا، واجب است. ۲. اطاعت از قوانین الهی رحمت‌آفرین است؛ زیرا زمینه‌ی سعادت فرد و جامعه را فراهم می‌سازد و آنها را از آلودگی و انحراف نجات می‌بخشد و مشمول لطف الهی می‌کند. ۳. روش تربیتی قرآن آن است که از طرفی به مردم هشدار می‌دهد و از کیفر خدا می‌ترساند و از طرف دیگر، آنان را تشویق می‌کند و به رحمت و پاداش الهی مژده می‌دهد. در این آیه نیز از همین شیوه استفاده شده است. این شیوه‌ی تربیتی از مؤثرترین روش‌ها در سوق دادن افراد به کمالات و دور کردن آنها از رذایل و کارهای ناپسند است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرمان رهبر الهی هم‌چون فرمان خداست. ۲. اطاعت از خدا و رهبر الهی رحمت‌ساز است. ۳. با پیروی از قوانین الهی، زمینه‌ی نزول رحمت الهی را برای خود و جامعه فراهم سازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و سوم سوره‌ی آل‌عمران همگان را به مسابقه‌ای با جایزه‌ی بزرگ فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۱۳۳. وَ سَارِعُواْ إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّموتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ و بر همدیگر پیشی گیرید، به سوی آمرزشی از پروردگارتان؛ و بهشتی که پهنه آن (به اندازه) آسمان‌ها و زمین است؛ که برای پارسایان (خود نگهدار) آماده شده است؛ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۵۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سرعت گرفتن در کارهای بد و مشکوک- که خوبی و بدی آن مشخص نیست- نکوهیده است و از این رو گفته شده: «عجله از شیطان است.» «۱» اما سرعت گرفتن و حتی مسابقه و سبقت در کارهای نیک، ستودنی است.» ۲. قرآن در این آیه به این نکته‌ی روان شناختی اشاره کرده است که اگر انسان در هنگام کار، تنها باشد، معمولًا به صورت عادی آن را انجام می‌دهد، ولی اگر چند نفر باشند و کار جنبه‌ی مسابقه به خود بگیرد، با تمام انرژی و با سرعت کار را انجام می‌دهند، به ویژه هنگامی که جایزه‌ای ارزشمند نیز تعیین شده باشد. ۳. هدف مسابقه، در درجه‌ی اول بخشش الهی است؛ زیرا رسیدن به هر مقام معنوی بدون آمرزش و شست و شوی از گناه ممکن نیست. ۴. واژه‌ی «عرض» در این آیه، در مقابل طول نیست تا یک اصطلاح هندسی باشد، بلکه به معنای لغوی آن، یعنی «وسعت» است؛ بدین معنا که وسعت بهشت همانند وسعت آسمان‌ها و زمین است. «۳» انسان چیزی وسیع‌تر از آسمان و زمین نمی‌شناسد، تا مقیاس سنجش قرار داده شود؛ از این رو

قرآن برای نشان دادن وسعت و عظمت بهشت، آن را تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۶۰ به پهنای آسمان و زمین تشبیه کرده است. «۱» آری، بهشت وسعتی بی‌نهایت دارد، همان طور که آسمان‌ها و زمین در نظر انسان بی‌نهایت اند. ۵. از آیه‌ی فوق و ظاهر برخی تعبیرات دیگر قرآن «۲» استفاده می‌شود که بهشت هم اکنون آماده است، اگر چه بر اثر اعمال نیک انسان توسعه می‌یابد. اما در مورد محل فعلی بهشت مفسران قرآن دو احتمال داده‌اند: نخست آن‌که، بهشت و دوزخ در باطن و درون همین جهان است. همان طور که در این جهان موجودات بسیاری هستند که امواج آنها با چشم ما درک نمی‌شوند. قرآن در سوره‌ی تکاثر می‌فرماید: «اگر علم الیقین داشتید دوزخ را مشاهده می‌کردید، سپس به عین الیقین آن را می‌دیدید.» «۳» از پاره‌ای احادیث نیز استفاده می‌شود که برخی از مردان خدا، با چشمان حقیقت بین خود، در این جهان بهشت و دوزخ را می‌دیدند. «۴» دوم این که، جهان آخرت و بهشت و دوزخ، محیط بر این جهان است، همانند عالم جنین که در درون عالم دنیا جای دارد. «۵» آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۶۱ ۱. مسابقه در امور معنوی نیکوست. ۲. در انجام کارهای نیک بشتابید و بر هم‌دیگر پیشی گیرید. ۳. فرجام پارسایان، بهشت پهناور است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و چهارم سوره‌ی آل عمران صفات پارسایان را بر می‌شمارد و می‌فرماید: ۱۳۴. الَّذِینَ یُنفِقُونَ فِی السَّرَّآءِ وَ الضَّرَّآءِ وَ الْکظِمِینَ الْغَیْظَ وَ الْعَافِینَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ (همان) کسانی که در راحتی و سختی (و خوشحالی و ناراحتی اموال خود را در راه خدا) مصرف می‌کنند، و خشم شدید (خود) را فرو می‌برند؛ و از مردم در می‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انفاق و بخشش در حال وسعت، نمی‌تواند نشانه‌ی نفوذ کامل سخاوت در اعماق روح انسان باشد. اما بخشش در حال محرومیت و تنگ دستی نشانه‌ی ریشه دار بودن سخاوت در روح انسان است. ۲. مقصود از انفاق و بخشش در تنگ دستی چیست و چگونه انجام می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش توجه به دو نکته لازم است: نخست آن‌که، افراد تنگ دست نیز می‌توانند به مقدار توانایی خود به دیگران انفاق کنند. و دوم آن‌که، انفاق و بخشش منحصر به ثروت و پول نیست، بلکه شامل همه‌ی مواهب الهی مثل علم، کمک بدنی و فکری می‌شود. پس افراد محروم و تنگ‌دست نیز می‌توانند از راه‌های گوناگون به دیگران انفاق کنند. ۳. نخستین صفت افراد با تقوا انفاق است. این درست نقطه‌ی مقابل صفات رباخواران استثمارگر است که در آیات قبل ذکر شد. ۴. پارسایان خشم خود را کنترل می‌کنند «۱» و در عصبانیت کاری تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۶۲ نمی‌کنند. «۱» آری، حالت خشم شدید از حالات خطرناک انسان است که اگر مهار نشود ممکن است کنترل اعصاب از دست برود و به جنون و دیوانگی منتهی شود و باعث انجام جنایات و تصمیمات خطرناک شود که یک عمر پشیمانی به دنبال دارد. ۵. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده که آن کس که خشم خود را فرو ببرد، با این که قدرت بر اقدام دارد، خدا دل او را از آرامش و ایمان پر می‌کند. «۲» ۶. نکته‌ی جالب این است که در این آیه بخشودن همه‌ی مردم مطرح است نه فقط مؤمنان؛ البته مقصود بخشایش کسانی است که شایسته‌ی آن‌اند، نه دشمنان خون‌آشامی که عفو آنها باعث جرأت و جسارت بیشترشان می‌گردد. ۷. در آیه‌ی فوق به صفت عالی احسان و نیکوکاری اشاره شده است؛ یعنی انسان نه تنها باید خشم خود را فرو برد و با عفو و گذشت، کینه را از دل خود بشوید، بلکه با نیکی کردن در برابر بدی (در آن جا که شایسته است) ریشه‌ی دشمنی را از دل طرف مقابل برکند و قلب او را نسبت به خویش مهربان گرداند. ۸. هر کس می‌خواهد محبوب خدا شود، باید احسان کند؛ یعنی از مال خود به دیگران ببخشد و خشم خود را فرو برد و از خطای دیگران در گذرد. ۹. مفسران شیعه و اهل سنت در حدیثی حکایت کرده‌اند که یکی از کنیزان امام سجاد علیه السلام به هنگام شست و شوی سر و صورت آن حضرت، ظرف آب از دستش رها شد و امام را مجروح ساخت. امام به او نگاهی کرد و او دریافت که امام ناراحت شده است؛ بلا فاصله گفت: «و الکاظمین الغَیظ»، امام تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۶۳ فرمود: من خشم خود را فرو بردم. او دو باره گفت: «والعافینَ عَنِ الناس»، امام فرمود: تو را عفو کردم، خدا تو را عفو نماید. او گفت: «و اللّه یُحِبُّ المُحسنین»، امام فرمود: تو را در راه خدا آزاد کردم. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بخشش مالی، عفو و جلوگیری از خشم، از صفات پارسایان است. ۲. نیکوکار

شوید تا محبوب حق گردید. ۳. اگر می‌خواهید محبوب خدا شوید بر خشم و بخل خود مسلط شوید و با گذشت و بخشش با مردم برخورد کنید. ۴. در هر حال (از اموال، علم و قدرت خود) به دیگران ببخشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و پنجم سوره‌ی آل‌عمران دو صفت دیگر پارسایان را برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۱۳۵. وَ الَّذِینَ إِذَا فَعَلُواْ فحِشَةً أَوْ ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ ذَکَرُواْ اللَّهَ فاسْتَغْفَرُواْ لِذُنُوبِهِمْ وَ مَن یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ یُصِرُّواْ عَلَی مَا فَعَلُواْ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ و کسانی که چون [کار] زشتی کنند، یا بر خودشان ستم روا دارند، خدا را یاد کنند؛ پس برای [پیامد] گناهانشان، آمرزش می‌طلبند- و چه کسی جز خداست که [پیامد] گناهان را می‌آمرزد؟- و بر آنچه انجام داده‌اند، در حالی که آنان می‌دانند (که گناه است)، پافشاری نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «فاحِشه» در لغت به معنای تجاوز از حد و در اصطلاح به معنای تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۶۴ هر عمل بسیار زشت است؛ پس هر گناه زشتی را شامل می‌شود و منحصر به اعمال منافی عفت نیست. «۱» ۲. انسان تا هنگامی که به یاد خداست، مرتکب گناه نمی‌شود، و غفلت و فراموشی خدا، زمینه ساز ارتکاب گناهان است. اما این غفلت در افراد پارسا و تقوا پیشه دیری نمی‌پاید، و به زودی به یاد خدا می‌افتند و توبه می‌کنند و گذشته را جبران می‌نمایند. آری تقوا همچون دستگاه دزدگیر است که در هنگام گناه آژیر می‌کشد و اعلام خطر می‌کند و انسان را به یاد خدا می‌اندازد. ۳. در روایتی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که اصرار بر گناه آن است که انسان، گناهی انجام دهد و به دنبال آن استغفار ننماید و در فکر توبه نباشد. «۲» ۴. اصرار بر گناه خود یکی از گناهان کبیره است. «۳» آری، اصرار بر گناه نشانه‌ی سبک شمردن آن و غفلت از یاد خداست؛ البته اصرار بر گناه اگر آگاهانه باشد خطرناک است و با مقام پارسایان سازگار نیست. ۵. اصرار بر گناه، آن را ریشه‌دار می‌کند. امام عارفان در این مورد می‌فرماید: انسان هر عملی بکند یک ریشه‌ای در نفس پیدا می‌شود. اولش آسان است. یک معصیتی، می‌تواند زودی برگردد. یک قدری که اضافه شد مشکل‌تر می‌شود. هر چه برود طرف پیری، این قوی‌تر می‌شود و انسان ضعیف‌تر می‌شود، اراده‌ی انسان ضعیف‌تر تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۶۵ می‌شود ... نگذارید برای پیری توبه را نگویید که ما وقتی که حالا رسیدیم به بالاتر، آن وقت؛ آن وقت دیگر نمی‌شود. همین طور وسوسه می‌کند شیطان تا آخر که نگذارد ما با ایمان وارد بشویم به آن عالم ... «۱» ۶. تنها خداست که گناهان را می‌بخشد؛ «۲» آری، کیفر گناهکاران و بخشودن آنها تنها به دست خداست و اگر کسی نیز در این بین شفاعت کند، حتماً با رخصت خداست. ۷. به گناهان ذنوب گفته می‌شود چون آثاری را به دنبال دارند. «۳» در استغفار، از خدا می‌خواهیم که آثار و عواقب گناهان را بردارد. البته گاهی آثار و عواقب گناه وضعی است که در دنیا ظاهر می‌شود، مثل کسی که در خوردن اسراف می‌کند و بیمار می‌شود؛ و گاهی آثار گناه، عذاب و کیفر الهی است که در آخرت ظاهر می‌شود. گناه، ظلم به خویش است؛ چون گناهکار استعدادهای خود را هدر می‌دهد و خود را از کمالات دور می‌کند و به عذاب خدا گرفتار می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یاد خدا زمینه‌ساز استغفار و ترک گناه است. ۲. گناهکاران فقط به آمرزش الهی امیدوار باشند. ۳. توجه به خداوند و توبه‌ی فوری در هنگام گناه، از نشانه‌های افراد با تقواست. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۶۶ ۴. پس از گناه باز هم به یاد خدا باشید و برگردید (که راه توبه باز است). ۵. آگاهانه اصرار بر گناه نکنید (که خطرناک است). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و ششم سوره‌ی آل‌عمران به پاداش پارسایان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۶. أُوْلَئِکَ جَزَآؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ جَنتٌ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الأَنْهرُ خلِدِینَ فِیهَا وَ نِعْمَ أَجْرُ الْعمِلِینَ آنان، پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان، و بوستان‌هایی است که از زیر [درختان] ش، نهرها روان است؛ که در آن‌جا ماندگارند؛ و پاداشِ اهلِ عمل، نیکوست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق نخست به مواهب معنوی، هم چون آمرزش، که دل و جان را شست و شو می‌دهد، سپس به مواهب دیگر بهشت، هم چون باغ‌های بهشتی، اشاره شده است. ۲. پاداش‌های الهی برای پارسایان است که اهل عمل‌اند نه اهل حرف که همیشه از تعهدات و مسئولیت‌های خویش گریزان‌اند. آری، تنها با آرزو نمی‌توان به الطاف خدا رسید بلکه کار و عمل لازم است. «۱» خوشا حال آنان که زحمت کشند که زحمت‌کشان طعم راحت چشند آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پارسایان فرجامی نیکو دارند و آمرزیده و وارد بهشت

می‌شوند. ۲. در صحنه‌ی عمل پارسا باشید تا مشمول پاداش‌های الهی گردید. ۳. آمرزش و بهشت الهی مشروط به تقوا و عمل است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۶۷ قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و هفتم سوره‌ی آل عمران همگان را به جهان گردی فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۱۳۷. قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِکُمْ سُنَنٌ فَسِیرُواْ فِی الأَرْضِ فَانظُرُواْ کَیْفَ کَانَ عَقِبَةُ الْمُکَذِّبِینَ بیقین، پیش از شما، سنّت‌ها [و روش‌هایی وجود داشته که] سپری شده است. پس در زمین گردش کنید و بنگرید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سنت‌ها و قوانین الهی در گذشته اجرا شده و در آینده نیز تکرار خواهند شد. در این سنت‌ها، پیشرفت افراد با ایمان، مجاهد، متحد و بیدار، و شکست و نابودی ملت‌های پراکنده، بی‌ایمان و آلوده به گناه پیش بینی گردیده است. «۱» این امور بارها در تاریخ بشر اتفاق افتاده و به عنوان قوانین اجتماعی و تاریخی ثبت شده است. ۲. نمونه‌هایی از سنت‌های الهی که در ملت‌های پیشین وجود داشته است عبارت‌اند از: الف) آزمایش‌های الهی ملت‌ها؛ ب) امدادهای غیبی برای مؤمنان مجاهد؛ ج) مهلت دادن به ستمگران؛ د) نجات ملت‌های حق‌پذیر؛ ه) هلاکت و نابودی ملت‌های تکذیب کننده‌ی حق؛ و) رسیدن مردان خدا به اهداف خویش در اثر مقاومت؛ ز) خنثی سازی توطئه‌های کافران از جانب خدا. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۶۸ ۳. جهان‌گردی و گردش‌گری مورد تأیید اسلام است. و به آن اهمیت زیادی داده شده است؛ اما جهان گردی هدف‌دار و توأم با اندیشه، برای مشاهده‌ی آثار عظمت خدا در نقاط مختلف جهان و بازدید از آثار ستمگران، که می‌توانند بهترین کلاس درس برای انسان‌های متفکر باشد. ۴. قرآن کریم اهداف گردش‌گری را تفکر در پیدایش خلق «۱» و مشاهده‌ی عاقبت تکذیب کنندگان پیامبران و «۲» سرانجام مجرمان گناهکار «۳» معرفی می‌کند. ۵. تاریخ گذشتگان چراغ راه آیندگان است؛ زیرا: - آثار باقی مانده از گذشتگان، صورت‌ها و نقش‌های روح و دل و تفکرات و قدرت و عظمت و یا حقارت ملت‌های گذشته را به ما نشان می‌دهد. - آثار تاریخی اسناد زنده و گویای تاریخ بشراند. - ویرانه‌های شگفت‌انگیز اهرام مصر، برج بابل و کاخ‌های کسری، هر یک، در عین خاموشی هزار زبان دارند. - مشاهده‌ی این آثار و مقایسه‌ی حالات قبلی و فعلی آنان نشان می‌دهد که خودکامگان کوته‌فکر، برای رسیدن به هوس‌های زودگذر خویش، دست به چه جنایت‌هایی آلودند. آری سیر و سیاحت و مشاهده‌ی آثار گذشتگان در روی زمین و یا در دل خاک، یک دستور قرآنی است که عبرت‌آموز همه‌ی نسل‌های بشر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۶۹ ۱. با اهداف عالی، جهان‌گردی کنید. ۲. از منظر قرآن، تاریخ و اجتماع بشری قانونمند است. ۳. با مشاهده‌ی سرنوشت گذشتگان و تفکر در آن، قوانین تاریخی و اجتماعی را کشف کنید. ۴. از سرنوشت خلافکاران پیشین درس (عبرت) بیاموزید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و هشتم سوره‌ی آل‌عمران سه ویژگی قرآن را برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۱۳۸. هذَا بَیَانٌ لِّلنَّاسِ وَ هُدیً وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِینَ این [قرآن]، بیانی برای مردم است، و راهنمایی و پندی برای پارسایان (خود نگهدار) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «ناس» در مورد تمام مردم، اعم از مؤمن و کافر و مشرک و منافق به کار می‌رود، اما «مُتقین» به معنای انسان‌های مؤمن پارسا و خود نگه‌دار است. شاید این آیه با این تعبیرات اشاره به مراحل هدایت قرآن داشته باشد. یک مرحله از راه‌نمایی قرآن، برای عموم مردم است «۱» و همه می‌توانند از آن استفاده کنند و مرحله‌ی دیگر آن، که عالی‌تر است، شامل افرادی می‌شود که زمینه‌ها و شرایطی روحی، مثل تقوا و احسان را در خود به وجود آورده‌اند. «۲» ۲. از طرفی آیات قرآن، جنبه‌ی همگانی و مردمی دارند، و از طرف دیگر، پارسایان و تقواپیشه‌گان، یعنی افراد هدفدار، از آنها الهام می‌گیرند و هدایت می‌شوند. پس روحیه‌ی افراد در استفاده از آیات الهی مؤثر است؛ «۳» یعنی تا کسی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۷۰ خود نگه‌دار نباشد و به مرحله‌ای از تقوا نرسیده باشد، اندرزهای قرآنی در او اثر نمی‌کند و به طور کامل هدایت نمی‌شود. عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا (سنائی) ۳. قرآن «بیان» است، چون مطالب را می‌شکافد و روشن و واضح می‌سازد. قرآن «هدایت» است، چون مردم را به سوی مقصد راه‌نمایی می‌کند. قرآن «موعظه» است، چون به افراد اندرز و پند می‌دهد و آنها را به کارهای نیکو سفارش می‌کند و از کارهای زشت بازمی‌دارد. ۴. قرآن سفره‌ی الهی است. امام عارفان در مورد

قرآن می‌گوید: قرآن یک سفره‌ای است که خدا پهن کرده برای همه‌ی بشر؛ یک سفره‌ی پهنی است، هر کس به اندازه‌ی اشتهایش از آن می‌تواند استفاده کند؛ اگر مریض نباشد که بی‌اشتها بشود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی مردم می‌توانند از بیانات روشن قرآن استفاده کنند. ۲. پارسایی زمینه‌ساز بهره‌وری بهتر از قرآن است. ۳. اگر می‌خواهید از هدایت‌های عالی و اندرزهای قرآنی بهره‌ی کامل ببرید، پارسا شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۷۱ قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و نهم سوره‌ی آل‌عمران قانون کلّی عزّت مسلمانان را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۹. وَ لَا تَهِنُواْ وَ لَا تَحْزَنُواْ وَ أَنتُمُ الأَعْلَوْنَ إِن کُنتُم مُّؤْمِنِینَ و اگر شما مؤمنید، سستی مکنید؛ و غمگین مشوید، در حالی که شما برترید. شأن نزول: از مجموع روایاتی که درباره‌ی شأن نزول آیه‌ی فوق و چهار آیه‌ی بعدی حکایت شده، به دست می‌آید که این آیات درباره‌ی جنگ احد فرو فرستاده شده است. در جنگ احد بر اثر نافرمانی و بی‌انضباطی نظامیِ گروهی از سربازان اسلام، مسلمانان شکست خوردند و برخی از شخصیت‌های برجسته‌ی اسلام، هم چون «حمزه»، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله شهید شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همان شب با یاران خود به میان کشتگان رفتند و بر سر جنازه‌ی آنان اشک ریختند و طلب آمرزش نمودند؛ سپس اجساد شهدا را در دامنه‌ی کوه احد و در میان اندوه فراوان به خاک سپردند. در این لحظات حسّاس که مسلمانان نیاز به تقویت روحی و استفاده‌ی معنوی از نتایج جنگ داشتند، آیات فوق نازل شد و قانون برتری مسلمانان را بیان کرد و به آنان دل داری داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق (با توجه به شأن نزول) به این نکته‌ی روان شناختی اشاره می‌کند که شکست مسلمانان در جنگ احد در حقیقت برای از دست دادن روح ایمان و آثار آن بوده است؛ یعنی اگر آنان به خدا و پیامبر کاملًا ایمان و باور داشتند و از دستور آنان سرپیچی نمی‌کردند، در این جنگ شکست نمی‌خوردند؛ آری، شکست ظاهری و بیرونی مسلمانان از تزلزل ایمانی و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۷۲ شکست درونی آنها سرچشمه می‌گیرد. ۲. آیه‌ی فوق این قانون و قاعده‌ی کلی را در باره‌ی پیروزی و عزّت و سربلندی مسلمانان بیان می‌کند که شما مؤمنان از دیگران والاترید، پس چنانچه بر مسیر ایمان ثابت‌قدم بمانید، سست «۱» و غمگین نمی‌شوید. ۳. آیه‌ی فوق (با توجه به شأن نزول آن) اشاره می‌کند که شکست در یک میدان خاص به معنای شکست نهایی در جنگ نیست؛ پس ناراحت نباشید و از شکست‌ها درس بگیرید و در پرتو آن نقاط ضعف خود را برطرف کنید و برای پیروزی نهایی آماده شوید. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بی‌ایمانی یکی از عوامل سستی و ناراحتی است. ۲. ایمان شرط عزّت مسلمانان است. ۳. مؤمنان با نشاط و پرتحرّک باشند (و در راه خدا اندوه و سستی را کنار بگذارند). ۴. مؤمنان به اسلام از همه‌ی ملت‌ها برترند (هر چند مشکلاتی داشته باشند). *** خدای متعال در آیه‌ی صد و چهلم سوره‌ی آل‌عمران به تجزیه و تحلیل نتایج و اهداف جنگ احد می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۴۰. إِن یَمْسَسْکُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَ تِلْکَ الأَیَّامُ نُدَاوِلُهَا بَیْنَ النَّاسِ وَ لِیَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِینَ ءَامَنُواْ وَ یَتَّخِذَ مِنکُمْ شُهَدَآءَ وَ اللَّهُ لَا یُحِبُّ الظَّلِمِینَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۷۳ اگر (درجنگ احُد) به‌شما آسیبی رسید، پس بیقین، به‌آن گروه (نیز در جنگ‌بدر)، آسیبی مثل آن رسید؛ و [ما] این روزها (یِ شکست و پیروزی) را در میان مردم [دست به دست] می‌گردانیم؛ و (این) بخاطر آن است که، خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، معلوم بدارد (و شناخته شوند)؛ و از میان شما، گواهانی برگیرد. و خدا ستمکاران را دوست نمی‌دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در جنگ بدر و احد، ضرباتی به طرفین نبرد وارد شد و تعدادی از طرفین کشته و زخمی شدند «۱» و تقریباً تعداد کشتگان و مجروحان مثل هم بود؛ «۲» از این رو این آیه به مسلمانان دل‌داری می‌دهد که از شکست جنگ احد ناراحت نباشند، که این ضربات طرفینی است. ۲. مفسران در مورد واژه‌ی «شهداء» در آیه‌ی فوق، دو احتمال داده‌اند: الف) مقصود شهیدان راه اسلام است؛ یعنی یکی از نتایج جنگ‌ها شهدایی هستند که هر ملت در راه اهداف مقدس خویش می‌دهد و موجب می‌شود که نسل‌های بعد، با دیده‌ی عظمت به اسلام بنگرند و بدانند که این مکتب ارزان به دست نیامده است تا آن را ارزان از دست بدهند. ب) مقصود از شهدا همان گواهان حادثه‌اند که در آینده و در حوادث مشابه، معلمان جامعه خواهند بود، تا مردم بدانند که چگونه نافرمانی از رهبری سبب شکست می‌شود. «۳» البته جمع هر دو معنا در آیه‌ی فوق ممکن است. تفسیر قرآن

مهر جلد سوم، ص: ۲۷۴ ۳. دوران‌ها درگذرند» و حوادث تلخ و شیرین پایدار نیست؛ پس نه به پیروزی‌ها دل ببندید و نه از شکست‌ها ناامید شوید. دوران بقا چو باد صحرا بگذشت تلخی و خوشی و زشت و زیبا بگذشت دریاب کنون که نعمتت هست به دست کاین دولت و ملك می‌رود دست به دست (سعدی) ۴. حوادث ناگوار و جنگ‌ها، امتحانی الهی برای شناخت مؤمنان واقعی است، اعتقاد به این دیدگاه باعث می‌شود که واکنش‌های انسان در برابر حوادث تلخ تغییر کند و به جای اظهار ناراحتی و جزع، به صبر و استقامت و یاد خدا روی آورد. مکن ز غصه شکایت که در طریق طلب به راحتی نرسید آن‌که زحمتی نکشید (حافظ) ۵. علم خدا به حوادث و افراد، عین وجود آنها و به صورت علم حضوری است؛ پس وجود هر چیز نزد خدا حاضر است برخلاف علم ما که حصولی است؛ صورت‌های چیزها در ذهن ما جای می‌گیرد. پس مقصود از تعبیر «تا این‌که خدا بداند کسانی را که ایمان آورده‌اند» در آیه‌ی فوق، آن است که خدا می‌خواهد این امر تحقّق یابد و ایمان آنها ظاهر شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۷۵ پس آیه‌ی فوق نمی‌فرماید که خدا ایمان افراد را نمی‌دانست و بعد از امتحان آنان بدان پی برد تا لازمه‌اش جهل خدای متعال باشد؛ چون علم خدا ازلی و همیشگی است و چیزی بر او مخفی نیست. مقصود آن است که ایمان افراد مخفی بود، پس تحقق یافت و بر همگان آشکار شد، تا خود بدانند که چه کاره‌اند و حجت بر آنان تمام شود و ثواب و کیفر بر اساس آن اعمال صورت پذیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تلخ و شیرین روزگار برای همگان است (پس از حوادث ناگوار آن ناراحت نباشید). ۲. در کوره‌ی حوادث تلخ و آزمایش‌ها ایمان شما معلوم می‌شود. ۳. گواهان (ومعلمان جامعه) و شهیدان از نتایج مثبت جنگ‌اند. ۴. با تحلیل و مقایسه‌ی خسارات خود و دشمن، روحیه‌ی سپاهیان را پس از شکست‌های مقطعی تقویت کنید. ۵. ستمگری نکنید که خدا دوست ندارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و یکم سوره‌ی آل‌عمران به دو مورد دیگر از اهداف و نتایج جنگ احد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۱. وَ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ يَمْحَقَ الْكَفِرِينَ و تا خدا، کسانی را که ایمان آورده‌اند، خالص [و پاك] گرداند؛ و کافران را [بتدریج] نابود سازد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. افراد با ایمان در بوته‌ی آزمایش جنگ قرار می‌گیرند تا خالص و پاك تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۷۶ شوند «۱» و بتوانند عیار شخصیت خویش را بسنجند. همان گونه که از امام علی علیه السلام حکایت شده: دگرگونی‌های روزگار و حوادث سخت زندگی، حقیقت اشخاص را روشن می‌سازد. «۲» ۲. در حقیقت، خالص شدن مؤمنان در کوره‌ی حوادث و برطرف شدن عیب‌های آنان، موجب می‌شود که آمادگی کافی را برای از بین بردن تدریجی شرك و کفر و پاك ساختن جامعه پیدا کنند؛ پس نابودی کافران نتیجه‌ی خالص شدن مؤمنان است. ۳. رشد و شکوفایی مؤمنان و سرنگونی و نابودی کافران، به مرور زمان و در طول تاریخ به دست می‌آید. «۳» آری همان گونه که ماه با آن جلوه‌گری و فریبندگی، تدریجاً کم نور می‌شود و در محاق فرو می‌رود، شکوه و عظمت کفر و شرك نیز رو به زوال و نابودی می‌رود «۴» و آینده‌ی تاریخ بشریت به سود اسلام است و این بشارتی است برای مسلمانان. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خالص و پاك شدن مؤمنان و نابودی کافران از نتایج مثبت جنگ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۷۷ است. ۲. آینده‌ی تاریخ از آن اسلام است و کافران به تدریج نابود می‌شوند. ۳. مؤمنان در کوره‌ی حوادث تلخ و جنگ‌ها خود را آب دیده و خالص و پاك گردانند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و دوم سوره‌ی آل‌عمران به قانون‌های آزمایش و پاداش در مقابل عمل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۲. أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُواْ الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جهَدُواْ مِنكُمْ وَ يَعْلَمَ الصبِرِينَ آیا پنداشتید که وارد بهشت خواهید شد، و حال آن‌که کسانی از شما را که جهاد کرده‌اند، معلوم نداشته، و شکیبایان را معلوم نساخته است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آزمایش و امتحان افراد یك سنت قطعی و قانون عام الهی است؛ و جنگ از بهترین و سخت‌ترین امتحان‌هاست که در آن افراد مجاهد و با استقامت از سست‌عنصران بازشناخته می‌شوند. ۲. «يَعْلَمُ» در این‌جا به معنای علم و آگاهی معمولی نیست؛ چرا که چیزی بر خدا مجهول و پوشیده نیست و او مجاهدان و صابران را از قبل می‌شناسد. پس مقصود از این واژه در این‌جا تحقّق خارجی و علم به آن است تا خدا معلوم کند و ظاهر سازد که مجاهدان و صابران چه کسانی هستند. «۱» به عبارت دیگر، هدف امتحانات الهی این نیست که خدا

چیزی را بدانـد بلکه آن است که خود مردم بداننـد و در مقـام عمـل حجت بر آنـان تمـام شود و ثواب و کیفر بر اسـاس آن اعمـال صورت پـذیرد. این صـدف‌ها نیست در یـک مرتبه در یکی دُرّ است و در دیگر شبه بهر اظهـار است این خلق جهـان تا نمانـد گنج حکمت‌ها نهان (مولوی) تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۷۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان به تنهایی کافی نیست و تلاش و شکیبایی هم لازم است، که بهشت را به بها دهند نه به بهانه. ۲. کلید بهشت صبر و جهاد است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و سوم سوره‌ی آل‌عمران به شعارهای توخالی برخی افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۳. وَ لَقَدْ کُنتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِن قَبْلِ أن تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَیْتُمُوهُ وَ أَنتُمْ تَنظُرُونَ و به یقین شـما مرگ (و شهادت) را، پیش از آن‌که با آن رو به رو شوید، همواره آرزو می‌کردید؛ و به یقین آن را دیدیـد، در حالی که شـما نظاره می‌کردید. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، گروهی پیوسته آرزوی شـهادت می‌کردنـد و می‌گفتنـد: ای کاش این افتخار در میـدان بـدر نصـیب ما نیز شده بود. در میان این افراد برخی صادق و گروهی نیز دروغ‌گو بودنـد. پس از مدتی جنگ احد واقع شد و دروغگویان که آثار شـکست را در ارتش اسـلام مشاهده کردند، پا به فرار گذاشتند. «۱» آیه‌ی فوق بدین مناسبت نازل شد و این‌گونه افراد را سرزنش کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. به هر شعار و شعار دهنده‌ای نمی‌توان اطمینان کرد. چه بسیارند تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۷۹ افرادی که آرزوی شهادت می‌کنند اما در مقام عمل به سـخنان خود پایبنـد نیسـتند و تماشاچی صـحنه می‌شونـد. آری در میدان تجربه و عمل، مردان آزموده می‌شوند. خوش بود گر محکِ تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد (حافظ) ۲. از مجموع آیات و حوادث تاریخی مربوط به جنگ احد استفاده می‌شود که عوامل شکست مسلمانان چند چیز بود که فهرست وار بدانها اشاره می‌کنیم: الف) بی‌انضباطی نظامی و پیروی نکردن از فرمـان پیامبر صـلی الله علیه و آله در حفظ تنگه‌ی کوه. ب) دنیاپرستی برخی از تازه مسلمانان که وظایف نظامی خود را رها کردنـد و به جمع‌آوری غنایم پرداختنـد. ج) اشتباه در محاسبه، به طوری که برخی افراد همه چیز را به امـدادهای غیبی واگـذار کرده بودنـد و گمان می‌کردند تنها ابراز ایمان برای پیروزی کافی است. د) غرور ناشـی از پیروزی در جنگ بدر که باعث شد دشـمن را ناچیز بشمارند. ه) سستی و فرار برخی از مسلمانان از صحنه‌ی جنگ. این نقاط ضعف مسلمانان در جنگ احد بود که باعث شـکست آنان شد. وجود این عوامل در هر سپاهی می‌تواند آنها را به شکست بکشاند و برطرف کردن این اشکالات زمینه‌ساز پیروزی مسـلمانان در جنگ‌های آینده است. آری، تاریخ گذشـتگان چراغ راه آیندگان است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۸۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. درستی و نادرستی ادعاها در صحنه‌ی عمل، روشن می‌شود. ۲. اگر مرد میدان عمل نیستید ادعای بیهوده نکنید. ۳. ادعـای شـهادت‌طلبی را در میـدان عمـل نشـان دهیـد. *** قرآن کریـم در آیـه‌ی صـد و چهـل و چهـارم سـوره‌ی آل عمران به ممنوعیت فردمحوری در اسـلام اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۴۴. وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِیْن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انقَلَبْتُمْ عَلَی أَعْقبِکُمْ وَ مَن یَنقَلِبْ عَلَی عَقِبَیْهِ فَلَن یَضُرَّ اللَّهَ شَیْئاً وَ سَیَجْزِی اللَّهُ الشکِرِینَ و محمّد (صلی الله علیه و آله) جز فرستاده‌ای نیست؛ بیقین پیش از او (نیز) فرسـتادگان (دیگری) بودند، پس آیا اگر [او] بمیرد و یا کشـته شود، به (عقاید کفرآمیز) گذشته‌هایتان باز می‌گردید؟! و هر کس به گذشـته (کفرآمیز) ش باز گردد، پس به خدا هیچ چیزی زیان نمی‌رساند؛ و بزودی خدا، سپاسـگزاران را پاداش خواهـد داد. شأن نزول: حکایت شده که در اوج جنگ احد صدایی بلند شد و کسـی گفت: محمد را کشـتم. و این زمانی بود که پیشانی و دنـدان پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله را با سـنگ شکسـته بودند و دشـمن می‌خواست ایشان را به قتل برساند، که یکی از پرچم‌داران اسـلام به نام «مَصعَب بن عُمیر» جلوی حملات را گرفت و خود شـهید شـد و از آن‌جا که وی شـباهت زیادی به پیامبر صـلی الله علیه و آله داشت، دشـمنان پنداشـتند که پیامبر را کشـته‌اند و این خبر را با صـدای بلند به همه‌ی لشـگریان رساندند. انتشار این خبر به همان اندازه که به بت پرستان روحیه داد، در میان تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۸۱ مسلمانان تزلزل ایجاد کرد. بیش‌تر سـپاهیان اسلام از میدان جنگ خارج شدند؛ برخی به کوه فرار کردند و برخی حتی به فکر برگشت از اسلام و امان خواستن از سـران کفر افتادند. اما، در مقابل، اقلیتی از سپاهیان اسلام، هم چون علی علیه السلام و ابو دُجانه و انس، فداکار و پایدار ماندند و

بقیه را به استقامت دعوت کردند. پس از مدت کوتاهی روشن شد که پیامبر صلی الله علیه و آله زنده‌اند و آیه‌ی فوق در این مورد فرو فرستاده شد و گروه اکثریت را سخت نکوهش کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اسلام با فردپرستی و فردمحوری مبارزه می‌کند و به مسلمانان می‌آموزد که مسائل هدف‌دار و ارزشی باید بر محور یک سلسله اصول و تشکیلات ابدی دور بزند، نه بر محور افراد، که با تغییر افراد و یا فوت آنان- حتی اگر پیامبر خدا باشد- آن کار تعطیل می‌گردد واصولًا رمز بقای یک مذهب و یا تشکیلات همین است که قائم به شخص نباشد. پس نهادهای اساسی جامعه‌ی اسلامی باید چنان تشکّل و انسجام داشته باشد که حتی از بین رفتن رهبر به آن ضربه نزند. ۲. مبارزه‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با فردپرستی، یکی دیگر از نشانه‌های حقانیت و عظمت اوست؛ چرا که اگر او به خاطر خویش قیام کرده بود، لازم بود این فکر را ترویج کند که همه چیز به وجود او بستگی دارد. اما رهبران راستین با این فکر مبارزه می‌کنند و مردم را متوجه می‌کنند که هدف ما از خود ما والاتر است و با نابودی ما نابود نخواهد شد. ۳. واژه‌ی «اعقاب» به معنای پاشنه‌ی پا و در این‌جا به معنای «عقب گرد» است و قرآن این تعبیر را به معنای سیر قهقرایی به کار برده است، که تصویر تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۸۲ روشنی از آن به دست می‌دهد و از کلمه‌ی «ارتجاع» گویاتر است. «۱» ۴. کفر و ایمان مردم ضرر یا سودی برای خدا ندارد. این خود انسان‌ها هستند که از ایمان سود می‌برند و از کفر زیان می‌بینند. ۵. پیامبر اسلام نیز تابع سنت الهی و شرایط و قوانین طبیعی (هم چون مرگ و حیات) است و عمری محدود دارد، اما راه او محدود نیست. «۲» ۶. مقاومت در راه حق، نوعی سپاس گزاری عملی است؛ یعنی به جا آوردن شکر نعمت اسلام و پایدار ماندن برآن و به کار بردن نعمت‌های خدا در راه او، از مصادیق شکر عملی است که پاداش آن نیز با خداست. ۷. یکی از مسلمانان در هنگامه‌ی شکست جنگ احد و شایعه‌ی فوت پیامبر صلی الله علیه و آله به مسلمانان گفت: ای مردم اگر محمد صلی الله علیه و آله کشته شده، خدای محمد که کشته نشده، بروید و پیکار کنید و در راه همان هدفی که پیامبر کشته شد، شربت شهادت بنوشید. او پس از گفتن این سخنان، به دشمن حمله کرد تا شهید شد. «۳» ۸. از امام باقر علیه السلام حکایت شده که حضرت علی علیه السلام در جنگ احد شصت و یک زخم برداشت و پرستاران به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: «وضع بدن علی علیه السلام به گونه‌ای است که ما هر زخمی را می‌بندیم دیگری گشوده می‌شود و آن قدر زخم‌ها زیاد است که ما از حیات او نگرانیم». سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و گروهی از اصحاب به عیادت علی علیه السلام آمدند و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۸۳ پیامبر دست بر زخم‌های او کشید و آن‌ها را التیام بخشید و فرمود: «کسی که در راه خدا چنین شود، آخرین درجه‌ی مسئولیت خود را انجام داده است.» علی علیه السلام در این هنگام گفت: «سپاس خدای را که با این همه، نگریختم و پشت به دشمن نکردم.» و خدا از کوشش‌های او قدردانی کرد و در دو آیه‌ی قرآن با تعبیر «شاکرین» «۱» به او (و فداکاری مجاهدان نمونه‌ی احد) اشاره کرد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فردمحوری (و فردپرستی) در اسلام نیست. ۲. با مرگ رهبر اسلام، شما دست از اسلام برندارید. ۳. ارتجاع و کفر شما به خودتان زیان می‌رساند، نه به خدا. ۴. خدا سپاس گزار سپاس گزاران است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و پنجم سوره‌ی آل‌عمران به قطعی بودن زمان مرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۵. وَ مَا کَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ کِتباً مُّؤَجَّلًا وَ مَن یُرِدْ ثَوَابَ الدُّنیَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَن یُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ سَنَجْزِی الشکِرِینَ و برای هیچ شخصی (ممکن) نیست بمیرد، جز با رخصت خدا؛ [که خدا مرگ را] نوشته شده‌ای سرآمد دار [قرار داده است.] و هر کس پاداش این جهان را بخواهد، از آن، به او می‌دهیم؛ و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، از آن، به او می‌دهیم؛ و بزودی پاداش سپاسگزاران را خواهیم داد. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۸۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اجل و مرگ به دو قسم حتمی و غیرحتمی (مُعلّق) تقسیم می‌شود. «۱» مقصود از اجل غیرحتمی یا معلّق همان مرگ مشروط است. که اگر شرایط تحقق یابد، مرگ فرا خواهد رسید. این نوع مرگ تأخیرپذیر است. «۲» اما مرگ حتمی آن است که در وقت معین خواهد آمد و همه‌ی انسان‌ها خواهند مُرد و این قانونی ثابت در نظام خلقت است. هر دو نوع اجل در قرآن مطرح شده است. «۳» برای مثال، یک فرد بر اساس استعداد وجودی خود و به طور عادی می‌تواند هفتاد سال عمر کند، به شرط

آن‌که دچار بیماری درمان ناپذیر نشود؛ پس پایان استعداد اوّلی هر موجود برای حیات، همان اجل حتمی است و مرگ بر اثر حوادث و بیماری‌ها که قابل پیش‌گیری است، همان اجل معلّق است. «۴» دو روز حذر کردن از مرگ روا نیست روزی که قضا باشد، روزی که قضا نیست روزی که قضا باشد، کوشش نکند سود روزی که قضا نیست، در او مرگ روا نیست ۲. خدا زمینه‌های استفاده از دنیا و آخرت را برای انسان آماده می‌کند، ولی این خود انسان است که قصد دنیوی یا اخروی می‌کند؛ به عبارت دیگر، هر کاری (مثل ساختن بیمارستان) هم می‌تواند برای خدا و آخرت باشد و هم ریاکاری و دنیایی و در هر صورت خدا پاداش عمل را می‌دهد؛ البته کسی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۸۵ که فقط دنیا را بخواهد، از ثواب آخرت بهره‌ای ندارد، ولی کسی که آخرت را بخواهد، از مواهب دنیوی نیز بهره‌مند می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (با فرار از جنگ) نمی‌توانید از مرگ بگریزید (همان طور که شرکت در میدان جهاد نیز مرگ انسان را جلو نمی‌اندازد) «۱». ۲. رسیدن به دنیا یا آخرت، هر دو نیازمند کوشش است (پس بهتر است که انسان سرمایه‌های وجودی خود را در مسیر عالی و پایدار صرف کند). ۳. شما می‌توانید کارهایتان را به قصد دنیا انجام دهید یا آخرت؛ و در هر صورت خدا شما را از پاداش محروم نمی‌کند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و ششم سوره‌ی آل‌عمران به مجاهدت‌های یاران پیامبران پیشین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۶. وَ کَأَیِّن مِّن نَّبِیٍّ قَتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ فَمَا وَهَنُواْ لِمَا أَصَابَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُواْ وَ مَا اسْتَکَانُواْ وَ اللَّهُ یُحِبُّ الصبِرِینَ و چه فراوان پیامبری، که همراه او، مردان الهی بسیاری پیکار کردند. و در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم نگردیدند، و خدا شکیبایان را دوست دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. زندگی بسیاری از پیامبران با مبارزه و جنگ همراه بوده و مجاهدان عالم و عارف بسیاری «۲» در کنار آنها پیکار کرده‌اند. ۲. مطالعه و یادآوری تاریخ و زندگی رادمردان و یاران پیامبران، می‌تواند تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۸۶ درس مقاومت، شجاعت و پایداری به مردم بدهد؛ از این رو قرآن پس از شکست احد این موارد را یادآوری می‌کند. ۳. رزمندگان عالِم، عارف، با ایمان و صابر، نه روحیه‌ی خود را می‌بازند و سست می‌گردند، نه توان رزمی خود را از دست می‌دهند و نه تسلیم فشارها می‌شوند. آری، سرچشمه‌ی همه‌ی این صفات، «الهی» بودن است و این آیه الگویی برای سپاهیان الهی ارائه می‌دهد؛ پس باید در تربیت چنین رزمندگانی همّت گماشت. ۴. «صبر»، به معنای استقامت است نه به معنای کناره‌گیری و تحمّل با خواری و ضعف؛ از این رو آیه‌ی فوق، در مقابل ضعف و تسلیم به کار رفته است، «۱» خدا صابران را دوست دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یاران پیامبران گذشته مردانی دانشمند، با ایمان، با استقامت و مجاهد بودند (پس سزاوار است یاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یاوران رهبران دینی نیز این‌گونه باشند). ۲. اگر می‌خواهید همراه رهبران الهی باشید، الهی شوید. ۳. شکیبا باشید تا محبوب خدا شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و هفتم سوره‌ی آل‌عمران درخواست‌ها و دعاهای مردان الهی را حکایت می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۷. وَ مَا کَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَن قَالُواْ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَفَنَا فِی أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انْصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْکفِرِینَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۸۷ و سخنشان جز این نبود که گفتند: « [ای] پروردگار ما! [بیامرز] گناهان ما و زیاده‌روی‌های ما را در کارمان، برای ما، بیامرز، و گام‌های ما را استوار دار؛ و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مجاهدان حقیقی به جای فرافکنی و نسبت دادن شکست خود به دیگران و یا به عوامل موهوم و مرموز، عوامل شکست را در درون خودشان جست جو می‌کنند و به فکر جبران اشتباهات خویش هستند. چون هر چه می‌رسد به تو از کرده‌های توست جرم فلک کدام و گناه زمانه چیست؟ (صائب) ۲. مردان الهی در میدان‌های جنگ دست به دعا برمی‌داشتند و در کنار عوامل نظامی، به عوامل معنوی و روحی نیز توجه داشتند. آری؛ دعا در میدان جنگ ارزش ویژه‌ای دارد. ۳. آیه‌ی فوق با بیان شیوه‌ی دعای رادمردان، به ما می‌آموزد که در هنگام دعا، ابتدا توبه و استغفار کنید، سپس از خدا یاری بجویید؛ اول پاک شوید، بعد کمک بخواهید. ۴. گناه و اسراف‌کاری از عوامل شکست و مشکلات در جنگ است؛ چون سرپیچی از فرمان رهبر و اسراف در سرمایه‌های شخصی و اجتماعی و نابودی آنها، موجب ضعف و شکست می‌گردد. ۵. در آیه‌ی قبل بیان شد که مردان خدا در مقابل دشمن تسلیم

نمی‌شوند و در این آیه بیان شده که در مقابل خدا تسلیم و عذرخواهند. هر کس در مقابل خدا تسلیم باشد، در مقابل مستکبران و ستمگران کرنش نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۸۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. استواری و پیروزی شما در جنگ به دست خداست، پس دعا کنید و از او یاری بخواهید. ۲. خلافکاری و تجاوزگری زمینه‌ساز شکست شماست. ۳. رزمندگان اسلام در هنگام جنگ به دعا و معنویات اهمیت زیادی می‌دهند. ۴. در میدان جنگ نیز به فکر پاک‌سازی و بازسازی خود باشید. *** قرآن‌کریم در آیه‌ی صد و چهل و هشتم سوره‌ی آل‌عمران پاداش مجاهدان را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۸. فَئَاتهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنیَا وَ حُسْنَ ثَوَابِ الاَخِرَةِ وَ اللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ پس خدا پاداش دنیا، و پاداش نیک آخرت را به آنان داد؛ و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مطالعه‌ی سرگذشت یاران مجاهد پیامبران پیشین به ما می‌آموزد که مجاهدان امت‌های قبل چگونه بر مشکلات پیروز شدند، و دعای آنان مستجاب شد و خدا به آنان پاداش داد. ۲. آیه‌ی ۱۴۶ این سوره فرمود: «خدا شکیبایان را دوست دارد.» و در این آیه فرمود: «خدا نیکوکاران را دوست دارد.» این دو تعبیر در مورد یک گروه از یاران پیامبران پیشین است و اشاره به این دارد که نیکوکاری با استقامت همراه است اگر نیکوکاران در مقابل مشکلات استقامت نداشته باشند کار نیک خود را رها خواهند کرد. «۱» ۳. «ثواب» در اصطلاح همان پاداش عمل است که به انسان بر می‌گردد، و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۸۹ از آن جهت به پاداش عمل، ثواب گفته می‌شود که انسان تصور می‌کند این پاداش همان عمل است که باز گشته است. «۱» ۴. در این آیه از پاداش دنیا به «ثواب الدنیا»، و از پاداش آخرت به «حُسن ثواب الاخرة»، (نیکویی پاداش آخرت) تعبیر شده است. این اختلاف تعبیر می‌رساند که پاداش دنیا با پاداش آخرت تفاوت بسیار دارد؛ پاداش دنیا همراه با ناملایمات و فناست، اما پاداش آخرت خالص و دور از ناراحتی‌هاست. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا در دنیا و آخرت به رزمندگان نیکوکار عنایت دارد. ۲. اگر پاداش دنیا و آخرت را می‌خواهید، نیکوکار باشید. ۳. پاداش‌های اخروی رزمندگان از پاداش‌های دنیوی بهتر است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و نهم سوره‌ی آل عمران در مورد پیامدهای پیروی از کافران هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۴۹. یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ إِن تُطِیعُواْ الَّذِینَ کَفَرُواْ یَرُدُّوکُمْ عَلَی أَعْقَبِکُمْ فَتَنقَلِبُواْ خسِرِینَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند، اطاعت کنید، شما را به گذشته‌های [کفرآمیز] تان باز می‌گردانند؛ و زیانکار خواهید گشت. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۹۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پس از پایان جنگ احد و شکست مسلمانان، دشمنان اسلام با یک سلسله تبلیغات مسموم و در لباس نصیحت و دل سوزی سعی کردند بین مسلمانان تفرقه بیندازند و آنان را نسبت به اسلام بدبین کنند و احتمالًا یهودیان و مسیحیان نیز در این زمینه با منافقان همکاری می‌کردند؛ «۱» از این‌رو آیه‌ی فوق به مسلمانان هشدار داد که مراقب تبلیغات دشمنان باشند و از آنان پیروی نکنند. «۲» ۲. مؤمنان باید در فراز و نشیب‌ها، مواظب تبلیغات و وسوسه‌های دشمن باشند و از آن پیروی نکنند که خطر انحراف در کمین آنان است و به ارتجاع و کفر و انحراف گرفتار می‌شوند. ۳. انتخاب کننده‌ی راه کفر دچار خسارت شده است؛ چرا که سعادت را با شقاوت و اسلام را با کفر و حق را با باطل و بهشت را با دوزخ معاوضه کرده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خطر کافران را جدّی بگیرید و به آنان وابسته نشوید. ۲. پیروی از کافران دو پیامد ارتجاع و زیانکاری را به دنبال دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاهم سوره‌ی آل‌عمران به ولایت و یاری خدا برای مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۰. بَلِ اللَّهُ مَوْلَیکُمْ وَ هُوَ خَیْرُ النَّاصِرِینَ بلکه سرپرستِ شما، خداست؛ و او بهترین یاری کنندگان است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۹۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن‌جا که انگیزه‌ی بازگشت به کفر و ارتداد، وابستگی به کافران و اطاعت آنان و کسب عزّت و قدرت است، قرآن این خیال واهی را ردّ می‌کند و یادآور می‌شود که بهترین کمک از جانب خداست. «۱» ۲. خدا مولی و سرپرست مؤمنان است، «۲» پس نباید کس دیگری را به سرپرستی انتخاب کنند و پیرو کافران شوند؛ به عبارت دیگر، پیروی از کافران و امدادطلبی از آنان نوعی ولایت و سرپرستی برای آنان به شمار می‌آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر سرپرستی و امدادگری خدا را می‌خواهید، از کافران پیروی نکنید. ۲. مولا و یاور خود را بشناسید (تا قدر او را بدانید و به دنبال دیگران نروید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و

یکم سوره‌ی آل‌عمران به رابطه‌ی شرک و ترس و جنگ روانی اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۵۱. سَنُلْقِی فِی قُلُوبِ الَّذِینَ کَفَرُواْ الرُّعْبَ بِمَآ أَشْرَکُواْ بِاللَّهِ مَا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطناً وَ مَأْوَیهُمُ النَّارُ وَ بِئْسَ مَثْوَی الظلِمِینَ بزودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند، وحشت (و ترس) خواهیم افکند، بخاطر اینکه چیزی را با خدا شریک قرار داده‌اند، که هیچ دلیلی بر تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۹۲ آن فرو نفرستاده است، و مقصدشان، آتش است؛ و جایگاه ستمکاران چه بد (جایگاهی) است. شأن نزول: بت پرستان بعد از پیروزی در جنگ احد، تصمیم گرفتند به مدینه باز گردند و باقی مانده‌ی قدرت مسلمانان را نابود و شهر را غارت کنند، اما خدای متعال ترس و وحشت عجیبی در دل آنها افکند؛ ترسی که خاصیت کفر، بت‌پرستی و خرافه‌پرستی بود. آنان وقتی شنیدند که مسلمانان همراه با مجروحان جنگ احد، بار دیگر به میدان بازمی گردند این موضوع در نظرشان بسیار بزرگ جلوه کرد و سخت به وحشت افتادند و از تصمیم خود منصرف شدند و به مکه بازگشتند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا، با انداختن ترس در قلب دشمن کافر، مسلمانان را یاری می کند و در روایات متعددی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که یکی از امتیازاتی که خدا به من داده است، آن است که مرا به وسیله‌ی انداختن ترس در دل دشمن پیروز گرداند. «۱» ۲. یکی از روش‌هایی که امروزه در جنگ‌ها به کار می‌رود و از عوامل پیروزی شمرده می‌شود، جنگ روانی، یعنی تضعیف روحیه‌ی سربازان دشمن با ترساندن آنان است؛ و در مقابل، به تقویت روحیه‌ی سربازان خودی توجه می‌شود. تأثیر روحیه‌ی عالی سربازان در پیروزی بیش‌تر از تأثیر تعداد سربازان و ابزار جنگی آنهاست. اسلام با تقویت روح ایمان و عشق به جهاد و شهادت و اتکای به خدا روحیه‌ی سربازان را تقویت می کند. ۳. کافران مشرک، ستمکارند. آنان با شرک ورزیدن، گمراه ساختن تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۹۳ پیروان خود و جنگیدن با مسلمانان، هم به خود ستم می کنند، هم به پیروان خود و هم به مسلمانان. ۴. خدا دلیلی برای شرک قرار نداده است؛ پس کافران بی‌دلیل به خدا شرک می‌ورزند. «۱» آری، اقسام شرک مثل دوگانه‌پرستی و سه‌گانه‌پرستی، علاوه بر آن‌که دلیل عقلی ندارد، دلیل نقلی نیز ندارد. بلکه عقل و نقل، وجود هرگونه شریک برای خدا (واجب الوجود) را نفی می کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک، ترس‌آفرین است. ۲. شرک‌ورزی نوعی ستمکاری است. ۳. فرجام ستمکاری عذاب‌آلود است. ۴. خدا، با هراس‌افکنی، مسلمانان را یاری و دشمنانشان را سرکوب می کند. ۵. پیرو دلیل باشید و مطالب مستدل را بپذیرید. ۶. از روش جنگ روانی و هراس‌افکنی برای پیروزی بر دشمنان استفاده کنید. «۲» *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۹۴ قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و دوم سوره‌ی آل عمران به عوامل پیروزی و شکست مسلمانان در جنگ احد اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۵۲. وَ لَقَدْ صَدَقَکُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّی إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنزَعْتُمْ فِی الأَمْرِ وَ عَصَیْتُم مِّن بَعْدِ مَآ أَرَیکُم مَّا تُحِبُّونَ مِنکُم مَّن یُرِیدُ الدُّنیَا وَ مِنکُم مَّن یُرِیدُ الآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَکُمْ عَنْهُمْ لِیَبْتَلِیکُمْ وَ لَقَدْ عَفَا عَنکُمْ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ و بیقین خدا وعده خود را (در مورد پیروزی در جنگ احد) با شما، راست گردانید؛ آنگاه (که در آغاز جنگ،) به رخصت او، آنان را می کشتید؛ تا هنگامی که سست شدید، و در کار (حفظ سنگر) با همدیگر به کشمکش پرداختید؛ و بعد از آنکه، آنچه را دوست می‌داشتید (همچون پیروزی و غنیمت) به شما نشان داد، نافرمانی کردید. برخی از شما کسانی هستند که دنیا را می‌خواستند؛ و برخی از شما کسانی هستند که آخرت را می‌خواستند. سپس [خدا] شما را از آنان منصرف ساخت، (و شکست خوردید) تا شما را بیازماید. و بیقین او از شما درگذشت؛ و خدا نسبت به مؤمنان، دارای بخشش است. شأن نزول: آیه‌ی فوق پس از جنگ احد نازل شد. در این جنگ بزرگ، ابتدا مسلمانان با اتحاد و شجاعت پیروز شدند و لشکر دشمن را عقب راندند. گروه زیادی از تیراندازان که در شکاف کوه «عَیْنَیْن»، به فرماندهی عبد اللّه بن جُبَیر می‌جنگیدند، با مشاهده‌ی پیروزی ابتدایی مسلمانان، برای به دست آوردن غنایم جنگی، مأموریت خود را رها کردند و از کوه سرازیر شدند و به دنبال دنیاطلبی رفتند و گروه اندکی از آنان، هم چون «عبد اللّه بن جُبیر» ثابت قدم ماندند. دشمن از این فرصت استفاده کرد و از پشت به مسلمانان حمله‌ور شد و ضربات سختی به آنان وارد کرد. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۹۵ مسلمانان با دادن تلفات و خسارات سنگین به مدینه بازگشتند، اما با یکدیگر می گفتند: مگر خدا به ما وعده‌ی پیروزی نداده بود؟ پس چرا در

این جنگ شکست خوردیم؟ آیه‌ی فوق و دو آیه‌ی بعد در این مورد فرو فرستاده شد «۱» و بیان کرد که وعده‌ی خدا درباره‌ی پیروزی شما کاملًا درست بود و به همین دلیل در آغاز جنگ پیروز شدید و به فرمان خدا دشمن را پراکنده ساختید. این وعده تا زمانی که دست از استقامت و پیروی فرمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برنداشته بودید، ادامه داشت شکست از زمانی شروع شد که سستی و نافرمانی، شما را فرا گرفت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا در کجا به مسلمانان وعده‌ی پیروزی در جنگ احد را داده بود؟ مفسران قرآن در این مورد چند احتمال را مطرح کرده‌اند: الف) مقصود وعده‌های عمومی است که خدا مکرراً به مؤمنان می‌داد؛ از جمله، در سال دوم هجری، یعنی بعد از پیروزی در جنگ بدر، خدا به مسلمانان وعده داده بود که در جنگ‌های آینده نیز پیروز می‌شوند. «۲» ب) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مؤمنان وعده‌ی پیروزی در جنگ احد را داده بود، که وعده‌ی او، وعده‌ی الهی است. «۳» ۲. نکته‌ی جالب این آیه آن است که کشتن دشمنان نیز مشروط به اجازه‌ی الهی شده است «۴» تا مسلمانان بدانند که بدون اراده‌ی خدا هیچ کاری از پیش نمی‌برند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۹۶ ۳. از جمله عوامل شکست در جنگ، سستی سپاهیان و درگیری و کشمکش آنان و نافرمانی از فرماندهی است و در مقابل قدرت، وحدت و اطاعت از فرماندهی، از عوامل پیروزی است. «۱» ۴. یکی از آزمایش‌های الهی، شکست در جنگ است. در این موقع است که انسان‌های مقاوم و بااراده از سست عنصران متمایز می‌شوند. ۵. افراد با هدف‌های متفاوت در جنگ شرکت می‌کنند؛ برخی برای دنیا و برخی برای آخرت می‌جنگند و دنیاطلبان هستند که معمولًا باعث شکست جهاد می‌شوند. ۶. این آیه عوامل پیروزی و شکست مسلمانان در جنگ احد را تحلیل می‌کند ولی در نهایت مسلمانان را به لطف الهی امیدوار می‌سازد و می‌فرماید: «خدا از لغزش‌های شما درگذشت.» و این آموزشی برای تحلیل‌گران است که تحلیل‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی خود را با رویکرد مثبت و امیدآفرین به پایان ببرند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مسلمانان حوادث مهم زندگی را تحلیل کنند و عوامل پیروزی و شکست خود را بشناسند. ۲. سستی و اختلاف و نافرمانی سپاهیان از عوامل شکست در جنگ است (پس این موانع را برطرف سازید). ۳. مبارزه‌ی رزمندگان و عنایت الهی از عوامل پیروزی در جنگ است. ۴. فراز و نشیب‌های جنگ شما را ناامید نسازد که این‌ها آزمایش‌های الهی است و در نهایت شما مشمول عنایت خدا هستید. ۵. علاقه‌های دنیوی زمینه‌ساز نافرمانی سربازان در جنگ است. ۶. فرماندهان نظامی سربازان دنیاطلب و آخرت‌طلب خویش را تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۹۷ بشناسند (و به صورت صحیح برای آنها برنامه‌ریزی کنند و آنها را مدیریت نمایند). ۷. وعده‌ی پیروزی الهی در مورد کسانی است که به وظیفه‌ی خود عمل کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و سوم سوره‌ی آل‌عمران جنگ گریزان را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۳. إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَيكُمْ فَأَثَبَكُمْ غَمَّاً بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُواْ عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا مَآ أَصَبَكُمْ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ هنگامی که (در بیابان فرار می‌کردید و از کوه) بالا می‌رفتید، و به هیچ کس (در پشت سرتان) توجه نمی‌کردید؛ و حال آن‌که فرستاده [خدا] شما را از پشت [سر] تان فرا می‌خواند. پس به شما اندوهی اضافه بر اندوه (تان) جزا داد. تا بر آنچه از دستتان رفته، و آنچه (از مصیبت‌ها) به شما رسیده، اندوهگین نشوید. و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. شأن نزول: آیه‌ی فوق نیز پس از جنگ احد نازل شد. زمانی که مسلمانان پس از پیروزی ابتدایی، شکست خوردند؛ برخی تیراندازان شکاف کوه را رها کردند و دشمن از جلو و عقب به سپاه اسلام حمله‌ور شد و در همین حال شایع کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله کشته شده است. در این شرایط سخت، برخی از مسلمانان پراکنده شدند و پا به فرار گذاشتند. آیه‌ی فوق با ترسیم این صحنه جنگ‌گریزان را سرزنش می‌نماید. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۹۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مفسران قرآن حکایت کرده‌اند که در جنگ احد همه فرار کردند «۱» و فقط سیزده نفر با پیامبر صلی الله علیه و آله باقی ماندند که هشت نفر از انصار و پنج نفر از مهاجرین بودند. در مورد نام مجاهدان ثابت‌قدم احد اختلاف شده است، مگر در مورد «علی علیه السلام و طلحه». «۲» ۲. غصه‌های پی‌درپی، انسان را از سرگرم شدن به سود و زیان‌های موقت آزاد می‌کند. «۳» آری، این نکته‌ای روان شناختی است که سرگرم شدن انسان به حوادث غمناک موجب

فراموش کردن تلخ‌کامی‌ها و شکست‌های بزرگ می‌شود. ۳. در سختی‌ها افراد سست‌عنصر از مجاهدان حقیقی بازشناخته می‌شوند. آن‌جا که همه فرار می‌کنند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و مجاهدان ثابت‌قدم در صحنه می‌مانند. همه‌ی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله یکسان نبودند. برخی از آنان در جنگ احد فرار کردند و حتی به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله هم توجه نکردند و موجب سرافکندگی و شکست شدند، در حالی که برخی دیگر، هم چون علی علیه السلام برای اسلام و مسلمانان افتخار آفریدند. ۴. به کار بردن واژه‌ی «رسول» در آیه‌ی فوق باعث سرزنش بیش‌تری برای فراریان احد است. گاهی یک فرد عادی انسان را صدا می‌زند و او پاسخ نمی‌دهد، ولی در این‌جا «فرستاده‌ی خدا» صدا زده است و آنان پاسخ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۲۹۹ ندادهاند. آری، گاهی فریاد پیامبر صلی الله علیه و آله هم در افراد سست‌عنصر و ترسو تأثیر نمی‌گذارد. ۵. فرار در جنگ و عدم توجه به فراخوان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، سبب هجوم غم‌ها و اندوه‌ها گردید. «۱» آری، عدم اطاعت از رهبر حوادثی غمبار در پی دارد. ۶. فرار از میدان جنگ، ممکن است در اثر سستی یا درگیری و کشمکش درونی سپاه و یا عدم اطاعت از فرمانده باشد «۲» و در هر صورت، موجب شکست می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر ملتی که به فراخوان رهبر الهی توجه نکند، گرفتار (شکست و) اندوه می‌شود. ۲. شما تحت نظر خدا هستید (پس مراقب گفتار و کردار خود باشید). ۳. جنگ گریزان از عوامل شکست سپاه هستند (پس راه‌کار مناسب برای آنها پیدا کنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و چهارم سوره‌ی آل عمران به شبهه پراکنی افراد ترسو اشاره می‌کند و با یادآوری قانون مرگ و آزمایش انسان‌ها می‌فرماید: ۱۵۴. ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاساً يَغْشَى طَآئِفَةً مِّنكُمْ وَ طَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الأَمْرِ مِن شَىْءٍ قُلْ إِنَّ الأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِى أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الأَمْرِ شَىْءٌ مَّا قُتِلْنَا ههُنَا قُل لَّوْ كُنتُمْ فِى بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۰۰ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ لِيَبْتَلِىَ اللَّهُ مَا فِى صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِى قُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ سپس بعد از آن اندوه (شکست احد)، آرامشی [به صورت] خوابی سبک بر شما فرو فرستاد، که دسته‌ای از شما را فرا گرفت؛ و [لی] دسته‌ای که در اندیشه جانشان بودند، در باره خدا گمان‌های نادرستی، همچون گمان‌های (دوران) جاهلیّت، داشتند؛ می‌گفتند: «آیا چیزی از کار (جنگ) به سود ماست؟!» بگو: «در واقع کار (جنگ و پیروزی) همه‌اش به دست خداست.» [آنان] چیزی را در دل‌هایشان پوشیده می‌دارند، که برای تو آشکار نمی‌سازند؛ می‌گویند: «اگر (بر فرض) چیزی از کار (جنگ) به سود ما بود، در این جا کشته نمی‌شدیم.» بگو: «اگر (بر فرض) در خانه‌هایتان [هم] بودید، کسانی که کشته شدن بر آنان مقرّر شده بود، حتماً به سوی آرامگاه‌هایشان، بیرون می‌آمدند. و (اینها) برای آن است که خدا، آنچه را در سینه‌های شماست، بیازماید؛ و بخاطر آن‌که آنچه را در دل‌های شماست، خالص [و پاک] گرداند؛ و خدا به (اسرار) درون سینه‌ها، آگاه است.» شأن نزول: آیه‌ی فوق نیز پس از جنگ احد نازل شد و صحنه‌ی شب بعد از جنگ را به تصویر کشید. در شب پراضطرابی، که پیش بینی می‌شد سربازان قریش بار دیگر باز گردند و آخرین مقاومت مسلمانان را درهم بشکنند و شهر مدینه را غارت کنند (و شاید خبر تصمیم بازگشت قریش نیز به مسلمانان رسیده بود و این مرحله از جنگ اگر اتفاق می‌افتاد بسیار خطرناک بود). در آن شب دردناک و پراضطراب، مسلمانان به دو دسته تقسیم شده بودند، گروهی از مجاهدان راستین و فراریانی که توبه کرده بودند و به لطف پروردگار اعتماد داشتند، و از وعده‌های قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله دلگرم شده تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۰۱ بودند، با همان لباس رزم با آرامش خوابیدند، اما گروهی دیگر که از منافقان و افراد سست ایمان بودند، با ترس و افکار ناراحت کننده، شب را بیدار ماندند و به شبهه پراکنی پرداختند، آیه‌ی فوق این صحنه‌ها و حالات افراد را ترسیم می‌کند و سخنان آنان را حکایت می‌کند و به شبهات آنان پاسخ می‌دهد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گاهی خدا در گرماگرم حوادث تلخ، به دل‌های مؤمنان آرامش می‌بخشد این یکی از آثار مهم ایمان است که مؤمن حتی در زندگی این جهان آرامش لذت‌بخشی پیدا می‌کند که افراد بی ایمان یا منافق یا سست‌ایمان، هیچ گاه طعم آن را نمی‌چشند. آری، گاهی چند لحظه خواب هم، یک امداد الهی است. «۲» ۲. قرآن کریم برای سست عنصران و

منافق صفت چند ویژگی برمی‌شمارد: الف) آنان در بند خود هستند و همه‌ی همتشان برای حفظ جان خودشان است. ب) گمان‌های غیر حق در مورد خدا دارند، و در اوهام جاهلیت فرو رفته‌اند. ج) در مورد وعده‌های الهی و پیروزی نهایی مسلمانان سوء ظن دارند واین مطلب را ابراز می‌کنند. د) برخی از مطالب و عقاید خویش را مخفی می‌کنند. اما انسان‌های مؤمن و ثابت قدم کسانی هستند که بیش از آن‌که به فکر خود باشند، به فکر اسلام و مردم هستند؛ آنان به وعده‌های الهی ایمان دارند تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۰۲ و به افکار جاهلی پشت پا زده‌اند و در برخورد و گفتار خود یک رنگ هستند. ۳. آیه‌ی فوق با صراحت از مرگ حتمی انسان سخن می‌گوید. «۱» اگر مرگ انسان مقدّر و مشخص شده و زمان آن فرا رسیده باشد، هر کجا باشد، چه در میدان جنگ و چه در بستر خویش، مرگ خواهد آمد. شناخت این مطلب تأثیر روان شناختی مثبتی در انسان دارد. اگر انسان به مقدّرات حتمی الهی ایمان داشته و در مقابل اراده‌ی الهی تسلیم باشد، همیشه آرامش دارد و از میدان مبارزه نمی‌ترسد و فرار نمی‌کند. البته این بدان معنا نیست که انسان نکوشد و به وظیفه‌ی خویش عمل نکند و همه چیز را به عهده‌ی سرنوشت بگذارد. ۴. منافقان، مقاصد خویش را با طرح پرسش‌های انحرافی و شبهه‌افکنی آغاز می‌کنند که موجب تضعیف روحیه‌ی سربازان می‌شود، اما بلافاصله به آنان پاسخ داده می‌شود. در میدان‌های جنگ، از طرفی، لازم است مربیان عقیدتی وسیاسی حضور داشته باشند که بتوانند پاسخ شبهات و پرسش‌های جدید را فوراً بدهند و از تضعیف روحیه‌ی سپاهیان جلوگیری کنند. و از طرف دیگر، لازم است منافقان و تردیدآفرینان شناسایی شوند و جلوی تبلیغات تخریبی آنان گرفته و پاسخ مناسب به آنها داده شود. ۵. در این آیه دو هدف جنگ‌ها و حوادث تلخ آن بیان شده است: الف) امتحان و آزمایش افراد، که یک سنت عمومی الهی است و باعث جداسازی افراد مؤمن و منافق و شناسایی درجات ایمان افراد می‌شود. ب) پاک کردن روح افراد از هرگونه عیب، و خالص شدن سپاهیان اسلام. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۰۳ آری، کوره‌ی حوادث جنگ، انسان‌های مجاهد را در بوته‌ی آزمایش قرار می‌دهد تا نیت‌های آنان خالص گردد و از گناهان توبه کنند و پاک گردند. ۶. تفکّر ارتجاعی و عقب‌گرد در عقاید و ابراز افکار جاهلی نکوهیده است؛ چرا که عقاید دوران جاهلیت، نوعی اوهام و خرافات و گمان‌های بدون دلیل است و پیروی از آنها از نظر منطق و خرد مردود است. ۷. دو خط متمایز و دو گروه متفاوت و اخلاق و صفات آنها در آیات متعدد مطرح شده است: گروهی از انسان‌ها در بند خویش‌اند و خور و خواب و شهوت را اصل می‌دانند و همتشان در جهت خدمت به خویش است، اما در مقابل آنان، مجاهدان راه خدا هستند که با همت‌های عالی، خود را وقف راه خدا نموده و در راه دفاع از دین او و رهبران دینی، حتی جان خویش را نثار می‌کنند. آنان اموال خویش را به دیگران می‌دهند، در حالی که خود بدان نیازمندند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان واقعی، پس از حوادث تلخ، در سایه‌ی آرامش الهی هستند. ۲. مراقب شبهه‌افکنی افراد سست عنصر و منافق صفت باشید. ۳. به پرسش‌های عقیدتی مجاهدان و شبهات جدید پاسخ دهید. ۴. بد گمانی به خدا و خرافه‌گرایی زمینه‌ساز شبهه‌انگیزی است. ۵. فرار از مرگ کارساز نیست و هیچ کس در هیچ کجا راه گریزی از مرگ حتمی ندارد. ۶. آزمایش و خالص شدن انسان‌ها دو پیامد مثبت جنگ‌ها و حوادث تلخ است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۰۴ ۷. منافقان را از پنهان‌کاری و شبهه‌افکنی آنان بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و پنجم سوره‌ی آل عمران به نقش شیطان در جنگ‌گریزی افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۵. إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْاْ مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَنُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُواْ وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ در حقیقت، در روزی که دو گروه (مومنان و کافران در نبرد احد با هم) روبرو شدند، کسانی از شما که روی برتافتند، تنها شیطان آنان را، به سبب بعضی از آنچه (از گناهان) بدست آورده بودند، بلغزاند؛ و بیقین خدا از آنان در گذشت، که خدا، بسیار آمرزنده [و] بردبار است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «گناهانی که قبلًا مرتکب شده‌اند» چیست؟ ممکن است که منظور همان گناه دنیاپرستی و مخالفت با دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و روی آوردن به جمع غنائم در میدان احد و یا گناهان دیگری باشد که قبل از حادثه‌ی احد مرتکب شده بودند که نیروی ایمان را در آنان تضعیف کرده بود. «۱» البته مانعی ندارد که آیه به هر دو معنا اشاره

کند؛ بدین ترتیب که گناهان سابق زمینه‌ساز نافرمانی در میدان شد و نافرمانی در جنگ زمینه‌ساز وسوسه‌های شیطانی و فرار. ۲. اگر انسان از گناهان توبه نکند، گناهان قبلی راه را برای گناهان بعدی هموار می‌سازد و شیطان را بر انسان مسلط می‌کند؛ وگرنه، وسوسه‌های شیطانی در دل‌های پاک کم‌تر اثر می‌کند. ۳. یکی از عوامل فرار از جنگ، گناهان سابق است که میدان را برای تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۰۵ وسوسه‌های شیطانی باز می‌کند. آری، گناه پرده‌ی تقوا و حیا را می‌درد، و در نتیجه، انسان به دامن گناهی بزرگ‌تر، یعنی فرار از جنگ، می‌افتد. پس برای استقامت بیش‌تر، بهتر است رزمندگان خود را در آب استغفار شست و شو دهند. «۱» خواجه گر توبه‌ی نصوح کند هر دمی عالمی فتوح کند (مثنوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خلافکاری زمینه‌ساز شکست شما در میدان نبرد است. ۲. با مطالعه و تحلیل جنگ احد، از تکرار صحنه‌ی آن جلوگیری کنید. ۳. شیطان از گناهان شما سوء استفاده می‌کند. ۴. هر لغزش شما زمینه‌ساز لغزش دیگری است (مگر آن که توبه کنید). ۵. بعد از لغزش‌ها و شکست‌ها به آمرزش الهی امیدوار باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و ششم سوره‌ی آل عمران به تبلیغات منفی کافران پس از جنگ (احد) پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: ۱۵۶. یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لَا تَکُونُواْ کَالَّذِینَ کَفَرُواْ وَ قَالُواْ لِإِخْوَنِهِمْ إِذَا ضَرَبُواْ فِی الْأَرْضِ أَوْ کَانُواْ غُزًّى لَّوْ کَانُواْ عِندَنَا مَا مَاتُواْ وَ مَا قُتِلُواْ لِیَجْعَلَ اللَّهُ ذلِکَ حَسْرَةً فِی قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ یُحْیِ وَ یُمِیتُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند، و درباره برادرانشان، هنگامی که در زمین مسافرت کردند (و مردند) یا جهادگر (و شهید) شدند، گفتند: «اگر (بر فرض) نزد ما بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند!» (شما چنین سخنانی مگویید) تا خدا آن را حسرتی بر دل‌هایشان قرار دهد. و خدا، زنده می‌کند و می‌میراند؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۰۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مسلمانان باید در مقابل تبلیغات و القائات دل سرد کننده و شایعات دشمن بایستند و آنها را تکرار نکنند، و برخلاف آنها عمل کنند تا دشمنان ناکام و حسرت‌زده شوند. ۲. آیه‌ی فوق سنت مرگ و حیات را به دست خدا و از مقدّرات الهی معرفی می‌کند که وابسته به جنگ‌ها یا مسافرت‌ها نیست. اجل و مرگ قطعی انسان در هر حالی که باشد، فرا می‌رسد (همان‌گونه که در آیات ۱۴۵ و ۱۵۴ همین سوره گذشت.) و میدان جنگ و مسیر سفر و مانند آنها مکان‌های مرگ‌اند، ولی علت کامل نیستند و تا مرگ حتمی کسی نرسد، نمی‌میرد، چه در جبهه‌ی جنگ باشد و چه در منزل خویش. ۳. مضمون آیه‌ی فوق در آیه‌ی ۱۶۸ همین سوره نیز آمده است که در این‌جا از قول کافران و در آن‌جا از قول منافقان مطلب فوق را حکایت می‌کند. پس ممکن است مقصود از کافران در آیه‌ی فوق همان منافقان باشند «۱» که با این سخنان در برابر اسلام سم پاشی می‌کردند و قرآن شدیداً با آنان برخورد می‌کند و کافرشان می‌خواند. و از طرف دیگر ممکن است این سخنان توسط کافران و منافقان گفته شده که در هر آیه به یک گروه اشاره می‌کند. «۲» ۴. دشمنان در صدر اسلام با ظاهری دل سوزانه علیه اسلام تبلیغ می‌کردند، همان گونه که در عصر ما کافران از طریق وسایل ارتباط جمعی، هم چون مطبوعات و ماهواره‌ها، و با استفاده از دقیق‌ترین نکات روان شناختی و جامعه‌شناختی، علیه مسلمانان تبلیغ می‌کنند؛ بنابراین مسلمانان باید مواظب باشند و فریب ظاهر دشمن را نخورند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۰۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مسلمانان با بی‌توجهی به شایعات و تبلیغات کافران، حسرت بر دل آنها بگذارند. ۲. شما از تبلیغات منفی دشمنان اسلام پیروی و تقلید نکنید. ۳. مرگ و حیات شما به دست خداست (پس عوامل طبیعی را صد درصد مؤثر ندانید). *** قرآن کریم در آیات صد و پنجاه و هفتم و صد و پنجاه و هشتم سوره‌ی آل عمران به مقایسه‌ی شهادت با ثروت‌اندوزی می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۵۷ و ۱۵۸. وَ لَئِن قُتِلْتُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةٌ خَیْرٌ مِّمَّا یَجْمَعُونَ* وَ لَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَی اللَّهِ تُحْشَرُونَ و اگر [هم] در راه خدا کشته شوید، یا بمیرید، حتماً آمرزشی از جانب خدا و رحمت [او]، از [همه] آنچه آنان جمع می‌کنند، بهتر است.* و اگر بمیرید یا کشته شوید، حتماً فقط به سوی خدا گردآوری خواهید شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق مردن در مسافرت، در ردیف شهادت در راه خدا ذکر شده است؛ زیرا منظور آن مسافرت‌هایی است که در راه خدا و برای خدا انجام گیرد، همانند سفر به سوی میدان جنگ یا سفرهای تبلیغی (دینی) و مانند آن. البته سفرهای آن زمان

آمیخته با مشکلات و خطرها و بیماری‌ها بود و تعداد مردگان در این سفرها کم‌تر از تعداد کشته‌های جنگ نبود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۰۸ ۲. در فرهنگ قرآن و جهان‌بینی الهی، مرگ و شهادت در راه خدا، از همه‌ی اموالی که می‌توان جمع کرد بهتر است؛ چرا که نتیجه‌ی شهادت، مغفرت و رحمت الهی است که ابدی است ولی آثار جمع مال و ثروت موقت است. این مرگ نه باغ و بوستان است کو راه سرای دوستان است (نظامی) ۳. در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که مقصود از «راه خدا» در این آیه علی علیه السلام وفرزندان او هستند و هر کس در راه ولایت علی علیه السلام شهید شود، در راه خدا شهید شده است و هر کس در راه ولایت علی علیه السلام بمیرد در راه خدا مرده است. «۱» البته این حدیث در حقیقت مطالب کلی آیه را بر یک مصداق خاص تطبیق کرده است. ۴. مرگ به معنای فنا و نابودی نیست، بلکه دریچه‌ای است به سوی زندگانی دیگر که همراه با ابدیت و در سطحی عالی‌تر است؛ پس اگر بمیرید و یا کشته شوید به سوی خدا بازمی‌گردید. ۵. اگر همگان به سوی خدا می‌روند پس بهترین نوع رفتن، یعنی شهادت را انتخاب کنیم که از امام حسین علیه السلام چنین حکایت شده است: اگر بدن‌ها برای مرگ آماده شده‌اند، پس شهادت مرد در راه خدا با شمشیر، بهترین مرگ‌هاست. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۰۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مرگِ رحمت‌آفرین بهتر از ثروت است. ۲. فرجام شما به سوی خداست (پس، از مرگ و شهادت نهراسید). ۳. رحمت و آمرزش الهی را در شهادت و سفرهای الهی بیابید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و نهم سوره‌ی آل عمران با یادآوری اخلاق نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمان عفو عمومی، مشورت و توکل را صادر می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۹. فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظّاً غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِى الأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان نرم‌خو شدی؛ و اگر (بر فرض) تندخویی سخت‌دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر، و برای شان آمرزش بخواه؛ و در کار [ها] با آنان مشورت کن؛ و هنگامی که تصمیم گرفتی، پس بر خدا توکّل کن؛ چرا که خدا توکّل کنندگان را دوست می‌دارد. شأن نزول: حکایت شده که پس از آن‌که مسلمانان از جنگ احد به مدینه بازگشتند، برخی از کسانی که از صحنه‌ی جنگ گریخته بودند، گرد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حلقه زدند و ضمن اظهار ندامت، تقاضای عفو داشتند. در این هنگام آیه‌ی فوق فرو فرستاده شد و دستور عفو عمومی را صادر کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله با تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۱۰ آغوش باز، خطاکاران را پذیرفتند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق به مناسبت جنگ احد فرو فرستاده شده است، اما از نظر محتوا شامل برنامه‌هایی کلی و اصولی است و منحصر به واقعه‌ای خاص نمی‌شود. ۲. در این آیه به دو نوع خشونت اشاره شده است یکی خشونت در سخن و دیگری خشونت در عمل «۲» که هیچ کدام از آنها در رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله نبود و آن حضرت نرمش کامل در برابر جاهلان و خطاکاران از خود نشان می‌دادند. «۳» ۳. نرمش یک هدیه‌ی الهی است و کسانی که نرمش ندارند، از این رحمت الهی محروماند. «۴» به شیرین زبانی و لطف و خوشی توانی که پیلی به مویی کشی ۴. تعبیر «آنها را عفو کن و برای آنان طلب آمرزش نما» اشاره می‌کند که نسبت به بی‌وفایی‌های یاران و مصیبت‌هایی که برای تو فراهم کردند از حق خود بگذر؛ یعنی در این مورد من نزد تو از آنان شفاعت می‌کنم و در مورد نا فرمانی‌هایی که نسبت به من کردند، تو شفیع آنان نزد من باش و آمرزش آنها را از من طلب کن. این تعبیر اوج محبت خدا را نسبت به بندگان گناهکار نشان می‌دهد. ۵. یکی از صفات مهم رهبری «گذشت، نرمش و انعطاف» در برابر متخلّفانی است که از کرده‌ی خود پشیمان شده‌اند. از علی علیه السلام حکایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۱۱ وسیله‌ی رهبری، گشادگی سینه (صبر و تحمّل) است. «۱» ۶. پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از جنگ احد با مردم مشورت کردند و نظر اکثریت را پذیرفتند و برای جنگ به بیرون شهر رفتند. پس از شکست احد، بسیاری فکر می‌کردند که پیامبر دیگر نباید با کسی مشورت کند، ولی آیه‌ی فوق به این طرز تفکر پاسخ داد و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که باز هم با مردم مشورت کن، اگر چه در برخی موارد نتایج آن مطلوب نباشد؛ چرا که نتایج سودمند مشورت بیش‌تر از ضرر آن است. ۷. مشورت و مشاوره در اسلام آن

قدر اهمیت دارد. که حتی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که عقلی نیرومند داشتند و به وحی متصل بودند، دستور می‌دهد که مشورت کند. مشورت فواید زیادی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: الف) نیروی تفکر افراد را پرورش می‌دهد. ب) مشورت کننده‌گان کم‌تر دچار لغزش می‌شوند. ج) مشورت کننده‌گان پس از پیروزی کم‌تر مورد حسد واقع می‌گردند. د) کسانی که در کارها مشورت می‌کنند اگر شکست بخورند، زبان اعتراض و ملامت دیگران بر آنان بسته می‌شود و در عوض دیگران برای او دل سوزی و با او همراهی می‌کنند. ه) انسان از راه مشورت می‌تواند ارزش شخصیت افراد و میزان دوستی و دشمنی آنها را درک کند. و) عدم مشورت و استبداد رأی، شخصیت توده‌ی مردم را می‌کُشد و استعدادهای آماده را نابود می‌کند. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۱۲ هر کس استبداد به رأی داشته باشد، هلاک می‌شود و کسی که با افراد بزرگ مشورت کند، در عقل آنان شریک شده است. «۱» این خردها چون مصابیح انور است بیست مصباح از یکی روشن‌تر است (مولوی) ۸. واژه‌ی «الامر» مفهوم وسیعی دارد و شامل همه‌ی کارها می‌شود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد شیوه‌های اجرایی قوانین و مسائل مربوط به دفاع و جنگ و مانند آن مشورت می‌کردند نه در مورد احکام و قوانین الهی؛ و حتی مسلمانان در مقابل پیشنهادهای پیامبر صلی الله علیه و آله، ابتدا سؤال می‌کردند که آیا این یک حکم الهی و قانون است، یا نظر شخصی شماست، که در صورت اول جای اظهار نظر نیست. «۲» در نتیجه، اموری مانند عقاید ثابت دینی، احکام شریعت و نصب امام معصوم که از طریق قرآن و دستورهای الهی به ما رسیده است، قابل مشورت کردن و رأی‌گیری نیست، و گر نه اصل تشریع و قانون‌گذاری از طرف خدا لغو و بیهوده خواهد بود. «۳» ۹. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که با سه گروه مشورت نکنید: اول، با انسان‌های بخیل؛ چرا که تو را از بخشش و کمک به دیگران بازمی‌دارند واز فقر می‌ترسانند. دوم، با انسان‌های ترسو؛ چرا که تو را از انجام کارهای مهم بازمی‌دارند. و سوم، با انسان‌های حریص؛ زیرا آنان برای جمع‌آوری ثروت و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۱۳ کسب مقام، ستمگری را در نظر تو زیبا جلوه می‌دهند. «۱» ۱۰. از نظر اسلام، شخص مشاور وظیفه دارد خیرخواهی کند و خیانت در مشورت ننماید، حتی درباره‌ی غیر مسلمانان؛ چرا که از گناهان بزرگ است. در «رساله‌ی حقوق» امام سجاد علیه السلام آمده است: حق کسی که از تو مشورت می‌خواهد این است که اگر عقیده و نظری داری در اختیار او بگذاری و اگر درباره‌ی آن کار چیزی نمی‌دانی، او را به کسی راه‌نمایی کنی که می‌داند. «۲» ۱۱. نکته‌ی جالب آیه آن است که مشاوره به صورت جمع آمده، اما تصمیم نهایی به صورت مفرد، و به عهده‌ی رهبر اسلام گذاشته شده است. و این مطلب به این نکته اشاره دارد که بررسی و مشورت در مورد مسائل اجتماعی باید به صورت گروهی انجام گیرد، اما هنگامی که طرح تصویب شد، باید برای اجرای آن، اراده‌ی واحدی به کار افتد، و گرنه هرج و مرج پدید خواهد آمد. ۱۲. در کنار مشورت (و تفکّر)، توکّل بر خدا فراموش نشود، که خدا توکل کنندگان را دوست دارد. مقصود از توکل این نیست که انسان وسایل و اسباب عادی را فراموش کند، بلکه منظور آن است که انسان خود را در جهان محدود مادی محصور نکند و بعد از اقدامات عادی و فراهم کردن وسایل، چشم به لطف و حمایت پروردگار بدوزد. آری، توکل، آرامش و نیروی روحی و معنوی به انسان می‌بخشد که بهتر می‌تواند با مشکلات رو به رو شود. حتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده که به تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۱۴ یک نفر فرمود: اول پای شتر را ببندد، سپس توکل کن. «۱» گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند (مولوی) ۱۳. نظام اجتماعی اسلام بر سه محور: خدا، مردم و رهبری، پایه‌گذاری شده است؛ یعنی مشورت مردم و اراده‌ی مدیر جامعه در تصمیم‌سازی‌ها نقش اساسی دارند، ولی برای اجرای تصمیمات نباید خدا را فراموش کرد و فقط بر امور مادی تکیه نمود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آموزه‌ی روان شناختی و جامعه‌شناختی این آیه برای رهبران الهی و مبلغان دینی آن است که با اخلاق نیکو و عطوفت، مردم را جذب کنند. ۲. مهربانی، بخشش، آمرزش‌خواهی و مشورت، لازمه‌ی رهبری جامعه است. ۳. اول مشورت کنید سپس تصمیم بگیرید. ۴. تصمیم نهایی در امور اجتماعی با رهبر و مدیر است. ۵. در امور اجتماعی با توجه به سه محور: مردم، اراده‌ی رهبری و توکل بر خدا،

تصمیم‌سازی کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصتم سوره‌ی آل‌عمران به قانون یاری خدا و توکل بر او اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۶۰. إِن يَنصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِى يَنصُرُكُم مِّن بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۱۵ اگر خدا شما را یاری کند، پس هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد؛ و اگر شما را یاری نکند، پس کیست، آن‌که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان، پس باید تنها بر خدا توکّل کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حمایت خدا یا ترک حمایت او نسبت به مؤمنان، براساس شایستگی‌هاست نه بی‌حساب. آنان که نافرمانی می‌کنند و از فراهم ساختن نیروهای مادی و معنوی غافل‌اند، هرگز مشمول یاری خدا نخواهند بود، اما آنان که با صفوفی فشرده و نیت خالص و عزم راسخ، به تهیه‌ی وسایل می‌پردازند، دست حمایت پروردگار با آنها خواهد بود. ۲. قدرت خدا بی‌کران و شکست‌ناپذیر است؛ از این رو کسی که خدا یاری‌اش کند به منبع قدرت بی‌منتهای الهی وصل شده و شکست نخواهد خورد، اما عوامل طبیعی تحت تأثیر عوامل دیگر واقع می‌گردند و گاهی مقهور و مغلوب می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها:۱. اگر پیروزی بدون شکست می‌خواهید، بر خدا تکیه کنید و از امداد او استفاده نمایید. ۲. پیروزی و شکست شما به دست خداست؛ پس بر غیر او توکلّ نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و یکم سوره‌ی آل عمران به ممنوعیت خیانت اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۶۱. وَ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّ وَ مَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيمَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۱۶ و برای هیچ پیامبری شایسته نیست، که خیانت کند؛ و هر کس خیانت کند، روز رستاخیز، آنچه را (در آن) خیانت کرده، می‌آورد؛ سپس به هر کس، آنچه را بدست آورده، بطور کامل داده می‌شود؛ در حالی که به آنان ستم نخواهد شد. شأن نزول: حکایت شده که برخی از تیراندازان جنگ احد می‌خواستند سنگر حسّاس خود را برای جمع‌آوری غنایم جنگی رها کنند که فرمانده آنان، دستور داد «از جای خود حرکت نکنید، چون رسول خدا صلی الله علیه و آله شما را از غنیمت محروم نخواهد کرد.» ولی آنان گفتند «ما می‌ترسیم پیامبر صلی الله علیه و آله در تقسیم غنایم، ما را از نظر دور دارد.» از این رو سنگر را رها کردند و به جمع‌آوری غنایم پرداختند و همین اقدام، عامل شکست مسلمانان در جنگ احد شد. «۱» آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و بیان داشت که هیچ پیامبری خیانت‌کار نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خیانت شایسته‌ی مقام نبوت نیست؛ چون اگر پیامبری امین نباشد، نمی‌توان در مورد رساندن رسالت الهی و تبلیغ احکام به او اطمینان کرد. «۲» ۲. خیانت مفهوم وسیعی دارد؛ از جمله خیانت در تقسیم غنایم جنگی و در امانات مردم و در دریافت وحی و رساندن آن به مردم. و این آیه همه‌ی اقسام خیانت را از پیامبران نفی می کند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۱۷ ۳. اعمال انسان در قیامت تجسّم می‌یابد؛ یعنی شخص خیانت‌کار عین چیزی را که در آن خیانت کرده، در روز قیامت به دوش می‌کشد. ۴. قرآن کریم برای جلوگیری از خیانت، کیفر اعمال در قیامت را یادآوری کرده است. این نشان می‌دهد که یاد رستاخیز، عامل بازدارنده از خیانت است؛ پس اگر می‌خواهید افراد جامعه از خیانت کاری بپرهیزند، معادباوری را در آنان تقویت کنید. ۵. با آن‌که پیامبران الهی امین بودند، برخی از افراد نادان به آنان سوء ظن می‌بردند. در جهانی که به پیامبران تهمت بزنند، چه انتظاری درباره‌ی بندگان صالح و رهبران حق دارید! اما خدا از حریم پاکان و رهبران الهی دفاع می‌کند. در آن بساط که حسن تو جلوه آغاز زد مجال طعنه‌ی بدبین بدپسند جهاد (حافظ) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقام نبوت با خیانت‌کاری سازگار نیست. ۲. از رهبران الهی در برابر تهمت‌ها دفاع کنید. ۳. از رسوایی رستاخیز بهراسید و خیانت نکنید. ۴. رستاخیز روز تجسّم اعمال و دریافت (پاداش) آنهاست. ۵. در رستاخیز به کسی ستم نمی‌شود (بلکه کیفرهای آن روز دستاورد خود شماست). ۶. معاد باوری عامل بازدارنده از خیانت است (پس فرجام اندیشی را در جامعه تقویت کنید، تا مانع خیانت‌پیشگی گردد). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و دوم سوره‌ی آل‌عمران به کسانی که از جهاد سرباز زدند اشاره می کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۱۸ ۱۶۲. أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَنَ اللَّهِ كَمَن بَآءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَ مَأْوَيهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ و آیا کسی که بدنبال خشنودی خدا بوده، همانند کسی است که به خشمی از خدا بازگشته و مقصدش جَهنّم است؟ و چه بد فرجامی است! شأن نزول: حکایت شده هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و

آله فرمان حرکت به سوی جبهه‌ی احد را صادر کردند، گروهی از منافقان به این بهانه که یقین به وقوع جنگ ندارند، از حضور در میدان خودداری کردند و برخی از مسلمانان سست ایمان نیز به آنان ملحق شدند، «۱» ولی گروه مؤمنان محکم و استوار به پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله در جبهه‌ی جنگ حاضر شدند. آیه‌ی فوق به این دو گروه و فرجام آنان اشاره می‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جهاد در راه خدا، دنبال کردن رضای خداست و روی گردانی از جنگ نیز، بازگشت به غضب خداست؛ البته آیه به این قانون کلی نیز اشاره دارد که فرجام خداطلبان و دشمنان خدا یکسان نیست که پیامبران الهی و مجاهدان از مصادیق آنها هستند. ۲. در آیه‌ی فوق مطلب به صورت پرسش و مقایسه مطرح شده است. این یکی از روش‌های مؤثر تربیتی قرآن کریم است که حقایق مربوط به معارف دینی، اخلاقی و اجتماعی را در قالب پرسش و مقایسه مطرح می‌کند «۲» و داوری را به عهده‌ی شنونده می‌گذارد تا او با تفکر و بر اساس فطرت و وجدان خویش یکی را انتخاب کند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۱۹ این شیوه، که آموزش غیر مستقیم است، اثر فوق العاده‌ای در تربیت انسان‌ها دارد؛ ممکن است انسان در آموزش مستقیم و بیان قطعی مطالب موضع‌گیری کند و آن را یک فکر بیگانه به شمار آورد، اما در مورد مطالب غیرمستقیم مقاومت نمی‌کند و با فطرت و وجدان درباره‌ی آنها قضاوت می‌کند و با نظر خویش آنها را می‌پذیرد. این روش، به ویژه در مورد کودکان و افراد لجوج بسیار مؤثر است. ۴. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که مقصود از «گروهی که به دنبال رضایت الهی هستند» امامان شیعه‌اند، که درجاتی برای مؤمنان در نزد خدایند، که با ولایت و معرفت آنان، اعمال شیعیان مضاعف و درجاتشان بالا می‌رود. «۱» البته روایت فوق در حقیقت مصداق کامل مجاهدانی را بیان می‌کند که در طلب رضایت الهی‌اند؛ یعنی علی علیه السلام و فرزندان معصوم او که همیشه در راه دین خدا فداکاری کردند، ولی این گونه روایات انحصار را نمی‌رساند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام کژروی و مبارزه با راه الهی، عذاب‌آلود است. ۲. خداطلبی و خداستیزی یکسان نیست. ۳. اگر می‌خواهید گرفتار جهنّم نشوید در طلب کسب رضایت الهی باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و سوم سوره‌ی آل‌عمران به درجات متفاوت جهادگران و امتناع کنندگان از جهاد، اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۳. هُمْ دَرَجتٌ عِندَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ آنان در پیشگاه خدا رتبه‌هایی (متفاوت) هستند؛ و خدا به آنچه انجام تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۲۰ می‌دهند، بیناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نه تنها پیامبران و مجاهدان با منافقان تن‌پرور فرق دارند، بلکه هر یک از افراد این دو صف بر اساس فداکاری یا نفاق خود، در پیشگاه خدا جایگاه خاصی خواهند داشت که از صفر شروع می‌شود و تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد. ۲. از امام رضا علیه السلام حکایت شده که هر درجه‌ای به اندازه‌ی فاصله‌ی میان آسمان و زمین است. «۱» این حدیث برای بیان زیاد بودن فاصله، به فاصله‌ی بین زمین و آسمان اشاره کرده است، و گرنه ممکن است فاصله‌ی درجات معنوی و واقعی بیش از این باشد. ۳. واژه‌ی «دَرَجه» به پله‌هایی گفته می‌شود که انسان به وسیله‌ی آنها به نقطه‌ی بلندی صعود می‌کند؛ در مقابل «دَرَک» که به پله‌هایی گفته می‌شود که برای پایین رفتن به نقطه‌ای استفاده می‌شود. در قرآن، واژه‌ی اول برای مؤمنان و واژه‌ی دوم برای منافقان، به کار رفته است «۲» اما در این‌جا با آن‌که مؤمن و منافق هر دو مطرح‌اند، واژه‌ی «درجات» گفته شده است تا جانب مؤمنان رعایت شود و، به اصطلاح، از تغلیب استفاده شده است. «۳» ۴. پیامبران، مؤمنان و منافقان خودشان درجه هستند؛ یعنی هر کس در ذات خود، بر اساس کمالات و فضایل، یا نواقص و رذایل، درجه‌ی وجودی دارد که بالا- یا پایین است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۲۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس درجه‌ی وجودی خاصی (براساس عقاید و کردار خویش) در نزد خدا دارد (بنگرید که شما چه درجه‌ای دارید). ۲. اعمال شما تحت نظر خداست (پس مراقب کردار خود باشید که درجات شما را بالا- و پایین می‌برد). ۳. به درجات متفاوت انسان‌ها بنگرید (و درس عبرت بیاموزید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و چهارم سوره‌ی آل عمران به نعمت بزرگ رهبران الهی و برنامه‌های آموزشی و پرورشی آنان اشاره می‌کند، و می‌فرماید: ۱۶۴. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتبَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِن كَانُواْ مِن قَبْلُ لَفِى ضَلٍ مُّبِينٍ بیقین، خدا بر مؤمنان منّت نهاد [: و نعمت بزرگی

بخشید] هنگامی که در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان بر انگیخت؛ که آیاتش را بر آنان بخواند، [و پیروی کند] و رشدشان دهد [و پاکشان گرداند]، و کتاب [خدا] و فرزانگی به آنان بیاموزد؛ در حالی که قطعاً پیش از [آن] در گمراهی آشکاری بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منّت بر دو قسم زشت و زیباست. قسم زیبایِ منّت آن است که کسی عملًا نعمت بزرگی به دیگری بدهد؛ یعنی بخشیدن نعمت‌های بزرگ مِنّتی نیکوست همان طور که انگیزش پیامبران هدیه‌ای الهی و نعمت سنگین خدا بر بشر است. و منّت زشت و نکوهیده آن است که کسی کار کوچک خود را با سخن، بزرگ کند و به رُخ افراد بکشد، یعنی بزرگ شمردن نعمت‌ها در گفتار تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۲۲ نکوهیده است. «۱» ۲. این آیه منّت انگیزش پیامبران را بر مؤمنان نهاده است، در حالی که پیامبران برای هدایت عموم بشر آمده‌اند؛ این به خاطر آن است که از نظر نتیجه‌گیری و تأثیر، تنها مؤمنان هستند که از این نعمت بزرگ استفاده می‌کنند و عملًا آن را به خود اختصاص می‌دهند. ۳. این که فرستاده‌ای از طرف خدا بیاید نعمتی است و این‌که فرستاده‌ی او از جنس بشر باشد، نعمت دیگری است؛ زیرا اگر پیامبر، مثلًا از، جنس فرشتگان بود، نمی‌توانست به درستی احتیاجات و مشکلات انسان را درک نماید و با توجه به آنها، انسان‌ها را تربیت کند. و از طرف دیگر، پیامبر باید انسان نمونه‌ای باشد تا بتواند الگوی عملی بشر گردد؛ یعنی اگر یک فرشته گناه نکند عجیب نیست، اما اگر انسانی بر هوای نفس خود مسلط شود و گناه نکند، می‌تواند الگویی عملی برای تربیت دیگران باشد. ۴. از نظر ترتیب طبیعی، «تعلیم» قبل از «تربیت و تزکیه» است، اما در آیه‌ی فوق تربیت قبل از تعلیم ذکر شده است «۲» و این می‌تواند به دلایل زیر باشد: الف) هدف اصلی و نهایی انگیزش پیامبران تربیت است؛ پس، از این جهت بر تعلیم مقدم شده است. آیینه شو، وصال پری‌طلعتان طلب اول بروب خانه، دگر میهمان طلب (صائب تبریزی) ب) مقصود از تزکیه، پاک ساختن انسان‌ها از پلیدی‌های شرک و عقاید تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۲۳ باطل و خرافی است، و تا هنگامی که نهاد انسان از این آلودگی‌ها پاک نشود، ممکن نیست آماده‌ی تعلیم کتاب الهی و حکمت و دانش واقعی گردد. بد گهر را علم و فن آموختن دادن تیغ است دست راهزن تیغ دادن در کف زنگیِ مست به که افتد علم، ناکس را به دست (مولوی) ۵. واژه‌ی «تلاوت» به معنای خواندن و پیروی کردن است. «۱» پس طبق آیه‌ی فوق، پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از هر کاری، خود به آیات الهی عمل می‌کند و آنها را بر مردم می‌خواند؛ یعنی خود الگوی عملی برنامه و کتاب خویش است و از این به بعد است که اقدام به تزکیه و تعلیم می‌کند. نفس خود ناکرده تسخیر ای فلان چون کنی تسخیر نفس دیگران نفس را اول برو در بند کن پس برو آهنگ وعظ و پند کن ۶. واژه‌ی تزکیه، در اصل به معنای نُمو و رشد بر اثر برکت الهی است «۲» و تزکیه‌ی نفس به معنای پاک کردن و رشد آن است. تزکیه کننده‌ی نفس، خود انسان است اما این کار به پیامبر نسبت داده می‌شود چون ایشان واسطه و سبب این کار هستند. ۷. کتاب اشاره به اصل دستورات و قوانین و شریعت اسلام «۳» و حکمت اشاره به فلسفه و اسرار آنهاست. ممکن است مراد از کتاب و حکمت وحی و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۲۴ عقل باشد؛ «۱» چرا که اصل واژه‌ی حکمت به معنای منع کردن به قصد اصلاح است؛ بنابراین مفهوم آن دلایل عقلی است. «۲» ۸. قرآن، دوران جاهلیت را با عنوان «گمراهی آشکار» تعبیر کرده است؛ زیرا گاهی وسایل گمراهی طوری است که انسان به راحتی نمی‌تواند، باطل بودن و گمراهی آن را بفهمد، اما گاهی گمراهی آشکار است و هر کس، با کمی تفکر، به سرعت می‌تواند به آن پی ببرد. ۹. برای شناخت بهتر نعمت انگیزش پیامبران، باید به تاریخ قبل از آنان مراجعه کرد؛ بسیاری از نعمت‌های فعلی بشر، مثل تمدن، علم‌آموزی، آزادی از خرافات و ... از تلاش خستگی‌ناپذیر پیامبران حاصل شده است. ۱۰. علم بدون تزکیه زیان‌آور است. امام عارفان در این مورد می‌فرماید: اگر انسان، خبائث را از نهادش بیرون نکند، هر چه درس بخواند و تحصیل نماید نه تنها فایده‌ای بر آن مترتب نمی‌شود، بلکه ضررها دارد. علم، وقتی در این مرکز خبیث وارد شد شاخ و برگ خبیث به بار آورد ... این اصطلاحات خشک، اگر بدون تقوا و تهذیب نفس باشد، هر چه بیش‌تر در ذهن انباشته گردد، کبر و نخوت در دایره‌ی نفس بیش‌تر توسعه می‌یابد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۲۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی، نعمت‌های بزرگ خدا هستند (آنان را بشناسید

و سپاس گزار باشید). ۲. رهبران و مبلغان دینی برنامه‌های آموزشی و پرورشی برای مردم ارائه کنند. ۳. الگودهی عملی، پاک‌سازی درونی و آموزش علمی سرفصل‌های برنامه‌های پیامبران است. ۴. رهبران و مبلغان الهی، خود الگوی عملی برنامه‌ی خویش باشند و مردم را بدانچه خود عمل می کنند بخوانند (تا تأثیر گذار باشد). ۵. آموزش عمومی بر پایه‌ی قرآن و حکمت (وحی و عقل) پایه‌ریزی شود. ۶. با مقایسه‌ی گمراهی‌های دوران جاهلیت با تمدن اسلامی، به عظمت پیامبران الهی و برنامه‌های آنها پی ببرید (و سپاس گزار باشید). ۷. تزکیه (پاک‌سازی و رشد درونی انسان) بر آموزش علمی او مقدم است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و پنجم سوره‌ی آل‌عمران به مقایسه‌ی مصیبت‌های مسلمانان و کافران در جنگ می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۶۵. أَوَ لَمَّآ أَصَبَتْکُم مُّصِیبَةٌ قَدْ أَصَبْتُم مِّثْلَیهَا قُلْتُمْ أَنَّی هذَا قَلْ هُوَ مِنْ عِندِ أَنفُسِکُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۲۶ و آیا هنگامی که به شما مصیبتی (در نبرد احد) رسید، که دو برابر آن را (در نبرد بدر بر دشمن) وارد ساخته بودید، گفتید: «این (مصیبت) از کجاست؟!» بگو: «آن از جانب خودتان است.» براستی که خدا بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نباید نتیجه‌ی یک واقعه و یا جنگ را به تنهایی بررسی و تحلیل کرد، بلکه باید نتایج همه‌ی برخوردها و وقایع مرتبط با آن را با هم‌دیگر محاسبه کرد و در هنگام قضاوت، تلخی‌ها و شیرینی‌ها را با هم در نظر گرفت که در این صورت، نتیجه می‌شود که مسلمانان ضرر نکرده‌اند. ۲. قرآن عوامل شکست در جنگ احد را از ناحیه‌ی خود مسلمانان می‌داند؛ چرا که گروهی از سپاهیان اسلام با نافرمانی کردن از پیامبر صلی الله علیه و آله، سنگر حساس تیراندازان (کوه عَیْنَین) را رها ساختند و به جمع‌آوری غنایم پرداختند و همین سرپیچی و سستی باعث آن شکست شد. «۱» و نیز مسلمانان در مقابل کفار و مشرکان خون‌خوار مکه کوتاه آمدند و بر آنان ترحّم کردند و هفتاد اسیر را بعد از جنگ بدر آزاد نمودند و همین باعث تقویت جبهه‌ی کفر و پیروزی آنان در جنگ احد شد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در تحلیل جنگ، به مقایسه بپردازید (تا روشن شود که مؤمنان در تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۲۷ مجموع زیان نکرده‌اند). ۲. در بررسی عوامل شکست، از عوامل درونی و ضعف‌های نیروهای خودی غافل نشوید (و آنها را بشناسید و رفع کنید). ۳. رهبران الهی پاسخ گوی سؤالات جامعه باشند و ابهامات را رفع کنند. ۴. در تحلیل عوامل مادیِ وقایع و جنگ‌ها، قدرت بی کران الهی را فراموش نکنید (و ناامید نشوید). *** قرآن کریم در آیات صد و شصت و ششم و صد و شصت و هفتم سوره‌ی آل عمران به نتایج مثبت جهاد در جامعه‌ی اسلامی و واکنش منافقان در برابر آن اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۶۶ و ۱۶۷. وَ مَآ أَصبَکُمْ یَوْمَ الْتَقَی الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ لِیَعْلَمَ الْمُؤْمِنِینَ* وَ لِیَعْلَمَ الَّذِینَ نَافَقُواْ وَ قِیلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ قتِلُواْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُواْ قَالُواْ لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّاتَّبَعْنَکُمْ هُمْ لِلْکُفْرِ یَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلإِیمنِ یَقُولُونَ بِأَفْوهِهِم مَّا لَیْسَ فِی قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا یَکْتُمُونَ و روزی که دو گروه (: مؤمنان و کافران در نبرد احد با هم) رو به رو شدند، آنچه به شما رسید، پس به رخصت خدا، و بخاطر آن بود که مؤمنان را معلوم بدارد.* و (نیز) برای اینکه معلوم بدارد کسانی را که دورویی نمودند، و به آنان گفته شد: «بیایید در راه خدا جنگ کنید، یا دفاع نمایید.» گفتند: «اگر (بر فرض) جنگی می‌دانستیم حتماً از شما پیروی می کردیم.» در آن روز (فاصله) آنان به کفر نزدیک‌تر بود، از تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۲۸ (فاصله) آنان به ایمان؛ به زبانشان چیزی می گویند که در دل‌هایشان نیست. و خدا به آنچه پنهان می‌دارند، آگاه‌تر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در ماجرای احد سه گروه در میان مسلمانان پیدا شدند: گروه اول: افراد معدودی مثل علی علیه السلام بودند که تا لحظه‌ی آخر پایداری نمودند و شهید یا مجروح شدند. گروه دوم: کسانی بودند که در دل‌هایشان تزلزل و اضطراب پدید آمد و فرار کردند. و گروه سوم: منافقانی بودند که در بین راه، به بهانه‌های مختلف، از شرکت در جنگ خودداری کردند و به مدینه بازگشتند. «عبد اللَّه بن ابی سَلول» و سیصد نفر از یارانش، از این گروه بودند «۱» که در برابر دعوت به جهاد، بهانه می گرفتند و می گفتند: اگر می‌دانستیم جنگی واقع می‌شود از شما پیروی می کردیم. ۲. هر حادثه‌ای، طبق قانون عمومی آفرینش، علّت و سبب مخصوصی دارد و این یک اصل ثابت و همیشگی است. بر اساس این اصل هر لشگری که در میدان جنگ سستی کند و به دنیاپرستی روی آورد و از دستورهای فرماندهی خویش سرپیچی کند، محکوم به شکست خواهد بود. بنابراین،

مقصود از «اذْن اللَّه» (رخصت خدا) همان اراده و خواست و سنت‌های خداست که در قالب قانون علّیت در جهان هستی حکومت تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۲۹ می‌کند. «۱» ۳. در آیات قبل «۲» بیان کردیم که مقصود از علم خدا در این‌گونه آیات، علم فعلی «۳» بعد از ایجاد اشیا است. در حقیقت خدا می‌داند که مؤمنان و منافقان چه کسانی هستند، ولی برای مشخص شدن این افراد برای مردم و اتمام حجت بر آنان، مقدمات آزمایش آنها را فراهم می‌کند. ۴. از تعبیر «آنها در آن روز به کفر نزدیک‌تر از ایمان بودند.»، استفاده می‌شود که کفر و ایمان دارای درجاتی است که وابسته به عقاید و اعمال انسان است. ۵. جنگ و عملیات نظامی، چهره‌ی منافقان را افشا می‌کند. «۴» آنان نه حاضر به جنگ در راه خدا هستند و نه حاضرند از میهن و هم وطنان خویش دفاع کنند و اعمال خود را با بهانه جویی توجیه می‌کنند. ۶. از تعبیر «در راه خدا جهاد کنید یا دفاع نمایید.» استفاده می‌شود که دفاع از میهن، جان، خویشاوندان و هم‌وطنان نیز یک ارزش اسلامی است «۵» همان گونه که یک وظیفه‌ی انسانی است. ۷. از مجموع آیات مربوط به جنگ احد و به ویژه آیه‌ی فوق استفاده تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۳۰ می‌شود که همه‌ی اصحاب پیامبر یکسان نبوده‌اند، برخی مؤمنانِ راستین، برخی سست‌عنصر و برخی منافق بودند؛ پس نظریه‌ی عدالت همه‌ی صحابه نمی‌تواند صحیح باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شکست (و پیروزی) شما تحت نظر خدا و برای آزمایش شماست. ۲. مؤمنان واقعی و منافقان را در هنگام نبرد بشناسید. ۳. جهادگریزی، بهانه‌تراشی در هنگام جنگ، دوگانگی دل و زبان و پنهان‌کاری، از نشانه‌های منافقان است. ۴. دفاع (از میهن و ناموس و جان) ارزشمند است و در ردیف جهاد مطرح می‌شود. ۵. نفاق انسان را از ایمان دور می‌سازد و به کفر نزدیک می‌گرداند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و هشتم سوره‌ی آل‌عمران به واکنش دیگر منافقان در برابر جهاد اشاره می‌کند و با پاسخ به شبهه‌پراکنی آنان می‌فرماید: ۱۶۸. الَّذِینَ قَالُواْ لإِخْوٰنِهِمْ وَ قَعَدُواْ لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْ قُلْ فَادْرَءُواْ عَنْ أَنفُسِکُمُ الْمَوْتَ إِن کُنتُمْ صٰدِقِینَ کسانی که در حال (جنگ، در خانه خود) نشسته بودند، به برادرانشان گفتند: «اگر (بر فرض) از ما اطاعت می‌کردند، کشته نمی‌شدند.» بگو: «اگر راستگو هستید، پس مرگ را از خودتان دور سازید!» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۳۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منافقان می‌گفتند که از حوادث آینده خبر دارند، به طوری که اگر کسی از آنان پیروی کند از مرگ نجات می‌یابد قرآن به آنان پاسخ می‌دهد که اگر چنین است، باید بتوانید علل و عوامل مرگ خویش را پیش‌بینی و خنثی کنید در حالی که چنین قدرتی ندارید. افزون بر این، شما عمر جاویدان ندارید و نمی‌توانید قانون مسلم مرگ را تغییر دهید؛ پس چه بهتر که با افتخار در برابر دشمن بایستید و شربت شهادت بنوشید یا پیروز شوید. ۲. مضمون آیه‌ی فوق در آیه‌ی ۱۵۶ همین سوره گذشت. با این تفاوت که در آن‌جا از کافران حکایت شد و در این‌جا از منافقان. برخی از مفسران از مقایسه‌ی این دو آیه استفاده کرده‌اند که مقصود از کافران در آیه‌ی ۱۵۶ آل‌عمران همان منافقان هستند «۱» و این، شدت برخورد قرآن با منافقان را نشان می‌دهد. اما ممکن است که این سخن را هم منافقان گفته باشند و هم کافران «۲» و دو آیه به دو گروه متفاوت اشاره داشته باشد. ۳. آیه‌ی فوق منافقان را برادر مؤمنان خوانده است، با این‌که هرگز آنان برادر مؤمنان نیستند. با این تعبیر آنان را سرزنش می‌کند، که شما که مؤمنان را برادر خود می‌دانستید، پس چرا در این لحظات حساس دست از حمایت آنها برداشتید. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۳۲ ۴. از نشانه‌های منافقان آن است که به هنگام حرکت مردم به سوی جبهه‌ها، در شهر می‌مانند و بعد از جنگ، بازماندگان شهدا را سرزنش می‌کنند. ۵. زمان مرگ حتمی انسان را نمی‌توان پیش‌بینی کرد؛ حوادث و جنگ‌ها و بیماری‌ها زمینه‌های مرگ و شهادت‌اند، علّت کامل آن. چه بسا افرادی که سال‌ها در صحنه‌ی نبرد حاضر بودند، ولی شهید نشدند و در مناطق امن از دنیا رفتند؛ پس این مسائل نباید موجب گریز از جنگ شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان را از جنگ‌گریزی و واکنش منفی آنان در برابر جهادگران بشناسید. ۲. مرگ و شهادت قابل پیش‌بینی نیست (پس جنگ گریز نباشید). ۳. منافقان مدعی، حتی خود را نمی‌توانند نجات دهند، چه رسد به پیروان خود. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و نهم سوره‌ی آل عمران به زنده بودن شهیدان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۹. وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُواْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوٰتاً بَلْ أَحْیَآءٌ عِندَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ (ای پیامبر) هرگز مپندار کسانی که

در راه خدا کشته شدند، مردگانند، بلکه [آنان] زنده‌اند، [و] در پیشگاه پروردگارشان روزی داده می‌شوند! تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۳۳ شأن نزول: حکایت شده که بعد از حادثه‌ی احد «۱» گروهی از افراد سست ایمان، بر شهیدان احد تأسف می‌خوردند که «چرا مُردند!» و هنگام مشاهده‌ی نعمت‌های دنیا، ناراحتی آنها بیش‌تر می‌شد. آیات فوق خط بطلان بر این‌گونه گفتگوها و افکار کشید و مقام بلند شهیدان را یادآوری کرد. که در نزد خدا رُوزی داده می‌شوند. «۲» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خطاب «ای پیامبر! هرگز مپندار آنان که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند.» برای پیامبر صادر شده تا دیگران حساب کار خود را بکنند و چنین پنداری نسبت به شهیدان نداشته باشند. ۲. مقصود از زندگی شهیدان، همان حیات و زندگی برزخی ارواح پس از مرگ تا روز قیامت است؛ پس، منظور زندگی جسمانی و مادی نیست، همان گونه که مقصود معنای مجازی زندگی و باقی ماندن آثار و نام و نشان آنان نیست، هر چند نام و آثار شهیدان جاودان است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۳۴ ۳. حیات برزخی بعد از مرگ، اختصاص به شهیدان ندارد، اما از آن‌جا که حیات شهیدان یک زندگی فوق العاده عالی و آمیخته با نعمت‌های معنوی در نزد پروردگار است، گویا زندگی سایر افراد در مقابل آن چیزی نیست و تنها آنان زنده‌اند. ۴. آیه‌ی فوق دلیل دیگری برای بقای روح است. همان‌گونه که دلیل روشنی برای اثبات مسأله‌ی برزخ و نعمت‌های آن است. ۵. کشته شدن آنگاه ارزشمند است و پاداش دارد که در راه خدا باشد؛ و این گونه کشته شدن را شهادت می‌نامند. ۶. قرآن در آیه‌ی ۱۵۴ سوره‌ی بقره فرمود: «به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید.» و در این‌جا می‌فرماید: «مپندارید که شهیدان مرده‌اند.» آری، شهیدان راه خدا نباید در زبان و ذهن شما مرده و نابود شده به شمار آیند و این تصوری خلاف واقع و انحرافی است و مقام شهیدان آن قدر ارزشمند است که باید حریم و احترام آنان را حتی در ذهن‌ها، نگه داشت. ۷. زندگی و روزی برای بسیاری از افراد وجود دارد اما مهم است آن که «نزد پروردگار» باشد؛ یعنی زندگی و روزی خوردن در حضور دوست و درک حضور او و استفاده از لطف او، که این نعمت بزرگ نصیب شهیدان شده است. گر بشکافی هنوز خاک شهیدان عشق آید از آن کشتگان زمزمه‌ی دوست دوست ۸. آیه‌ی فوق در مورد شهدای جنگ احد فرو فرستاده شده است، اما تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۳۵ مضمون آیه شامل همه‌ی شهیدان راه خدا می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شهیدان زنده و مورد لطف الهی هستند. ۲. احترام شهیدان را پاس دارید، حتی در ذهن خودتان. ۳. ارزش شهید به هدف الهی اوست. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۳۶ شهیدان از منظر قرآن و حدیث ۱. شهید در قرآن: الف) کسانی که در راه خدا شهید می‌شوند اعمالشان گم و نابود نمی‌شود. (محمد، ۴) ب) خدا به شهیدان روزی می‌دهد. (حج، ۵۸.) ج) گناهان شهیدان پوشانده و آمرزیده می‌شود. (آل عمران، ۱۹۵). د) شهیدان را مرده نپندارید. (آل عمران، ۱۶۹). ه) به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید. (بقره، ۱۵۴). و) خدا به شهیدان پاداش عظیمی می‌دهد. (نساء، ۷۴). ز) شهیدان وارد بهشت می‌شوند. (آل‌عمران، ۱۹۵) . ۲. شهید در احادیث: الف) از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده: هنگامی که مجاهدان تصمیم می‌گیرند در میدان جهاد شرکت کنند، خدا آزادی از آتش جهنم را برای آنها مقرر می‌دارد. «۱» ب) در روایتی آمده است: تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۳۷ بالاتر از هر نیکی نیکوتری است، مگر شهادت، که هرگاه کسی شهید شود، دیگر بالاتر از آن نیکی متصوّر نیست.» ج) شهیدان در رستاخیز، مقام شفاعت دارند. «۲» د) هیچ قطره‌ای در نزد خدا محبوب‌تر از قطره‌ی خونی که در راه خدا ریخته می‌شود، نیست. «۳» ه) مجاهدان از در مخصوص «۴» و قبل از همه به بهشت می‌روند «۵» و در بهشت جایگاه مخصوصی دارند. «۶» شهیدان راهیان کوه طورند ز منزل‌های ظلمت در عبورند چو با پرهای خونین بازگردند توگویی قاصدی از شهر نورند *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۳۸ قرآن کریم در آیات صد و هفتادم و صد و هفتاد و یکم سوره‌ی آل‌عمران به نعمت‌های شهیدان و شادمانی آنان اشاره می‌کند، و می‌فرماید: ۱۷۰ و ۱۷۱. فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَيهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُواْ بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ* يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ [در حالی که آنان] بخاطر آنچه خدا از بخشش خود به ایشان داده است، شادمانند؛ و بخاطر (آگاهی از جایگاه مجاهدان یعنی)

کسانی که از پی ایشان، هنوز به آنان نپیوسته‌اند، شادی می‌کنند، که هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین می‌شوند.* بخاطر نعمتی از جانب خدا و بخشش [او] و اینکه خدا، پاداشِ مؤمنان را تباه نمی‌کند شادی می‌کنند، (و مژده می‌دهند.) نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شهیدان از سه جهت شادمان‌اند: یکی به خاطر خودشان، که خدا به آنان نعمت‌های زیادی بخشیده است؛ دوم به خاطر برادران مجاهدشان چون مقام‌ها و پاداش‌هایی را که برای آنان آماده شده است می‌بینند؛ «۱» و سوم به خاطر نعمت و بخشش خدا به همه‌ی مؤمنان و این که پاداش آنان تباه نمی‌شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۳۹ ۲. در مورد تعبیر «هیچ ترس و اندوهی بر آنان نیست» مفسران قرآن دو احتمال داده‌اند: الف) شهیدان احساس می‌کنند که برادران مجاهدِ آنان، پس از مرگ، نه اندوهی نسبت به آنچه در دنیا باقی گذارده‌اند، دارند و نه ترسی از روز رستاخیز و حوادث وحشتناک آن. ب) شهیدان راه خدا هیچ گونه ترسی از آینده و غمی از گذشته ندارند. «۱» ۳. فضل الهی در این آیه، به معنای افزایش نعمت و تکرار آن است؛ «۲» یعنی تفاوت فضل و نعمت ممکن است از این نظر باشد که نعمت پاداشی است به اندازه‌ی استحقاق افراد، ولی فضل چیزی اضافه بر استحقاق است «۳» و، در هر صورت، این نعمت و فضل الهی بسیار بزرگ است. «۴» ۴. برخی مفسران قرآن برآنند که مقصود از پاداش مؤمنان در آیه‌ی فوق، همان رزق الهی است که در آیات قبل آمده بود و این رزق همان نعمت و فضل الهی است که در رفع اندوه و ترس تبلور می‌یابد. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۴۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شهیدان الهی حیاتی شاد، امن و آرام دارند. ۲. در فرهنگ قرآنی، شادی وجود دارد و نیکوست. ۳. هم چون شهیدان، به خاطر نعمت‌های دیگران نیز شاد باشید. ۴. اگر شادی، امنیت و آرامش خاطر می‌خواهید، راه شهیدان را بروید. ۵. پاداش افراد را تباه نسازید (و حق دیگران را بدهید) همان طور که خدا این گونه عمل می‌کند. ۶. خدا به شهیدان لطف دارد و بخشش اضافی می‌کند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و دوم سوره‌ی آل‌عمران به لشگرکشی مسلمانان پس از جنگ احد و فداکاری مجروحان و پاداش بزرگ آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷۲. الَّذِينَ اسْتَجَابُواْ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ مِن بَعْدِ مَآ أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُواْ مِنْهُمْ وَ اتَّقَوْاْ أَجْرٌ عَظِيمٌ کسانی که (در نبرد احد) پس از آن‌که آسیب (و جراحتی) به ایشان رسید، [دعوت] خدا و فرستاده (اش) را، پذیرفتند. برای کسانی از آنان، که نیکی کردند و پارسایی نمودند، پاداشی بزرگ است. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق و دو آیه‌ی بعد این گونه حکایت شده که پس از پایان جنگ احد، لشگریان فاتح ابوسفیان، به سرعت راه مکه را در پیش تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۴۱ گرفتند، اما پس از مدتی پشیمان شدند و تصمیم گرفتند به مدینه برگردند و باقیمانده‌ی مسلمانان را نابود کنند. این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و ایشان فوراً دستور دادند سپاهیان اسلام، که در جنگ احد حضور داشتند، خود را برای شرکت در نبردی دیگر آماده کنند و مجروحان احد نیز به صفوف لشگر بپیوندند. این دستورها به سرعت اجرا شد و لشکر اسلام بیرون از مدینه، در محلی به نام «حَمراءُ الأسَد» «۱» اردو زدند و تمام این وقایع در مدت یک شبانه‌روز اتفاق افتاد. خبر لشگرکشی پیامبر صلی الله علیه و آله به سپاه مکه رسید و آنان از این مقاومت عجیب و شرکت مجروحان در میدان نبرد وحشت کردند و شاید پنداشتند ارتش تازه نفسی نیز از مدینه به مسلمانان پیوسته است. ابوسفیان و سپاهیانش، به سرعت عقب نشینی کردند و به مکه باز گشتند. «۲» آیه‌ی فوق به این جریان اشاره می‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مفسران گفته‌اند که این آیه در مورد حضرت علی علیه السلام و نه نفر دیگر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله فرو فرستاده شده است؛ زیرا علی علیه السلام در جنگ احد بیش از شصت زخم و جراحت برداشت. «۳» البته مانعی ندارد که آیه در مورد همه‌ی مجروحان جنگ احد باشد، ولی مصداق کامل آن امام علی علیه السلام و برخی اصحاب باشند. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۴۲ ۲. لبیک گفتن به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله همان لبیک گویی به خداست؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را به نبرد مجدد فراخواند، ولی در آیه، این فراخوانی به خدا نسبت داده شده است. ۳. گاهی شرایط جنگ به گونه‌ای است که حتی مجروحانی که توانایی دارند نیز باید در جبهه حاضر شوند و این حضور سبب تشویق و تقویت روحیه‌ی دیگران می‌شود. «۱» ۴. مجروحان و جان‌بازان جنگ می‌توانند با «نیکوکاری» و «رعایت تقوا» به بالاترین

پاداش‌های خدا برسند، اما اگر این دو شرط را رعایت نکنند، خود را از این پاداش محروم می‌سازند. ۵. از تعبیر «لِلَّذِینَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ» استفاده می‌شود که برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در حین لشگرکشی حَمراءُ الأسد خوب عمل کردند و تقوا را رعایت نمودند، اما احتمالًا برخی دیگر لغزش‌هایی داشتند و، در نتیجه، خود را از پاداش بزرگ خدا محروم کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جان‌بازان همیشه آماده‌ی اطاعت از فرمان رهبر باشند. ۲. لبیک‌گویی به فراخوان جنگی پیامبر صلی الله علیه و آله لبیک‌گویی به خداست. ۳. در سخت‌ترین شرایط، دست از یاری رهبر اسلام بر ندارید. ۴. جان‌بازان اگر می‌خواهند به پاداش بزرگ الهی برسند، مطیع رهبر، نیکوکار و باتقوا باشند. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۴۳ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و سوم سوره‌ی آل‌عمران به جنگ روانی دشمنان و پایمردی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷۳. الَّذِینَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُواْ لَکُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِیمناً وَ قَالُواْ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ (همان) کسانی که (برخی از) مردم، به آنان گفتند: «که مردمان برای (حمله به) شما گرد آمده‌اند؛ پس، از آنان بترسید» و [لی این سخن]، بر ایمانشان افزود، و گفتند: «خدا ما را بس است؛ و [او] خوب کار سازی است.» شأن نزول: در توضیح آیه‌ی قبل بیان شد که این آیات در مورد لشگرکشی مجدد مشرکان و سپاه اسلام بعد از جنگ احد است. هنگامی که سپاه اسلام با تجدید سازمان به تعقیب سپاه مشرکان پرداخت، ابوسفیان برای آن‌که بتواند از چنگ لشگریان اسلام جان سالم به در ببرد، به گروهی از قبیله‌ی «عَبدُ القیس»، که قصد رفتن به مدینه و خرید گندم داشتند، گفت: «به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان این خبر را برسان که بت‌پرستان مکه و ابوسفیان، با سپاه انبوهی، به سرعت به سوی مدینه می‌آیند.» هنگامی که این خبر، به پیامبر و مسلمانان رسید، ایمانشان زیادتر شد و گفتند: «خدا ما را کافی است و او بهترین وکیل و مدافع ماست.» مسلمانان سه روز توقف کردند و انتظار کشیدند، اما خبری از سپاه ابوسفیان نشد؛ چرا که به مکه گریخته بودند. مسلمانان پس از آن به مدینه بازگشتند و آیه‌ی فوق فرو فرستاده شد و این ماجرا و داستان پایمردی مسلمانان را بازگو نمود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۴۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مسلمانان صدر اسلام در برابر تبلیغات و جنگ روانی دشمن نهراسیدند و ایمان و توکل آنان زیادتر شد. آری، سپاه اسلام و جامعه اسلامی همیشه باید این گونه باشد. ۲. ایمان و توکل بر خدا، از قوی‌ترین وسایل در برابر تهدیدات دشمن است که مسلمانان همیشه می‌توانند با استفاده از آنها «۱» تبلیغات منفی و جنگ روانی دشمن را خنثی سازند. آدمی‌زاد به که در همه کار تکیه بر فضل کردگار کند تا ببیند که لطف و فضل خدا با چنین بنده‌ای چه کار کند ۳. مسلمانان در این حادثه ایمانشان بیش‌تر شد. این ویژگی مؤمنان واقعی است که هر قدر مشکلاتشان بیش‌تر شود، توجه آنان به خدا شدیدتر و پایمردی و استقامتشان بیش‌تر می‌شود. ۴. یکی از حربه‌های دشمن در هنگام مقابله با مسلمانان، تبلیغات منفی و جنگ روانی است، که در صدر اسلام به صورت شایعه‌پراکنی و گفت و گو و پیغام رسانی بود و در عصر حاضر به وسیله‌ی ماهواره‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی، شبکه‌های اینترنت و روزنامه‌های وابسته. استعمارگران از این وسایل استفاده می‌کنند تا مسلمانان را بترسانند و به اهداف خویش برسند، تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۴۵ ولی ایمان و توکل بر خدا مانع جدّی در راه آنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر جنگ روانی دشمنان و شایعات مقاومت کنید و نهراسید. ۲. در هنگام جنگ روانی دشمنان، بر خدا تکیه کنید و بر ایمان خود بیفزایید (تا تبلیغات منفی آنان خنثی شود). ۳. از اجتماع دشمنان و لشکرکشی آنها نهراسید (که خدا با شماست). ۴. به سخنان تهدیدآمیز و جنگ روانی دشمن، با تعمیق باورهای مذهبی و به صورت معقول و متین پاسخ دهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و چهارم سوره‌ی آل‌عمران به آثار پایمردی مسلمانان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷۴. فَانقَلَبُواْ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَّمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُواْ رِضْوانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِیمٍ و با نعمتی از جانب خدا و بخشش (او، از میدان نبرد) بازگشتند، در حالی که هیچ بدی (و آسیبی) به ایشان نرسیده بود؛ و خشنودی خدا را پیروی کردند؛ و خدا دارای بخششی بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه نیز مربوط به جریان‌های بعد از جنگ احد است که سپاه اسلام تجدید سازمان کرد و به تعقیب سپاه مشرکان مکه پرداخت و آنان ترسیدند و فرار کردند و مسلمانان بدون کم‌ترین

ناراحتی، پیروز به مدینه بازگشتند. ۲. در این آیه نتایج لشگرکشی مجدد مسلمانان بعد از جنگ احد بیان شده است که عبارت‌اند از: الف) بازگشت پیروزمندانه با نعمت و بخشش الهی و بدون آسیب. ب) به‌دست آوردن خشنودی خدا. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۴۶ آری، کسانی که از رهبران الهی و دستورهای آنان پیروی کنند، شاهد پیروزی خواهند بود و رضایت الهی را در آغوش می‌کشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نتیجه‌ی پایمردی در برابر دشمن و اطاعت از رهبران الهی، خشنودی الهی و نعمت پیروزی است. «۱» ۲. به دنبال کسب رضایت الهی باشید تا بدی به شما نرسد و مشمول نعمت و بخشش الهی شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و پنجم سوره‌ی آل‌عمران به جنگ روانی و وحشت آفرینی شیطان صفتان و واکنش مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷۵. إِنَّمَا ذٰلِكُمُ الشَّيْطٰنُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ این فقط شرور (شیطان صفت) است، که پیروانش را می‌ترساند. پس اگر مؤمنید، از آنان نترسید؛ و از (عذاب من) بترسید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق نیز به ادامه‌ی حوادث جنگ احد و به کسانی اشاره می‌کند که مسلمانان را از قدرت لشگریان قریش می‌ترسانیدند تا روحیه‌ی آنان را تضعیف کنند. «۲» قرآن در آیه‌ی فوق بیان می‌دارد که ترسانیدن مسلمانان یک عمل تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۴۷ شیطانی است که در دوستان و پیروان شیطان اثر دارد. ۲. وسوسه‌های شیطانی و جنگ روانی که برای ترساندن افراد به کار می‌رود، تنها در دوستان شیطان مؤثر است و مؤمنان ثابت‌قدم تحت تأثیر این وسوسه‌ها واقع نمی‌شوند؛ چون فقط از خدا می‌ترسند. ۳. «ایمان» از «شجاعت» جدا نیست؛ پس اگر در دل مسلمانی، ترس از غیر خدا پیدا شود، نشانه‌ی عدم تکامل ایمان و نفوذ وسوسه‌های شیطانی در آن است. ۴. تنها پناهگاه هستی خداست؛ چرا که مؤثر واقعی در جهان اوست و دیگران در برابر او هیچ قدرتی ندارند، پس انسان با ایمان باید تنها بر خدا تکیه کند و حریم او را نگه دارد و از غیر او وحشتی نداشته باشد. «۱» تکیه کن بر خدا که عزت او آدمی را بزرگوار کند ۵. خدای متعال، مهربان و دوست داشتنی است؛ پس ترس از خدا به معنای ترس از مقام داوری و عدالت خداست، همان طور که انسان از قاضی دادگاه به خاطر جایگاهش می‌ترسد. ۶. واژه‌ی «شیطان» معنای وسیعی دارد و شامل هر موجود شرور و حیله‌گر، اعم از انسان و غیرانسان می‌شود. قرآن از افرادی که مسلمانان را از قدرت سپاه قریش می‌ترساندند (نَعیم بن مسعود یا کاروان عَبدُ القیس) با عنوان «شیطان» یاد می‌کند؛ زیرا این عمل شیطانی بود و با الهام شیطان صورت پذیرفته بود و یا مقصود از شیطان خود این افراد بودند که اغواگری می‌کردند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۴۸ ۷. شایعات و وسوسه‌هایی که مردم را از دشمن می‌ترساند و ناامید می‌کند، شیطانی است؛ و جنگ روانی و ایجاد وحشت و تهدید، سیاست دایمی قدرت‌های شیطانی است، «۱» همان طور که در عصر کنونی، قدرت‌های استکباری و شیطانی، ملت‌های مسلمان را می‌ترسانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. لازمه‌ی خداباوری، نهراسیدن از غیر اوست. ۲. شیوه‌ی شیطان و شیطان صفتان، ایجاد جنگ روانی و وحشت است. ۳. رزمندگان اسلام باید از خدا بترسند نه از قدرت‌های شیطانی و تبلیغات آنها. *** قرآن کریم در آیات صد و هفتاد و ششم و صد و هفتاد و هفتم سوره‌ی آل‌عمران با یادآوری زیانکار بودن کافران، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد و می‌فرماید: ۱۷۶ و ۱۷۷. وَ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّواْ اللَّهَ شَيْئاً يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظّاً فِي الآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ* إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُاْ الْكُفْرَ بِالإِيمَانِ لَن يَضُرُّواْ اللَّهَ شَيْئاً وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ و کسانی که در کفر ورزیدن [بر همدیگر] پیشی می‌گیرند، تو را اندوهگین نسازند؛ که آنان به خدا، هیچ چیزی زیان نمی‌رسانند. خدا می‌خواهد که برای شان هیچ بهره‌ای در آخرت قرار ندهد. و برای شان عذابی بزرگ است!* در حقیقت کسانی که کفر را با ایمان مبادله کردند، تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۴۹ به خدا هیچ چیزی زیان نمی‌رسانند؛ و برایشان عذابی دردناک است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مفسران اشاره کرده‌اند «۱» و از آیه‌ی فوق و آیه‌ی قبل نیز برمی‌آید که برخی از منافقان پس از پیروزی کافران در جنگ احد، به کفر متمایل شدند و حتی برخی از ایمان خویش دست برداشتند و کفر ورزیدند. از این رو قرآن در آیات فوق به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد و بیان می‌کند که نه افرادی که به سرعت در راه کفر پیش می‌روند و گویا مسابقه گذاشته‌اند، و نه هیچ یک از کسانی که به نوعی راه

کفر را در پیش گرفته و ایمان خویش را از دست داده و در مقابل، خریدار کفر شده‌اند، هرگز به خدا زیان نمی‌رسانند و زیان آن، دامن‌گیر خودشان می‌شود؛ چون زمینه‌ی عذاب خویش را فراهم می‌سازند. ۲. سود و زیان در اصل برای موجوداتی است که وجودشان از خودشان نیست، اما خدای ازلی و ابدی از هر جهت بی‌نیاز و نامحدود است، کفر و ایمان مردم و کوشش آنان در این جهت‌ها در او اثری ندارد و این مردم هستند که در پناه ایمان، تکامل می‌یابند و به خاطر کفر سقوط می‌کنند. «۲» گر جمله‌ی کائنات کافر گردند بر دامن کبریات ننشیند گرد (بابا افضل کاشانی) ۳. آیه‌ی فوق یکی از دلایل آزادی اراده‌ی انسان است. خدا او را آزاد گذاشته تا راه خود را خودش انتخاب کند. اگر می‌خواهد به سوی کفر برود و خود را از مواهب جهان دیگر محروم و گرفتار عذاب نماید، که در این صورت خدا براساس کردارش او را از آخرت محروم و گرفتار عذاب می‌کند، پس تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۵۰ آیه‌ی فوق دلالتی بر جبر ندارد. ۴. مهلت یافتن کافران به ضرر آنان است و در حقیقت این دام قهر و عذاب الهی است که در آن گرفتار می‌شوند و زمینه‌ی عذاب خود را فراهم می‌سازند. ۵. در پایان آیه‌ی اول فرمود: «برای آنان عذاب بزرگی است.» و در پایان آیه دوم فرمود: «برای آنان مجازات دردناکی است.» شاید تفاوت این دو تعبیر از آن است که گروه اول با سرعت بیش‌تری در راه کفر پیش می‌روند. «۱» از این رو عذاب بزرگ‌تری دارند. ۶. در قرآن کریم، بارها مسأله‌ی خرید و فروش و سود و زیان، تکرار شده است. قرآن دنیا را بازاری می‌داند که عقاید و جان‌ها و اعمال در آن به فروش می‌رسند و مردم فروشندگان آن هستند و مشتری آن گاهی خدا و گاهی غیر خداست. فروش کالا در این بازار اجباری است، ولی انتخاب مشتری با انسان است. قرآن کسانی را که با خدا معامله می‌کنند و در عوض بهشت و رضایت الهی را کسب می‌کنند می‌ستاید «۲» و از عده‌ای که در این بازار سودی نمی‌برند و یا دچار خسارت می‌شوند، انتقاد می‌کند. «۳» و این آیه کسانی را که ایمان را در بهای کفر می‌پردازند، سرزنش می‌کند. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان فروشی و کفرورزی، زیان‌رسانی به خویشتن است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۵۱ ۲. رهبران الهی (مسئول هدایت مردم هستند، نه مسئول نتیجه‌ی آن، پس) از کفر مردم اندوهگین نباشند. ۳. کفرورزی، زمینه‌ساز عذاب الهی است. ۴. دنیا بازار است، پس مراقب باشید که ایمان خود را نفروشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و هشتم سوره‌ی آل‌عمران به قانون مهلت دادن به کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷۸. وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ أَنَّمَا نُمْلِى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِى لَهُمْ لِيَزْدَادُواْ إِثْماً وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ و کسانی که کفر ورزیدند، هرگز نپندارند، که آنچه به آنان مهلت می‌دهیم، برای خودشان نیکوست؛ به آنان مهلت می‌دهیم، فقط برای اینکه [عاقبت] بر گناه بیفزایند؛ و برای آنان عذابی خوار کننده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا گناهکاران را با زنگ‌های بیدارباش، هم‌چون مجازات‌های متناسب با اعمالشان، بیدار می‌سازد و به راه حق باز می‌گرداند «۱» که در این صورت مجازات‌های آنها نعمتی برای آنان به شمار می‌آید. البته این‌ها کسانی هستند که کاملًا به گناه آلوده نشده‌اند و هنوز شایستگی هدایت را دارند، اما کسانی که در گناه غرق شده یا کفر می‌ورزند، خدا آنان را به حال خود وامی‌گذارد تا بار گناهشان سنگین شود و استحقاق حداکثر مجازات را پیدا کنند؛ و این همان قانون «املاء» یا مهلت دادن است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۵۲ ۲. گاهی خداوند، برخی از کافران و گناهکاران و ستمگران را، غرق در نعمت‌های خود می‌سازد. این به خاطر آن است که خدا آنها را «املاء» کرده و مهلت داده است و براساس این سنت و قانون و اصل آزادی اراده، به حال خود واگذارده است تا به آخرین مرحله‌ی سقوط برسند و در جهان دیگر مجازات شوند. همان گونه که در دنیا هم گاهی ناگهان همه چیز را از آنان می‌گیرد «۱» تا حداکثر شکنجه را داشته باشند؛ چرا که جدا شدن از زندگی مرفهی که دارند برایشان بسیار ناراحت کننده است. پس در مورد کافران زود داوری نکنید که مهم عاقبت کار آنان است. «۲» ۳. عمر طولانی هنگامی سودمند است که در راه حق و رشد و خیر باشد؛ و عمری که در گناه مصرف شود، خیری در آن نیست. از امام باقر علیه السلام حکایت شده که مرگ برای کافران یک نعمت است؛ زیرا هر چه بیش‌تر بمانند زیادتر گناه می‌کنند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۵۳ و از امام سجاد علیه السلام حکایت شده که در دعای «مکارم الاخلاق» از خدا می‌خواهد: خدایا اگر عمر من چراگاه

شیطان خواهد شد، آن را کوتاه بگردان. «۱» آری، نوع بهره برداری از عمر مهم است، نه طول عمر؛ به عبارت دیگر، کیفیت عمر از کمیّت آن مهم‌تر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عمر طولانی و مهلت گناه کردن، فرصت نیست بلکه دام عذاب الهی است. ۲. بیشتر به کیفیت عمر توجه کنید که در عمر طولانیِ گناه‌آلود، خیری نیست. ۳. خدا با استفاده از قانون مهلت دهی (املاء) کافران را گرفتارتر می‌کند. ۴. معیار عمر نیک و بد، گناهکاری و نیکوکاری افراد است، نه طول عمر. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتاد و نهم سوره‌ی آل‌عمران به تصفیه‌ی مسلمانان و جداسازی صفوف پاکان و ناپاکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷۹. مَّا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَآ أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِى مِن رُسُلِهِ مَن يَشَآءُ فَئَامِنُواْ بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ إِن تُؤْمِنُواْ وَ تَتَّقُواْ فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ خدا هرگز بر آن نیست که مؤمنان را بر چنین (حالی) که شما بر آن هستید، وا گذارد؛ تا آن‌که پلید را از پاکِ (نیکو) جدا سازد. و (نیز) خدا هرگز بر تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۵۴ آن نیست که، شما را از (آنچه از حسّ) پوشیده، آگاه کند، ولی خدا از [میان] فرستادگانش، هر که را (شایسته بداند و) بخواهد بر می‌گزیند؛ پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورید. و اگر ایمان بیاورید و [خودتان را] حفظ کنید، پس برای شما پاداشی بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق در حقیقت به یکی دیگر از نتایج جنگ احد اشاره می‌کند. قبل از حادثه‌ی احد، موضوع منافقان در میان مسلمانان زیاد مطرح نبود و به همین دلیل مسلمانان بیش‌تر کافران را دشمن خود می‌دانستند، اما پس از شکست احد و آماده شدن زمینه برای فعالیت منافقان، متوجه شدند که دشمنان خطرناک‌تری دارند که باید کاملًا مراقب آنان باشند و صفوف خود را از آنان جدا سازند و این کار با آزمایش‌های الهی صورت گرفت. ۲. در آیه‌ی فوق از «مؤمن» با عنوان «طیّب» (پاک و پاکیزه) و از منافق با عنوان «خَبیث» (ناپاک و پلید) یاد شده است. پاکیزه چیزی است که در نظام هستی بر همان آفرینش نخست خود باقی بماند و عوامل بیگانه و خارجی آن را آلوده و ناپاک نسازند؛ پس مؤمنان بر همان فطرت پاک و آفرینش نخستین خود هستند، ولی منافقان منحرف و آلوده شده‌اند. ۳. خدا علم غیب خود را در اختیار بشر قرار نمی‌دهد؛ زیرا این امر سبب هرج و مرج و خاموش شدن شعله‌های امید و از هم پاشیدن پیوندهای اجتماعی و از بین رفتن تلاش و کوشش در میان مردم می‌گردد. افزون براین، قانون کلی و عمومی آن است که ارزش اشخاص (مؤمن و منافق) از طریق اعمال آنها روشن گردد، نه از راه‌های غیر عادی؛ و مسأله‌ی آزمایش و امتحان خدا نیز برای همین است. بهر اظهار است این خلق جهان تا نماند گنج حکمت‌ها نهان (مولوی) ۴. قرآن بارها اشاره کرده است که آزمایش مردم توسط خدا یک سنت و قانون قطعی برای جداسازی پاکان از پلیدان و پرورش و تربیت انسان و اتمام حجت بر اوست، نه برای آگاه شدن خدا؛ چرا که او از اسرار همگان آگاه است. «۱» ۵. فرستادگان الهی و صاحبان رسالت، به طور ذاتی از غیب آگاه نیستند، ولی بر اثر تعلیمات الهی قسمتی از اسرار غیب را می‌دانند و مقدار آگاهی آنان نیز بستگی به اراده و خواست خدا دارد؛ یعنی خدا هر کس را شایسته ببیند و حکمتش اقتضا کند، به اسرار پنهان هستی آگاه می‌سازد. «۲» ۶. همه‌ی فرستادگان خدا در یک درجه‌ی علمی نیستند و برخی را خدا برمی‌گزیند و به آنان علم غیب عطا می‌کند؛ البته این درجات و انتخاب‌ها نیز براساس شایستگی‌های افراد است. ۷. در آیه‌ی قبل بیان شد که خدا کافران را رها می‌کند و به حال خود واگذار می‌کند، ولی در این آیه بیان شد که خدا مؤمنان را رها نمی‌کند تا افراد پاک را از میان آنان جدا سازد «۳» و این لطف و عنایت الهی نسبت به مؤمنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آزمایش مؤمنان و جداسازی صفوف منافقان ناپاک، سنت و قانون حتمی الهی است. ۲. مؤمنان پاک‌نهاد صفوف خود را از ناپاکان جدا سازید. ۳. برای شناسایی منافقان، منتظر علم غیب الهی نباشید. ۴. اگر پاداش بزرگ الهی را می‌طلبید، مؤمن و باتقوا شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۵۶ قرآن‌کریم در آیه‌ی صد و هشتادم سوره‌ی آل‌عمران به افراد بخیل و کیفر آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸۰. وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَآ ءَاتَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْراً لَّهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ لِلَّهِ مِيرَثُ السَّموتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ و کسانی که [نسبت] به آنچه خدا از بخشش خود به آنان داده، بخل می‌ورزند، هرگز نپندارند که آن [بخل] برای آنان خوب است؛ بلکه آن برای شان بد است؛ بزودی

در روز رستاخیز، آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، طوق گردنشان خواهد شد. و میراث آسمان‌ها و زمین، فقط از آنِ خداست؛ و خدا، از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق، نامی از زکات و حقوق واجب مالی برده نشده است، اما در روایات اهل‌بیت علیهم السلام و هم‌چنین در گفتار مفسران، آیه‌ی فوق به منع کنندگان زکات اختصاص داده شده است و مجازات‌های شدیدی که در آیه مطرح شده نیز، می‌رساند که بخشش‌های مستحبی مورد نظر نیست. «۱» البته برخی از مفسران معتقدند که مفهوم آیه‌ی فوق، عمومیت دارد و انفاق همه‌ی مواهب الهی حتی علم و دانش را شامل می‌شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۵۷ البته جمع بین این دو دیدگاه در مورد آیه‌ی فوق ممکن است؛ زیرا ندادن زکات و حقوق واجب مالی یکی از اقسام بخل است ولی الفاظ آیه شامل همه‌ی انواع بخل می‌شود؛ و بدیهی است که مجازات هرگونه بُخلی متناسب با آن است. ۲. از امام باقر علیه السلام حکایت شده که هر کس زکات مال خود را نپردازد، خدا آن مال را به طوق‌هایی از آتش تبدیل می‌کند؛ سپس به او گفته می‌شود، همان طور که در دنیا، به هیچ قیمت، این اموال را از خود دور نمی‌کردی، اکنون آنها را بردار و به گردن خود افکن. «۱» ۳. از دیدگاه قرآن کریم، مالی که مورد بخل واقع شود و انفاق نشود، یا زکاتی که پرداخت نشود، شرّ است و به جای سود رساندن، برای صاحبش مشکلاتی را به دنبال می‌آورد. این دیدگاه قرآن نوعی فرهنگ سازی است در مقابل کسانی که بخل ورزیدن و جمع مال را به سود خود و خیر می‌دانند. ۴. از تعبیر «آنچه را خدا از فضل خود به آنان داده است.» استفاده می‌شود که مالک حقیقی اموال، منابع، علوم و همه‌ی دارایی‌های انسان، خداست. و بخشش‌های او از فضل و کرم اوست؛ پس جای آن نیست که کسی از بخشش در راه مالک حقیقی بخل ورزد. «۲» ای آن‌که به بخل کیسه را بند کنی خود را به وجود مال خُرسند کنی این مال خداست صرف کن در ره او امساک به مال دیگری چند کنی؟ ۵. چیزهایی که انسان در باره‌ی آن بُخل می‌ورزد، در قیامت همانند طوقی بر گردن او افکنده می‌شود و این همان تجسّم عمل بخل است «۱» آری، اسیر مال شدن در دنیا، سبب اسارت انسان در آخرت به وسیله‌ی طوق است. ۶. تجسّم اموال بخیل به صورت طوق بر گردن، اشاره به این است که انسان تمام سنگینی مسئولیت آن اموال را تحمّل خواهد کرد بدون آن‌که از آثار آنها بهره‌مند گردد. آری بهره‌گیری از مال و ثروت شخصی، حدود معینی دارد که بیش‌تر از آن، یک نوع اسارت و تحمّل بار بیهوده است؛ پس این اموال در دنیا نیز طوق سنگینی است بر گردن انسان و در آخرت این امر آشکارتر می‌شود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (در مورد اموال، علوم و توانایی‌های مفیدتان) خسیس نباشید. ۲. بُخل، بر خلاف ظاهرش، نیکو نیست و پیامدهای شرارت‌باری دارد که گردن‌گیر بخیل می‌شود. ۳. سرمایه‌های شما در حقیقت از خداست و برای خدا می‌ماند؛ پس بهتر است با ادای حقوق واجب و بخشش، از ثواب آنها بهره‌مند شوید. ۴. شما تحت نظر خدا هستید (پس به طور پنهانی بخل نورزید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و یکم سوره‌ی آل‌عمران به برخی از سخنان و اعمال کفرآمیز یهودیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸۱. لَّقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِینَ قَالُواْ إِنَّ اللَّهَ فَقِیرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِیَآءُ سَنَکْتُبُ مَا قَالُواْ وَ قَتْلَهُمُ الأَنبِیَآءَ بِغَیْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُواْ عَذَابَ الْحَرِیقِ بیقین خدا شنید، سخن کسانی را که گفتند: «در واقع خدا نیازمند است، و ما توانگریم.» بزودی گفتارشان، و به ناحق کشتن آنان پیامبران را، تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۵۹ خواهیم نوشت. و می گوییم: «عذاب سوزان را بچشید!» شأن نزول: حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله نامه‌ای به یهودیان «بَنی قینقاع» نوشت و در طی آن، آنان را به گزاردن نماز و پرداخت زکات و دادن وام به خدا (که مقصود بخشش مال در راه خدا بود) فرا خواند. فرستاده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله نامه را به یکی از مراکز تدریس مذهبی یهودیان برد «۱» و آن را به دانشمند بزرگ یهود «۲» داد، او پس از مطالعه‌ی نامه، با لحن تمسخرآمیزی گفت: اگر سخنان شما راست باشد، باید گفت که: خدا فقیر است و ما توانگر و بی‌نیاز! زیرا اگر او فقیر نبود، از ما وام نمی‌خواست؛ «۳» و بدین مناسبت آیه‌ی فوق فرود آمد و به او پاسخ داد. «۴» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از نوشتن سخنان یهودیان، نوشتن در صفحه‌ی کاغذ نیست، بلکه منظور نگه‌داری آثار اعمال آنهاست که طبق قانون بقای ماده و انرژی، همواره در جهان باقی خواهد ماند. «۵» آری گفتار و کردار ما ثبت می‌شود و خدا نسبت به سخنان، به ویژه گفتارهای

استهزاآمیز حسّاس است و به آنها پاسخ تلخی می‌دهد؛ پس مواظب گفتار و کردار خود باشیم. ۲. طبق برخی احادیث، کشتن پیامبران توسط یهودیان، قبل از عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده است. آنان با افشا کردن اسرار پیامبران باعث کشته تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۶۰ شدن آنها می‌شدند. «۱» و یهودیان عصر پیامبر اسلام به سبب رضایتشان نسبت به این عمل نیاکان خود سرزنش می‌شوند و شریک کار آنها به شمار می‌آیند. ۳. معیار صحیح و ناصحیح بودن هر کاری، از جمله کشتن انسان‌ها، به حق و ناحق بودن آن است. ۴. خدا علت همه چیز و سرچشمه‌ی همه‌ی نیروها و استعدادهاست؛ پس توانگر واقعی در جهان خداست و همگان به او نیازمندند و به لطف خود از مردم می‌خواهد که بخشش کنند و این بخشش را وام به خویشتن معرفی می‌کند تا مردم به کار نیک تشویق شوند و درجات کمال را بپیمایند. بانگ می‌آید که ای طالب بیا جود محتاج گدایان چون گدا (مولوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مراقب سخنان خود باشید و به ساحت الهی توهین نکنید، که خدا سخنان شما را می‌شنود و ثبت می‌کند. ۲. یهودیان سوء سابقه‌ی تاریخی دارند (پس، از اعمال و سخنان ناپسند آنان تعجب نکنید). ۳. معیار نیک و بد اعمال شما، حق و ناحق بودن آنهاست. ۴. لطف خدا را در مورد خودتان درک کنید و خود را نیازمند و خدا را توانگر بدانید. ۵. گفتن سخنان توهین‌آمیز درباره‌ی خدا، عذابی سوزان به دنبال دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۶۱ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و دوم سوره‌ی آل‌عمران به رابطه‌ی کردار و کیفر انسان و قانون عدل الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸۲. ذِلکَ بِمَا قَدَّمَتْ أَیْدِیکُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَیْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِیدِ این (عذاب) بخاطر دستاورد پیشین شماست، و [بخاطر] اینکه خدا نسبت به بندگان بیدادگر نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. همان طور که در آیه‌ی قبل اشاره شد، برخی از یهودیان در جواب نامه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله سخنان توهین‌آمیزی گفتند که خدا بدان‌هاپاسخ داد و جزای این سخنان و کشتن پیامبران قبلی به دست یهود را عذابی سوزان معرفی کرد. در این آیه بیان می‌کند که این عذاب دردناک، نتیجه‌ی اعمال خود شماست؛ این شما بودید که به خود ستم کردید، و خدا هرگز به کسی ستم نخواهد کرد؛ البته این آیه اشاره به یهودیان دارد، اما مطالب و قوانین بیان شده در آن منحصر به یهود نیست. ۲. از حضرت علی علیه السلام حکایت شده که به خدا سوگند، هیچ گروهی غرق نعمت نشدند (و) سپس آن نعمت از آنها سلب نگردید، مگر به خاطر گناهانی که مرتکب شده بودند؛ چرا که خدا به بندگان خود ستم نمی‌کند.» «۱» چو بد کردی مباش ایمن ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافات سپهر آیینه‌ی عدل است، شاید که هر چه از تو بیند وا نماید (نظامی) ۳. آیه‌ی فوق، از طرفی جبرگرایی را نفی می‌کند و می‌گوید هرگونه کیفر و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۶۲ پاداش از طرف خدا به خاطر اعمالی است که مردم با اراده‌ی خودشان انجام داده‌اند؛ پس انسان‌ها در انجام اعمال خویش آزادند. و از طرف دیگر، اصل عدالت عمومی را در مورد افعال خدا بیان می‌کند که خدا هیچ گاه ظلم نمی‌کند و قانون پاداش او عدالت محور است. ۴. واژه‌ی «ظَلّام» صیغه‌ی مبالغه و به معنای «بسیار ظلم کننده» است. «۱» انتخاب این واژه شاید به خاطر آن باشد که اگر خدا مردم را مجبور به کفر و گناه کند، سپس آنها را به جرم آن اعمال کیفر دهد، بسیار ظلم کرده است، در حالی که خدا پاک و منزه از هرگونه ستم است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قانون عمل و عکس‌العمل در مورد کردار انسان و کیفر اعمالش حاکم است. ۲. خدا ستمکار نیست (بلکه عادل است). ۳. اگر ناراحتی و عذابی برای شما پیدا شد، عوامل آن را در کردار خود جست و جو کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و سوم سوره‌ی آل عمران با پاسخ به برخی از بهانه‌جویی‌های یهود می‌فرماید: ۱۸۳. الَّذِینَ قَالُواْ إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَیْنَآ أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّی یَأْتِیَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْکُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَآءَکُمْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِی بِالْبَیِّنَتِ وَ بِالَّذِی قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن کُنتُمْ صدِقِینَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۶۳ کسانی که گفتند: «در حقیقت خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ فرستاده‌ای ایمان نیاوریم، تا برای ما قربانی‌ای بیاورد، که آتش آن را بخورد.» بگو: «بیقین پیش از من، فرستادگانی با دلیل‌های روشن، و با آنچه گفتید، به سراغ شما آمدند، پس اگر راستگو هستید، چرا آنان را کشتید؟!» شأن نزول: حکایت شده که برخی از بزرگان یهود به حضور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: خدا در تورات از ما پیمان گرفته است به کسی که ادعای نبوت کند ایمان نیاوریم، مگر این‌که برای ما حیوانی قربانی کند

و آتشی (از آسمان) آید و آن را بسوزاند. اگر تو نیز چنین کنی، ما به تو ایمان می‌آوریم. آیه‌ی فوق و آیه‌ی بعد از آن به همین مناسبت فرو فرستاده شد و به آنان پاسخ داد که این نوعی بهانه‌جویی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران نوشته‌اند: یهودیان ادعا می‌کردند پیامبران الهی برای اثبات حقّانیّت خود حتماً باید معجزه‌ای مخصوص داشته باشند و حیوانی را قربانی کنند که به وسیله‌ی آتش آسمانی در برابر مردم بسوزد. «۱» اما یهودیان با طرح این مطلب بهانه‌جویی و لجاجت می‌کردند و، در واقع، تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۶۴ معجزه نمی‌خواستند. تاریخ گذشته‌ی یهود نیز به خوبی ثابت می‌کرد که آنان هرگز قصد تحقیق نداشتند، بلکه برای فرار از پذیرش اسلام، هر روز بهانه می‌گرفتند و پیشنهاد جدیدی ارائه می‌کردند و اگر پیشنهاد آنان انجام می‌شد، باز ایمان نمی‌آوردند و حتی در کتاب‌های خود، نشانه‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را خوانده بودند، اما از قبول حق سرباز می‌زدند. ۲. مفسران در مورد کشتن پیامبران توسط یهودیان دو احتمال داده‌اند: الف) مقصود کشتن پیامبران الهی، مثل حضرت زکریا و یحیی، به دست آنان باشد. «۱» ب) مقصود افشای اسرار پیامبران الهی باشد که زمینه‌ی کشتن آنها را به دست ستمگران آماده می‌کرد. که مطلب دوم از امام صادق علیه السلام حکایت شده است. «۲» ۳. در روایتی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که بین یهود عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، که سخنان فوق را می‌گفتند، و کسانی که پیامبران را کشتند، صدها سال فاصله بود، اما از آن‌جا که یهودیان عصر پیامبر به کشتن پیامبران راضی بودند، این کار به اینان نیز نسبت داده شده است. «۳» ۴. قربانی کردن حیوانات در راه خدا، سابقه‌ای بس طولانی دارد «۴» و در ادیان سابق نیز مطرح بوده است. ۴. قربانی کردن حیوانات در راه خدا، سابقه‌ای بس طولانی دارد «۴» و در ادیان سابق نیز مطرح بوده است. ۵. یهودیان مستکبر و لجوج بودند و در عصرهای پیشین نیز بهانه‌جویی می‌کردند و پیامبران را می‌کشتند. آری، تاریخ هر ملت نشانه‌ای از روحیات تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۶۵ آنهاست و می‌توانند گواه ادعاهای آنان باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یهودیان بهانه‌تراشی می‌کنند تا مسلمان نشوند (وگرنه حق برایشان روشن شده است). ۲. یهودیان در برخورد با پیامبران الهی و معجزات آنها سوء سابقه دارند (پس به سخنان آنان اعتماد نکنید). ۳. برای سنجش درستی گفتار افراد، به سوابق آنها توجه کنید. ۴. پیامبر را با معجزات او بشناسید (ولی بهانه‌جویی نکنید). *** خدای متعال در آیه‌ی صد و هشتاد و چهارم سوره‌ی آل‌عمران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را دل‌داری می‌دهد و می‌فرماید: ۱۸۴. فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَآءُو بِالْبَيِّنَتِ وَ الزُّبُرِ وَ الْكِتَبِ الْمُنِيرِ و اگر تو را تکذیب کردند، پس بیقین پیش از تو (نیز) فرستادگانی تکذیب شدند، که دلیل‌های روشن (معجزه آسا) و نوشته‌های متین و کتاب روشنی بخش، آورده بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن برای دل‌داری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، به تاریخ پیامبران گذشته و مشکلات آنان اشاره می‌کند. آری، آشنایی با تاریخ گذشتگان برای انسان تجربه‌آموز، صبرآفرین و تسلّی‌بخش است. ۲. زَبُور (نوشته‌ی محکم) و کتاب مُنیر (نوردهنده)، هر دو از جنس کتاب است، اما ممکن است زبور «۱» اشاره به کتاب‌های پیامبران قبل از موسی، و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۶۶ کتاب منیر اشاره به تورات و انجیل باشد. «۱» البته برخی از مفسران بر آن‌اند که زبور به قسمت‌هایی از کتاب‌های آسمانی گفته می‌شود که محتوای آن پند و اندرز است؛ اما کتاب منیر به آن قسمت از کتاب‌های آسمانی گفته می‌شود که دارای احکام و قوانین فردی و اجتماعی است. «۲» ۳. پیامبران قبل از اسلام نیز مخالفانی داشتند که حتی رسماً آنان را تکذیب می‌کردند. آری، در تاریخ، همیشه در مقابل صف حق‌جویان، صف باطل‌پرستان خودنمایی کرده است. ۴. این‌که پیامبران الهی همراه با معجزات و کتاب، مردم را به سوی حق دعوت می‌کردند، نشان می‌دهد که مبنای حرکت آنان، یک حرکت فرهنگی و فکری بوده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی از برخوردهای منفی مخالفان اندوهگین نباشند که این شیوه‌ی تاریخی مخالفان دین است. ۲. حرکت پیامبران الهی، یک حرکت فرهنگی، همراه با دلایل روشن و کتاب بوده است. ۳. کتاب خوب است متین و روشنی‌بخش باشد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و پنجم سوره‌ی آل‌عمران به قانون عمومی مرگ و معیار کامیابی انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸۵. كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ وَ إِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيمَـةِ فَمَن زُحْزِحَ تفسیر قرآن مهر جلد سوم،

ص: ۳۶۷ عَنِ النَّارِ وَ أَدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَ مَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَآ إِلَّا مَتَعُ الْغُرُورِ هر شخصی چشنده مرگ است؛ و فقط در رستاخیز، پاداش‌هایتان بطور کامل به شما داده خواهد شد؛ و هر کس از آتش، بتدریج دور شده، و به بهشت در آورده شود، پس بیقین کامیاب شده است و زندگی پست (دنیا)، جز کالای فریبنده، نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «هر نفسی «۱» چشنده‌ی مرگ است.»، اشاره به احساس کردن کامل مرگ دارد؛ زیرا ممکن است انسان غذایی را با چشم ببیند و یا با دست لمس کند، ولی زمانی احساس کامل می‌شودکه آن را بچشد. گویا در نظام خلقت، مرگ نیز یک نوع غذای آدمی است. «۲» در ضمن، از این تعبیر استفاده می‌شود که مرگ وجودی است نه عدمی و نیستی. ۲. در حدیثی از امام صادق علیه السلام در مورد عمومیت قانون مرگ حکایت شده که در نهایت همه‌ی جانداران می‌میرند و برخی فرشتگان الهی، مثل جبرئیل و میکائیل و عزرائیل باقی می‌مانند و سپس فرمان مرگ فرشتگان نیز توسط عزرائیل صادر می‌شود و در آخرین مرحله فرشته‌ی مرگ نیز می‌میرد. و ندائی می‌رسد که کجایند کسانی که برای من شریك قرار می‌دادند. «۳» ۳. گویا دوزخ با تمام قدرتش انسان را به سوی خود جذب می‌کند و تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۶۸ مؤمنان با زحمت و به‌تدریج از آن دور می‌شوند. «۱» آری، هوس‌ها و لذّات نامشروع و ثروت‌های غیرمجاز برای هر انسانی جاذبه دارد «۲» و او را به سوی آتش می‌کشاند. ماری است این جهان و جهان جوی مارگیر وز مارگیر مار برآرد گهی دمار ۴. دنیا کالایی فریبنده است و فریبندگی دنیا از جهات مختلف است: - از دور بسیار جالب است، اما هنگامی که انسان بدان می‌رسد، توخالی به نظر می‌آید. - لذّت‌های مادی، از دور، خالص به نظر می‌رسند، اما هنگامی که انسان به آنها نزدیک می‌شود، آلوده‌شان می‌یابد. - دنیا خود را با ثبات جلوه می‌دهد، در حالی که فناپذیر است. ۵. هدف قرآن از تعبیر «غرورآمیز و فریبنده» در مورد دنیا، آن است که انسان، جهان مادی را هدف‌نهایی خود قرار ندهد، که نتیجه‌اش غرق شدن در انواع جنایات و دور شدن از حقیقت و تکامل انسانی است. اما استفاده‌ی صحیح از جهان مادی برای نیل به تکامل انسانی، نه تنها نکوهیده نیست، که لازم و ضروری است. «۳» ۶. تعبیرات این آیه نشان می‌دهد که پاداش کامل انسان در رستاخیز پرداخت می‌شود. «۴» و پاداش‌های خدا در این دنیا و برزخ، پرتوی از آن یا قسمتی از نتایج اعمال است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۶۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه می‌میرند (پس دنیا موقت است، به فکر آخرت باشید). ۲. در قیامت پاداش به صورت کامل پرداخت می‌شود (پس نگران نباشید و برای خدا کار کنید). ۳. عوامل سوق‌دهنده به سوی دوزخ، جاذبه دارند (پس باید انسان با نیروی ایمان و عمل صالح خود را کنترل کند و از جاذبه‌ی جهنم برهاند). ۴. دنیا فریبنده است (پس مراقب باشید که فریب نخورید و به دنیا دل نبندید). ۵. اگر می‌خواهید کام‌یاب و بهشتی شوید، از عوامل دوزخ‌ساز دور شوید و فریب دنیا را نخورید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و ششم سوره‌ی آل عمران به قانون آزمایش مسلمانان و آزارهای کافران و راه‌کارهای مقابله با آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸۶. لَتُبْلَوُنَّ فِى أَمْوَلِكُمْ وَ أَنفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَبَ مِن قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُواْ أَذىً كَثِيراً وَ إِن تَصْبِرُواْ وَ تَتَّقُواْ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ مسلماً در مورد مال‌هایتان و جان‌هایتان، آزمایش می‌شوید؛ و قطعاً از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب (الهی) داده شده، و از کسانی که شرك ورزیدند، [سخنان] آزار دهنده فراوانی خواهید شنید. و اگر شکیبایی ورزید و [خودتان را] حفظ کنید، پس در حقیقت این [حاکی] از تصمیم استوار (شما در) کارهاست. شأن نزول: حکایت شده که پس از مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه و دور شدن تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۷۰ آنان از خانه و زندگی، مشرکان به اموالشان تجاوز کردند و هرکس را می‌یافتند اذیت می‌کردند و از آزار زبانی مسلمانان نیز کوتاهی نمی‌کردند. در این میان یهودیان مدینه نیز به آزار و بدگویی مسلمانان می‌پرداختند و یکی از شاعران آنها به نام «کَعبْ بن أشرف» که شاعری بدزبان و کینه‌توز بود، پیوسته پیامبر و مسلمانان را با اشعار خود ناراحت می‌کرد و مشرکان را بر ضد مسلمانان تشویق می‌نمود و حتی به ناموس مسلمانان توهین می‌کرد و در نهایت، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور اعدام او را صادر کرد و او به دست مسلمانان کشته شد. مفسران قرآن برآنانـد که آیه‌ی مذکور به این جریان اشاره می‌کند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آزمایش‌های الهی و زخم زبان زدن دشمنان

اسلام در طول اعصار ادامه می‌یابد و به‌صورت قوانین تاریخی جلوه‌گر می‌شود؛ یعنی مسلمانان باید خود را برای تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی گسترده‌ی دشمن آماده کنند و گمان نکنند که روزی از دست کافران و مشرکان راحت خواهند شد. آنان باید مقاوم باشند و استقامت خود را حفظ کنند و تقوا پیشه سازند. ۲. آزمایش الهی عام است و انسان ممکن است با هر چیزی آزمایش شود، اما آزمایش به وسیله‌ی مال و جان، از موارد و مصادیق مهم آزمایش‌های الهی است؛ و این‌که در برخی روایات و سخنانِ مفسران ذیل آیه‌ی فوق به مسأله‌ی زکات و انفاق یا صبر و جهاد اشاره شده است «۲» نیز از باب بیان برخی مصادیق است. ۳. واژه‌ی «تقوا» در آیه‌ی فوق ممکن است به محافظت بیش‌تر مسلمانان از آبرو و ناموس خود در مقابل بدگویی دشمن اشاره داشته باشد و ممکن تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۷۱ است اشاره به آن باشد که شما در هنگام پاسخ گویی به دشمن، سخنان حرام و زشت بر زبان جاری نکنید و از حدود تقوا خارج نشوید. ۴. در این آیه دو راه‌کار اساسی برای پیروزی در آزمایش‌ها و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام ارائه شده است: اول، صبر و استقامت در برابر مشکلات و دشمنان. دوم، تقوا؛ یعنی محافظت از خود و جامعه در برابر دشمن و خود نگه‌داری و پرهیز از سخنان و کارهای ناشایست. آری، این دو راه‌کار نیاز به تصمیم استوار دارد «۱» تا انسان را به کام‌یابی و پیروزی رهنمون شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خود را برای آزمایش‌های الهی آماده کنید که این قانون حتمی الهی است. ۲. شما حتماً مورد تهاجم فرهنگی دشمنان قرار می‌گیرید (پس خود را برای تحمّل آزارها و مقابله با آنان آماده سازید). ۳. مقاومت و محافظت دو راه‌کار اساسی برای پیروزی در آزمایش و مقابله با دشمنان است. ۴. تصمیم استوار بگیرید (تا بر مشکلات پیروز شوید). *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۷۲ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و هفتم سوره‌ی آل‌عمران به پیمان‌شکنی یهودیان و مسیحیان و پنهان‌کاری و دین‌فروشی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸۷. وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَقَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَبَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْاْ بِهِ ثَمَناً قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ و (یاد کنید) هنگامی را که خدا، از کسانی که به آنان کتاب (الهی) داده شده، پیمان محکم گرفت، که حتماً آن را برای مردم روشن نمایید، و پنهانش مَکنید؛ و [لی] آن را پشت سرشان افکندند؛ و آن را به بهای اندکی فروختند؛ و چه بد چیزی می‌خرند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از پیمان خدا با اهل کتاب، دستورهای خداوند به دانشمندان یهودی و مسیحی است که از طریق پیامبران برای آنان بیان شده است؛ یعنی خدا به وسیله‌ی پیامبران پیشین مؤکدترین پیمان را برای بیان حقایق گرفته است. «۱» البته ممکن است مقصود پیمان فطری دانشمندان باشد چون لازمه‌ی حیاتِ علم آن است که دانشمندان علوم و حقایق را به دیگران منتقل کنند، همان طور که دیگران به آنان آموختند، وگرنه علم می‌میرد. ۲. واژه‌ی «تبیین» نشان می‌دهد که منظور تنها خواندن آیات خدا یا نشر کتاب‌های آسمانی نیست، بلکه آن است که در توضیح و تفسیر و روشن ساختن آیات برای مردم بکوشند. «۲» ۳. در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده که پیمان مؤکد در آیه‌ی فوق، در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده است که بشارت‌هایی را که در مورد ایشان در تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۷۳ تورات و انجیل آمده است برای مردم بیان کنند و کتمان نکنند. «۱» البته روشن است که مخفی کردن بشارت نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از بارزترین مصادیق کتمان آیات خداست، اما آیه‌ی فوق شامل هر نوع حق‌پوشی می‌شود. ۴. تعبیر «کتاب خدا را پشت سر انداختند.»، کنایه‌ی جالبی از عمل نکردن به کتاب خدا و فراموش کردن آن است؛ زیرا انسان هر برنامه‌ای را که می‌خواهد ملاک عمل قرار دهد، پیش روی خود می‌گذارد تا پی‌درپی به آن نگاه کند و هرگاه نخواهد بدان عمل کند، آن را پشت سر می‌افکند. «۲» ۵. از آیه‌ی فوق برمی‌آید که انگیزه‌ی پنهان‌کاری و دین‌فروشی دانشمندان اهل کتاب، رسیدن به مال و مقام یا حفظ آنها بوده است. آری، علم به تنهایی برای سعادت انسان‌ها کافی نیست، پارسایی و عدم وابستگی به مقام و ثروت هم لازم است تا حقایق به دست مردم برسد. عالمی که گفت باشد و بس هر چه گوید نگیرد اندر کس (سعدی) ۶. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده است که هر کس دانش را از کسانی که اهل آن هستند (و نیاز به آن دارند)، پنهان دارد، خدا در روز رستاخیز، لجامی از آتش بر دهان او می‌زند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۷۴ ۷. آیه‌ی فوق

درباره‌ی دانشمندان اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) فرو فرستاده شده است، ولی در حقیقت اخطاری به تمام دانشمندان و علمای مذهبی است که موظف به تلاش در تبیین و روشن ساختن معارف دینی‌اند «۱» و هرگونه پنهان‌کاری در این زمینه، گناهی بزرگ است؛ زیرا موجب انحراف مردم به شرک و کفر می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وظیفه‌ی دانشمندان بیان حقایق برای مردم است. ۲. دانشمندان حق پوشی و دین فروشی نکنند. ۳. کتاب‌های آسمانی و برنامه‌های الهی را سرمشق خود قرار دهید و کنار نگذارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و هشتم سوره‌ی آل عمران به انسان‌های خودمحور و فرجام عذاب‌آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸۸. لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ یَفْرَحُونَ بِمَآ أَتَواْ وَّ یُحِبُّونَ أَن یُحْمَدُواْ بِمَا لَمْ یَفْعَلُواْ فَلَا تَحْسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ هرگز مپندار کسانی که بدانچه انجام داده‌اند، شادی می‌کنند، و دوست دارند که بخاطر آنچه انجام نداده‌اند، ستایش شوند، پس هرگز مپندار که برای آنان نجاتی از عذاب است، و حال‌برایشان، عذابی دردناک است! شأن نزول: حکایت شده که منافقان از شرکت در جهاد خودداری می‌کردند و به هنگام بازگشت مجاهدان، می‌گفتند «ما هم اگر عذری نداشتیم در جنگ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۷۵ شرکت می‌کردیم.» و این در حالی بود که در دل از کار خود خوشحال بودند. با این حال انتظار داشتند که عذر آنان پذیرفته شود و در برابر مجاهدتی که انجام نداده بودند، همچون مجاهدان فداکار، مورد تحسین قرار گیرند. «۱» آیه‌ی فوق نازل شد «۲» و به پندارهای آنان پاسخ گفت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مردم را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: اول: کسانی که کار نیک می‌کنند و مایل نیستند جز خدا کسی از آن آگاه شود، ولی از کار نیک خود شادمان‌اند و گاهی مورد ستایش مردم نیز قرار می‌گیرند. دوم: کسانی که کار نیک می‌کنند تا مردم بدانند؛ یعنی ریاکاری می‌کنند تا مورد ستایش قرار گیرند. گروه سوم: کسانی که تنها کار بد انجام داده و بدان شادمان‌اند، ولی انتظار ستایش دیگران را دارند. گروه سوم در این آیه سرزنش شده‌اند. ۲. خوشحالی و سرور انسان در برابر کار نیکی که انجام داده نکوهیده نیست؛ چون علاقه به تشویق و تقدیر در برابر کار نیکی که انجام شده، یک امر غریزی است و این تقدیرها سبب پیشرفت کارها و دل‌گرمی افراد می‌گردد؛ پس اگر این علاقه در حد اعتدال باشد که مایه‌ی خودپسندی نگردد و انگیزه‌ی عمل انسان نباشد، نکوهیده نیست. «۳» ۳. آیه‌ی فوق در مورد گروهی از منافقان صدر اسلام فرو فرستاده شده است، اما آنان یکی از موارد و مصادیق آیه هستند و مضمون آیه شامل همه‌ی افرادی می‌شود که از اعمال زشت خود دل‌شادند و یا مردم را تحریک می‌کنند که آنها را با قلم و زبان، در برابر اعمالی که انجام نداده‌اند، تقدیر تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۷۶ کنند. پس آیه اختصاص به عصر و افراد خاصی ندارد. «۱» ۴. یکی از موارد جواز غیبت در مورد کسی است که ادعای مقام یا تخصصی را بنماید و اهل آن نباشد. «۲» ۵. کسانی که در دنیا گرفتار اوهام و خودپرستی هستند و در زندان «مَنِیَّت» گرفتارند، در رستاخیز نیز گرفتار عذاب الهی می‌شوند. «۳» مرد خودبین خودسر خودرأی که به خودخواهی افتخار کند در کمند حوادثی افتد که ندانند کجا فرار کند ۶. چرا از مدح بی مورد دیگران دل‌شاد می‌شویم: امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: پسرم! برای ماها که از قافله‌ی ابرار (: نیکان) عقب هستیم، یک نکته دل‌پذیر است و آن چیزی است که به نظر من شاید در ساختن انسان، که درصدد خود ساختن است، دخیل است. باید توجه کنیم که منشأ خوش‌آمد ما از مدح و ثناها و بدآمدنمان از انتقادها و شایعه‌افکنی‌ها حبّ نفس است که بزرگ‌ترین دام ابلیس لعین است. ماها میل داریم که دیگران ثناگوی ما باشند، گرچه برای ما افعال ناشایسته و خوبی‌های خیالی را صد چندان جلوه دهند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۷۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از کردار (زشت) خود شادمان نباشید، که گرفتار عذاب می‌شوید. ۲. انتظار ستایش در مورد کارهای نکرده، نداشته باشید. ۳. خودپسندی و خودمحوری و طلب ستایش در برابر کارهای نکرده، زمینه‌ساز عذاب الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتاد و نهم سوره‌ی آل عمران به حکومت و قدرت بی‌کران خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸۹. وَ لِلَّهِ مُلْکُ السَّموتِ وَ الأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى کُلِّ شَیْ‌ءٍ قَدِیرٌ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، فقط برای خداست؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قرآن کریم، همچون آیه‌ی فوق، حکومت خدا بر آسمان‌ها قبل از زمین مطرح شده است. شاید این به خاطر عظمت و وسعت

آسمان‌هاست. ۲. مِلکیّت و حکومت انسان‌ها مجازی و اعتباری است و با تنظیم یک سند و یا یک امضا تغییر می‌کند، اما مِلکیت و حکومت خدا حقیقی و بر تمام ذرات هستی است؛ چون او خالق همه‌ی آنهاست. این حکومت تغییر و زوال نمی‌پذیرد و اعتباری و مجازی نیست. آری، حکومت و مِلکیّت حقیقی آسمان‌ها و زمین، در انحصار خداست. ۳. قدرت خدا به هر چیز ممکن تعلّق می‌گیرد؛ یعنی اگر چیزی محال ذاتی نباشد، خدا می‌تواند آن را انجام دهد، اما اگر چیزی محال ذاتی باشد، تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۷۸ هم چون اجتماع نقیضین، اصلًا قدرت به آن تعلق نمی‌گیرد، تا کسی بخواهد آن را انجام دهد. ۴. آیه‌ی فوق می‌تواند دلیلی بر مفاد آیات قبلی باشد؛ «۱» یعنی خدایی که حاکم بر آسمان‌ها و زمین است و توانای بر هر چیزی است، می‌تواند به وعده‌هایی که داده عمل کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تنها خدا را مالک و فرمان‌روای حقیقی و دارای قدرت نامحدود بدانید. ۲. به مالکیت و حکومت و قدرت بی‌کران الهی توجه کنید (و به وعده‌های او اطمینان داشته باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نودم سوره‌ی آل عمران به یکی از راه‌های خداشناسی، یعنی جهان‌شناسی، اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹۰. إِنَّ فِی خَلْقِ السَّموتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلفِ الَّیْلِ وَ النَّهَارِ لَآیتٍ لِّأُوْلِی الْأَلْبَبِ قطعاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و پی در پی آمدن شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان است. شأن نزول: حکایت شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شبی را تا صبح به مناجات و نماز گذراندند و اشک ریختند و هنگامی که بلال ایشان را برای نماز صبح دعوت کرد، هنوز گریان بودند. بلال سبب گریه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را جویا شد و حضرت فرمودند: آیا نباید بنده‌ی شکرگذار خدا باشم؟! چرا نگریم (در حالی که) در شب گذشته، خدا آیات تکان دهنده‌ای بر من نازل کرد! سپس آیه‌ی فوق و چهار آیه‌ی بعدی را تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۷۹ خواندند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه مردم را به تفکر در نشانه‌های خدا در آفرینش جهان فرا می‌خواند تا هر کس به اندازه‌ی پیمانه‌ی استعداد و تفکرش، از این اقیانوس بی‌کران سهمی ببرد و از سرچشمه‌ی صاف اسرارِ آفرینش سیراب گردد. آری، جهان با نقش‌های بدیع و طرح‌های زیبا و دل‌انگیزش، کتاب بزرگی است که هر حرف آن دلیل روشنی بر یکتایی آفریدگار است. برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار ۲. تعبیر «اولی الألباب» (خردمندان) اشاره‌ی لطیفی به صاحبان عقل است. واژه‌ی «لُب» در اصل به معنای خالص هر چیزی است؛ و عصاره‌ی خالص وجود آدمی همان عقل و اندیشه و مغز اوست. «۲» ۳. واژه‌ی «اختلاف» ممکن است به معنای جانشین یکدیگر شدن، یعنی آمد و شد شب و روز و یا به معنای تفاوت و کم و زیاد شدن مقدار شب و روز باشد، البته جمع بین دو معنا نیز مانعی ندارد. «۳» به هر حال، نظم خاص شب و روز بسیار حساب شده است و نمی‌تواند تصادفی و بدون دخالت خدای عالِم توانا باشد. در پرتو تغییرات تدریجی شب و روز، فصل‌های چهارگانه به وجود می‌آید و گیاهان و موجودات زنده مراحل تکاملی خود را طی می‌کنند و اگر این تغییرات با هرج و مرج توأم بود، یا همیشه روز یا شب بود، حیات از کره‌ی زمین به کلی برچیده می‌شد و یا دچار نابسامانی می‌گشت. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۸۰ ۴. جهان‌شناسی مقدمه‌ای برای خداشناسی است؛ چرا که هستی آیه و نشانه‌ی اوست و هر کس خردمندتر باشد، در جهان نشانه‌های بیش‌تر و عمیق‌تری از خدا می‌یابد. ۵. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده که در مورد آیه‌ی فوق و چهار آیه‌ی بعد فرمودند: وای به حال کسی که آنها را بخواند و در آنها تفکّر نکند. «۱» و در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز حکایت شده که فرمودند: هر کس برای نماز شب بر می‌خیزد این آیات (پنج‌گانه) را تلاوت کند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات کیهان شناختی و جهان‌شناختی، خداشناس شوید. ۲. جهان تماشاگه آیات خداست، پس نشانه‌های خدا را در آئینه‌ی جهان ببینید. ۳. خردورزی کنید تا خداشناس شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و یکم سوره‌ی آل‌عمران به ویژگی‌های خردمندان و هدفمندی جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹۱. الَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللَّهَ قِیماً وَ قُعُوداً وَ عَلَی جُنُوبِهِمْ وَ یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّموتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هذَا بطِلًا سُبْحَنَکَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (همان) کسانی که [در حال] ایستاده و نشسته، و بر پهلوهایشان [آرمیده]، تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۸۱ خدا را یاد می‌کنند؛ و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکّر می‌کنند؛ (در حالی که می‌گویند: ای) پروردگار ما! این

[ها] را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزّهی تو؛ پس ما را از عذابِ آتش، حفظ کن! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. صاحبان عقل، کسانی هستند که تفکر می‌کنند و در هر حال به یاد خدا هستند. کسی که در علل و عوامل جهان می‌اندیشد خداشناس می‌شود و به یاد خدا می‌افتد؛ از این روست که یاد خدا، نشانه‌ی خردمندی است. «۱» جهان چون چشم و خط و خال و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست (شبستری) ۲. در آیه‌ی فوق نخست به «ذکر» و سپس به «فکر» اشاره شده است؛ یعنی تنها یادآوری خدا کافی نیست و زمانی یادآوری خدا ثمرات ارزنده‌ای خواهد داشت که با تفکر آمیخته شود. همان گونه که تفکر در آفرینش آسمان و زمین هم، اگر با یاد خدا آمیخته نباشد، ممکن است ره به جایی نبرد؛ یعنی مناسب است مطالعه‌ی پدیده‌های جهان، با عینک توحید باشد تا نتایج تربیتی و انسانی داشته باشد. ۳. «باطل» به چیزی گفته می‌شود که بیهوده و بی هدف است و نمی‌تواند مقصود و مطلوب انسان واقع شود. تفکر در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین انسان را آگاه می‌کند که خلقت جهان بیهوده نیست. آری، در حالی که اجزای هر گیاه و حیوان و اعضای پیکر انسان، هر کدام برنامه و هدفی دارد، آیا ممکن است مجموعه‌ی جهان هستی بی‌هدف باشد؟ «۲» ۴. در آیه‌ی فوق چهار مرحله‌ی پی در پی آمده است: اول ذکر خدا، دوم تفکر، سوم ستایش حق و چهارم دعا و مناجات. این‌ها مجموعه‌ی به هم تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۸۲ پیوسته‌ای است که انسان ساز و تکامل آفرین است. ۵. در روایت دیگری نیز از امام باقر علیه السلام حکایت شده ساعتی تفکر از یک شب عبادت یا از یک سال عبادت یا از شصت سال عبادت بهتر است. «۲» البته اختلاف مقدار عبادت که در این روایات آمده است به خاطر مراتب تفکر و درجات افراد متفکر است که در هر مورد پاداشی دارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تفکر و یاد خدا، از نشانه‌های خردمندی است. ۲. جهان هدفمند است (و باطل و بیهوده آفریده نشده است). ۳. مطالعات جهان‌شناختی، انسان را به هدف هستی ره‌نمون می‌شود. ۴. در هر حال به یاد خدا باشید و با او مناجات کنید. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۸۳ تفکر در قرآن و حدیث ۱. تفکر از منظر قرآن: قرآن انسان‌ها را به تفکر فرا می‌خواند و یادآور می‌شود که درباره‌ی چه چیزی بیندیشیم و چگونه با تفکر خداشناس شویم: ۱. طبیعت از منابع تفکر است (نحل، ۱۱ و رعد، ۳). ۲. در مورد آفرینش آسمان‌ها و زمین بیندیشید (آل عمران، ۱۹۱). ۳. تاریخ گذشتگان (قصه‌های قرآن) از منابع تفکر است (اعراف، ۱۷۶). ۴. آیات قرآن جایگاه خردورزی است (بقره، ۲۱۹؛ یونس، ۲۴ و نحل، ۴۴). ۵. در مثال‌های قرآنی تفکر کنید (حشر، ۲۱). ۶. رابطه‌ی محبت‌آمیز زناشویی، محل اندیشه‌ورزی است (روم، ۲۱). ۷. در مورد شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و نسبت‌هایی که به او می‌دهند تفکر کنید و ... (اعراف، ۱۸۴). ۲. تفکر از منظر حدیث: ۱. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که تفکر یک ساعت (لحظه) بهتر از یک سال عبادت است. «۱» ۲. از امام علی علیه السلام حکایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۸۴ ثمره‌ی فکر، حکمت است. «۱» فکر موجب رشد می‌شود. «۲» تفکر انسان را به نیکی و عمل فرامی‌خواند. «۳» فضیلت تفکر و فهمیدن، از فضیلت تکرار و درس بیشتر است. «۴» ۳. در احادیث، فکر کردن به گناهان سرزنش شده است؛ زیرا انسان را به سوی آنها می‌کشاند. «۵» *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۸۵ قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و دوم سوره‌ی آل‌عمران زمزمه‌ی دیگری از خردمندان را حکایت می‌کند و با یادآوری فرجام ستمکاران می‌فرماید: ۱۹۲. رَبَّنَآ إِنَّکَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَیْتَهُ وَ مَا لِلظٰلِمِینَ مِنْ أَنصَارٍ [ای] پروردگار ما! در واقع هر که را تو، به آتش در آوری، پس بیقین رسوایش کرده‌ای؛ و هیچ یاوری برای ستمکاران نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خردمندان از رسوایی رستاخیز بیش‌تر از آتش دوزخ ترس و وحشت دارند. ناراحتی عذاب روحی و روانی کم‌تر از عذاب جسمی نیست و افراد با شخصیت حاضرند هرگونه ناراحتی را تحمّل کنند، اما آبروی‌شان محفوظ بماند؛ بنابراین، دردناک‌ترین عذاب رستاخیز برای این دسته، همان رسوایی در پیشگاه خدا و بندگان اوست. «۱» ۲. تأکید بر «ظلم» و یادآوری فرجام عذاب آلود و تنهایی ستمکاران، یا به خاطر اهمیت این گناه است و یا برای آن است که تمام گناهان نوعی ستم بر خویشتن است. «۲» ۳. خردمندان پس از آشنایی با اهداف تربیتی انسان، به این حقیقت پی می‌برند که تنها وسیله‌ی نجات انسان، اعمال اوست؛ بنابراین ستمگران یاوری ندارند، چرا که یاور اصلی خویش را، که همان عمل نیک و پاک است، از دست داده‌اند.

۴. ستمگران در رستاخیز یاوری ندارند و از شفاعت محروم‌اند، زیرا شفاعت صحیح با آمادگی شفاعت شونده و در پرتو اعمال نیک او به دست می‌آید. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۸۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دوزخیان در رستاخیز رسوا می‌شوند (و این عذاب روانی آنان است). ۲. اگر می‌خواهید در رستاخیز تنها نباشید (و از شفاعت برخوردار شوید) ستم نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و سوم سوره‌ی آل‌عمران به یکی دیگر از مناجات‌های خردمندان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹۳. رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِیاً یُنَادِی لِلإِیمنِ أَنْ ءَامِنُواْ بِرَبِّکُمْ فَئَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ کَفِّرْ عَنَّا سَیِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الأَبْرَارِ [ای] پروردگار ما! در واقع ما (صدای) دعوتگری را شنیدیم که به ایمان فرا می‌خواند، که: «به پروردگارتان، ایمان آورید.» پس ایمان آوردیم. [ای] پروردگار ما! پس پیامد (گناهان) ما را برای ما بیامرز؛ و بدی‌های ما را از ما بزُدای؛ و ما را با نیکان (و در زُمره آنان) بمیران. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «منادی» در آیه‌ی فوق، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یا صدای قرآن است «۱» که به گوش خردمندان می‌رسد و به این نوای الهی لبیک می‌گویند و ایمان می‌آورند. ۲. در تعبیر «ابرار» این اشاره‌ی لطیف وجود دارد که انسان‌های نیکوکار وسعت وجودی و وسعت دید دارند و همچون دریایی هستند که، همه از وجود آنان بهره می‌برند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۸۷ اما انسان‌های بدکار و بخیل در تنگنای وجود خویش محصورند و همچون برکه‌ی کوچکی هستند که نمی‌توانند دیگران را سیراب کنند. ۳. خردمندان به اجتماع انسانی پیوسته‌اند و از فردگرایی و فردپرستی بیزارند و از خدا می‌خواهند که هم حیات و زندگی آنان با نیکان و پاکان باشد و هم مرگ و یا شهادت آنان، که مردن در میان ناپاکان، مرگی مضاعف است و مرگ با نیکان یک هدیه‌ی الهی است. ۴. خردمندان نخست از خدا تقاضای بخشودن لغزش‌های بزرگ را می‌کنند و سپس درخواست پوشاندن و از بین بردن آثار گناهان کوچک را دارند. «۱» ۵. خردمندان چند ویژگی دارند که عبارت‌اند از: الف) آمادگی برای پذیرش حق، یعنی لبیک گفتن به ندای رهبران الهی؛ ب) طلب آمرزش از خدای متعال و پاک شدن از گناهان؛ ج) درخواست حُسن عاقبت خویش و مرگ با نیکان. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همچون خردمندان با خدا مناجات کنید و طلب آمرزش نمایید. ۲. پاسخ مثبت دادن به منادیان الهی، نشانه‌ی خردمندی است. ۳. خردمندان فرجام اندیش‌اند و برای مرگ خویش نیز برنامه‌ریزی می‌کنند. ۴. مرگ با نیکان هدیه‌ای الهی است که باید آن را از خدا طلبید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۸۸ قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و چهارم سوره‌ی آل‌عمران به یکی دیگر از دعاهای خردمندان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹۴. رَبَّنَا وَ ءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَی رُسُلِکَ وَ لَا تُخْزِنَا یَوْمَ الْقِیمَهِٔ إِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ [ای] پروردگار ما! و آنچه را بواسطه فرستادگانت به ما وعده فرموده‌ای، به ما عطا کن؛ و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان؛ [چرا] که تو از وعده [ات] تخلّف نمی‌کنی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تأکید بر عنوان «رسوا نشدن» به این حقیقت اشاره دارد که خردمندان به خاطر اهمیّتی که برای شخصیّت و آبروی خویش قائل‌اند، رسوایی را از دردناک‌ترین مجازات‌ها می‌دانند. ۲. از آن‌جا که خردمندان باایمان به تمام پیامبران ایمان دارند، از خدا می‌خواهند که تمام وعده‌هایی را که به فرستادگانش داده است، به آنان نیز عطا کند. ۳. واژه‌ی «ربّنا» پنج بار در چهار آیه‌ی گذشته تکرار شده است؛ چون هر دعایی مستقل است و در دعاها مبالغه و تأکید بر نام و صفات خدا لازم است. «۱» ۴. در روایتی آمده است: هر کس ناراحتی داشته باشد و پنج بار «ربّنا» بگوید (و آیات فوق را بخواند که پنج ربنا دارد) مشکل او حل می‌شود. «۲» تذکر: روشن است که این‌گونه روایات بیان مقتضی و زمینه‌ی حل مشکل است، به شرطی که زمینه‌ها و شرایط دیگر، مثل توجه قلبی، عمل کردن به مضمون آیات و رفع موانع حاصل شود. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۸۹ ۵. خردمندان، مؤدبانه به این قانون و سنت الهی اشاره می‌کنند که خدا از وعده‌هایش تخلّف نمی‌ورزد؛ چرا که خلف وعده یا به خاطر جهل و فراموشی است و یا به خاطر ناتوانی در انجام آن، و خداوند این‌گونه نیست، پس خلف وعده نمی‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در دعاهای خود بلندنظر باشید و تحقق تمام وعده‌های الهی را در مورد خود بخواهید. ۲. همچون خردمندان در اندیشه‌ی رستاخیز خود باشید و از رسوایی قیامت بهراسید. ۳. در دعاها، خدا را با نام‌های نیکو بخوانید و به سنت‌های الهی اشاره کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و

پنجم سوره‌ی آل‌عمران به اجابت دعای خردمندان و ارزش معنوی زن و مرد و پاداش‌های مجاهدان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹۵. فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّی لآ أُضِیعُ عَمَلَ عمِلٍ مِّنکُم مِّن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَی بَعْضُکُم مِّن بَعْضٍ فَالَّذِینَ هَاجَرُواْ وَ أُخْرِجُواْ مِن دِیرِهِمْ وَ أُوذُواْ فِی سَبِیلِی وَ قَتَلُواْ وَ قُتِلُواْ لأُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَیِّئَاتِهِمْ وَ لأُدْخِلَنَّهُمْ جَنتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الأَنْهرُ ثَوَاباً مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ پس پروردگار آنان، (دعای) شان را پذیرفت؛ به اینکه (فرمود:) من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما را، از مرد یا زن، تباه نخواهم کرد؛ که برخی از شما از برخی (دیگر) هستند، و کسانی که هجرت کرده، و از خانه‌هایشان بیرون رانده شده، و در راه من آزار دیده، و پیکار کرده و کشته شده‌اند، قطعاً بدی‌هایشان را از آنان می‌زُدایم؛ و حتماً آنان را در باغ‌های (بهشتی) تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۹۰ وارد می‌کنم، که از زیر [درختان] ش نهرها روان است؛ (این) پاداشی از جانب خداست. و خدا پاداش نیکویی، نزد اوست. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق دو گونه حکایت شده است: الف) یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به نام «ام سَلَمه» به ایشان عرض کرد: در قرآن از جهاد و فداکاری مردان، فراوان سخن به میان آمده است؛ آیا زنان هم در این قسمت سهمی دارند؟ آیه‌ی فوق فرو فرستاده شد و به پرسش امّ سَلَمه پاسخ داد. ب) و نیز حکایت شده، هنگامی که علی علیه السلام به همراه چند زن، یعنی فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه دختر اسد و فاطمه دختر زُبَیر و ام ایمَن، از مکه به مدینه مهاجرت می‌کردند، آیه‌ی فوق فرو فرستاده شد. «۱» البته آیه‌ی فوق به دنبال آیات قبل است که در مورد خردمندان بود؛ بنابراین ظاهر آیه نشان می‌دهد که بیان کننده‌ی، نتایج دعاها و اعمال خردمندان است. «۲» ولی این داستان‌ها با پیوستگی آیات فوق منافاتی ندارد؛ چرا که ممکن است این آیه هم نتایج دعاها و اعمال خردمندان را بیان کند و هم پاسخی باشد به پرسش مطرح شده در جامعه‌ی اسلامی مدینه. و همان گونه که فضایل علی علیه السلام و زنان همراه ایشان را بیان می‌کند، فضایل تمام مهاجران و مجاهدان و شهیدان را نیز بیان می‌کند که علی علیه السلام و همراهانش از بالاترین مصادیق آنها هستند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۹۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «پروردگارشان درخواست‌های آنان را پذیرفت.»، نهایت لطف و مرحمت پروردگار را نسبت به خردمندان، نشان می‌دهد. «۱» ۲. جمله‌ی «من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما را تباه نخواهم کرد.»، هم اشاره به اصل عمل دارد و هم به شخص عمل کننده، تا روشن شود که محور اصلی پذیرش دعا، اعمال صالحِ ناشی از ایمان است و درخواست‌هایی فوراً به اجابت می‌رسند که به دنبال عمل صالح باشند؛ «۲» به عبارت دیگر، حُسن فعلی و حُسن فاعلی هر دو مورد توجه خداست. ۳. وعده‌ی الهی اختصاص به زن یا مرد ندارد؛ یعنی زن و مرد در پیشگاه خدا برای رسیدن به مقامات معنوی، در شرایط مشابه، یکسان هستند. آری، تفاوت جنسیت دلیلی بر تفاوت مرد و زن از نظر تکامل روحی و انسانی شمرده نمی‌شود؛ و این در آیات متعددی از قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. «۳» جالب این است که این آیات در زمانی نازل شده که بسیاری از ملت‌های جهان با دیده‌ی حقارت به زنان می‌نگریستند و به آنان اهانت و ستم روا می‌داشتند، ولی در اسلام در پاره‌ای از قوانین و مسئولیت‌های اجتماعی، به خاطر تفاوت‌های جسمی و عاطفی زن و مرد، تفاوت‌هایی دیده می‌شود، «۴» اما به هیچ وجه به ارزش معنوی زن لطمه نمی‌زند و از نظر تکامل روحی و معنوی، زن و مرد تفاوتی با هم‌دیگر ندارند و درهای سعادت به طور یک‌سان بر روی هر دو باز است. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۹۲ ۴. مفسران در مورد جمله‌ی «بَعْضُکُم مِّن بَعْضٍ» دو معنا را مطرح کرده‌اند: الف) بعضی از شما از بعض دیگر تولد یافته‌اید؛ یعنی همگی شما در آفرینش با یک‌دیگر پیوستگی دارید. بنی آدم اعضای یک‌دیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند (سعدی) و دیگر آن‌که همه‌ی شما پیروان یک آیین هستید و با یک‌دیگر همکاری دارید؛ بنابراین دلیلی ندارد که خدا بین زن و مرد شما تبعیض قایل شود. «۱» ۵. نکته‌ی جالب در آیه‌ی فوق این است که خدا سوگند یاد می‌کند، گناهان کسانی را که در راه او هجرت کرده و از خانه و وطن خود بیرون رانده شده و در راه خدا آزار دیده و جهاد کرده و کشته شده‌اند، خواهد بخشید؛ یعنی تحمّل این رنج‌ها را تاوان گناهانشان قرار می‌دهد. ۶. نخست باید در پرتو اعمال صالح از گناهان پاک شد، سپس وارد بساط قرب پروردگار و بهشت و نعمت‌های آن گردید. آری، بهشت جای پاکان است و تا کسی پاک نشود به آن راه نخواهد

یافت. ۷. «بهترین پاداش‌ها در نزد پروردگار است.» که از بهشت برین هم برتر است. این جمله اشاره دارد که پاداش‌های الهی برای مردم این جهان به طور کامل قابل توصیف نیست، و همین اندازه بدانند که از هر پاداشی بالاتر است. «۲» ۸. در آیه‌ی فوق به دو نوع مسافرت در راه خدا اشاره شده است: الف) مسافرت داوطلبانه که نامش هجرت است. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۹۳ ب) کوچ اجباری یا تبعید از وطن. ۹. در آیه‌ی فوق وعده‌های الهی با تأکید بیان شده است تا کسی در تحقّق آنها شک نکند؛ «۱» و نیز فعل‌ها به صورت اول شخص مفرد (یا متکلم وحده) آمده است که می گوید: «من اعمال آنان را تباه نمی کنم، من گناهانشان را می‌بخشم و من آنان را داخل بهشت می کنم.» که این نشان‌دهنده‌ی لطف خاص خدا به خردمندان و مجاهدان و شهیدان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از منظر قرآن، مرد و زن در رسیدن به مقامات معنوی برابرند. ۲. مهاجران، مجاهدان و شهیدان، پاداش‌های خاصی نزد خدا دارند که برخی از آنها قابل بیان است. ۳. در راه خدا بجنگید و از شهادت هراسی نداشته باشید. ۴. پاک شوید تا آماده‌ی ورود به بهشت برین گردید. ۵. زحمات مجاهدان و مهاجران و تبعیدشدگان و آسیب‌دیدگان در راه خدا را جبران کنید، که مورد عنایات الهی هستند. *** قرآن کریم در آیات صد و نود و ششم و صد و نود و هفتم سوره‌ی آل‌عمران با یادآوری قدرت ناچیز کافران و فرجام عذاب‌آلود آنان هشدار می‌دهد که فریب رفتار آنان را نخورید و می‌فرماید: ۱۹۶ و ۱۹۷. لَا یَغُرَّنَّکَ تَقَلُّبُ الَّذِینَ کَفَرُواْ فِی البِلدِ* مَتعٌ قَلِیلٌ ثُمَّ مَأْوَیهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمِهَادُ هرگز، رفت و آمدِ کافران در شهرها، تو را نفریبد!* [این] کالای اندکی است؛ سپس مقصدشان جهنّم است، و چه بد بستری است! شأن نزول: حکایت شده که بسیاری از مشرکان مکه و یهودیان مدینه سرمایه تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۹۴ دارایی‌بودند که از راه تجارت ثروت‌های قابل ملاحظه‌ای کسب می کردند، در حالی که مسلمانان، در آن زمان، به خاطر شرایط خاصی مثل مهاجرت و محاصره‌ی اقتصادی از نظر مادی بسیار در زحمت بودند. مقایسه‌ی وضع مسلمانان و کافران، این پرسش را برای برخی ایجاد می کرد که چرا افراد بی‌ایمان این چنین در ناز و نعمت‌اند، اما مؤمنان در رنج و فقر زندگی می کنند؟ آیه‌ی فوق به همین مناسبت فرو فرستاده شد و به این پرسش‌ها پاسخ داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخاطب آیه‌ی فوق شخص پیامبر صلی الله علیه و آله، اما منظور همه‌ی مسلمانان هستند. روش قرآن آن است که گاهی مطالبی را که می‌خواهد به مردم گوشزد کند، خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله بیان می کند. ۲. آیه‌ی فوق به مسلمانان تذکر می‌دهد که فریب ظاهر دشمنان اسلام را نخورند، زیرا آنان با رفت و آمدها و مانورها و اعزام هیئت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی، برای خود ظاهری فریبنده به نمایش می گذارند تا افراد ساده‌لوح را جذب راه خود کنند. ۳. ثروت‌ها و پیروزی‌های کافران ستمگر، محدود است، همان‌گونه که محرومیت‌های مؤمنان نیز محدود و مخصوص یک دوره‌ی سخت مبارزه با فساد اجتماعی است. تاریخ اسلام شاهد است که ناراحتی و فقر مسلمانان پس از مدتی برطرف، و سیل ثروت به کشور اسلام سرازیر شد و دشمنان اسلام، که در ناز و نعمت بودند، خوار و ذلیل گشتند. ۴. یکی از دلایل موفقیت‌های مالی افراد بی ایمان آن است که در جمع‌آوری ثروت هیچ گونه قید و شرطی برای خود قایل نیستند و از راه‌های تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۹۵ نامشروع و غیرقانونی و با مکیدن خون بی‌نوایان، برای خود ثروت می‌اندوزند؛ در حالی که مؤمنان برای رعایت قوانین شرعی و حق و عدالت، محدودیت‌هایی در جمع ثروت دارند. اما بر اساس آزادی اراده و عمل، هر گروه به نتیجه‌ی اعمال خود می‌رسند؛ گروهی سرانجامشان آتش است و گروهی در بهشت برین به مهمانی خدا می‌روند. ۵. برخی از مفسران در مورد سبب پیشرفت مادی کافران و عقب‌ماندگی مؤمنان نوشته‌اند: گاهی افراد مذهبی دستورات عملی دین را فراموش می کنند و از این رو بی‌حال، کم‌شهامت، بی‌استقامت و پراکنده و متفرق می‌شوند. اینان گاهی تصور می کنند، فقط با ایمان و عبادت و بدون رعایت دستورات عملی دین، می‌توان پیشرفت کرد و در کارها پیروز شد. این دسته در زندگی مادی شکست می‌خورند. اما برخی افراد بی‌ایمان، در کارهای زندگی، جدّی، مصمم، دارای پشتکار و استقامت، هماهنگ با یک‌دیگر و آگاه به وضع زمان هستند. این دسته در زندگی مادی پیشرفت می کنند و پیروز می‌شوند؛ زیرا در حقیقت یک سلسله از برنامه‌های اصیل دین را بدون استناد به دین پیاده می کنند. آری، هر دو دسته نقاط ضعف و

قوّتی دارند که آثار وضعی هر یک به دنبال آن می‌آید. و این اصل در مورد وضع کشورها نیز صادق است، هر چند گاهی عوامل و موارد متفاوت است. «۱» ۶. در روایتی از امام علی علیه السلام حکایت شده که خیر و خوشی‌هایی که به دنبال آن آتش باشد، ارزش ندارد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۹۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از ظاهر پر زرق و برق و نمایش‌ها و مانورهای کافران فریب نخورید. ۲. عاقبت افراد و ارزش امور را بسنجید و مجذوب ظاهر آنها نشوید. ۳. فرجام کافران عذاب‌آلود، و قدرت و ثروت آنها (در برابر قدرت الهی و نعمت‌های بهشتی) ناچیز است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و هشتم سوره‌ی آل‌عمران به پاداش‌هایِ مؤمنان پارسا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹۸. لكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْاْ رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الأَنْهرُ خلِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَ مَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلأَبْرَارِ لیکن کسانی که [خودشان را] از (عذاب) پروردگارشان حفظ می‌کنند، برایشان باغ‌های (بهشتی) است، که از زیر [درختان] ش نهرها روان است، در حالی که در آن‌جا ماندگارند؛ (این نخستین) پذیرایی از جانب خداست؛ و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «نُزُل» در لغت به معنای چیزی است که برای پذیرایی مهمان آماده می‌شود، و یا نخستین چیزی است که مهمان را با آن پذیرایی می‌کنند (مثل: شربت یا میوه که در آغاز ورود برای مهمان می‌آورند). آری، بوستان‌های بهشت، با آن همه مواهب، نخستین پذیرایی از پارسایان است، و آنچه در نزد خداست برای نیکان بهتر است. «۱» ۲. تعبیر «پروردگارشان» نوعی ملاطفت و دوستی را بیان می‌کند؛ یعنی پارسایان خودشان را از پروردگارشان حفظ می‌کنند، پروردگاری که به آنان لطف دارد و اگر کسی را از عذاب می‌ترساند، به خاطر لطف اوست، که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۹۷ می‌خواهد این افراد به راه کمال رهنمون شوند. ۳. تعبیر «بوستانی که از زیر درختانش نهرها جاری است.»، در قرآن بارها تکرار شده است. انسان به صورت طبیعی و غریزی از باغ و سایه‌ی درختی که در کنار جوی آبی باشد، و از هوای دل‌نشین و فرح‌بخش آن لذت می‌برد و این اختصاص به یک منطقه یا یک ملت خاص ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام پارسایی و خود نگه‌داری و تقواپیشگی، بهشت‌برین است. ۲. اگر عنایات الهی را می‌طلبید، پارسا و نیک باشید. ۳. پاداش‌های الهی پارسایان آن قدر عظیم است که بهشت گام اول آن است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نود و نهم سوره‌ی آل‌عمران به گروه مؤمنانِ اهل کتاب و ویژگی‌ها و پاداش آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹۹. وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتبِ لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَآ أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِايتِ اللَّهِ ثَمَناً قَلِيلًا أُوْلئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ و مسلماً از اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا، و آنچه به سوی شما فرو فرستاده شده، و آنچه به سویشان فرو فرستاده شده، ایمان دارند؛ در حالی که برای خدا فروتنند؛ [و] آیات خدا را با بهای اندکی نمی‌فروشند. آنان برایشان، پاداش آنان، نزد پروردگارشان است. که خدا، حسابرسی سریع است. شأن نزول: حکایت شده که در ماه رجب سال نهم هجری، نجاشی، پادشاه ظاهراً مسیحی حبشه، وفات یافت. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطّلع شد، به مسلمانان تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۹۸ فرمود: یکی از برادران شما در خارج از حجاز از دنیا رفته است، حاضر شوید تا به پاس خدمات او در حق مسلمانان بر او نماز بگزاریم. برخی پرسیدند: او کیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نجاشی. آن‌گاه مسلمانان به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله، به قبرستان بقیع رفتند و از دور بر او نماز گزاردند و برای او آمرزش طلبیدند. برخی از منافقان گفتند: محمد بر مرد کافری که هرگز او را ندیده است نماز می‌گزارد؛ و حال آن‌که آیین او را نپذیرفته است. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرو فرستاده شد و به منافقان پاسخ گفت. «۱» اما گروه دیگری از مفسران آیه‌ی فوق را در مورد مؤمنان اهل کتاب (عده‌ای از مسیحیان و یهودیان) دانسته‌اند که به صف اسلام پیوستند؛ از جمله، چهل نفر از اهل نجران و سی و دو نفر از حبشه و هشت نفر از روم. «۲» به هر حال محتوای آیه‌ی فوق وسیع است و می‌تواند شامل هر دو گروه باشد؛ یعنی ممکن است نجاشی یکی از مصادیق آیه باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق به اقلیتی از اهل کتاب (مسیحیان و یهودیان) اشاره می‌کند که دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را اجابت کردند و برای آنان پنج صفت ممتاز بیان می‌کند: الف) از جان و دل به خدا ایمان می‌آورند. ب) به قرآن و آنچه بر مسلمانان نازل شده، ایمان می‌آورند. ج) به آنچه بر خودشان نازل شده

ایمان دارند و، در حقیقت، ایمان آنها به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از ایمان واقعی به کتاب آسمانی خودشان و بشارت‌هایی که در آن آمده است، سرچشمه می‌گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۳۹۹ د) در برابر فرمان خدا تسلیم و فروتن هستند و همین فروتنی آنها انگیزه‌ی ایمان واقعی آنان شده و میان آنها و تعصب‌های جاهلانه جدایی افکنده است. ه) هرگز آیات الهی را به بهای ناچیز نمی‌فروشند، و همانند برخی دانشمندان یهود نیستند که به‌خاطر حفظ موقعیت خود و با گرفتن رشوه، آیات خدا را تحریف می‌کردند. ۲. قرآن کریم در آیات متعددی یهودیان و مسیحیان متعصب را سرزنش می‌کند، اما این سرزنش هیچ گاه ناشی از یک ضدیت نژادی و مذهبی نیست و حق اقلّیت باایمان و درستکار آنان در نظر گرفته می‌شود و بر اساس عقاید و اعمال آنان داوری می‌شود. «۱» آری، قرآن به ما می‌آموزد که در برخورد با مخالفان انصاف را رعایت کنیم. ۳. جمله‌ی «هرگز آیات الهی را به بهای ناچیز نمی‌فروشند.»، بدین معناست که افراد باایمان آیات الهی را به هیچ بهایی نمی‌فروشند و حتی بهای فراوان را در برابر آیات الهی ناچیز می‌دانند. اینان همانند دانشمندان دنیاپرست اهل کتاب نیستند که آیات الهی را به بهای اندك می‌فروشند. ۴. جمله‌ی «حساب‌رسی خدا سریع است.»، به این نکته اشاره دارد که نیکوکاران در رستاخیز برای دریافت پاداش خود گرفتار مشکلی نمی‌شوند و مجازات بدکاران نیز به تأخیر نمی‌افتد؛ پس این تعبیر بشارتی برای نیکوکاران و تهدیدی برای بدکاران است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی یهودیان و مسیحیان را یکسان نپندارید، که برخی از آنان تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۰۰ مؤمنان واقعی‌اند. ۲. خدا پاداش مؤمنان حقیقی را تباه نمی‌سازد، حتی اگر اهل کتاب باشند. ۳. ایمان به خدا و وحی و فروتنی و دین‌فروشی نکردن از صفات نیکوست. ۴. حساب‌رسی خدا (در رستاخیز) سریع است (پس خود را برای آن روز آماده سازید). *** قرآن کریم در آیه‌ی دویستم، یعنی آخرین آیه‌ی سوره‌ی آل عمران، مؤمنان را به استقامت و محافظت از مرزها و خویشتن فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۲۰۰. يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اصْبِرُواْ وَ صَابِرُواْ وَ رَابِطُواْ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبا باشید؛ و [در برابر دشمنان] شکیبایی ورزید و نگهبان مرزها باشید، و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، باشد که شما رستگار شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی آل عمران، یک برنامه‌ی جامع چهار ماده‌ای برای عموم مسلمانان ارائه می‌کند، که عبارت‌اند از: الف) صبر و استقامت در برابر حوادث و مشکلات شخصی؛ ب) پایداری در برابر استقامت دشمنان؛ ج) مراقبت از مرزها؛ د) حفظ خود از عذاب الهی، یعنی رعایت پارسایی و تقوا. در پایان آیه‌ی فوق اشاره شده است شما در سایه‌ی به کار بستن این تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۰۱ چهار دستور، می‌توانید رستگار شوید؛ یعنی این امور زمینه‌ی کام‌یابی شما را فراهم می‌سازد، «۱» ولی با تخلف از آنها راهی به سوی رستگاری نخواهید داشت. ۲. صبر و استقامت در برابر خواهش‌های نامشروع و مشکلات و حوادث زندگی، ریشه‌ی اصلی هرگونه پیروزی مادی و معنوی است. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که صبر نسبت به ایمان، مثل سر نسبت به بدن است. «۲» ۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام، صبر در آیه، به معنای صبر بر دین و استقامت در مصیبت‌ها و صبر در مقابل گناهان آمده است؛ «۳» که البته این روایات مصادیق و موارد صبر را بیان می‌کنند. ای دل صبور باش مخور غم که عاقبت این شام صبح گردد و این شب سحر شود (حافظ) ۴. واژه‌ی «صابِرُوا» به معنای صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران است؛ «۴» پس هر چه دشمن بر استقامت خود افزود، ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزاییم تا پیروز شویم. ۵. قرآن نخست به مؤمنان دستور می‌دهد که در برابر مشکلات زندگی تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۰۲ خود استقامت کنند و در مرحله‌ی دوم دستور به استقامت در برابر دشمن می‌دهد؛ بنابراین، تا ملّتی در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف درونی خود موفق نشود، نمی‌تواند بر دشمن پیروز شود. «۱» ۶. مراقبت از مرزها معنای وسیعی دارد و شامل هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه می‌شود؛ «۲» یعنی مراقبت از مرزهای جغرافیایی در مقابل هجوم احتمالی دشمن ومراقبت و آماده‌باش در برابر حملات شیطان و هوس‌های سرکش و نیز محافظت از مرزهای فرهنگی و عقیدتی خود و مردم. ۷. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام «رابطوا» به معنای «همبستگی و مراقبت (در ارتباط) با امام» «۳» و در احادیثی از پیامبر صلی الله

علیه و آله و علی علیه السلام به معنای «انتظار نمازها یکی پس از دیگری» آمده است. «۴» این گونه احادیث به برخی موارد و مصادیق بارز نگهبانان و محافظان مرزهای فرهنگی و عقیدتی اشاره می‌کند که ارتباط با آنان سبب حفظ اسلام و فرهنگ و عقاید مسلمانان می‌شود. ۸. در برخی از روایات به عالمان دین و دانشمندان نیز «مُرابط» گفته شده است. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که دانشمندان پیروان ما همانند مرزدارانی هستند که در برابر لشگر ابلیس صف کشیده‌اند و از حمله کردن آنان به افرادی که تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۰۳ قدرت دفاع ندارند، جلوگیری می‌کنند. «۱» این احادیث نیز به مصادیق مرزبانان عقاید اسلامی اشاره می‌کند و وظیفه‌ی عالمان دینی را مشخص می‌سازد. ۹. اگر برنامه‌های چهارگانه‌ای که در آیه‌ی فوق آمده است، در زندگی فعلی مسلمانان پیاده شود، بسیاری از مشکلات آنان حل خواهد شد، و از ضربات دردناکی که بر پیکر اسلام و مسلمین وارد می‌شود جلوگیری خواهد شد؛ چون یک حالت آماده باش عمومی برای محافظت از همه‌ی مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و عقیدتی، در مسلمانان ایجاد می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. استقامت در برابر نفس و دشمن وظیفه‌ی ایمانی شماست. ۲. نگهبانی از مرزهای (جغرافیایی و فرهنگی مسلمانان) وظیفه‌ی همگانی است. ۳. استقامت، محافظت از قلمرو اسلام و پارسایی، زمینه‌ساز رستگاری و کام‌یابی شماست. ۴. اگر کام‌یابی و پیروزی می‌خواهید، در برابر دشمن استقامت کنید و نگهبان مرزهای اسلامی باشید و پارسایی نمایید «۲». تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۰۵

منابع

منابع «کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبةالدین شهرستانی، مطبعة الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیة، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۰۶ مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفة حجج اللّه علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید

ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسهٔ التمهید، قم، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب اللَّه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر و المفسّرون، دکترمحمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۰۷ ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبهٔ النینوی الحدیثهٔ، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللَّه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالهٔ الذهبیهٔ (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبداللَّه، دار المعرفهٔ، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفهٔ السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی ستحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنهٔ و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقهٔ الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبداللَّه، دارالکتب الاسلامیهٔ، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۰۸ ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبهٔ الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعهٔ الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعهٔ لدرر اخبار الائمهٔ الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسهٔ الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیهٔاللَّه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللَّه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوهٔ، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل العترهٔ الطاهرهٔ، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل

الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۰۹ ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبة الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبداللّه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنهٔ، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۱۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیهٔاللّه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادهٔ فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۱۱ ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجهٔ التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجهٔ بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳.

تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعهٔ و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۱۲ ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعهٔ الخامسهٔ. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفهٔ، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدهٔ الابرار (تفسیر خواجه عبداللَّه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللَّه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللَّه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعهٔ الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتابفروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرةالمعارف اسلامیهٔ، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزههٔ النواظر المعروف (مجموعهٔ ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبهٔ الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال

۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمهٔ علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللّه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبهٔ الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسهٔ علوم تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۱۴ القرآن، دمشق، الطبعهٔ السابعهٔ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعهٔ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبهٔ اللّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهدی التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللّه قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبداللّه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۱۵ خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمهٔ للطباعهٔ والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدهٔ الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبهٔ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیهٔ اللّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب

الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبداللّٰه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۱۶ ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبهٔ بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیهٔ اللّٰه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه تفسیر قرآن مهر جلد سوم، ص: ۴۱۷ قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی‌وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیهٔ اللّٰه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجرهٔ، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء

التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به

رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».